

کلمت و تست

دینار و زندگی

غفور ۹۹



جله اول

جلوه های حکمت و تدبیر

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس اول (جلوه های حکمت و تدبیر)

بچه های گل بریم سرانجام شروع به نکته و تست عجیب غریب برای درس یک دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مورت داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردیم به سه سوره طرح تست
خوب روی گزینه ها صحت کن و بعداً جواب رو بین تا مغزت صاحب فطر برونما

یلتح از سوال های اصلی هر نوجوان و جوان این است که و پاسخ این سوال و برای رسیدن به پاسخ
درست ابتدا باید و سپس که مفهوم برداشته شده از آیه شریفه ی بیانگر پاسخ است به این سوال.

۱) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-به نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از آیات

شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود پردازیم-خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

۲) ما در چگونه جهانی زندگی خواهیم کرد-به نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از

آیات شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود پردازیم-رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

۳) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-در نگاه وی به زندگی تاثیر می گذارد و به برنامه ها و تصمیم های او جهت می دهد-از آیات

شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود پردازیم-خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

۴) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-در نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از آیات

شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود پردازیم-رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

چند مورد از موارد زیر به درستی بیان شده است؟

الف) در یک مجموعه، پیوستگی به ، هدف ارتباط و هماهنگی معنا می بخشد. غ هدف به ، پیوستگی ارتباط و هماهنگی معنا می بخشد.

ب) خداوند متعال در آفرینش مخلوقات طوری اندازه ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند که معلول عدم خروج مخلوقات از

قانون مندی خاص خود است و این مفهوم از آیه شریفه ای برداشت می شود که از نتایج و برکات آن، تنظیم تقویم سالیانه توسط

انسان هاست. غ علت نه معلول (آیه: لاالشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ...)

پ) آنگاه که بگوئیم: ((این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار)) پیام آیه شریفه ی ((خلق الله

السماوات و الارض بالحق ان فی ذلک لایه للمومنین)) بر خلاف آیه شریفه ی ((ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الیل و

النهار لآیات لاولی الباب)) نمی تواند ارتباط مفهومی کامل تری با کلام مان داشته باشد. ص

ت) کسی می تواند حقیقت جهان را بدرستی دریابد که اهل ایمان و تفکر و خردورزی باشد. غ (طبق متن کتاب فقط خردورزی و

تعقل صحیح می باشد)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ث) هر آیه ای که به تقدیر جهان اشاره داشته باشد قطعاً به مفهوم قانون مندی جهان هستی و حکمت و تدبیر خداوند نیز اشاره داشته است. ص (جمع بندی: آیات= انا کل شی خلقناه بقدر +و الذی قدر فهدی +الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیہ بامرہ...+لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ... همگی به تقدیر + قانون مندی + حکمت و تدبیر خدا اشاره دارند)

ج) به بیان حضرت علی(ع) زبان بی زبانی جامدات به نوعی معرفی خداوند به عنوان صاحب اختیاری است که تدبیر همه امور به دست اوست و برقراری اندازه ها در آفرینش پدیده ها به منظور اسباط مفهوم نظم استوار میان موجودات و غایت مندی آن هاست. ص

چ) عناصر موجود در طبیعت، که هر کدام ساختمان و آثار خاص خود را دارند، در دسته ها و شکل های مختلف با هم همکاری می کنند که حاصل آن پیدایش موجودات با ساختمان و با خواص و آثار پایدار است. غ طبق متن کتاب ص ۱۱ خواص جدید نه پایدار چون پایداری خواص به معنای تکراری بودن است. (توجه کنید نظم و قانون موثر بر آفرینش پدیده ها ثابت دارد نه خواص و آثار آنان!)

ح) هر همکاری بین عناصر طبیعت از نظم و قانون مندی خاصی پیروی می کند و نتایج معینی را در پی دارد. ص متن کتاب

خ) میان وظایف و مسئولیت ها پیوستگی و ارتباط ، برای رسیدن به عامل جداکننده ی یک سامان از دیگری مشاهده می شود، به گونه ای که کار هر موجودی مکمل و ادامه ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت ها در ارتباط با هم معنا می یابند. ص (عامل جداکننده ی یک سامان از دیگری=هدف)

د) همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد. ص

ذ) وقتی می گوئیم خداوند و عالم غیب حق است، یعنی خداوند و عالم غیب واقعیت دارد. ص (زیرنویس)

ر) شکل گیری همکاری ها پس از آفرینش اجزا توسط خداوند در نهایت سبب عاملی است که خود سبب پیدایش مفهوم جدایی در همکاری ها می شود. ص این جمله اصلاً خارج از کتاب نیست و بارها در آزمون های آزمایشی به گونه های مختلف مطرح شده منتظرم واسه اومدنش در کنکور ۹۹ ...

۵- هر سامان و نظامی و هر همکاری و فعالیتی، به دنبال هدف خاصی است که آن را از سایر سامان دهی ها و همکاری ها جدا می کند.

چند مورد از موارد زیر متن زیر را به درستی تکمیل می کند؟

بر طبق فرمایشات حضرت علی (ع) در بخشی از خطبه ۹۰ نهج البلاغه مبنی بر می توان به پی برد.

الف) (او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه ی آماده و پیش ساخته ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند) ، (توحید خالقیت بدین معنا که تنها مبدا و خالق صاحب اختیار خداست و در کار آفرینش شریک ندارد) غ طبق متن کتاب عبارت (صاحب اختیار مربوط به توحید در ربوبیت)

ب) (آثار صنع و نشانه های حکمتش در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست) ، (مفهوم آیه شریفه ی ((الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه)) پی برد.) غ عبارت دوم حدیث است نه آیه!

ج) (دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفریننده ی خود را نشان می دهد) ، (مفهوم برداشت شده از هر آیه شریفه ای که با ((و من آیاته...)) آغاز می شود پی برد. ص

د) (آن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست یابی به هدف خاص وی هدایت کرد) ، (مفهوم برداشت شده از آیه شریفه ((الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی)) ص به جمع بندی پایین تست نگاه کن!

ه) (اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دانش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند) ، (علت این موضوع که چرا دلالت یک مخلوق بر وجود خالق همواره استوار است) غ

✓ اگه بخوان از این درس امسال تست طراحی کنند احتمالاً بیان سراغ این قسمت خطبه که:

۱. خدای متعال همه ی مخلوقات را براساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه های (رمز: **منا**) مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید. (اول منا!)

۲. در آفرینش آن ها طوری اندازه ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرونپاشند. هر چیزی را مطابق برنامه ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد. (بعد اتقان صنع!)

۳. آن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست یابی به هدف خاص وی هدایت کرد. (در آخر هدایت با بخشیدن نظم و ظرافت یا همون ((قدر فهدی))

هر چی غیر از این ۳ مورد دادن رو بگیر غلط! مثلاً توی گزینه (ه) داریم: (دلالت یک مخلوق بر وجود خالق همواره استوار است) خب این عبارت از قبل از این ۳ مورد در خطبه قرار گرفته پس غلطه! گرفتی چی میگم؟

۳ مورد بالا نتیجه اش میشه این که:

۱. هیچ یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند

۲. برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید

۳. اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دانش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

+تذکر: مواظب باش نتایج رو با علت ها قاطی نکنی!!

جمع بندی رسوب:

جمع بندی همه آیات ((و من آیاته...))

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا حَمَلْنَ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ
وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
جمع بندی آیات ((حق دار))

انا انزلنا عليك الكتاب بالحق (هدایت انسان با ارسال کتاب رو اثبات کرده نه ابزار تفکر و تعل رو)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَاءُ يُدْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ
وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ
وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلَتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ

نکته بین راهی مهم!!! در متن درس حتماً به علت و معلولی قبل از شعر سعدی و علت بیان شعر سعدی توجه کن:

خلقت انسان، حرکت ابرها و نزول باران که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است با وجود این نشانه‌ها، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زبان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی می‌گوید:

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

یه جمع بندی خاص از آیات (مومن) دار: (مورد اول از همین درس و بقیه از دروس دیگر)

۱. مومنین یا اهل ایمان خالی (یعنی همراه با عمل صالح نیومده باشه!!!): توی آیاتی که مربوط به حق و هدفمندی باشن کجا اومده؟ آفرین فقط توی یه آیه در درس اول داشتیم اونم جایی بود که می‌گفت:
۲. خلق الله السماوات و الارض بالحق (خواست هست برای خردمندان داشتیم عدم باطل بودن ولی برای مومنین داریم: حق بودن) ان فی ذلک لایه للمومنین. (جهان شناسی مقدمه ای بر خداشناسی)
۳. اهل ایمان و عمل صالح: سپاس خدا را که اگه ما رو هدایت نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌شدیم عامو! و ما کنا لنتهدی لو لا ان هدانا الله اشاره داره به: عدم بهره‌گیری از هدایت الهی (علت) می‌دهد رهنمون نشدن ابدی انسان به سعادت (معلول) (درس یک سوم)
۴. اهل ایمان به خدا و رستخیز و عمل صالح: که دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی نمی‌شوند: فَلَآخُوفٌ عَلَیْهِمْ: رفع ترس و ایجاد شجاعت و ارتباط با کلام امام حسین "من مرگ را جز سعادت" + وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ: رفع ناامیدی و ایجاد نشاط
۵. اهل ایمان و خواست آخرت و سعی و تلاش برای آن: نتیجه اش همیشه: فَأُولَئِكَ كَانَ سَعِیْبُهُمْ مَشْكُورًا (درس پنج دوم)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

با توجه به آیات قرآن کریم می توان در ریاضت که اولین و دومین ویژگی خردمندان به ترتیب ...۱... و ...۲... می باشد و نتیجه ویژگی ...۳... این است که ...۴... و انسان های خردمند پس از این که ...۵... از خدا می خواهند: ...۶... که به معنای ...۷... می باشد و ویژگی دوم خردمندان بیانگر یکی از سرمایه های وجودی انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می کند که

..... إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
..... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ
..... الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
..... قِيَامًا وَقُعُودًا
..... وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
..... وَيَتَفَكَّرُونَ
..... فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
..... سُبْحَانَكَ
..... فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

قیاس استفاده از این سرمایه ارزشمند و عدم استفاده از آن معلول تفکر در آیه شریفه ...۸... می باشد که یکی از معیار های جامعه اسلامی نیز ...۹... بیان شده است و عبارت (عبث) در این آیه بیانگر این است که ...۱۰... در خلقت راه ندارد و توحید ربوبیت قبل از نقی خاقیت عبث معلول ...۱۱... بودن خداست که تدبیر همه امور بدست اوست.

پاسخ:

۱. در همه حال به یاد خدا بودن
۲. تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین
۳. دوم
۴. ربنا ما خلقت هذا باطلاً
۵. ربنا ما خلقت هذا باطلاً
۶. سبحانک فقنا عذاب النار
۷. منزّه دانستن خدا از هر عیب از جمله فعل عبث و خلق بی هدف موجودات
۸. هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوالباب
۹. تعقل و تفکر و خردورزی
۱۰. بیهودگی و بی هدفی

۱۱. رب العالمین

گفت و گفت

دین و زندگی

۹۹ غفور



جله دوم
با کاروان هتی

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس دوم (با کاروان هستی)

بچه‌های گل بریم سراغ شروع به نکته و تست عجیب غریب برای درس دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مورت داره باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره یار تبدیل کریم به یه سوره طرح تست
خوب رو کس گزینه‌ها تک کن و بعداً جواب رو بین تا مغزت حاج ففر بفرزونه

کدام گزینه مفهوم درستی از عامل دریافت شده طی مشاهده ی نظام مندی موجودات هستی توسط انسان را بیان می کند؟

- (۱) مهم ترین گام برای رسیدن درک درستی از نظام حاکم بر جهان خلقت اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است.
- (۲) خداوند با حکمت خود جهان را خلق کرده است و آن را طوری تدبیر و اداره می کند که همه حوادث و رخداد های جهان در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می افتد.
- (۳) ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او ، این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد.
- (۴) به علت علم و قدرت بی پایان خداوند به هیچ وجه احتمال نابودی دنیا نمی رود و هیچ کس جز او نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.

نکته: منظور از عامل دریافت شده طی مشاهده ی نظام مندی موجودات هستی توسط انسان:

(۱) حکمت

(۲) تدبیر

هر کدام به تنهایی بیاید گزینه کامل نیست و کنار می رود.

در درس گذشته به سراغ برخی موجودات رفتیم و با مشاهده ی نظام مندی آن‌ها، حضور حکمت و تدبیر الهی را دریافتیم.

چند مورد به درستی بیان شده است؟

۱. مجموعه ی نظام مند، مجموعه ای است که اجزاء آن به گونه ای سامان یافته اند که فعالیت دسته جمعی آن ها منتهی به اهداف معین می شود. غ (هدف واحد نه اهداف؛ همه مجموعه ها در نهایت یک هدف نهایی دارند نه اهدافی)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲. شاخصه اصلی هر مجموعه بزرگ و کوچکی در نوع هدفی که هر یک از اجزای آن دنبال می کنند خلاصه می شود. غ شاخصه اصلی هر مجموعه هدفمندی است و این موضوع به معنی داشتن یا نداشتن هدف است نه نوع هدف.

۳. فعالیت هر سلول در هر قسمت بدن نه تنها در خدمت همان قسمت است، بلکه در خدمت نهایی ترین هدف، یعنی رشد و حیات بدن نیز هست. ص

۴. هر دستگاهی نظم، قانون مندی و هدف خاص خود را دارد. اما این امر نه تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است پس بین نظم، قانون مندی و هدف خاص هر مجموعه با هماهنگی و همکاری همان مجموعه با سایر مجموعه های خلقت رابطه طولی برقرار است که در نهایت هر در جهت هدفی واحد فعالیت می کنند. ص

۵. این موضوع که بگوییم: خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه ی بدن و دستگاه های آن مربوط است و همه ی این دستگاه ها به نحوی برای این هدف فعالیت می کنند. به این سبب است که: نظام های بزرگ از به هم پیوستن نظام های کوچک شکل می گیرند. غ به این سبب است که: هر چه دایره ی نظام، بزرگ تر می شود، نظم و قانون مندی گسترده تری لازم است که نظام های کوچک تر را در درون خود جای دهد.

نکته: باید به عبارات علت و معلولی بدن انسان توجه کنید:

۳- نظام های بزرگ از به هم پیوستن نظام های کوچک شکل می گیرند: بدن صورت که بطن ها، دهلیزها و دریچه ها قلب را می سازند، قلب و سرخرگ و مویرگ دستگاه گردش خون، و مجموعه ای از دستگاه ها نیز بدن را شکل می دهند.

۴- هر چه دایره ی نظام، بزرگ تر می شود، نظم و قانون مندی گسترده تری لازم است که نظام های کوچک تر را در درون خود جای دهد. به طور مثال خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه ی بدن و دستگاه های آن مربوط است و همه ی این دستگاه ها به نحوی برای این هدف فعالیت می کنند.

۶. نظام های به هم پیوسته و تو در تو که بدن را می سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان یافته ای انجام می دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می شود. ص

نکته: کتاب در کنار رابطه ی طولی دو لفظ دیگر هم به کار برده: (۱) تو در تو (۲) به هم پیوسته

۵- این نظام های به هم پیوسته و تو در تو که بدن را می سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان یافته ای انجام می دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می شود.

ارتباط به هم پیوسته دستگاه ها

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

(حالا ممکنه بگید آقای غفوری چرا میگه به هم پیوسته که گفتن باید بگیم رابطه طولی مگه در رابطه عرضی ما به هم پیوسته بودن را نداشتیم؟ بچه ها واقعیت اینه که کتاب درسی وقتی از رابطه عرضی حرف زده رفته سراغ بررسی اجزا و اونا رو نظام های مستقلی در نظر گرفته که هر کدام کار خاصی دارن بنابراین پیوستگی در این جا به معنی پیوستگی اهداف نیست بلکه پیوسته بودن اجزا به همدیگه رو میسونه که در رابطه طولی داشتیم.)

۷. وقتی به کره ی زمین نگاه می کنیم، موجودات بی شماری را که هر کدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می کنیم که همه به هم وابسته اند. ص

۸. در پرتو شکل گیری حیات و زندگی ، انسان ها می توانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف های خود برنامه ریزی کنند. غ خبییلی دقت کن! طبق متن کتاب درسی داریم: (موجودات بی شماری را که هر کدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می کنیم که همه به هم وابسته اند و یک مجموعه ی عظیم را در این کره شکل داده اند و **سبب شده اند که حیات و زندگی بر روی کره ی زمین ادامه یابد** و در پرتو این حیات، انسان ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف های خود برنامه ریزی کنند.) پس یادت باشه: تشکیل حیات بواسطه خداوند و تداوم آن با طرح و نقشه و برنامه ریزی حکیمانه خداست که در طول آن موجودات به هم پیوسته و با همکاری با همدیگر سبب تداوم حیات بر روی زمین میشن که حالا این تداوم حیات باعث میشه: (۱) سامان دهی زندگی فردی (۲) سامان دهی زندگی اجتماعی (۳) برنامه ریزی برای وصول به اهداف خود

۹. جهانی که در آن زندگی می کنیم، مانند بدن انسان، یک مجموعه به هم پیوسته، مرتبط و هماهنگ را تشکیل می دهد ص

۱۰. تنها از این مطلب که: مجموعه ی موجودات جهان، نظم، قانون مندی و هدف خاص خود را دارند، مجموعه ی موجودات جهان را می توان نظام واحد نامید. غ دقت کن: (اگر نمی گفت ((تنها از ...)) عبارت درست بود)

۲- هر دستگاهی نظم، قانون مندی و هدف خاص خود را دارد. اما این امر نه تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آنها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است.

بنابراین، جهانی که در آن زندگی می کنیم، مانند بدن انسان، یک مجموعه بهم پیوسته، مرتبط و هماهنگ را تشکیل می دهد. آن پنج ویژگی که برای بدن انسان ذکر شد، در جهان نیز مشاهده می شود. از این رو مجموعه ی موجودات جهان را می توان نظام واحد نامید. اکنون این سؤال به ذهن هر انسان اندیشمندی راه

۱۱. آنگاه که برای یافتن پاسخ به این سوال که: (این مجموعه ی بزرگ جهانی چه هدف و مقصدی را دنبال می کند؟)

از آیات قرآن کریم بهره می بریم معلول استفاده انسان از ارزش وجودی است که سبب برتری او از سایر

موجودات می شود و آنگاه طبق آیات قرآن کریم نتیجه می گیریم: یکی از ویژگی های بندگان خداوند شنود

موثر (یستمعون) و پیروی از بهترین شنیده هاست که به واسطه ی همین ارزش وجودی مورد هدایت الهی قرار

می گیرند (هداهم الله) و در این جا منظور از بندگان خداوند همان اولوالالباب می باشد که با توجه به آیات قرآن

کریم: اولین و دومین ویژگی خردمندان به ترتیب در همه حال به یاد خدا بودن و تفکر در آفرینش آسمان ها و

زمین می باشد. ص (جمع بندی مهم)

..... إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
..... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

۲- امام کاظم (ع) به هشام بن حکم فرمود: خداوند به اهل عقل و فهم بشارت داده و فرموده: «فبشر عبادالدين...»

● پروردگار، به ما قوه و نیروی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی

از راه های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم. ۲

..... الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
..... قِيَامًا وَقُعُودًا

..... وَ عَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
..... وَيَتَفَكَّرُونَ

..... فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

..... سُبْحَانَكَ
..... فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

... فَبَشِّرْ عِبَادِ	پس بندگان مرا مژده ده
الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ	آنان که سخن را می شنوند
فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ	و بهترین آن را پیروی می کنند
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ	اینانند که خدا آنان را هدایت کرده
وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ	و اینانند خردمندان

۱۲. جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده و هیچ گونه خلل و بی نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند

که کمال مطلق است در حرکت است. ص

۱۳. این که می گوئیم جهان حرکتی رو به رشد و رو به تکامل دارد معول آن است که: جهان به بهترین شکل و در

بهترین نظم آفریده شده و هیچ گونه خلل و بی نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند که کمال مطلق است در

حرکت است. ص

محل یادداشت های من

نکته و تست آیات

آیه انجم (برادر اتقان) :
أفرینش و بسین

برگرد رقیب شاه کن

طبق آیه شریفه ی ((ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور)) می توان دریافت که نظم انسجام کامل و پیوستگی و هماهنگی خلل ناپذیر جهان خلقت بدلیل لزوم (فارجع البصر) برای درک هدفمندی جهان می باشد که تاکید است بر و خلقت که با طرح در آیه بیان شده، در تست زنی از این آیه به این نکته توجه می کنم که گزینه ای که: استحکام/اتقان صنع/محکم/

بی نظمی؟ عدم انجم

کامل؟ انهماهنگی؟/خلل؟/شکاف؟/

فطور؟/پراگندگی؟/بی ربطی؟/عدم

همکاری؟/بی هدفی؟/بی حکمتی؟/

بینی؟/من بینی بابا؟/نه من بینی پس

جهان هدف منده!

استوار/اتقان/جبال/کوه/ها/ابر/ها/ظرافت خلقت الهی/چیزی در عین

تحرک ثابت باشد/آگاهی خداوند به اعمال بندگان در انتهای آیه/عدم

فروپاشی در کلام امام علی(ع)، اگر دیدم قول میدم بدون هیچ شکی

سریع آن گزینه را رد کنم چرا که این کلید واژه ها برای آیه اتقان صنع

برادر آیه انسجام است و طراح اگر بخواهد اذیت کند آن را در گزینه قرار می دهد!، در عوض هر جا و و در گزینه ها دیدم با روی باز از آن گزینه استقبال کنم.

جوابیه:

۱. نظاره دقیق و عمیق برای درک هدفمندی جهان(فارجع البصر)

۲. نظم و انسجام خلقت

۳. استفهام انکاری

۴. عدم بی نظمی/عدم گسستگی/عدم شکاف

محل یادداشت های من

آیه دوم:

تیترا: آیه سی الا بالحق معرضون

طبق آیه شریفه ی ((ما خلقنا السماوات و الارض و بینهما الا بالحق و اجل مسمی و الذین کفروا عما انذروا معرضون)) می توان دریافت که: موجودات جهان و معینی دارند که است(اجل مسمی) و اثباتی است بر صفت الهی برای انسان که در نتیجه ی مشاهده موجودات جهان بدست می آید و بی توجهی انسان نسبت به الهی و حقانیت و جهان هستی به می انجامد، توحید (خلقنا) و توحید(اجل مسمی).

در تست زنی از این آیه به این نکات توجه می کنم که:

۱) هر گاه بپرسند چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان **جز بر پایه ی حق نیست**؟ آنگاه در گزینه ها نگاه می کنم و اگر گزینه ای هدف شیطانی طراح قرار گرفته بود و بیان می داشت: خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هر کس پاداش آنچه انجام داده است را بیابد در حالی که به ایشان ظلم و ستم نمی شود. من سریعاً رویش خط بکشم و بگویم نه! چرا که این عبارت بیانگر مفهوم آیه شریفه ی: (وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) می باشد و جواب درست گزینه ای است که آیه ((ما خلقنا السماوات و الارض و بینهما **الا بالحق** و اجل مسمی و الذین کفروا عما انذروا معرضون)) را مفهوم گرداند یعنی بگوید: چون آفرینش آسمان ها و زمین دارای سرآمد و پایان مشخصی است و کسانی که کافر شدند از حکمت خداوند و حق و هدفمند بودن جهان و دارای سرآمد و اجل مسمی بودن جهان هستی روی گردانند.

۲) اگر بگویند: یکی از انذارهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد، کدام است؟ جواب همین آیه است.

۳) معرضون ۲ جا داشتیم:

درس دوم سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت نکته جمع بندی آیات دینی دو درس دو: هرگاه قدر+سخر دیدی بزن: جهان دارای قانون مندی/هرگاه له اسلم دیدی بزن خروج از قانون مندی ها غیر ممکن است./هرگاه اجل مسمی دیدی سریع بزن قانون مندی های جهان موقتی است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

درس ۵ سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/ابی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت یه جمع بندی توپ واسه درس پنج سال دوم: هرگاه اجل مسمی دیدی بزن دنیا دارای سرآمد معین و دنیا دارای قانون مندی/هر وقت مصیر، رجع یرجعون ترجعون رجعوا رجعن، اجل مسمی دیدی بزن معاد

۴) يعرضون هم یک جا داشتیم:

درس ۷ سال دوم:

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

بیانگر دوزخ و جهنم برزخی(سو+عذاب) و دوزخ اخروی و و معاد(اشد+عذاب)

مشابهت زمانی دنیا و برزخ(حاق)احاطه کرد) بال فرعون+غدوا+عشیا(روز و شب))

شدت عذاب آخرت به مراتب بالاتر از برزخ است.(اشد العذاب)

منظور از ((یوم تقوم ساعه)) روز قیامت است و آیه در مورد سرنوشت قوم فرعون است.

جوابیه:

المپاری بخون!

تحلیل جامع آیه: (مَا خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُتُوا مُعْرِضُونَ)

۱. نظام هدایت، بدون برنامه نمی شود. تکوین و تشریع، بر اساس حق و حکمت - خَلَقْنَا ... بِالْحَقِّ
۲. در نظام آفرینش، کثرت، انصراف، سستی، پستی، نادرستی و یهودگی جایز ندارد. « مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ »
۳. کارمندی حقیقت آفرینش، وجود جهانی پس از آن است. (اگر معاد نباشد، بسیاری از نابرابری ها و بی عدالتی ها جبران نشده و موجب نخواستند بود.)
۴. توجه به محدودیت دنیا و ناپایداری نعمت ها و پدید آمدن، زمینه حق گرایان و دل بستن به دنیا و هشدار برای انسان است. « أَجَلٍ مُّسَمًّى »
۵. نظام تکوین و تشریع برای هدایت و کمال انسان است، با این حال، برخی ناپسند کرده و کفر می ورزند. « وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُتُوا مُعْرِضُونَ »
۶. تمام هستی در مسیر حق حرکت می کند و این انسان است که می تواند با انتخاب میری ناحق، منحرف شود. « وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُتُوا مُعْرِضُونَ »
۷. در نظام تعلیم و تربیت و تبلیغ، هشدار و تهدید لازم است. « أُتُوا »
۸. اعراض از حق، نشانه کس اراده و اختیار انسان است. « مُعْرِضُونَ »

۱) هدف-سرآمد

۲) موقتی

۳) حکمت

۴) نظام مندی/قانون مندی

۵) هشدار

۶) انکار

۷) هدف مندی

۸) کفر

۹) خالقیت

۱۰) ربوبیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آیه سوم:

تیترا: آیه ۳ (حق صور مصیر)

طبق آیه شریفه ی ((خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيْرُ)) می توان بیان داشت که: هر یک از مخلوقات در ترکیب و شکل خلق شده اند و خداوند هرچه را که رساندن آن ها به بوده است در خلقتشان قرار داده است و کاروان هستی همانطور که از خداست رو به سوی دارد و طبق سخنان حضرت علی(ع) خداوند هر چیزی را در شکل طراحی کرد و آنگاه بدان و بخشید تا هیچ یک از مخلوقات از و تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکنند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و نهایی کوتاهی نکنند و اگر خداوند به او دستوری داد انجامش دشوار نباشد و نکند؛ و آنگاه که کلمه ی ((مصیر)) را در آیه میبینیم که در کنار (حق) بیان شده به ضرورت معاد براساس حکمت الهی (درس ششم سال دوم) پی می بریم که می توان گفت: حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. از این رو خدای حکیم، مرتکب کار عبث و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می نماید و اگر تمایلات و گرایش هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است. هر انسانی گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. همچنین هر انسانی طالب و خواستار همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدی محدود نمی شود. او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست.

جمع بندی حفظ حق در های کتاب:

ان فی خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار لایات لاولی الباب الذین...رینا ما خلقت هذا باطلاً....سبحانک فقنا عذاب النار خلق الله سماوات و ارض بالحق ان فی ذلک لایه للمومنین آثار صنع و نشانه های حکمتش در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویدا است. هر یک از موجوداتی که خدا آفریده برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست (ان فی خلق سماوات و ارض...) حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و تدبیر (توحید ربوبیت) خدا را باز می گوید. ما خلقنا سماوات و ارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی و الذین کفروا عما اندروا معرضون خلق سماوات و ارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر و من آیاته ...

تکنیک حفظ آیات حق دار

خلق الله ... حق ... آیات للمومنین
خلق حق ... فاحسن صورکم الیه مصیر
ما خلقنا...الا حق.. اجل مسمی+کفروا+معرضون
و خلق...حق..... و لتجزی کل نفس بما کسبت و لا یظلمون

و خلق الله سماوات و ارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون
افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون
و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلاً ذلک ذن الذین کفروا من النار
و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون
والوزن یومئذ الحق

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

جوابیه:

خواست هست؟!؟	
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ : خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَصَوَّرَهُمْ صُورَهُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ	(۱) بهترین
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ : اللَّهُ تَرَانِ اللَّهُ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَوْمَ يُدْعَبُكُمُ	(۲) لازمه
وَيَاتِكُمْ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (نیازمندی و ضرورت مخلوقات در بقا به خدا) (توحید در ربوبیت= ان یث	(۳) هدف
يُدْعَبُكُمُ)	(۴) خدا
إِنَّ فِي خَلْقِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاجْتِهَادِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ هَايَاتٍ يُؤْتِيهِ الْغَنَابَتِ (آیه معروف	(۵) بهترین
خر)مندان...)	(۶) نظم و ظرافت
خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ هَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ	(۷) محدوده و چارچوب
وَلَنُرِيَنَّكَ أَتَقَهُمْ مِنْ خَلَقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ مَلَأَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ	(۸) هدف
اللَّهِ إِنَّ أَرَادَنِیَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِیَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِهِ	(۹) سرکشی
عَلَىٰ حَبِیْبٍ اللَّهُ عَلَيْهِ یَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (کفایت خداوند بر انسان و توکل بر او سبب آرامش و	
امید) (اصرار مژگان به وحدانیت خدا)	
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَدُّ مَدِيرٌ	
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَاجْتِهَادِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ هَايَاتٍ يُؤْتِيهِ الْغَنَابَتِ (آیه چهارم:	

تیترا: آیه ی (له المک و له الحمد و علی کل شی قدیر)

طبق آیه شریفه ((يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)) می توان بیان داشت که: همه مخلوقات خدا را و ستایش می کنند(توحید عبادی/عملی) و بنابراین این آیه همانند هر دو قسمت آیه شریفه "ایاک نعبد وایاک نستعین" دلالت بر توحید عملی دارد؛ از طرفی هرکجا در آیات کلید (حمد) دیده شد مانند همین آیه و یا آیه شریفه ی (الحمد لله رب العالمین) می توان گفت آن آیه اشاره به توحید عبادی دارد چرا که حمد مصداق عبادت است؛ و فرمانروایی مطلق از آن خداست(له الملك)(توحید ولایت) بنابراین می توان گفت: در این آیه شریفه همانند آیه شریفه ی ((ولله ما فی السماوات والارض والی الله ترجع الامور)) به توحید در مالکیت اشاره شده است و در آیه دوم توحید در مالکیت از کلمه (لله) به دست می آید که به معنای (برای خدا-مال خدا) است . و قسمت آخر آیه (الی الله ترجع الامور) فقط به خاطر کامل شدن آیه آمده است و مربوط به بازگشت امور به خدا است. از آیه ی شریفه ی (یسبح لله) می توان نتیجه گرفت هر کلید واژه ((ل + الله)) نمی تواند قطعاً برای توحید مالکیت باشد یا توحید مالکیت را بیان نماید و رمزی که اکثر اساتید محترم به دانش آموزان برای توحید در مالکیت می گویند رمزی است به شرط خاص؛ ولی در کل این آیه هم به توحید مالکیت اشاره دارد(له الملك) و هم به توحید در ولایت(له

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

الملک) و در تست ها اولویت با توحید در ولایت می باشد؛ در ضمن از این آیه نتیجه می شود که قدرت مطلق و بلامنزاع خداوند است و موجودات بی جان هم دارای مخفی هستند که باعث می شود به ستایش خداوند پردازند که این موضوع (ستایش خداوند) بدلیل له الملک و له الحمد و هو علی کل شی قدیر می باشد و این آیه با بیت: ((گفتم این شرط آدمیت نیست/ مرغ تسبیح گوی و من خاموش)) ارتباط مفهومی دارد.

حواسه هت؟!؟

قادرین: ایحب الانن انن نجمع عظامه بلن **قادرین**
علی ان نؤک **بنانه** (امکان معار)

جوابیه:

۱. تسبیح

۲. مالکیت

۳. شعور

قدیر: یسبح لله ما فی السماوات وما فی الارض له الملك وله
الحمده وهو علی کل شی **قدیر** (قدرت بلامنزاع خدا)

قدیر: ومن آياته خلق السماوات والارض وما بث فيهما
من ذاب و هو علی جمیعهم **إذابت قدیر** (معار جسمانی)

آیه پنجم:

تیترا: آیه ی (طوعاً و کرهاً)

طبق آیه شریفه ی ((أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ)) می توان بیان داشت که: از راه غیرالهی امری مردود و منکر است و وظیفه ی هر انسانی؛ بندگی خداوند و حرکت در مسیر الهی است و فرمانروایی مطلق (توحید در ولایت) خداوند و اطاعت و خواه و ناخواه همه موجودات از او و در برابر فرمان های او به این صورت تعبیر می شود که همه موجودات عالم تحت واحد الهی عمل می کنند و به سوی که مقصد نهایی جهان خلقت است روان می باشند. (نظام واحد جهانی) از سوی دیگر در این آیه و آیه شریفه ی ((خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)) کلید های (مصیر) و (یرجعون) هر دو رساننده ی مفهوم (معاد) هستند که اولی به امکان تحقق معاد جسمانی و دومی به اثبات ضرورت معاد براساس حکمت الهی اشاره دارد.

جوابیه:

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۱. دین طلبی

۲. دین

۳. تکوینی (همگانی)

۴. قانون مندی

۵. خداوند

جمع بندی آیات اندیشه و تحقیق درس:

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلْقَةُ الْبَشَرِ وَتَوَاتُرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَوَاتُرُ الْبَرْقِ وَالسَّحَابِ الْمُرْتَدِّ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به آفرینش آسمانها و زمین (توحید خالقیت) و هم چنین اختلاف و توالی زبانیها و رنگ پوستها است. / اینها نشانه های برای العالمین = دانشمندان و عالمان است.

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَاجِلُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَوَاتُرُ الْبَرْقِ وَالسَّحَابِ الْمُرْتَدِّ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ وَالسَّمَاءِ الْمَدِينِ

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به خواب و استراحت انسان در شب و نیم روز و هم چنین بهره گیری از بخش خداوند است. / این دو نشانه های برای افراد شنو است.

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَرًّا بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ لِقَوْمًا يَعْقِلُونَ

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به برق آسمان و ترس و رجای ناشی از آن (بارش باران) و هم چنین حیات مجرد طبیعت پس از مرگ با نزول باران است. (اشاره ای غیر متقیم به امکان معاد جسمانی با تکیه بر رستخیز طبیعت) / این دو مورد نشانه ای برای افراد عاقل و دوراندیش است.

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخِرُونَ

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به برپایی آسمانها و زمین به امر خدا و هم چنین خروج انسانها از قبر در روز رستاخیز است. / این دو امر بیانگر غایبمندی و حکیمانه بودن خلقت و قدرت نامحدود الهی دارد. / (بامره) نشانه ای توحید در ربوبیت (ولایت هم درست است به شرطی که در گزینشها ربوبیت نبینیم!)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

کلمت و تست

دینر زندگی

۹۹ غفور



جله سوم
سرمانیه های انسان
+ سفری به کل دینی کنکور

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس سوم (سرمايه‌های انسان)

بچه‌های گل بریم سراغ شروع به نکته و تست عجیب غریب برای درس سه دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو صورت داده باشید و بعداً باید با متن همراه بشید
هر قسمت کتابی که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره یار تبدیل کریم به سه سوره طرح تست
خوب روی گزینه‌ها فکر کن و بعداً جواب رو بین تا مغزت حاج فخر بفرزونه!

کدام مطلب به درستی بیان شده است؟ (تست از مقدمه درس مطرح شده است)

- (۱) طرح این سوال که: (آیا انسان ویژگی‌هایی دارد که نشان دهنده‌ی جایگاه ممتاز او در میان مخلوقات باشد؟) معلول مطالعه ویژگی‌های انسان جهت شناخت بهتر او و تفاوت‌های او با سایر موجودات است.
- (۲) شایسته است پس از بررسی مفاهیم شاخص و اصلی آیه شریفه ی ((وَسَيُقَالُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِيَّايَ الْجَنَّةَ زُمَرًا...)) به مطالعه ویژگی‌های انسان با تدبیر در قرآن کریم، پرداخته شود. (پیش از مطالعه معاد)
- (۳) سرنوشت عمومی موجودات جهان تقرب الهی است و انسان علاوه بر آن دارای سرانجامی خاص است که در جهان اخروی به پاداش و مجازات اعمال خود برسد. (تقرب الهی مخصوص انسان هاست)
- (۴) این که بگوییم گروهی به تقرب الهی می‌رسند و بهشت نصیبشان می‌شود و گروهی دیگر سرانجامی تلخ دارند و به جهنم در می‌آیند به ترتیب از دقت در آیه شریفه ی ((فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا)) و ((فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا)) قابل اثبات است. (برعکس ذکر شده)

نکته: ترکیب گزینه ۴ با کل دین و زندگی ۳ سال:

تُلهبنا نال بهشت به آنان سلام می‌کنند و خوشامد می‌گویند و به آنان وعده می‌دهند که همیشه در این جایگاه نیکو، در امنیت و سلامت به سر خواهند. (رستاخیزی)

سلام علیکم: برزخ

سلام علیکم طبتم: قیامت (پاک شدید)

غدا و عتیا در آیه دیدی بدون درنگ و فکر باید بگویی **برزخ** و تشابه زمانی برزخ با دنیا!
بدترین عذاب دادن میگی جهنم برزخی **شدیدترین** عذاب دادن میگی جهنم رستاخیزی

سوء العذاب: برزخ

اشد العذاب: قیامت

پاسخ قطعی خدا: کَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا

انسانی که به جهنم برزخی می‌رود می‌گوید: خدایا منو برگردون!

پاسخ قطعی خدا: عمر کافی داریم بختون بازه برگردید آدم نمیشید! فکر صلح انجام نمیدید.

انسانی که به جهنم قیامتی می‌رود می‌گوید: خدایا منو بیرون ببر!

جهنم برزخی: ظالمین

امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم که **مستکبران** و **مستغبران** برای رسیدن به مافوق و فراتر از نیای خود حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند. (مبارزه با دشمنان خدا اثر محبت به خدا) پس به **ظالم** داریم که میره جهنم برزخی **ایم کافر** داریم که میره جهنم رستاخیزی و به **دونه مستکبر** و **مستغبر** داریم که باید باهاشون مبارزه کنیم!

جهنم رستاخیزی: کافرین

این جزوات ویژه کلاس‌های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

بهشت برزخی: طیبین
بهشت رستاخیزی: متقین

بهشت رستاخیزی هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می شوند یک در مخصوص پیامبران و صریحان (پراهنمایان دینی که مردم را راهنمایی می کنند) و یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه های دیگر است.

مگر زمین خدا وسیع نبود؟ برزخ
مگر پیامبری نیامد برای شما؟ قیامت

فرشتگان (رستاخیز) می گویند: مگر پیامبران برای شما دکایل روشن نیامدند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آن ها را نمی پذیرند و درخواستشان را این جا می دانند. (حواست باشد که تو گزینده ها خداوند گفت: مگر پیامبران...)

ساعت مصیبا: جهنم برزخی

بما کنتم تعملون: بهشت برزخی

وقتی به جهنم رستاخیزی افتاده می شوند به آن ها می گویند: شما و آنچه را می پرستیدید، هیزم نریختن خواهید بود. (پس در این جا هیزم نریختن رو با نریختن سرچنگ نریختن)

توفا: جهنم برزخی

تتوفا: بهشت برزخی

توفی = دریافت تمام و کامل و کاملاً مربوط به بعد روحانی و غیر مادی انسان (در هنگام مرگ فقط روح انسان گرفته می شود؛ اما به تعبیر قرآن همه کس وجود انسان گرفته می شود و این خود به معنای حقیقت بودن روح است.)

ان الذین: جهنم برزخی

الذین: بهشت برزخی

آیه ای که (ان الذین) + (توفی) دارد آخرش به (ساعت مصیبا) ختم می شود و درباره کس ختم بر خود توسط نگاهگران و توجیه آنان در مورد اظهار ناتوانی بر ترک نگاه و فرار از مسئولیت. آیه ای که (ان الذین) + (توفی) دارد آخرش به (ادخلوا الجنة بما کسبتم تعملون) ختم می شود و سخن فرشتگان به یاکان در برزخ که بدلیل اعمال نیک مستمر دنیایی یا کفایت وصول بهشت برزخی

حاق بال فرعون: جهنم برزخی کل آل فرعون

ادخلوا ال فرعون: جهنم رستاخیزی کل آل فرعون

وقتی خداوند حضرت موسی را مأمور مبارزه با فرعون کرد. آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی را پذیرفت. (حدیث شریف - سال سوم درس پنجم)

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا : جهنم رستاخیزی

و فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا : بهشت برزخی

مگر آدم های با تقوا ملک سوار گران است که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و هیچ اسب را در اختیار ندارند و راه می بینند تا این که وارد بهشت می شوند. (امام علی ع) در رس شانزدهم دینی رو) خداوند در قرآن کریم از شیطان به عنوان موجود همراه کننده ای که سوگند خورده آدم را فریب دهد و از رسیدن بهشت باز دارد.

و سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ : بهشت رستاخیزی

و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا : جهنم رستاخیزی

پیامد روح در نگاه الهی (پیامبران الهی) در مورد معاد: آنان از خداوند عبر طوکلانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

قالوا فیم کنتم: جهنم برزخی

و قال لهم خزنتها / قلیلُ خلوا : جهنم رستاخیزی

يقولون سلام: بهشت برزخی

و قال لهم خزنتها سلام: بهشت رستاخیزی

پیامبر! اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود و به دیدار او برسد و در بهشت که خدا برایش آماده کرده، میماند ابدی او گردد و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می شناسد و تما می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد. (سیزدهم سوم)

قال یا قیل: قیامت

زبان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترک دارند که با استفاده از سرمایه‌های ذاتی خود می‌توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خراوند منزلت گیریند. (چهارده سال سوم)

قالوا یا یقولون: برزخ

اگر جوان، این دوره را با پاک‌وی و یکدامن بگذرانند و در حال به‌زندگی مشغول با همسرش وارد شود که آورده به نگاه و وضو نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود بسیار هموار کرده است. (چهارده سال سوم)

قالوا بلی: جهنم رستاخیزی

جمله کوتاه روان و شیوای پیامبر: **أَلْبَنُّهُ تَحْتَ أَعْدَامِ الْأَمْهَاتِ**؛ بهشت زیر پای مادران است.

قالوا کنا مستضعفین فی الارض: جهنم برزخی

چند مورد از مطالب زیر صحیح می باشد؟

۱. ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد. ص

جمع بندی کامل (ارزش) های دینی کنکور: (یک تست قطعی ۹۹)

* **عفاف** یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می‌شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله‌ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سود استفاده کنند. انسان عقیف **عیا** دارد از این که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند. او در وجود خود **ارزش** های والا تری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. انسان عقیف، آراسته است اما آراستگی او به گونه‌ای است که جسم او وسیله‌ی جلب توجه دیگران قرار نمی‌گیرد. او خود را بزرگتر از آن می‌داند که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت جوین نگاه کنند (۱۲ روم)

* **گرچه عفاف** خصلت هر انسان با فضیلت، اعم از مرد و زن است اما وجود آن در زنان و دختران **ارزش** یش تر و بزرگتر دارد (۱۲ روم)

* **نوجوانی** که می‌کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته‌ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار موثر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباس نامناسب یا آرایش غیر معمول یا به کار بردن کرم‌های تند و ناپاک یا گذاشتن سبزه‌ی بر لب اظهار وجود می‌کند، بسیار متفاوت است. این شخص به طور ناخود آگاه **ضعف روحی** خود را به دیگران نشان داده و آن **ارزش** های **بجزدی** خود را به زیبایی هر چه تمام تر آشکار کرده است. (۱۲ روم)

* **پوشش مناسب**، از نشانه‌های عفاف و عزت نفس است به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این **ارزش** انبلی را دریافت. (۱۳ روم)

* **چگونگی و نوع پوشش**، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده **باسی** پوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با **ارزش** های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد

* **رعایت نحوه و شکل پوشش و بیرونی** از دستورات خداوند هر چه کامل تر و دقیق تر انجام شود، نزد خدا **بزرگتر** و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند (۱۳ روم)

نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) آن چنان مهم و **ارزشمند** است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود ویرایش را **اجای** آن دانست (۱۴ روم)

خیلی خیل دقت کنید: در آیه (أَلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ...) در **انتهای** آیه ذکر شده: (فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا) که معنای وزن همان ارزش است! یعنی برای اعمال زیان کارترین مردم، خداوند هیچ **ارزش** و میزان قرار نداده. (۵ روم)

یَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ارزش قرار نمی‌دهیم.

جمع بندی آیه ی ((قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ...)):

تیپ سوال: زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و ایشان درباره ی خود چه فکر می کنند؟ جواب:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ

بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

وَهُمْ يَحْسَبُونَ

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ

فَحَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ

فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

ضایع ترین انسان کارترین؟

ض= ضل سعیهم ی= یحسون صنعا ک= کفروا بایات و

حقیقت عمل از
بین نمی رود
فقط گم می شود!

در مورد خودش فکر می کنند که بهترین اند؛ شیطان
با سواستفاده از فطرت خیرخواهانه انسان ها این پندار
را شکل می دهد که عمل ناپسند خود را زیبا ببینند.

زیان کارترین انسان ها:

۱) تلاش ایشان در دنیا منجر به نتیجه نمی شود. ضل سعیههم

۲) گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند که اشتباه است. انهم یحسون صنعا

به نشانه های خداوند و دیدار او کفر ورزیدند. کفروا بایات ربهم و لقائه

ویژگی های غافلین از مرگ و جهان پس از مرگ و سرنوشت آنها دو تا داشتیم:

یک دسته اونایی که کلاً فقط عاشق دنیا و مال اندوزی و غفلت از آیات خدا بودن و قاعده ی یراغ

(لا یرجون—+رضوا+اطمنوا+غافلونا) رو دقیق اجرا می کردن و در انتها وارد نار(آتیش) داغ میشدن چون یراغ هم غ— داشت!!!

و اما یک دسته دیگه هم داشتیم که تو آیه بالا اومده: اونایی که سعی می کنن و تو آیه مربوط بهشون هم ما کلید سعی رو داریم ولی چون به

نشانه های پروردگارشون و دیدارش کفر ورزیدن بنابراین سعی و کوشش شون تباه و ضل شد! (ضل سعیههم)

سرنوشت زیان کارترین افراد:

۱) اعمالشان تباه و نابود می شود. فحبطت اعمالهم

۲) در رستخیز اعمالشان مورد سنجش قرار نگرفته و کاملاًرد می شود و وزنی برای اعمالشان وزنی قرار نمی گیرد

چون تباه شده اند. فلا نقیم لهم یوم القیامه وزنا

ادامه جمع بندی (ارزش) ها:

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخص بر او ظاهر می شود و به او می گوید: ای فلان، ما در دنیا سه چیز بودیم، بزرگ تو که با

پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک همراه تو نیست خانواده ات که تو را رها کردند و برگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم. آنگاه باش (فضیلت

آنگاه آن انسان در بزرخی) که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر بودم. (۷ روح)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

معیار و وسیله سنجش اعمال، حق است؛ یعنی، به میزان که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشش و سئوین است، در غیر این صورت، سبک خواهد بود و زنج نخواهد داشت و چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرار میگیرد، هر چه عمل آنها به راه و روش آنان نزدیکتر باشد، ارزش افزونتری خواهد داشت. (۸ سوّم)

امام خمینی در پیام ارزشش، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزارگی میگوید: مگر تحقق دانست، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برانگیختن نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موخرین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین (مبارزه با دشمنان خداوند= ابرار بیزارگی از آنان) میسر شود. (۱۱ سوّم)

ویژگی ها و ارزش هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات می شود. این ویژگی ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرّب به خداوند که تقرّب به همه خوبی ها و زیبایی ها است، می باشد (۱ سوّم)

تلقین اعجاز قرآن در آن است که هر قدر زمان می گذرد و انسان به قدهای بلندتری در علم و معرفت دست می یابد، نه تنها ارزش آن کاسته نمی شود بلکه در خندگی اش آشکارتر می گردد و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می شود (۳ سوّم)

تحولات فرهنگی امری تدریجی است و تخیر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش های اسلامی ناگهانی صورت نمی گیرد و برنامه ای متمم و مداوم نیز دارد (۶ سوّم)

عموم مردم در انگیزه و اعتقادات و رفتار و عمل، دنیای و شخصیت های برجسته جامعه خود هستند و آن ها را اسوه قرار می دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش های الهی باشند، مردم نیز به نسبت و همت و استعداد خود از این کمالات و ارزش ها بهره مند می شوند و اگر آن ها به سوی زشتی ها و بدی ها بروند، بیشتر مردم نیز از آن ها دنیای روی خواهند کرد (۷ سوّم)

حدیث امام علی: (۱۲ سوّم)

بزرگترین حق که خدا واجب کرده چه؟ حق رهبر بر مردم و مردم بر رهبر

چرا این حق ایقدر مهمه؟ (۱) حاکم باید اصلاح بشه تا مردم اصلاح بشن (۲) مردم باید پایداری کنن تا حاکمان نیکن بشن

این حق سبب چی شده؟ (۱) دوستی و اهت (۲) ارجمندی دینان

حالا چه زمانی حق در میان جامعه ارزشش میشه؟ زمانی که مردم وظیفه شان نسبت به حاکم را انجام و حاکم حقوق او را کند.

مگر اساسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش های الهی بی اعتناست. (۱۲ سوّم)

خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده،

میهمان ابدی او گردد و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می شناسد و تمنا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد آیا می توان بهایی از

این با ارزش تر و گرانقدرتر برای انسان یافت؟ پس با ارزش ترین بها نزد انسان از جانب خدا = بهشت و تقرّب الهی (۱۳ سوّم)

خانواده ارزشمندترین بند و بنیان نرد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان، کامل می شود (۱۴ سوّم)

دوره بلوغ تا ازدواج حس ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان است (۱۴ سوّم)

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مفویت زاست (۱۵ سوّم)

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزش که برای زن قابل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، متعهد می شود که هدیه ای را به عنوان (مهر) به زن

تقدیم کند. قرآن کریم از دو کلمه (نظم) و (صداق) برای مهر استفاده کرده است نظم به معنای هدیه و پیشکش و صداق به معنای نشانه صداقت و

راستی است. (۱۶ سوّم)

۲. آنگاه که طبق فرمایش حضرت علی (ع) بگوییم: ((روزها فکر من این است و همه شب سختم که چرا غافل از

احوال دل خویشتم / از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر، نمایی وطنم)) آنگاه می توان نتیجه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

گرفت که شرط بهره مندی از رحمت الهی این است که انسان با استفاده از قوه ی عقل به درک درست جایگاه خود در این جهان برسد. غ حضرت امام علی(ع): خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده در کجا قرار و به کجا می رود.

۳. خدا به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و آنچه که در آسمان و زمین است برای ما آفریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود ما قرار داده است. ص

۴. از مفهوم آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...)) می توان به یکسانی حقوق زن و مرد اشاره داشت و منزلت انسان اختیاری حفظ می شود یا از دست می رود. غ یکسانی منزلت زن و مرد نه حقوق شان.

۵. از مفهوم آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...)) می توان دریافت علت بخشش کرامت به انسان بدلیل وجود بعد روحانی بوده که با آیه شریفه ی ((ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ)) و آیه شریفه ی ((فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ)) و حدیث امام علی(ع): (خدا رحمت کند کسی را که....) و شعر مولوی: (روزها فکر...) ارتباط مفهومی دارد. ص

جمع بندی (کرامت) در دین و زندگی: (کرامت اخلاقی/کرامت نفس/کرامت و برتری انسان بر سایر مخلوقات)

* محورهای اصلی دین: کسب مکارم اخلاقی مانند تقوا، عفاف، صداقت و کرامت نفس.

* لازم است استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان راسخ و مباحثاتی بی مانند، در طول زمان های مختلف قدم در راه تبلیغ دین الهی می گذاشتند و سخن ها و ناملامت را تحمل می کردند تا خدای پرستی، عبادت طیب و کرامت های اخلاقی میان انسان ها بماند و گسترش یابد و شرف، ستلاری و رزائل اخلاقی از بین برود.

* لازم است بدانیم که در آن زمان در میان قبایل، بزرگی و شرافت تنها مخصوص بزرگان و رؤسا بود و فضایی که چون علم، عبادت خواص، جوان مردی، صداقت، پاک و کرامت نفس و متن ارزش داشت که رئیس قوم که فرزندان و بستگان وی دارای آن صفات باشند.

* مقام و منزلت حضرت علی نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خوشنودی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر ایمان بی نظیر و عمل بی مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامت های اخلاقی ایشان را به چنین مقام رسانده است.

* انسان های آزاده، شجاع، با ایمان و عبادت طلب چون امام علی، مقدار، عمر، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت های انسان است.

* پیامبر خدا حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند و ملاک کرامت و گرام بودن، تقواست.

* تربیت شخصیت های اسلامی: از جمله وظایف انسان های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را متحد و مشفق فضیلت یابند، به تربیت آنان همت گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال یاریشان دهند و از زیبایی ها و فضایل وجود خود، به آنان بیخشند.

* دعا برای ظهور امام مهدی (عج): خدای! از تو آن دولت را طلب می کنیم که با آن، اسلام و اهلس را عزیز می گردانی و تقوی و اهلس را خوار می سازی. ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

* تشکیل حکومت اسلامی در عصر نبوت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت رینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها تلاش می‌کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسیج فراهم می‌آید. رینداران و حق‌طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت‌های انسانی می‌شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

* خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و خطاب به وی فرموده: ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم.

* آن‌کس که تصمیم می‌گیرد مرتدب نگاه می‌شود و کرامت خدادادی خود را لکه دار می‌کند، خود انسان است.
* تحقیقات نشان می‌دهد اکثر نگاهگران و مجربان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده اند. بنابراین یکی از راه‌های مبارزه با کزگی‌ها و زشتی‌ها در جامعه ۱ افزایش عزت نفس انسان‌ها و ۲ حفظ کرامت آن‌هاست.

* کرامتی که خداوند به انسان بخشیده و بر سایر مخلوقات برتری داده، اختصاص به زن یا مرد، به تنهایی، ندارد هر کدام از زن و مرد به میزان **تقوا، عفاف و دوری از نگاه**، نزد خداوند گرامی‌تر است.

* همه‌ی ما فضائل چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم. (شاخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شاخت بدی و زشتی و بیزارگی از آن)
* عشق به حق:

الهی سینه‌ای ده آتش افروز	در آن سینه دل و آن دل همه سوز
کرامت کن درونی در پیروز	دل در وی، درون درد و بیرون درد
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست	دل افسرده غیر از کج و مغل نیست

* نمی‌شود کس دوستدار فضیلت‌ها و کرامت‌ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد (مبارزه با دشمنان خدا)
* یکی از اقسام پستی‌ها و حقارت‌ها آن است که افراد هوس‌ران و نگاهگر به انسان به چشم ابزار هوس‌رانی‌های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و کرامت او توجه ننمایند (امیدوارم تا اینجا لذت برده باشید زینی به این سبک خیلی می‌چسبند! ما رو داخل کانالمون هم دنبال کن: کنکور پلکس)

۶. پروردگار، به ما قوه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم که این عامل تنها چراغ درونی است و به وسیله چشم و گوش انسان انجام شده و طبق آیه شریفه ی ((قَبَسْرُ عِبَادِ الَّذِیْنَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فِیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِکَ الَّذِیْنَ هَدَاهُمُ اللّهُ وَأُولَئِکَ هُمُ الْوَالِبَابُ)) شرط و لازمه هدایت انسان به کار بستن قوه‌ی عقل و در زمره خردمندان قرار گرفتن است و با حدیث **امام صادق (ع)**: (خدا انبیا را نفرستاد جز اینکه مردم در پیام الهی تعقل کنند) ارتباط مفهومی دارد. غ همه قسمت‌ها صحیح ولی (امام کاظم) نه صادق!

جمع بندی (عقل و تعقل) در دین و زندگی:

عامل درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به نگاه دعوت می‌کند و آری دوری از عقل و وجدان بنر می‌دارد (نفس اماره) قانون عقل و خیر پیامبران: دفع خطر احتمالی لازم است.

نمی‌شود که انسان‌ها با ایمان و درنگ با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرتب دشت زندگی آنان بسته شود و همه‌ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سر نخواهد زد (ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی)

توکل، چنانچه تبلیغ و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به‌کس است که اهل همت، تعقل و پیشنگار است. (رئز= اهل تپه باید توکل کنند!)

قرآن کریم از انسان ها می خواهد که درباره ی هدفمندی جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. (آمارگی جامعه بشریت از علل ختم نبوت)

رسول خدا در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی و اهل بیت را برای مردمی که قرن ها با نظام قبایله ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می دانستند بیان می کرد تا دل های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کائنات آماده کند که میان عرب و غیر عرب تفاوتی قائل نمی شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می خواندند و ساده می زیستند.

رو آیه (سیروا فی الارض) دار داریم که یکس به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا

تَعْقِلُونَ)) ((النشأة الآخرة إن الله على كل شيء قدير))

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱) درک چگونگی پیدایش دنیا

۲) مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳) مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا

تَعْقِلُونَ))

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت

گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی آورند، در دنیا

گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از

دنیاست می رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و

قرآن است.

برخی امور از نظر عقل امکان پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور هستند که پیدایش آن ها از نظر عقل امکان پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. (عمر طولانی حضرت مهدی عجلانی است ولی غیر عادی است)

اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگی بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می دهد، تدروسی تو را فرو می نشاند و عقلمت را به جایگاه اصلی باز می گرداند (عهدنامه مالک اشتر)

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوای و هوس (نفس اماره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لواء همگوش فراموش فرامی دهد و تسلیم نفس اماره نمی شود.

همواره دیده ایم که علاقه و محبت اولی، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند، به گونه ای که فریاد های خیر خواهانه او را نمی شنوند.

آمارگی برای از رواج نیامدن دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد. با رسیدن بلوغ عقلی جوان در می یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفته و برای آینده برنامه ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ عقلی است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی بازماند از رواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد.

انسان با کمک عقل خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده

یک روشن در جهان دیگر در انتظار اوست، اما نمی داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: **عقل در درون** وجود او و **فرستادگان الهی در بیرون**. انسان به کمک **عقل** خود بیماری از مجسولات و مسائل را در می یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که **جهان مدام و آفرید نظری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست** همچنین انسان به کمک **عقل** خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل **نیازمند هدایت الهی است**. از این رو **خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتش کند**. بدین ترتیب، اگر انسان **عقلانند** بیندیشد، راه دست یابی به **همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیل برای توجه ناکامی ها ندارد** اما **کافم**: ای هشام، خداوند رسولاتش را به سوی **بندگان** فرستاد، جز برای آن که این **بندگان** در پیام الهی **تعقل** کنند. کاتب این پیام را **بهرتر می یازند که از حضرت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند**. نسبت به فرمان های الهی **دان ترند و آن کس که عقلش کامل تر است**، رتبه اش در دنیا و آخرت **بالتر است** + **حجت نهان همان عقل است**.

عقل **وسله فهم پیام الهی است**. و آنکه **تعقل** کند هدف و آینده و راه درست زندگی را می یابد.

خداوند، مناسب با **ویژگی (عقل)** و **(اختیار)** در انسان ها، آن ها را با **فرستادن دین** راهنمایی و **هدایت** کرده است و **پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند**.

۷. با توجه به آیه شریفه ی ((إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)) می توان دریافت که خداوند، راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد سپس ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. غ خیلی جمله قوی و توبه! دقت کن (سبسی) کجا قرار گرفته! اصل متن کتاب: خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. **سبسی** راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

جمع بندی آیات اختیار: (لعل-! ما-لنفسه)

لعل دیدی بگو اختیار:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ **لَعَلَّهُمْ** يَخْذَرُونَ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَتَّخِرَ فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ **وَلَعَلَّكُمْ** تَشْكُرُونَ
حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ **لَعَلِّي** أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

يا بنى آدمَ قد أنزلنا عليكم لباسًا يواري سواآتكم وريشاً ولباساً التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ **لَعَلَّهُمْ** يَذَكَّرُونَ
وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ **لَعَلَّكُمْ** تَهْتَدُونَ
وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي **لَعَلَّهُمْ** يَرْشُدُونَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ **لَعَلَّكُمْ** تَتَّقُونَ

اما (Emma) دیدی ۱۰۰ درصد بگو اختیار:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ **إِمَّا** شَاكِرًا و **إِمَّا** كَفُورًا

نفسه دیدی بگو اختیار: (البته استثنا هم زیاد داره مثلاً در حدیث امام صادق داریم: صائناً **لنفسه** به معنای نگه دارنده

نفس خود که در این جا به خصوصیات ویژه فقها اشاره میشه و مفهوم اختیار مورد نظر نیست)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

۸. با توجه به آیه شریفه ی ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)) می توان بیان داشت که چوهمه

مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی بدهند و خود شناسی مقدم بر خدا شناسی است و این آیه

مارا از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد و با آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُنْسَوِسُ

بِهِ نَفْسُهُ...)) ارتباط مفهومی دارد چرا که قسمت دوم این آیه آمده است: ((وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)) و ما باید

قسمت دوم را حتماً حفظ باشیم چرا که طراح ممکن است قسمت دوم را در تست ندهد؛ خدا سرشت ما را با خود آشنا

کرد و **گرایش خود را در ما قرار داد**. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و **محتشش** را در

دل حس می کند. همچنین با حدیث امام علی (ع): (در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن

دیدم) ارتباط مفهومی دارد و با بیت: (دوست نزدیک تر از من به من است / وین عجب تر که من از وی دورم ... مهجورم)

ارتباط مفهومی دارد و می توان بیان داشت که: مشهود بودن خدا در همه یک رمز قابل اعتماد برای سرمایه رشد (فطرت

خدا آشنا) می باشد. همچنین نباید این سرمایه رشد را با سرمایه رشد با عنوان: (گرایش به خیر و نیکی) اشتباه گرفت

که رمز دومی گرایش به چیزهای مثبت و بیزاری از چیزهای منفی است ولی اولی: گرایش به خداست. ص

۹. با توجه به آیه شریفه ی ((وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا)) می توان بیان داشت: خذلناخت خیر و نیکی و

گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی پرهیزیم

از این روست که همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت دوست داریم و از دو رویی، حقارت نفس،

ریا و ظلم بیزاریم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را **سوزنش** و **ملامت** می کنیم و در اندیشه ی **حیران** بر می آییم

و می توان گفت: مفهوم این آیه معلول وجود فطرت خدا آشناست و با آیه ((وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ)) ارتباط مفهومی

دارد که خداوند در این آیه به نفس لوامه سوگند یاد کرده است (هرچند برخی تفاسیر می گویند خداوند انقدر مطمئن

بوده که گفته: لا اقسام یعنی قسم نمی خورم!!! ولی شما همین رو بلد باشید کافیت!) ص

جمع بندی انواع نفس در کل دینی کنکور به شدت مهم (در هیچ جزوه ای به این سبک پیدا نخواهید کرد!)

الف) نفس اماره

که همواره انسان را به بدیها فرمان می دهد و اگر با **عقل** و **ایمان** مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می کشاند.

در قرآن می خوانیم: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» « به درستی که نفس انسان را به کارهای زشت و ناروا فرمان می دهد مگر

آن که پروردگارم رحم کند.

این نفس، آنقدر خواهش و خواسته خود را تکرار می کند تا انسان را گرفتار سازد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: نفس اماره

همچون فرد منافق تملق انسان را می گوید و در قالب دوست جلوه می کند تا بر انسان مسلط شود و او را به مراحل بعد وارد کند

کل جملات کتاب:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُنْسَوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (در این جا اقرب: منظور قرب وجودی نه قرب الهی)

نفس هر دم در درونت در کمین...

در زمان تسلیم شدن انسان در برابر نفس اماره شکست درونی **متبوع** شکست بیرونی است

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

عالمی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان (نفس لواحه) باز می دارد.
(ب) نفس لواحه:

مراد از آن، همان وجدان اخلاقی باشد. آری، انسان دارای حالتی است که در برابر انجام بدی ها یا کم شدن خوبی ها، هم در دنیا خود را ملامت می کند و هم در آخرت. این ملامت ها، همان ندامت و پشیمانی است که می تواند مقدمه **توبه** (درس ۷ پیش) باشد و یا بستری برای **آیس** و **خودباختگی** (درس ۵ دوم دیدگاه مایدیون) فراهم آورد.
(کامل توضیح داده شد در مورد شماره ۹)

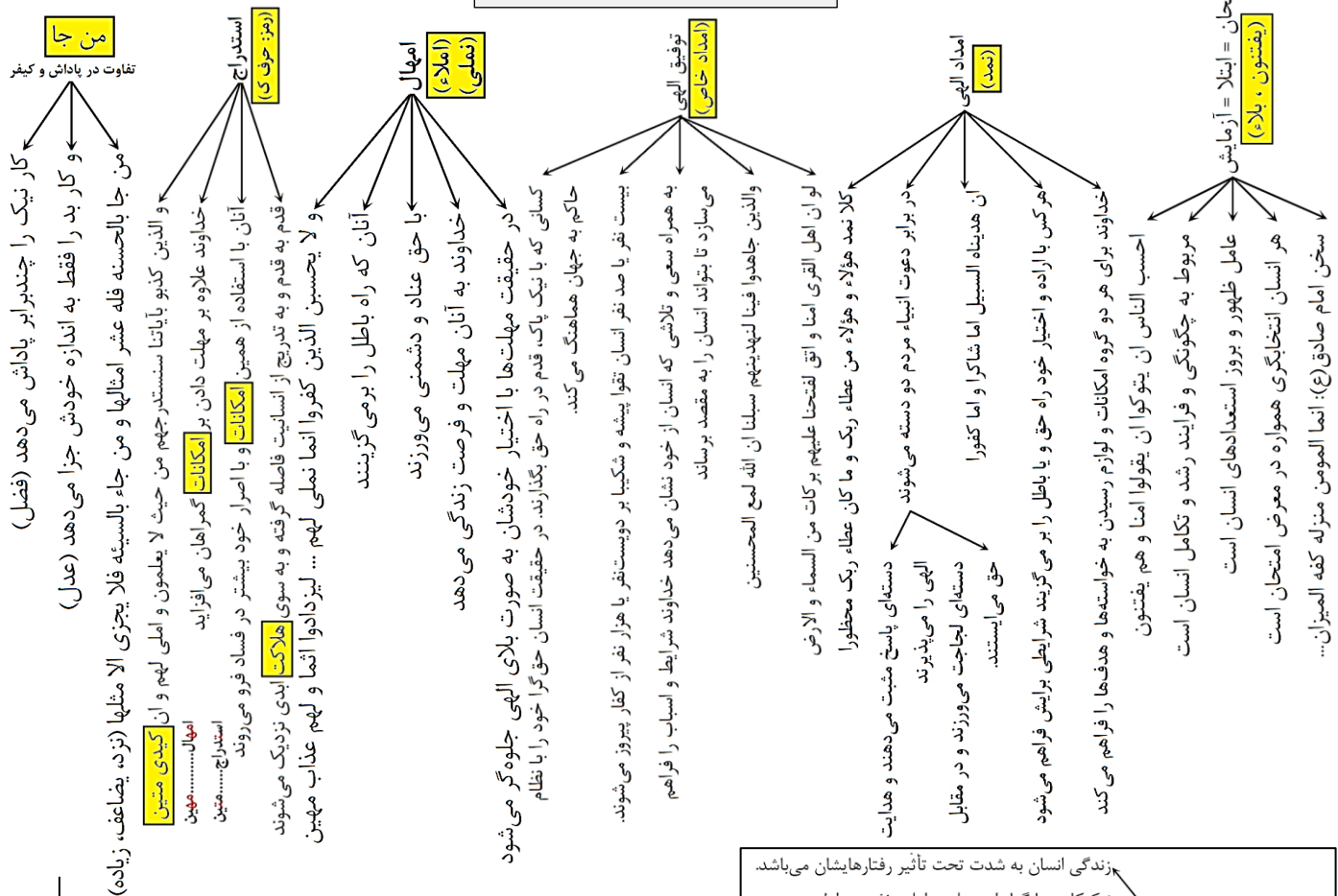
(ج) نفس مطمئنه:

که **در اثر نماز و یاد خدا** حاصل می شود و انسان به **آرامش و اطمینان** دست پیدا می کند. قرآن کریم در یک می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِنُكْرِي» نماز را به پادار تا به یاد من برسی و در جای دیگر می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه باشید که با یاد خداوند دلها **اطمینان** و آرامش پیدا می کنند. در مقابل تردید و تشکیک مخالفان در **معاد** که بازگشت آن به **قدرت** خداوند است، قرآن بر قدرت الهی در باز آفریدن انسان ها تأکید می کند. (اثبات امکان معاد با ذکر نمونه ها) اینجوری بگو یادت نره: **مطمئن** باش معادی در کار هست!

۱۰. با توجه به آیه شریفه ی ((وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)) می توان بیان داشت: **بهبودی** از امداد غیبی و یاری خدا در رسیدن به مقصد، معلول تلاش انسان در راه خدا و خوشبختی خود است. و با سنت توفیق الهی متناسب بوده و به انجام عمل صالح از برنامه های اخلاص اشاره دارد. ص

(درس ششم دینی پیش)

جمع بندی کامل سنت های الهی



زندگی انسان به شدت تحت تأثیر رفتارهایشان می باشد.
نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر
من يموت بالذنوب اكثر ممن يموت بالاجال
و من يعيش بالاحسان اكثر ممن يعيش بالاعمار
لوان اهل القرى... ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۱۱. با توجه به آیه شریفه ی ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الرُّضِ حَلَّالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝۱)) می توان بیان داشت: می توان به وجود عامل خارجی در بالا بردن انگیزه گناه نام برد که خود را برتر از آدمیان می داند و و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد. کار او زیبا و لذت بخش نشان دادن گناه و سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه ی دنیایی است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه ی وسوسه می دهیم یا راه فریب را بر او می بندیم. غ دقت کنید همه قسمت ها درست هستند به جز کار شیطان که : وسوسه کردن و دادن وعده های دروغین است و باید بدانیم که : شیطان یکسری کار داره: (۱) وسوسه (۲) وعده / یکسری راه فریب داره: زیبا آرزو سکینه غافل

جمع بندی (شیطان):

توهم: برتری بر آدم

سوگند: فریب بنی آدم

راه های فریب: زیبا خانوم (زیبا نشان دادن گناه) آرزو خانوم (سرگرم کردن به آرزو های سراب گونه دنیایی) سکینه خانوم (ایجاد کینه میان مردم) غافل میشن (غافل کردن از خدا و یاد او)

کارش: وسوسه + وعده دروغین

راه نفوذ: نفس اماره

گفته شیطان به اهل جهنم: در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید خداوند به شما وعده ی حق داد، اما من به شما وعده ای دادم و خلاف آن عمل کرد البته من بر شما تسلطی نداشتم (وجود اختیار)، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید.

وسوسه کردن طبق آیه: دعوت به بدی (فحشا و سو) + ناآگاهانه صحبت کردن

اقرار شیطان: ناتوانی از فریب مخلصین

رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شرک) (ترکیب با درس ۱۲ دوم)

فاحشه ای به اسم (اثم) بخ بغه به شرک (همون غول معروف!) دروغ گفت که نمیدونه!!

در باره خدا ناآگاهانه سخن گفتن
نسبت دروغ بستن به خدا
وسوسه شیطان هم همینه دقیقاً!!!

زشت کاری (فواحش) گناه (اثم)
شرک به خدا (تشرکوا)
شرک همیشه چی بود؟ سلطانان!

تجاوز به ناحق
(بغی بغير حق)

حالا یه سوال: شرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطانان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارن!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

یک آیه مهم و تمام:

((إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ))

بهشت رستاخیزی=متقین(اما بهشت برزخی=طیبین)

جایگاه مادی متقین= فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

قرب الهی= عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تکلیف جلسه آینده: مطالعه (صیغ) این جزوه + متن درس سه روم + پیش خوانی متن درس چهار سال روم



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از **۱۰۰** راضی نشو!

@konkurpex

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

گفت و گفت

دین و زندگی

۹۹ غفور



جلد چہارم
خود حقیقی

+ تیب بندی کامل سوالات

نکته‌وتست دین و زندگی دوم

درس چهارم (خود حقیقی)

بچه‌های گل بریم سراغ شروع به نکته‌وتست عجیب غریب برای (درس چهارم دوم)
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مورت داره باشید و بعداً باید با من همراه بشید
هر قسمت کتابونه تا حالا سوال اومده یا احتمال داره یار تبدیل کریم به یه سوره طرح تست
خوب روی گزینه‌ها تک کن و بعداً جواب رو بین تا مغزت صاحب فخر بزونی!

چند مورد از مطالب ذکر شده گزینه ی صحیحی در وصف یک ودیعه ی الهی است که موجب تمایز حرکت انسان به سوی کمال می شود؟

- خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست، در ما قرار داد و همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم. غ با توجه به صورت تست باید گزینه ای درست باشد که همه ی ویژگی های یک سرمایه انسان (نه چند سرمایه) را توضیح بدهد در حالی که ویژگی اول در این سوال مربوط به فطرت خدا آشنا و ویژگی دوم مربوط به گرایش به خیر و نیکی در انسان است ولی دقت کافی به کلمه ((و)) در بین این دو ویژگی هم داشته باشید اگر طراح بین این دو (بنابراین) هم قرار بدهد باز هم عبارتی درست است چرا که فطرت خدا آشنا می دهد گرایش به خیر و نیکی ولی باز هم جواب ما نیست.
- آنگاه که با باباطاهر هم صدا شویم و بگوییم: ((به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم)) می توان گفت: گاهی غفلت ها سبب دوری ما از خداوند می شود، ولی باز که به محضر خدا برمی گردیم، او را در کنار خود می یابیم و آن خود مصداقی است از ((دوست نزدیک تر از من به من است)). غ همه قسمت ها درست و در مورد یک سرمایه هم صحبت می کنند ولی اگر این عبارت را درست گرفته اید قطعاً هنوز هم جا برای مطالعه دقیق متن کتاب دارید! متن کتاب: گاهی غفلت ها سبب دوری ما از او می شود، ولی باز که به خود برمی گردیم، او را در کنار خود می یابیم.
- پروردگار، به ما قوه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه های غلط تشخیص دهیم و خود مسئول سرنوشت خویش باشیم. غ یکی از کلک های تستی خیلی اپیدمی شده که در آزمون ها حسابی استفاده میشه ولی در کنکور تا به حال خیلی کم دیدم! ممکنه در کنکور هم... دقت کنید که قسمت اول عبارت مربوط به قوه عقل ولی قسمت دوم (خود مسئول سرنوشت خویش) مربوط به سرمایه اراده و اختیار هست بنابراین این عبارت دو سرمایه را بیان می کند و همچنین اگر به عنوان یک گزینه بدون توجه به صورت تست هم تحلیل کنیم باز هم اشتباهه چرا؟ چون قوه عقل علت نیست برای مسئول سرنوشت بودن! بلکه اختیار علت است برای مسئولیت پذیری!
- وجود نعمت عصمت در پیامبران و امانان سبب شد تا راه رسیدن به امداد های غیبی خداوند نیز هموار تر از گذشته باشد. ص عصمت از دینی سوم ترکیب شد با نعمت هدایت از سرمایه های رشد انسان که در نهایت هر دو ترکیب شدند با سنت امداد از دینی پیش دانشگاهی!

در درس قبل دانستیم که انسان ویژگی هایی دارد که او را از سایر موجودات جدا می کند و حرکت او به سوی کمال را متمایز می سازد. در این درس می خواهیم بدانیم که:

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

تیپ بندی به سبک غفوری

تیپ ۱: یک ویژگی از یک بُعد را می دهند و نام آن بُعد را می پرسند یا برعکس:

راه حل:

کلید واژه های بعد جسمانی:

غیر مجرد/خاکی/مقدم در آفرینش/طین/تجزیه و تحلیل/فرسوده و متلاشی/نیاز به مکان و زمان (محدود)/از دست دادن آگاهی/بعد از مرگ فانی/تغییرات بدن از نوزادی تا پیری/وابسته به جسم و کالبد/تجزیه و تحلیل/مستهلک/بازسازی بدنی/تقسیم سلولی/سوخت و ساز/گلیکولیز/کربس/تتفس سلولی/بارها عوض شدن/حقیقت انسان نیست.

کلید واژه های بعد روحانی:

مجرد/افلاکی(آسمانی)/مسجود فرشتگان/روح در آیات/(خلق آخر) در آیات/عدم تجزیه و تحلیل/عدم متلاشی شدن/بعد از مرگ باقی/عدم از دست دادن آگاهی/عدم نیاز به زمان و مکان(نامحدود)/قوة ی تفکر و اندیشه/قدرت اختیار و تصمیم گیری/عواطف و احساسات / اخلاق/خود حقیقی/شخصیت واقعی/دانش مندان نشانه هایی برای اثبات ذکر/ثابت بودن خود/عدم نیاز به هیچ گونه اثبات/تاریخ تولد یک شخص ثابت است/تصمیم های آینده/خوشحالی از کار خیر/شرمندگی از کار شر/کمک خواستن از خدا/طلب بخشش از خداوند/اعمال توحید عبادی/تسبیح خدا/جبران گذشته/از خود دانستن رفتار گذشته/محور ثابت/حقیقت تغییر ناپذیر/قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد/ثبات هویت/ثبات خود/جاودانگی/کمالات نامحدود.

تیپ ۲: بازی با کلید های تیپ یک:

راه حل:

نکته:

بعد روحانی انسان قابلیت تغییر دارد در نتیجه ثابت ندارد. (تغییر = انقلاب، تحول)

بعد روحانی انسان قابلیت عوض شدن(تعویض) ندارد در نتیجه تجزیه و تحلیل هم ندارد. (عوض = جایگزین، جانشین)

دانش آموز: عه!!! آقا!!!! ای غفوری پس چرا کتاب درسی توی توضیحات (ثابت بودن خود) واسه اثبات وجود بعد روحانی گفته که:



((هر کس این را در درون خود می یابد که گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می کند، یک محور ثابت و حقیقت تغییر ناپذیر دارد که به پشتوانه

ی آن می گوید: گذشته آن گونه بودم و اکنون این گونه هستم))

مگه شما نگفتید بعد روحانی تغییر پذیری داره!!!؟

راست میگه دیگه شما دارید به ما اشتباه درس میدید!!



غفوری: صبر کنید بچه ها!!! قبل از این که من چیزی بگم این تست کنکور زبان ۹۲ رو بخونید:

زبان ۹۲: ثبات شخصیت انسان، دلیل ثبات بعد غیر مادی او که پیام ((ثبات شخصیت)) این است که روح آدمی نمی پذیرد.

(۱)نیست-تجزیه و تحلیل (۲)است-تجزیه و تحلیل (۳)نیست-تغییر و دگرگونی (۴)است-تغییر و دگرگونی

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

کلید سازمان سنجش: گزینه یک

با توجه به تستی که دیدید و بنده هم طراحی نمودم و تست کنکور به عنوان یک سند معتبر هست؛ باید بگیریم بعد روحانی تغییر می کند و ثبات ندارد (مثلاً شخصی که قبلاً دروغ می گفته الان دیگه دروغ نگو! خب این همیشه تغییر!) ولی کتاب درسی هم بی راه نگفته بچه ها! دقت کنید کتاب گفته: بعد روحانی حقیقتی تغییر ناپذیر است یعنی حقیقت وجود و خود اصلی انسان هیچ گاه از بین نمی رود و همیشه پایدار است نه این که منظور این باشه که بعد روحانی هیچ وقت نمیتونه منقلب بشه و مثلاً گناهان رو کم کنه فقط منظور این هست که بعد روحانی همیشه هست و نابود نمیشه!! گرفتی بابا؟!

تیپ ۳: سوالات ترکیب آیه با بعد های انسان:

راه حل:

تحلیل کامل دو آیه ابتدای درس:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

پیام: وجود انسان از دو بعد: جسمانی (مقدم-طین) و روحانی (موخر-روحی) / انسان چرا مسجود فرشتگان؟ بعد روحانی / اول خلقت سپس آراستگی

سپس دمیدن روح

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

پیام: وجود انسان از دو بعد مادی (جسمانی) و غیر مادی (روحانی) تشکیل شده / بعد روحانی خلقتی متفاوت دارد / مراحل: جنین - خون بسته - پاره

گوشت - استخوان - گوشت (عربی: نطفه - علقه - مضغه - عظام - لحم)

ریز تیپ الف: آیه میدن آیه میخوان:

مثال: سراسری ۹۵ ریاضی: با توجه به آیه شریف ((إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذِبًا مُّبِينًا)) خدای متعال بشر را از چه چیزی خلق کرده و چه زمانی او

شایسته سجده فرشتگان شده است؟

جواب: طین - فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي (مواظب باشید طراح در گزینه ها قسمت دوم آیه ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً را نداده باشد ...)

ریز تیپ ب: آیه میدن بعد میخوان:

مثال: سنجش ۹۲ و ۹۵: از تدبر در آیه شریفه ((إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي)) به دست می آید ...))

که وجود انسان از و سجده فرشتگان بر آدم پس از صورت گرفته است.

جواب: دو بعد جسمانی و روحانی و حقیقت انسان همان همان روح یا بعد روحانی اوست - و نفخت فیهِ مِنْ رُّوحِي

ریز تیپ ج: بعد یا پیام استخراجی میدن آیه میخوان: (مهم)

مثال: تالیفی غفوری احتمالی کنکور ۹۹:

به ترتیب از دقت در کدام آیه شریفه می توان به این مطلب رسید که:

(انسان دارای ارزش های قابل احترام است) ← إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا...

(تفاوت خلقت بعد روحانی با بعد جسمانی) ← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

(تمام مراحل آفرینش زیر نظر **خداوند** است) ← **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...**

(اهدای قدرت آفرینش به **سایر** مخلوقات) ← **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...**

(خودشناسی، مقدمه ی خداشناسی، که به **تجلیل** از خداوند ختم می شود) ← **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...**

(گفتگو خدا با فرشتگان **موقع** خلقت انسان) ← **إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا...**

(**اعجاز محتوایی** قرآن کریم از دلایل ختم نبوت) ← **ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...**

نکته: با توجه به عبارت (أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) می توان گفت که قدرت آفرینش در موجوداتی غیر از خدا که خود آفریده خدا هستند نیز قرار دارد مثلاً

حضرت عیسی می توانست دست به آفرینش زند!

نکته: فرشتگان در خلقت انسان با خداوند مشارکت نداشته اند ولی در حین آفرینش با خداوند صحبت داشته اند.

ریز تیپ د: ترکیب با سایر درس ها بدن:

مثال: با توجه به آیه ((و لقد کرمننا بنی آدم...)) کرامت انسان بر بسیاری از مخلوقات در گرو و اعطای این مقام به او نتیجه برخورداری او از

..... می باشد.

جواب: خوشتن شناسی-روح

تیپ ۴: سوالات رویاهای صادقانه (کلی)

راه حل: دانستن نکته زیر!!:

انسان، در این قبیل خواب ها، از ظرف زمان یا مکان خود خارج می شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می رود و یا در مکانی که تا به حال نرفته، قرار

می گیرد در حالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی بیند و نمی شنود. برخی از آن ها مطابق با **واقعیت** هستند و از یک رویداد

خارجی حکایت می کنند/ خبر از حوادث **گذشته** یا رویدادهای **آینده** می دهند یا نشان دهنده ی **مکانی** هستند که هرگز در بیداری آن جا را **ندیده** ایم.

مثال: سنجش ۸۶ و ۹۰: رویاهای صادقانه خواب هایی هستند که و دلیل بر است.

جواب درست: از حوادث آینده خبر می دهند یا بیانگر مکانی هستند که شخص آنجا را ندیده-غیر مادی بودن روح

جواب غلط: از حالات عمیق درونی انسان که ریشه در خلق و خوی او دارد خبر می دهند-ضمیر ناخودآگاه

تیپ ۵: تست های مفهوم شخصیت + تست های متن محور

راه حل: شخصیت تا میگویند یاد بعد روحانی بیوفت! و تموووووم! فقط یادت باشه شخصیت استدلالی نیست **منطقیه!** و هیچ وابستگی به جسم **نداره!**

کلید واژه ها چی بودن؟! کلید واژه های بعد روحانی:

مجرد/افلاکی(آسمانی)/مسجود فرشتگان/روح در آیات/خلق آخر در آیات/عدم تجزیه و تحلیل/عدم متلاشی شدن/بعد از مرگ باقی/عدم از دست دادن

آگاهی/عدم نیاز به زمان و مکان(نامحدود)/قوه ی تفکر و اندیشه/قدرت اختیار و تصمیم گیری/عواطف و احساسات/اخلاق/خود حقیقی/شخصیت

واقعی/دانش مندان نشانه هایی برای اثبات ذکر/ثابت بودن خود/عدم نیاز به هیچ گونه اثبات/تاریخ تولد یک شخص ثابت است/تصمیم های

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آینده/خوشحالی از کار خیر/شرمندگی از کار شر/کمک خواستن از خدا/طلب بخشش از خداوند/اعمال توحید عبادی/تسبیح خدا/جبران گذشته/از خود دانستن رفتار گذشته/محور ثابت/حقیقت تغییر ناپذیر/قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد/ثبات هویت/ثبات خود/جاودانگی/کمالات نامحدود.

مثال ۱: سنجش ۹۵: آن بخش از وجود انسان که هر کس درک روشنی از آن دارد و نیاز به اقامه استدلال ندارد نام دارد و

جواب: شخصیت - تجزیه و تحلیل نمی پذیرد و فرسوده نمی شود ولی تغییر می کند اما ایا حقیقتی است تغییر ناپذیر یعنی همیشه هست.

مثال ۲: سنجش ۸۸ و ۹۲ و ۹۴: ثبات در تعداد سلول های عصبی انسان و تغییر در عناصر آن دال بر انسان است.

جواب: دو بعدی بودن انسان

مثال ۳: سنجش ۸۶ و ۹۰ و ۹۱: اگر برخی انسان ها قسمت هایی از بدن خود را در حادثه ای از دست بدهند هیچ گاه احساس نمی کنند قدری از هویت

خودشان کم شده بیانگر این اس که:

جواب: شخصیت و هویت انسان چیزی مستقل از جسم اوست و حقیقتی است تغییر ناپذیر

تیپ ۶: تست های سوره یوسف:



دو دسته تست سوره یوسف در کل دین و زندگی دوم:

الف) تست های چهار رویای صادقه:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم دیدم [آنها] برای من سجده می کنند (۴)

رویای اول: مربوط به رویای حضرت یوسف (ع) در کودکی است که آن حضرت خواب دید 11 ستاره و خورشید و ماه بر او سجده می کنند.

و حضرت یعقوب (ع) آن را تعبیر کرد که 11 ستاره منظور برادرانش بوده اند و خورشید و ماه نیز مادر و پدرش بوده اند.

وَدَخَلَ مَعَهُ السَّبْجَنَ فَتَيَّانَ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خَبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِينًا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۳۶)

و دو جوان با او به زندان درآمدند [روزی] یکی از آن دو گفت من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم و دیگری گفت من

خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۳۶)

رویای دوم: یکی (اولی) خواب دید که انگور می فشارد و شراب می سازد. حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد به زودی آزاد می شود و از خواص

دربار می شود.

رویای سوم: دیگری (دومی) خواب دید که نانی بر سر می برد و پرندگان از آن می خورند حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد به دار آویخته می شود و

پس از مرگ لاشخورها سرش را سوراخ می کنند و از آن می خورند.

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابَسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبِرُونَ (۴۳)

و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده

دیگر ای سران قوم اگر خواب تعبیر می کنید در باره خواب من به من نظر دهید (۴۳)

رویای چهارم: خواب عزیز مصر بود که خواب دید هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می خورند و همچنین هفت خوشه سبز و هفت خوشه ی خشک را

هم دید حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد هفت سال پیاپی فراوانی خواهد بود و آبادانی خواهد شد و هفت سال بعد قحطی سختی در سرزمین مصر

خواهد شد و دستور داد در این هفت سال آذوقه ذخیره کنند

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.



ب) تست های ((پاکدامنی حضرت یوسف)): (درس ۱۲ دوم)

تورو خدا بچه ها همینجورک الیٰحکمد وآره حفظ نکنیدر شما باید بدونید داستان چیه!!

ابتدا آیات را فقط بخوان و هیچی حفظ نکن!!! فقط داستان رو میخوام بگیرم همین!

ذٰلِكَ مَكْنًا لِّيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَاْوِيْلِ الْاٰخَاذِيْثِ وَاللّٰهُ

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لَامْرَاَتِهِ اَكْرَمِيْ مَثْوَاهُ عَسٰى اَنْ يَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذٰلِكَ يَتَعَلَّمُوْنَ (۲۱)

و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت نیکش بدار شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندى اختیار کنیم و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم تا به او تاویل خوابها را بیاموزیم و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی دانند (۲۱)

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهُ اٰتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ (۲۲)

و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم (۲۲)

وَرَاوَدْتُهُ الْبَنِيَّاتِ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَلَّقَتْ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ!

و آن [بانو] که وی در خانه اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [ببباید] چفت کرد و گفت بیا که از آن توام [یوسف] گفت پناه بر خدا او آقای من است به من جای نیکو داده است قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند (۲۳)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاى بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوٓءَ

و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او میکرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود (۲۴)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَتٰى سَبَدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ

و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند آن گفت کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود (۲۵)

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِى عَنْ نَفْسِيْ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ اَهْلِهَا اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ

[یوسف] گفت او از من کام خواست و شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد اگر پیراهن او از جلو چاک خورده زن راست گفته و او از دروغگویان است (۲۶)

وَ اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ (۲۷)

و اگر پیراهن او از پشت دریده شده زن دروغ گفته و او از راستگویان است (۲۷)

فَلَمَّا رَاى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهٗ مِنْ كَيْدِ

پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت بی شک این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است (۲۸)

يُوسُفَ اَعْرَضَ عَنْ هٰذَا وَاسْتَعْفِفٰ لِذٰلِكَ اِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخٰطِئِيْنَ (۲۹)

ای یوسف از این [پیشامد] روی بگردان و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده ای (۲۹)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِيْنَةِ امْرَاَتُ الْعَزِيْزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهٖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرٰهٗ

و [دسته ای از] زنان در شهر گفتند زن عزیز از غلام خود کام خواسته و سخت خاطر خواه او شده است به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم (۳۰)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ اَرْسَلَتْ اِلَيْهِنَّ وَاَعْتَدَتْ لِهِنَّ مَتٰكًا وَاَتَتْ كُلَّ وَاجِدَةٍ مِنْهِنَّ سَكِيَّةً

إِلَّا مَلَكًا كَرِيْمًا (۳۱)

پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت نزد آنان [کسی] فرستاد و محفلی برایشان آماده ساخت و به هر یک از آنان [میوه] و [کاردی داد] و [به یوسف] گفت بر آنان درآی پس چون [زنان] او را دیدند وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دستهای خود را بریدند و گفتند منزّه است خدا این بشر نیست این جز فرشته ای بزرگوار نیست (۳۱)

قَالَتْ فذٰلِكَ الَّذِي كُنْتُ فِيْهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهٖ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا اَمَرْتُ

[زیلخا] گفت این همان است که در باره او سرزنش می کردید آری من از او کام خواستم [ولی] او خود را نگاه داشت و اگر آنچه را به او دستور می دهم نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشدگان خواهد گردید (۳۲)

قَالَ رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرَفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصَبُ إِلَيْهِنَّ وَ (۳۳) أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

[یوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد (۳۳)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۴)

پس پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ آن را از او برگردانید آری او شنوای داناست (۳۴)

ثُمَّ يَدَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُنَّ حَتَّىٰ جِئَ (۳۵)

آنگاه پس از دیدن آن نشانه ها به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند (۳۵)

وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي (۳۶) أُعْصِرُ خَمْراً وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأ

و دو جوان با او به زندان درآمدند [روزی] یکی از آن دو گفت من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم و دیگری گفت من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۳۶)

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأَكُمَا بِهِ (۳۷) أُوَيْلِيهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

گفت غذایی را که روزی شماست برای شما نمی آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می دهم پیش از آنکه [تعبیر آن] به شما برسد این از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده ام (۳۷)

وَأَتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي ابْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرِكَ (۳۸) بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكُمْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده ام برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم این از عنایت خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند (۳۸)

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَرَأَيْتَ إِذْ نَبَّأَكَ بِتَفْرِقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر (۳۹)

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمْ

شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده اید و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است فرمان جز برای خدا نیست دستور داده که جز او را نپرستید این است دین درست ولی بیشتر مردم نمی دانند (۴۰)

يَا صَاحِبِي السَّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمْ فَيسْتَقِي رَبُّهُ خَمْراً وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فَضِيءٌ الْأَمْرُ الَّذِي فِي (۴۱) بِهِ تَسْتَفْتِيَانِ

ای دو رفیق زندانیم اما یکی از شما به آقای خود باده می نوشاند و اما دیگری به دار آویخته می شود و پرندگان از [مغز] سرش می خورند امری که شما دو تن از من جویا شدید تحقق یافت (۴۱)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا ادْعُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَإِنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي (۴۲) السَّجْنِ بَضْعَ سِنِينَ

و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان میکرد خلاص می شود گفت مرا نزد آقای خود به یاد آور و [لی] شیطان یادآوری به آقايش را از یاد او برد در نتیجه چند سالی در زندان ماند (۴۲)

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأَخْرَبٍ يَا (۴۳) يَسَّاتِ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ الْأَعْيُنَ فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر ای سران قوم اگر خواب تعبیر می کنید در باره خواب من به من نظر دهید (۴۳)

قَالُوا أَضْعَافٌ أُخْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأُخْلَامِ بِعَالَمِينَ (۴۴)

گفتند خوابهایی است پریشان و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم (۴۴)

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (۴۵)

و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت مرا به [زندانی] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم (۴۵)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأَخْرَبٍ يَا بَسَاتِ (۴۶) أَرْجِعْ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

ای یوسف ای مرد راستگوی در باره [این خواب که] هفت گاو فربه هفت [گاو] لاغر آنها را می خوردند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم شاید آنان [تعبیرش را] بدانند (۴۶)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا (۴۷) كَلَّمْتُمْ
گفت هفت سال پی در پی می کارید و آنچه را درویدید جز اندکی را که می خورید در خوشه اش واگذارید (۴۷)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ
آنگاه پس از آن هفت سال سخت می آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده اید جز اندکی را که ذخیره می کنید همه را خواهند خورد (۴۸)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاتُّ النَّاسُ (وَقِيحًا) يَعْصِرُونَ
آنگاه پس از آن سالی فرا می رسد که به مردم در آن [سال] باران می رسد و در آن آب میوه می گیرند (۴۹)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَيَّ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النَّسْوِ
و پادشاه گفت او را نزد من آورید پس هنگامی که آن فرستاده نزد وی آمد [یوسف] گفت نزد آقای خویش برگرد و از او بپرس که حال آن زنانی که دستهای خود را بریدند چگونه است زیرا پروردگار من به نیرنگ آنان آگاه است (۵۰)

قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَأَوْتَنِي يُوسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلَّمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتْ
[پادشاه] گفت وقتی از یوسف کام [می]خواستید چه منظور داشتید زنان گفتند منزه ست خدا ما گناهی بر او نمی دانیم همسر عزیز گفت اکنون حقیقت آشکار شد من [بودم] که از او کام خواستم و بی شک او از راستگویان است (۵۱)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (۵۲)
[یوسف گفت] این [درخواست اعاده حیثیت] برای آن بود که [عزیز] بدانند من در نهان به او خیانت نکردم و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی رساند (۵۲)

وَمَا أَرْى نَفْسِي إِذْ رَأَوْتَنِي بِالنَّفْسِ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۵۳)
و من نفس خود را تبرئه نمی کنم چرا که نفس قطعاً به بدی امر می کند مگر کسی را که خدا رحم کند زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است (۵۳)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أُمِينٌ (۵۴)
و پادشاه گفت او را نزد من آورید تا وی را خاص خود کنم پس چون با او سخن راند گفت تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی (۵۴)

حالا کلید واژه های زیر رو حفظ کن:

کلید واژه ها:

معاذ الله (پناه به خدا بردن حضرت یوسف هنگام مواجهه با ارتکاب به گناه)

حکم/علم (هنگامی که یوسف به بلوغ رسید خدا حکمت و علم به ایشان عطا نمود)

نصرف سوء//تصرف کید (از ریشه صرف + سوء/کید) (نصرف سو هنگام درخواست کامجویی از یوسف) (تصرف کید هنگام زندان)

مخلصین/محسنین (مخلصین همراه با نصرف سوء) (محسنین همراه با تعبیر خواب دو زندانی)

خمرأ/خبزأ (تعبیر خواب دو زندانی اولی (خمرأ) ارج و مقام نزد پادشاه می یابد. دومی (خبزأ) به دار آویخته و پرندگان از سرش می خورند.)

سجن احب (زندان دوستی در مقابل انجام گناه)

سبع بقرات (تعبیر خواب پادشاه)

لم اخنه (عدم خیانت در غیاب عزیز مصر نشانه ی عفاف حضرت یوسف)....(احتمالی کنکور ۹۹)

تیپ ۷: نکات پراکنده:

نکته ۱: اگر روح انسان به فضیلت آراسته شود مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان و اگر به رذیلت ها تن دهد فرو رفتن تا اعماق جهنم

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دین و زندگی جامع کنکور ۹۹ ۱۰ به سبک مهدی غفوری

نکته ۲: قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه ی پذیرش من ثابت بنا شده اند.

نکته ۳: برخی از افراد در امکان معاد و چنین واقعه ی عظیمی در تردیدند. آنان که فکر می کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست، می گویند چگونه

ممکن است هم هی انسان ها، پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱ حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی شود بلکه

توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد.

۲ پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت

است. این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است.

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس دوم + پیش خوانی متن درس سه سال دوم



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از ۱۰۰۰ راضی نشو!

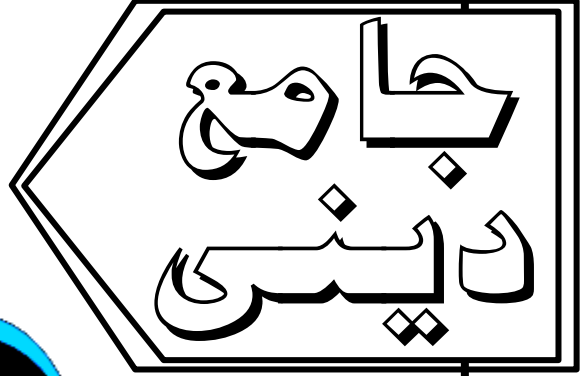
این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.



به نام جهان آفرین قادر و توانا

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ۵ پنجره ای به روشنایی

اولین پیامد نگرش الهیون، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

بررسی متن کتاب همراه با میکس آیات و متن:

دانستیم که در میان کاروان هستی، انسان ویژگی های منحصر به فردی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می کند. اکنون می خواهیم تأثیر این

ویژگی ها را در عاقبت و سرانجام او بررسی کنیم و پاسخ پرسش های زیر را به دست آوریم.

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

آیا آینده ی او با دیگر آفریده ها تفاوت دارد؟

آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می شود؟

یا پس از آن، زندگی به شکل دیگری ادامه می یابد؟

دو دیدگاه:

تولد:

رحمت الهی را به خانه ها می آورد.

ترکیب:

نرم شدن پیامبر با مردم به پرکت رحمت الهی

احساسات لطیف زن در سایه رحمت الهی

توبه دروازه ی رحمت الهی

کودکی که از مادر متولد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده

می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد. این کودک با بازی های کودکانه، زیر

نگاه پدر و مادر رشد می کند تا به دوره ی نوجوانی و جوانی می رسد. در این دوره، احساس استقلال

می کند، توانایی های جدیدی در خود می یابد و جدی بودن زندگی را لمس می کند. در می یابد که زندگی

آینده به تصمیم های امروز او بسته است. به تدریج تصمیم هایی می گیرد، سرد و گرم زمانه را می چشد،

فراز و نشیب های زندگی را طی می کند، دوره ی میان سالی و پختگی را هم می گذراند تا این که آثار

پیری و ضعف آشکار می شود. پس از گذشت زمانی، کم یا زیاد، مرگ می رسد و دفتر حیات این فرد در

دنیا بسته می شود؛ پدیده ای حتمی که فرا روی ماست و هیچ گریزی از آن نیست. انسان ها، معمولاً در

برخورد با مرگ دو دیدگاه دارند:

دیدگاه منکران معاد (نام دیگر در تست ها=دیدگاه اول یا دیدگاه مادی یا دیدگاه مادیون): (رمز=پایان، بسته، نیستی)

مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و

حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می شود. پیروان این دیدگاه هشدار قرآن کریم مبنی بر وجود معاد را نادیده می گیرند.

نوجوانی: احساس استقلال
فردیافتن توانایی های جدید
بلمس کردن جدی بودن
زندگی + فهمیدن اینکه زندگی
آینده به تصمیم امروز بستگی
دارد

میانسالی: پختگی را می گذراند

پیری: آشکار شدن ضعف

مرگ: پدیده حتمی فرا روی ما

سوالات:

یکی از انذارهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد، کدام است؟

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (توحید در خالقیت از ریشه ی خلق)

وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى (حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربان) (موقتی بودن جهان هستی) (نه روح وبعد روحانی انسان حواست باشد!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا معرضون (معرض=روی گردان)

معرضون ۲ جا داشتیم:

درس دوم سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان (بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت نکته جمع بندی آیات دینی دو درس دو: هرگاه قدر+سخن دیدی بزن: جهان دارای قانون مندی/هرگاه له اسلم دیدی بزن خروج از قانون مندی ها غیر ممکن است./هرگاه اجل مسمی دیدی سریع بزن قانون مندی های جهان موقتی است.

درس ۵ سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان (بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت به جمع بندی توپ واسه درس پنج سال دوم: هرگاه اجل مسمی دیدی بزن دنیا دارای سرآمد معین و دنیا دارای قانون مندی/هر وقت مصیر، رجع ی رجعون ترجعون رجعوا رجعن، اجل مسمی دیدی بزن معاد

۲ جا معرضون داشتیم اما به جا هم یعرضون داشتیم:

چرا خدا فرموده آفرینش این جهان جز بر پایه ی حق نیست؟ معاد / موقتی بودن دنیا (اجل مسمی)

و سرآمدی معین و مشخص

کافران از حکمت و معاد روی گردانند.

از آن چه انذار شدند (رو بگردانند).

آنان بر آتش عرضه می شوند

هر بامداد و شامگاه

و آن گاه که قیامت بر پا شود

ندا می رسد) وارد کنبدال فرعون را

در شدیدترین عذاب

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

وَأَجَلٍ مُّسَمًّى

وَالَّذِينَ كَفَرُوا

عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرَضُونَالنَّارِ يُعْرَضُونَ لِهَا

غُدُوًّا وَعَشِيًّا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ

أَشَدَّ الْعَذَابِ

ریشه اعتقاد مادیون؟ علم پذیرش روح

پیام آیات آیه دوم: از درس ۷ دینی دوم (يعرضون...)

بیانگر دوزخ و جهنم برزخی (سو+عذاب) و دوزخ اخروی و و معاد (اشد+عذاب) مشابهت زمانی دنیا و برزخ (حاق) (احاطه کرد) بال فرعون+غدوا+عشیا (روز و شب)) شدت عذاب آخرت به مراتب بالاتر از برزخ است. (اشد العذاب) منظور از ((یوم تقوم ساعه)) روز قیامت است و آیه در مورد سرنوشت قوم فرعون است.

پس هر جا معرضون دیدی بزن روی گردانی از دو چیز: ۱) حکمت خدا ۲) معاد که به کفر می انجامه ولی هر جا يعرضون دیدی (درس ۷ سال دوم) بزن آتش برزخ در مورد آل فرعون

زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟

قاعده یراغ:

ی: یرجون ر: رضو ا: اطمأنوا غ: غافلون

هرگاه یراغ دیدی در تست سریع بزن دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ و اسباب دوزخی شدن انسان و یاد آتیش و عذاب الهی که خیلی داغه که غ داره و یراغ که غ داره بیوفت. هی بگو یراغ که غ داره خیلی داغهمهه!

۱. إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

۲. وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

۳. وَ اطمأنوا بها

۴. وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ

+زندگی دنیوی بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.

+تلاش مستمر بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.

بما كانوا يكسبون

دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ (مادی گرایان) و فرجام این اعتقاد (ماوهم النار بما كانوا يكسبون)

اسباب و عوامل دوزخی شدن یا همون قاعده یراغ خودمون!:

(۱) غفلت از آخرت (لا یرجون لقاءنا)

(۲) دل بستگی و قناعت به دنیا (رضوا بالحیات الدنیا)

(۳) تکیه به زندگی دنیوی (اطمأنوا بها)

(۴) غفلت از نشانه های خداوند (عن آياتنا غافلون)

غفلت از نشانه های خداوند دلیل انکار معاد است.

زندگی دنیوی اگر بدون توجه به آخرت باشد سرانجام و عاقبتی جز عذاب الهی ندارد.

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد اول **نه دوم!** که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدام واسه کدام پیشامده اول یا دوم؟

پیامد اول:

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که گرایش به **جاودانگی**

دارد، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش **بی ارزش** می شود؛ در نتیجه:

به **یأس و ناامیدی** دچار شده،

شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد،

از دیگران **کناره** می گیرد

و به انواع **بیماری های روحی** دچار می شود.

گاهی نیز برای **تسکین** خود و فرار از ناراحتی، در **راهی** قدم می گذارد که روز به روز **بر سرگردانی و یأس او می افزاید.**

به طور کلی کلید های زیر رو بلد باشد:

(۱) ناامیدی

(۲) عدم شادابی

(۳) کناره گیری

(۴) بیماری های روحی

(۵) گاهی راهی سرگردانی (همشون تهشون ی دارن!!!)

زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و اینان درباره ی خود چه فکر می کنند؟

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ

بِالْأَخْسَرِينَ **أَعْمَالًا**

الَّذِينَ **صَلَّوْا** سَعِيَهُمْ

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

قاعده تمییز:

بعد از فعل (حَسَنَ) تمییز می آید. در این آیه داریم: **يُحْسِنُونَ صُنْعًا**

بعد از اسم تفضیل هم تمییز می آید. در این آیه داریم: **بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا**

در این آیه تمییز هابه همراه کلمه **قبلشان** همان کد های آیه هستند

حقیقت عمل از
بین نمی رود
فقط گم می شود!

وَهُمْ يُحْسِبُونَ

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صَنِيعًا

در مورد خودشان فکر می کنند که بهترین اند؛ شیطان با سواستفاده از فطرت خیرخواهانه انسان ها این پندار را شکل می دهد که عمل ناپسند خود را زیبا ببینند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ

فَحَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ

فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

ویژگی های غافلین از مرگ و جهان پس از مرگ و سرنوشت آنها دو تا داشتیم:

یک دسته اونایی که کلاً فقط عاشق دنیا و مال اندوزی و غفلت از آیات خدا بودن و قاعده ی یراغ

(لا یرجون—+رضوا+اطمننوا+غافلون—) رو دقیق اجرا می کردن و در انتها وارد نار(آتیش) داغ داغ میشدن چون یراغ هم غ— داشت!!!

و اما یک دسته دیگه هم داشتیم که تو آیه بالا اومده: اونایی که سعی می کنن و تو آیه مربوط بهشون هم ما کلید سعی رو داریم ولی چون به نشانه های پروردگار شون و دیدارش کفر ورزیدن بنابراین سعی و کوشش شون تباه و ضل شد! (ضَلَّ سَعْيُهُمْ)

زیان کارترین انسان ها:

(۱) تلاش ایشان در دنیا منجر به نتیجه نمی شود. ضَلَّ سَعْيُهُمْ

(۲) گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند که اشتباه است. أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صَنِيعًا

(۳) به نشانه های خداوند و دیدار او کفر ورزیدند. كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ

تکنیک حفظ:

ض ی ان ک ار ترین؟

ض=ضل سعیهم ی=یحسنون صنعا ک=کفروا بایات و لقاء

سرنوشت زیان کارترین افراد:

۱) اعمالشان تباه و نابود می شود. **فَحَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ**

۲) در رستخیز اعمالشان مورد سنجش قرار نگرفته و کاملاً رد می شود و وزنی برای اعمالشان وزنی قرار نمی گیرد

چون تباه شده اند. **فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا**

حواست جمع باشد:

یه دونه تباه داشتیم توی ویژگی های زیان کار ترین افراد که ((ضل سعيهم فی الدنيا)) بود و يدونه تباه و نابود هم توی سرنوشت همین افراد داشتیم که ((حبطت اعمالهم)) بود.

زیان کارترین افراد نه دنیا را دارند(فی الدنيا) و نه آخرت را(فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا)

ظرف تحقق آیه =روز قیامت

یکی از وقایع مرحله دوم وقوع قیامت سنجش اعمال است که برای کافران هیچ عملی سنجیده نمی شود.

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد دوم نه اول! که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدام واسه کدام پیشامده اول یا دوم؟

گروهی نیز می کوشند که راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند، خود را به هر کاری سرگرم می سازند

تا آینده ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

خداوند در قران این گروه از مادی گرایان را زیان کارترین مردم معرفی می کند.

آیات اندیشه و تحقیق : مربوط به دیدگاه اول یا دیدگاه مادیون

ان هی الا حیاتنا الدنیا... ما نحن بمبعوثین: دیدگاه اول را درباره مرگ نشان می دهد و در مورد کسانی است که در زندگانی سرگرم شده و مرگ را پایان زمدگی می دانند.

ارسلنا... ان اعبدوا: هدف از ارسال پیامبران پرستش خداوند می باشد(هدایت تشریعی)

سخن اشراف کافر که معاد را انکار می کنند:

۱) هر پیامبر صرفاً انسانی مثل ما است. (ما هذا الا بشرا مثلکم)

وَقَالَ الْمَلَأُ: (اشراف)

۲) اطاعت از پیامبران موجب خسران می شود. (لئن اطعتم... لخاسرون)

ویژگی های اشراف:

(۱) کفر به خدا (کفروا)

(۲) تکذیب قیامت (کذبوا بقاء الاخره)

(۳) بهره مندی از نعمت های دنیوی (اترفنا=مرفه ساختیم فی حیاة الدنیا)

(۴) انکار نبوت (ما هذا الا بشرا مثلکم)

یعدکم+اذا متم و کنتم ترابا+مخرجون+لما توعدون: انکار معاد جسمانی توسط مادی گرایان

مالکم اله غیره=توحید در ربوبیت(رب و اله=توحید در ربوبیت)

ان اعبدوا+توحید در عبادت

۳. با مطالعه و دقت در آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره ی مؤمنون، توضیح دهید این آیات بیانگر کدام تفکر درباره ی مرگ است؟

این آیات بیانگر عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

← تقوا لازمه نظام الهی

فَازْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهِ غَيْرُهُ اَفَلَا تَتَّقُونَ

توحید عبادی بعد اجتماعی

و در میانشان پیامبری از خودشان فرستادیم که خداوند را بپرستید، برای شما هیچ معبودی غیر از او نیست، پس آیا تقوا پیشه نمی کنید؟

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاِلْقَاءِ الْاٰخِرَةِ وَاْتَرَفْتَاهُمْ فِي الْحَيٰةِ الدُّنْيَا

توحید عبادی بعد اجتماعی

و اشراف قومی که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند و در زندگی دنیا آن ها را مرفه ساختیم، گفتند

مَا هٰذَا اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ

این (مرد) جز بشری همانند شما نیست، از آن چه می خورید، می خورد و از آن چه می نوشید، می نوشد.

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلُكُمْ اِنَّكُمْ اِذَا لَخٰسِرُوْنَ

تحقق

و اگر بشری مثل خودتان اطاعت کنید، قطعاً در آن صورت زیان کارید.

اَبْعِدُكُمْ اَنْتُمْ اِذَا مِئْتُمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا اَنْتُمْ مُّخْرَجُونَ ۱۴

آیا وعده

آیا به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید(باز) شما (زنده می شوید و از خاک) بیرون آورده می شوید؟

(هَيٰهَاتَ هَيٰهَاتَ لِمَا تُوعَدُوْنَ)

چه دور است، دور است، آن چه وعده داده می شوید.

اِنَّ هِيَ اِلَّا حَيٰتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوْثِيْنَ

منحصر دانستن حیات به دنیا (نگاه مادی)

جز این زندگی دنیایی ما، چیزی نیست: (عده ای) می میرند و (عده ای) زندگی می کنیم و ما برانگیخته نخواهیم شد.

پیامد های دیدگاه اول:

این دیدگاه با میل به جاودانگی تناقض و تعارض دارد و معتقدین این دیدگاه به بن بست می رسند.

نتایج پیامد اول (گروه اول مادی گرایان):

بین میل به جاودانگی و بی ارزش شدن زندگی چند روزه ی دنیا و کفر به آیات پروردگار و لقای او رابطه ی علیت برقرار است که عنوان هر یک به ترتیب و و است.

علت - معلول - معلول

معلول-علت-علت

بی ارزش شدن زندگی

دچار یاس و نا امیددی

از دست دادن شادابی و نشاط زندگی

کناره گیری از دیگران

ابتلاء به انواع بیماری های روحی

قدم گذاشتن در راه های خلاف جهت چی؟ جهت تسکین خود و فرار از ناراحتی

گروه دوم راه غفلت از مرگ را پیش می گیرند و خود را به هر کاری سرگرم می کنند تا آینده تلخ خود را فراموش کنند.

نتایج پیامد دوم (گروه دوم مادی گرایان):

انجام هر کاری برای فراموشی آینده تلخ خود = غفلت از مرگ با هدف فراموش کردن آینده ی تلخ خود

قرارگیری در زمره زیان کارترین افراد (طبق قران کریم)

نکته: عامل اصلی بی توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از آن چیست؟ میل به جاودانگی انسان ها

دیدگاه پیامبران الهی یا دیدگاه دوم یا دیدگاه معتقدان به معاد:

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند بلکه آن را غروبی می دانند

که طلوعی درخشان تر در پیش دارد یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک هستی (دنیا) به هستی

بالتری (آخرت) منتقل می کند. رسول خدا فرمود:

برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان

دیگر منتقل می شوید.

از ایشان پرسیدند: با هوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند .

امیر مؤمنان فرمود:

ای مردم! آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را ملاقات می کند. دوران زندگی میدان از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می باشد.

سوالات:

چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان **جز بر پایه ی حق نیست**؟

ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (توحید در ریشه ی خلق)

وَمَا بَيْنَهُمَا **إِلَّا بِالْحَقِّ** و اجل مسمی (حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربون) (موقتی

بودن جهان هستی) (نه روح و بعد روحانی انسان حواست باشه!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْزَلُوا **مَعْرُضُونَ** (معروض=روی گردان)

گزینه نادرست برای این سوال:

خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هرکس پاداش آنچه انجام داده است را بیابد در حالی که به ایشان

ظلم و ستم نمی شود. (آیه: خلق+الحق+لتجزی+لایظلمون)

گزینه صحیح برای این سوال:

چون آفرینش آسمان ها و زمین دارای سرآمد و پایان مشخصی است و کسانی که کافر شدند از حکمت خداوند و

حق و هدفمند بودن جهان و دارای سرآمد و اجل مسمی بودن جهان هستی روی گردانند.

آیا خداوند فقط همین دنیا را آفریده است؟

خیر زیرا:

۲ آیه مهم:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ دعوت خدا به سیر در زمین برای فهمیدن قدرت الهی (گردش در زمین برای عبرت گرفتن)
دعوت خدا به سیر در زمین برای درک آفرینش مجدد آن (گردش در زمین برای عبرت گرفتن)

فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ خدا همان گونه که آفرینش را آغاز نمود بر خلقت جهان آخرت توانایی دارد
وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قدرت نامحدود خدا (قدیر)

نتایج سیر و گردش در زمین:

(۱) درک چگونگی پیدایش دنیا

(۲) مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

(۳) مشاهده قدرت خداوند

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَنْظُورٌ مَلَكُوتٌ دُنْيَا (تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ اِگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

وَ اِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ مَقٰیسه دنیا و آخرت که آخرت پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است.

لِلهِ الْحَيٰوةِ الْاٰخِرَةُ اِختصاص زندگی راستین به آخرت مشروط به آگاهی و معرفت مستمر است.

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ رسول خدا: برای نابودی و فنا خلق نشده اید بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شوید

یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می شود، چیست؟

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ

وَ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ نِظام پاداش و جزا از نتایج برحق بودن جهان خلقت (مربوط به انسان)

وَلِ تَجْزٰی كُلُّ نَفْسٍ تَحَقُّقَ عَدٰلَتِ اللّٰهِ

بِمَا كَسَبَتْ حِکْمَانِه بودن نظام خلقت ، با دریافت بازتاب اعمال انسان ها رقم می خورد (عدالت نتیجه حکمت)

وَهُمْ لَا يُظَلَّمُونَ

چه تفاوت های مهمی میان دنیا و آخرت وجود دارد؟

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَنْظُورٌ مَلَكُوتٌ دُنْيَا (تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ اِگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

ما + الا همیشه معنی فقط می دهد....زندگی دنیوی فقط برای لهو و لعب است.

وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ مَقَابِسَهُ دُنْيَا وَ آخِرَتِ كِهَ پَاسِخْگُوی مِیل بَه جَاوَدَانْگِی اِنْسَانِ اسْت.

آخرت: محل زندگی واقعی+سرای پاداش+برتر از زندگی دنیوی ولی دنیا: بازیچه و سرگرمی و سرای عمل که خوشی ها و سختی های آن در مقایسه با آخرت تنها یک بازیچه است (لهو و لعب) و بسیار کوتاه مدت و کم اثر می باشد.

لِئِهِيَ الْحَيَاةُ اِخْتِصَاصُ زَنْدِگِی رَاسْتِیْنِ بَه آخِرْتِ مَشْرُوطِ بَه آگَاهِی وَ مَعْرِفْتِ مَسْتَمِرِّ اسْت.

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

چه کسانی در این جهان دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی شوند؟

نتیجه

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ

فَلَاخُوفَ عَلَيْهِمْ: رفع ترس=شجاعت
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: رفع ناامیدی=نشاط

می دهد

مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا

ویژگی افرادی که دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی شوند:

(۱)ایمان به خدا (۲)ایمان به رستاخیز(معاد) (۳)انجام عمل صالح

فَلَاخُوفَ عَلَيْهِمْ: رفع ترس=شجاعت ارتباط با کلام امام حسین "من مرگ را جز سعادت"

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: رفع ناامیدی=نشاط

چگونه می توان یک زندگی نتیجه بخش و پر ثمر داشت؟

وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

وَ سَعَى لَهَا سَعِيهَا

وَ هُوَ مُؤْمِنٌ

فَأُولَئِكَ كَانَتْ لَهُمْ مَشْكُورًا

لازمه زندگی پر ثمر؟ آرادَ الْآخِرَةَ+ سَعَى لَهَا سَعِيهَا+ هُوَ مُؤْمِنٌ

شرایط قبول اعمال انسان توسط خدا؟ آرادَ الْآخِرَةَ+ سَعَى لَهَا سَعِيهَا+ هُوَ مُؤْمِنٌ

ارتباط با کلام امام حسین (من مرگ را)/ شیرین تر از غسل بیان کردن طعم مرگ توسط قاسم (ع)

پیامدهای دیدگاه دوم یا دیدگاه الهیون:

پیامد اول:

اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از **بن بست و باز شدن** پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت **خستگی ناپذیر** است و از کار خود لذت می برد. او با

تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند،

آخرت او زیباتر خواهد بود. **حضرت علی** علیه السلام روزها به نخلستان می رفت و به حفر چاه

مشغول می شد و وقتی به آب می رسید، در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود، آن را **وقف** می کرد

و در اختیار عموم مردم قرار می داد. گاه زمین بزرگی را انتخاب می کرد و به کاشتن نخل می پرداخت

و وقتی کار به انجام می رسید، آن را **وقف مردم و به خصوص محرومان** می کرد.

رمزها: بیرون از بن بست+شور و نشاط+تلاش در خدمت به خلق خدا+وقف مردم به ویژه محرومان+حضرت علی

و حفر چاه

اثر ۲ این نگرش، **نهراسیدن** از مرگ و آمادگی برای **فداکاری** در راه **خداست**.

خداپرستان حقیقی (چرا برخی از افراد با این که بیان می کنند آخرت را قبول دارند و از لحاظ فکری آن را پذیرفته

اند، تلاش چندانی برای آن جهان نمی نمایند و در زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟ زیرا

ممکن است برحسب عادت یا تقلید یا به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هم هست اینان **خداپرستان حقیقی**

نیستند و دارای ایمان قوی نمی باشند و معاد را صرفاً به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلباً بدان نگریده اند.))

گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند، اما به آن **دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را**

ناگوار نمی دانند آنان معتقدند که مرگ برای کسانی **ناگوار و هولناک** است که: **زندگی را محدود به**

دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند. نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا

نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند **عمر طولانی** می خواهند تا بتوانند در این جهان با

تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر

بهشت نائل شوند. از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از **حق و مظلوم** و فداکاری در

راه **خدا آسان تر** شود و **شجاعت** به مرحله ی **عالی** آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ

و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود،

راه **آزادی** انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که حضرت امام حسین در دو راهی ذلت و

شهادت قرار گرفت، **شهادت** را برگزید و فرمود:

إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً من مرگ را جز سعادت، **مرگ با عزت**



و الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ و زندگی با ظالمان را جز ننگ

إِلَّا بَرَمًا و خواری نمی بینم. **زندگی با ذلت**

یک مثال دیگر:

شب عاشورا حضرت قاسم فرزند حضرت امام حسن علیه السلام نزد عمویش آمد و پرسید:

عموجان آیا من هم شهید می شوم؟

امام به جای جواب، پرسید: چنین رفتنی پیش تو چگونه است؟

جواب داد: **شیرین** تر از عسل! (((إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً)))

امام فرمود: آری، تو هم شهید خواهی شد.

یادداشت های من درس ۵:

.....

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ششم (آینده روشن)

پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به **حیات برتر** می دانند. (لحی الحیوان)

قانون عقل و خبر پیامبران:

اگر سیم برقی را که بدون حفاظ است، بر دیوار منزل خود مشاهده کنیم و یکی از اعضای خانواده به ما خبر دهد که در آن برق جریان دارد، از دست زدن به آن خودداری می کنیم. زیرا در این گونه موارد از یک **قانون عقلی** پیروی می کنیم که می گوید **دفع خطر احتمالی لازم است**.

حال اگر با خبری مواجه شویم که از **قطعی ترین خبرهاست**، با آن چگونه برخورد می کنیم؟ آن هم خبری که درباره ی زندگی ابدی ماست.

مهمترین خبری که **انبیاء** درباره ی آینده ی بشر آورده اند، خبر از معاد و سرای آخرت است. همه ی آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را **لازمه ی ایمان به خدا دانسته اند**. قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از آخرت یاد می کند که جای هیچ شک و شبه های را باقی نمی گذارد. در این کتاب الهی، بعد از توحید و یکتاپرستی، درباره ی هیچ موضوعی به اندازه ی معاد **سخن نرفته است**. حدود ۲۵ درصد آیات قرآن کریم به موضوع معاد اشاره دارد. **اول توحید بعداً معاد**

کدام یک از آیات ابتدای درس خبر از جهان آخرت به ما می دهد؟ در

این آیه بر چه نکاتی درباره ی قیامت تأکید شده است؟

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تَقَدَّمَ مَحَبَّتَ بَرِّ بِيْزَارِي ؛ يِغَانِكِي خِدا در همه ی ابعاد

لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ حَاكِمِيَّتِ تَدْبِيْرِي حِسَابِ شُدَّةِ دَرِ جِهَانِ خَلَقْتِ ضَرْوْرَتِ بَرِّاِيِي قِيَامَتِ رَا اِيْجَابِ مِي كَنْدِ
قطعیت موضوع معاد و رستاخیز (لا ريب فيه)

وَمَنْ أٰصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا صَادِقَ الْقَوْلِ بُوْدُنِ خِدا

قاعده عقلی: دفع خطر احتمالی لازم است.

در جواب: چرا ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهد؟

الله=محبت(تولی)

لا اله=بیزاری(تبری)

ایمان به معاد لازمه ایمان به خداست: **يَوْمِ الْقِيَامَةِ + اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**

از ریشه جمع دیدی=معاد جسمانی و روحانی=حقیقت معاد

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا لَا رَيْبَ فِيهِ *ظاهر از تردید بودن معاد بفاطر صادق القول بودن خداوند*

معلول

عدل

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده و بارها با دلیل و برهان ضرورت آن را ثابت کرده است. از جمله راه هایی که قرآن کریم برای بیان ضرورت معاد بر آن ها تأکید کرده است، عبارتند از:

ضرورت معاد=چرا باید معادی باشد؟

۱ حکمت الهی

۲ عدل الهی

ضرورت معاد براساس حکمت الهی

حکیم کسی است که کارهایش **هدفمند** است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود. از

این رو خدای حکیم، مرتکب کار **عبث** و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از **جهل و نادانی** سرچشمه

می گیرد. هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن **هدف** را هم به او عطا می نماید و اگر

تمایلات و گرایش هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است. به طور مثال، در مقابل

احساس تشنگی و گرسنگی حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند.

حال اگر به وجود خود توجه کنیم، می بینیم که هر انسانی **گرایش به بقا و جاودانگی** دارد و از

مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد.

همچنین هر انسانی **طالب و خواستار** همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدی محدود نمی شود.

او **به دنبال** پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست. (**صَفَرَاتُ لِبْرَاهِيمَ: لَا أُصِيبُ الْإِلْفِينِ**)

حکیم کیست؟ کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح منتهی میشود

دنیايي که در آن زندگي می کنيم و عمر محدود انسان ها پاسخ گوی اين گونه **نیاز** ها نيست . نمی شود که خداوند **عشق** به **خود و حیات ابدی** را در وجود کسی قرار دهد و سپس او را در حالی که مشتاق اوست، از هستی ببندد. نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از **رشد و کمال** برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگي آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکيم محال است و هرگز سر نخواهد زد.

کلید های ضرورت معاد براساس حکمت الهی:

هدفمند/عبث/هدف/تمایل/گرایش/احساس/طالب/خواستار/به دنبال/عشق به خدا و حیات ابدی/رشد/کمال/نیاز/بینهایت

أَفَحَسِبْتُمْ؟ بیان ضرورت تحقق معاد از طریق طرح استفهام انکاری پرسش از منکران معاد

أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ضرورت - حکمت (عبث) توמיד فالقیت فلقت مکیمانه و هدف دار

وَأَنْتُمْ آئِنَا لَا تُرْجَعُونَ بازگشت به سوی خدا کاروان هستی از فداست و رو به سوی فدا دارد.

مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا **بَاطِلًا** ضرورت - حکمت

ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ **كَفَرُوا** چه کسانی آفرینش آسمان و زمین را باطل می پندارند؟ یکی از مصادیق کفر مکیمانه ندانستن نظام آفرینش است

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ **عِقَابٌ** بِي **اعْتِقَادِي** به قیامت (ذلک ظن) بیم دادن فدا به کافران

وجود دو ویژگی **گرایش به بقا و جاودانگی و خواستار کمالات بی نهایت بودن** در انسان اثبات کننده ی معاد در پرتو **حکمت الهی** است.

عدل = قسط = میزان

ضرورت معاد براساس عدل الهی:

عدل یکی از **صفات الهی** است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است.

رسول خدا می فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ **وَأَسْمَانُ** ها و زمین براساس عدل پابرجاست.

زندگي انسان ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که

هرکس را به آن چه **استحقاق** دارد برساند و حق کسی را ضایع نگرداند.

اما زندگي انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد .

زیرا:

الف **پاداش** بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست.

همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده

است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسر نیست.

ب **مجازات** بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده اند در این دنیا عملی نیست. برای مثال،

مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادهای بسیاری از انسان ها

شده است، در این جهان ممکن نیست. و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش

برسانند و حق مظلوم را باز ستانند، بر نظام عادلانه ی خداوند ایراد وارد می شود.

کلید های ضرورت معاد براساس عدل الهی:

استحقاق / پاداش / کیفر / قسط / میزان / ام نجعل / لایظلم / مجازات / عدم قابلیت جبران / استعداد / ک در آیات

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ - ضرورت - عدل (ام نجعل)

فِي الْأَرْضِ **أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ** عدم برابری اهل ایمان و عمل صالح با مفسدان و پرهیزکاران با بدکاران در پیشگاه خدا

نظام عادلانه جهان = وعده خداوند (هر کس به آنچه استحقاق دارد می رسد + حق کسی ضایع نمی گردد)

لتجزی کل نفس بما کسبت و هم **لایظلمون - ضرورت - عدل**

نکته: هر گاه از ریشه کسب کلمه ای در آیات آمد اشاره داره به نتایج بازتاب اعمال خودمان.

امکان معاد جسمانی:

چگونه ممکن است که با وجود مرگ و پوسیده شدن انسان دوباره زنده شود و جسم داشته باشد.

کدام گروه از افراد در امکان معاد جسمانی تردید می کنند؟ آنان فکر می کنند حقیقت انسان همین

بعد جسمانی اوست.

چگونه ممکن است که همه انسان ها پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱ حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ **نابود** نمی شود بلکه

توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد. (توفی)

۲ پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به **امکان** آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت

است. این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است. (امکان

معاد جسمانی)

(۱) **قدرت** بی پایان (قادرین)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوِّيَ بَنَانًا

معنی: آیا آدمی می پندارد که ما استخوانهایش را گرد نخواهیم آورد؟ آری، ما **قادر** هستیم که سر انگشتهایش را برابر کنیم.

اشاره به قدرت نامحدود خدا (ایحسب - قادر)

(۲) به دلیل **آفرینش نخستین** انسان (حی) امکان معاد با تمثیل

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِي م قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

معنی: در حالی که آفرینش خود را از یاد برده است، برای ما **مثل** می زند که چه کسی این استخوانهای پوسیده

را زنده می کند؟ بگو: کسی آنها را زنده می کند که در **آغاز بیافریده** است، و او به هر آفرینشی **دانا**ست.

(۳) به دلیل رستاخیز در **طبیعت** (میت)

مرحله دو قیامت

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

معنی: خداست که بادهای را می فرستد تا ابرها را برانگیزند و ما آنها را به سرزمینهای مرده می رانیم و زمین مرده را

به آن زنده می کنیم زنده گشتن در روز **قیامت** نیز چنین است.

نکته **مرگ**: در تست زنی و کنکور سراسری اگر هر دو کلمه "حی" و "میت" وجود داشت اولویت

با "میت" است یعنی: رستاخیز در طبیعت.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

معنی: زنده را از مرده بیرون آورد و مرده را از زنده و زمین را پس از، مردنش زنده می سازد و شما نیز این چنین از گورها بیرون شوید

اشاره به نظام مرگ و زندگی طبیعت / قیامت در مرحله دوم

پایان درس ششم سال دوم

یادداشت های درس ششم:

...

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس هفتم (منزلگاه بعد=برزخ)

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ خبر می دهد، به نام برزخ

برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ نیز میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می شوند و تا قیامت در آن جا می مانند.

و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون

عالم برزخ میان دنیا و آخرت است.

انسان ها پس از مرگ وارد برزخ می شوند.

مدت حضور در عالم برزخ تا زمانی است که قیامت برپا گردد.

ویژگی های برزخ:

1) پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است توفی می کنند، یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می کنند.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمْ لَمَلَائِكَةٌ

شاخ نکته: آیه ای که ((ان الذین)) + ((توفی)) دارد آخرش به ((ساءت مصیرا)) ختم می شود و درباره ی ستم بر خود توسط گناهکاران و توجیه آنان درمورد اظهار ناتوانی بر ترک گناه و فرار از مسئولیت. اینجوری بگو که یادت نره!! خدا ظالمین رو قطعاً قطعاً (ان) مجازات میده!!

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ مَلَائِكَةٌ طَيِّبِينَ

شاخ نکته: آیه ای که ((الذین)) + ((توفی)) دارد آخرش به ((ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون)) ختم می شود و سخن فرشتگان به پاکان در برزخ که بدلیل اعمال نیک مستمر دنیایی پاکان وصول به بهشت برزخی یافته اند.

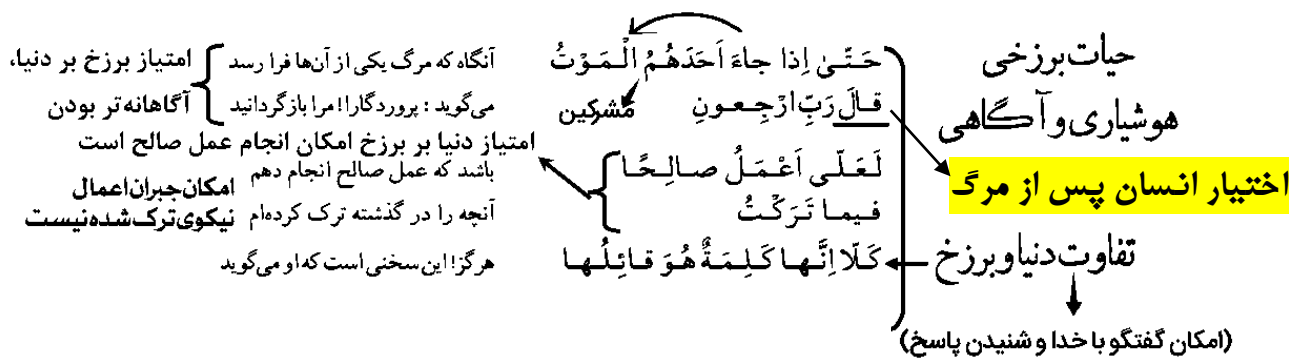
غول نکته!

توفا: جهنم برزخی

تتوفا: بهشت برزخی

نکته ی توفی در اندیشه و تحقیق درس: توفی به معنای دریافت تمام و کامل است و کاملاً مربوط به بعد روحانی و غیرمادی انسان است و کاربرد آن برای مرگ انسان و دریافت روح توسط فرشتگان بیانگر این واقعیت است که حقیقت وجود انسان فقط روح است زیرا در هنگام مرگ فقط روح انسان گرفته می شود؛ اما به تعبیر قران همه ی وجود انسان گرفته می شود و این خود به معنای حقیقت بودن روح است.

2) بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می دهد، اما روح همچنان به **فعالیت آگاهانه** ی خویش ادامه می دهد. (فعالیت آگاهانه=هوشیاری و آگاهی) (رمز=قال+ارجعون)



غول نکته ی دینی (!): طبق متن درس داریم:

ظرف تصفوق

توفی می دهد = فعالیت آگاهانه روح در عالم برزخ

معلول

عدت

برزخ در کلام پیامبر

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن

کشتگان را ندا داد: ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا

شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ (زندگی و حیات آگاهانه برزخ)

گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟

فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما **شنواترند**، و فقط بر

پاسخ دادن توانا نیستند. (افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)

3) در این عالم، انسان با فرشتگان گفتگو می کند و پاسخشان را می شنود. همچنین

اموری را **درک و مشاهده** می کند که درک آن ها در دنیا ممکن نبود. به طور مثال، اعمالی

را که در دنیا انجام داده، مشاهده می کند. (شاخ نکته: گفتگو با خدا در آیه دیدی) که همراه با درخواست بازگشت به دنیا است) سریع بزن فعالیت آگاهانه ولی اگه گفتگوی فرشتگان با انسان دیدی یعنی از ریشه ی **قال** همراه با **ملائکة** در آیه دیدی بزن گفتگو با فرشتگان یا درک و مشاهده امور غیر قابل درک در دنیا که با مشاهده اعمالی که در دنیا انجام شده است متناسب است.))

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَلَائِكَةُ
(ظالمی آنفیسیم) ← ستمگران = گناهکاران = سدادگران
اولین سؤال فرشتگان از گناهکاران در برزخ
فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا فیم کنتم
گناهکاران به فرشتگان مرگ در برزخ ← قالوا کنا مستضعفین فی الارض ← توجیه گناهکاری خود
فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا ألم تکن أرض الله واسعة ← انسان مسئول اعمال خود است و
عذرویهانه پذیرفته نیست
فَسُجِّرُوا فِيهَا
فَأُولَئِكَ مَا أَوْهَمُ جَهَنَّمَ
وَسَاعَتٌ مَّصِيرًا

بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود
به دلیل قابلیت جزای پس برزخ وسیعتر از دنیا است.
نساء، ۹۷

الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ طِبَسًا
فرشتگان مرگ به طیبین در برزخ ← يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
معلول [به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.
برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود
ادخلوا الجنة
بما کنتم تعملون [علت
کان + فعل مضارع = استمرار
تجل، ۳۲

برزخ در کلام پیامبر:

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد: ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ **(زندگی و حیات آگاهانه برزخ)**

گفته شد: ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی در حالی که مردگان اند؟

فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما **شنواترند**، و فقط بر

پاسخ دادن توانا نیستند. **(افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)**

برزخ در کلام امام کاظم:

امام کاظم (ع): کمیت فضایل تعیین کننده کمیت دیدار مومن با خانواده اش است
مومن بر حسب مقدار فضیلت هایش پس از مرگ به دیدار خانواده اش می رود برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و **کمترین** آنان هر **جمعه**. (فعالیت آگاهانه و هوشیاری و آگاهی انسان در برزخ

3) بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود به دلیل قابلیت جزایس برزخ و سיעتر از دنیا است.

برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.

فَأُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ
وَ سَاءَتْ مَصِيرًا

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ [علت
گان + فعل مضارع = استمرار
نحل، ۳۲

موسی

پس خدا او را حفظ کرد

از بدی های نیرنگ آنان

و احاطه کرد آل فرعون را

بدترین عذاب. «جهنم برزخی»

آنان بر آتش عرضه می شوند

هر بامداد و شامگاه

و آن گاه که قیامت بر پا شود

(ندا می رسد) وارد کنید آل فرعون را

در شدیدترین عذاب «جهنم قیامت»
غافر، ۴۵ و ۴۶

فَوَقَاةَ اللَّهِ

سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا

وَ حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ

سُوءُ الْعَذَابِ

النَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا

← تشابه زمانی دنیا و برزخ

غُدُوًّا وَعَشِيًّا

وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

ادْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ

أَشَدَّ الْعَذَابِ

قیامت

کل آل فرعون نه فقط فرعون را

برزخ در کلام امام صادق:

جایگاه برزخی عمل: (عمل انسان همراه همیشگی اوست و تا قیامت با او می ماند).

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و

به او می گوید: ای فلان، ما در دنیا سه چیز بودیم: رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک

همراه تو نیست خانواده ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم. آگاه

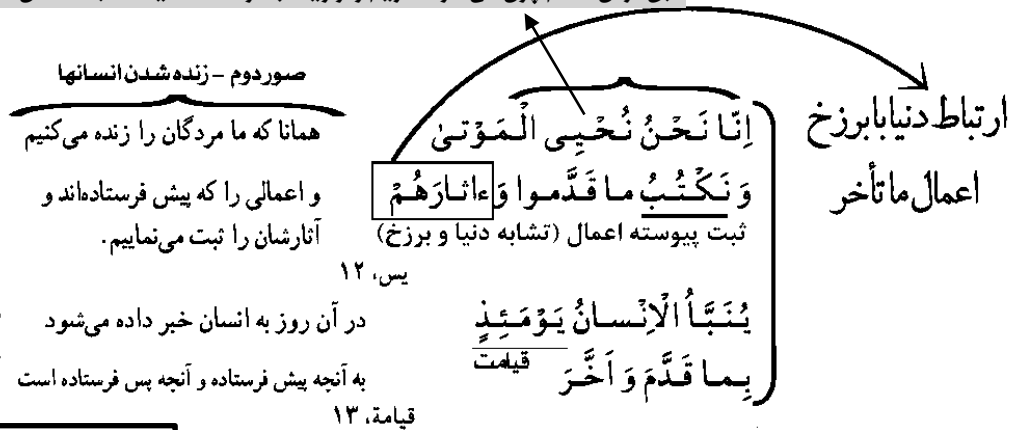
باش (فعالیت آگاهانه انسان در برزخ) که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر
بودم.

4) ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز هم چنان برقرار است، بدین معنا که پرونده ی اعمال انسان ها با مرگ بسته نمی شود و پیوسته بر آن افزوده می گردد. همان گونه که قرآن کریم می فرماید، اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می ماند. آثاری را که بعد از مرگ از اعمال انسان بر جا می ماند **ما تاخر** می نامند یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده ی عملش همچنان **گشوده** است و آثار عمل در آن ثبت می گردد. همچنین به اعمال و آثاری که پیش از مرگ، در پرونده اعمال فرد ثبت شده است **ما تقدم** می گویند.

مثال: ما تاخر: از ریشه ی آخر + آثار ما تقدم: از ریشه قدم

کسی مسجدی می سازد تا مردم در آن خدا را عبادت کنند و وظایف اجتماعی خود را انجام دهند، تا وقتی که این فرد زنده است، به خاطر هر کار خیری که در مسجد صورت می گیرد، به او پاداش می دهند. این پاداش، مربوط به مسجد ساختن و آثار ما تقدم آن است. پس از مرگ او نیز تا زمانی که از مسجد استفاده می کنند، در پرونده ی عمل او پاداش می نویسند و بر حسنات او می افزایند. این افزایش حسنات نیز مربوط به آثار ما تاخر است.

طبق درس ششم چون حی + موت داریم و اولویت با موت است همیشه اثبات امکان معاد طبق رستاخیز در طبیعت

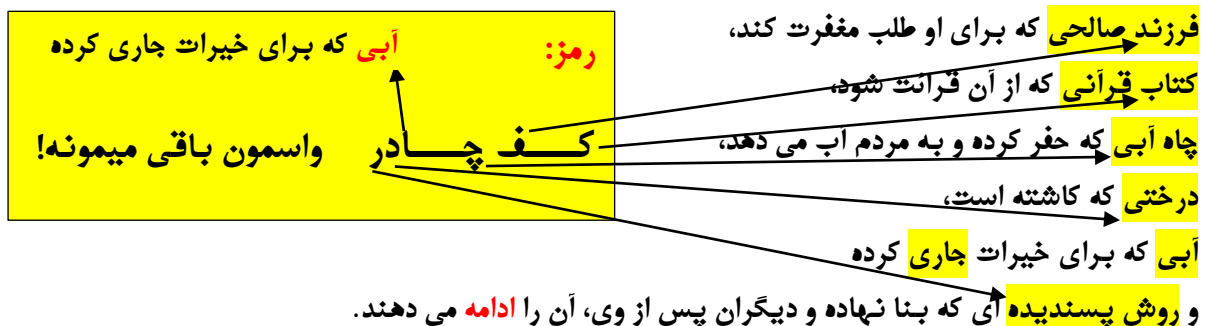


برزخ در کلام پیامبر:

هر کس **سنت و روش نیکی** را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون این که از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس **سنت زشتی** را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون این که از گناه عامل آن کم کنند. پیام: برخورداری انسان از آثار بخشی از اعمال خود در دنیا پس از مرگ

برزخ در کلام امام صادق:

شش چیز است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن ها بهره مند می شود:



پاشنه آشیل همه کنکوری ها در ترکیب آیات درس هفتم (برزخ) با آیات درس نهم (قیامت)

رمز های تعیین کننده برای تشخیص و تفکیک آیات برزخ از قیامت:

قیامت **ق** **ی** **ر**

ق: قالوا بلی یومئذ: یومئذ ر: رُسُل

برزخی **ت** **م**

ت: توفی م: ماوا-مستضعفین

سلام علیکم: برزخ

سلام علیکم طبتم: قیامت (پاک شدید)

سوء العذاب: برزخ

اشد العذاب: قیامت

انسانی که به جهنم برزخی می رود می گوید: خدایا منو برگردون!

انسانی که به جهنم قیامتی می رود می گوید: خدایا منو بیرون ببر!

جهنم برزخی: ظالمین

جهنم رستاخیزی: کافرین

بهشت برزخی: طیبین

بهشت رستاخیزی: متقین

مگر زمین خدا وسیع نبود؟ برزخ

مگر پیامبری نیامد برای شما؟ قیامت

نکته: هرگاه آیه ای در ارتباط با مرگ بود و در آن از ریشه قال آمده بود همیشه: آگاهی و شعور

انسان پس از مرگ

یادداشت های درس هفتم:

...

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۰ دینی دوم (اعتماد بر او)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ آيَلدا برای بنده اش کافی نیست؟

مبنای توکل بر خدا چیست؟ کاف (کفایت او برای بندگان)

رابطه ی میان و مستقیم می باشد. (توکل - عبودیت و بندگی)

نکات مقدمه و تیپ تست های (مقدمه):

- ۱) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود.
- ۲) سنجش ۹۱: پاداش و کیفر اخروی (ابدی) ساخته ای (اعمال-رفتار-اهداف) ماست که قران کریم خطاب به کسانی که زر و سیم اندوختند و در راه خدا انفاق نمی کنند می فرماید: (و هر کس به اندازه ای بدی کند آن را می بیند پس آنچه می اندوختید را بچشید.)
- ۳) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود

پس لازم است: (می دهد) (قبل می دهد = علت) (بعد می دهد = معلول)

۱) بار دیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم. (تجدید عهد با خدا)

۲) تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم تر و مطمئن تر از گذشته بپیماییم. (تصمیم پیمودن مصمم راه زندگی)

۳) عوامل تقویت کننده عزم را به یاد داشته باشیم و به کار بیندیم. (مثال: توکل)

درس یک سال سوم: نیاز برتر سوم انسان همان: کشف راه درست زندگی است که دغدغه اصلی انسان های فکور و خردمند است. مرتبط با دو نیاز برتر قبلی است یعنی ۱: درک هدف زندگی و ۲: درک آینده ی خویش / دلیل اهمیت این نیاز: تنها یک بار به دنیا آمدن و تنها یک بار زندگی در دنیا را تجربه کردن / عدم انتخاب راه درست زندگی می دهد: ۱) عدم دست یابی به هدف برتر خلقت ۲) خسران (زیان) در جهان آخرت ۳) عدم تنظیم مناسب زندگی دنیوی ۴) عدم به وجود آمدن جامعه ای عادلانه (خسران دنیوی و اخروی هر دو باهم) / ارتباط با آیه ی اهدنا الصراط المستقیم... غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین (پیام: درخواست هدایت الهی و کشف راه درست زندگی توسط انسان (اهدنا) + خروج از صراط مستقیم می دهد: ورود انسان به گمراهی و قرار گرفتن در خشم الهی

سوپر تست احتمالی (طراح استاد غفوری): (جاهای خالی را پر کنید)

درخواست از خداوند معلول است که آیه ترسیم کننده پیام مورد دوم می باشد. پاسخ: هر ۵ مورد از موارد زیر بدرستی تکمیل می کنند.

- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - قیل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیه
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - و لكن حقت کلمه العذاب علی الکافرین
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - طبتم فادخلوها خالدین
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث یشاء
- هدایت الهی توسط انسان - تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا - فمن يعمل مثقال ذره خیرا/شرا یره

حقیقت توکل بر خداوند: ارتباط دارد با: الیس الله بکاف عبده + **حسبی الله** + **کفایت** و بس بودن خدا برای انسان متوکل

۱. توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن **نتیجه** ی کارها به اوست.

۲. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود می یابد و **در عین عمل** به وظایف، **امورش** را به او واگذار می کند.

۳. انسان متوکل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به **مصلحت** اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد (معلول) زیرا خدای **حکیمی (حق)** که جهان را **تدبیر (توحید ربوبیت) و اداره (توحید ربوبیت)** می کند از هر کس نسبت به ما **مهربان تر (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)** است (علت).

ترکیب و جمع بندی خفن:

ان فی خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار لایات لاولی الباب الذین...رینا ما خلقت هذا **باطلاً**.... سبحانک فقنا عذاب النار خلق الله سماوات و ارض **بالحق** ان فی ذلک لایه للمومنین آثار صنع و نشانه های **حکمتش** در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست. هر یک از موجوداتی که خدا آفریده **برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست** (ان فی خلق سماوات و ارض...) حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و **تدبیر (توحید ربوبیت)** خدا را باز می گوید. ما خلقنا سماوات و ارض و ما بینهما الا **بالحق** و اجل مسمی و الذین کفروا عما اندروا معرضون خلق سماوات و ارض **بالحق** و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر و من آیاته ...

تکنیک حفظ آیات حق دار

خلق **الله** ... حق ... آیات للمومنین
خلق حق ... فاحسن صورکم الیه مصیر
ما خلقنا... الا حق.. اجل مسمی+کفروا+معرضون
و خلق...حق..... **و** لتجزی کل نفس بما کسبت و لا یظلمون

و خلق الله سماوات و ارض **بالحق** و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون افحسبتم انما خلقناکم **عبثاً** و انکم الینا لا ترجعون و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما **باطلاً** ذلک ذن الذین کفروا من النار و قضی بینهم **بالحق** و هم لا یظلمون و الوزن یومئذ **الحق**

می دهد

انسان متوکل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به **مصلحت** اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد.

۴. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان **آرامش** می دهد و به آینده **امیدوار** می کند.

اولین پیامد دیدگاه پیامبران الهی در مورد معاد: اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن **پنجره ی امید** و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر است و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود مثال: حضرت علی و کار در نخلستان و حفر چاه و وقف چاه برای مردم.

۵. حضرت علی در یکی از دعا‌های خویش می گوید:

خداوندا تو با آنان که به تو بیش تر عشق می ورزند، بیش از دیگران انس می گیری (انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد).
و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری، (انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد).

اسرار ایشان را می دانی و بر اندیشه هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی. (و کافی به بذنوب عباد خبیـرا)

رازهایشان نزد تو آشکار و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار.

اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد (تنهایی انسان نقطه ی مقابل یاد خداست و یاد خداوند انسان ها را از وحشت تنهایی نجات می دهد).

و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند (استعاذه و پناه بردن به خداوند)، چون می دانند سر رشته ی کارها به دست توست (توحید ربوبیت) (چرا انسان های توکل کننده به خداوند در هنگام مصیبت روی به درگاه خداوند دارند؟ چون) (فلسفه ی توکل بر خداوند اعتقاد به توحید ربوبیت است)

تصمیم و توکل (رابطه مستقیم دارند):

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم های بزرگ است (معلول) زیرا هرچه عمر می گذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد (علت).

۴ ویژگی جوان و نوجوان که نشان می دهد در نوجوانی و جوانی نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود:

۱) معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی هاست .

۲) شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است.

۳) مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد

۴) او می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

سوپر نکته خفن غفوری:

و ما هذه الحياه الدنيا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهي الحيوان لو كانوا يعلمون (پیام: بیانگر دیدگاه پیروان ادیان در مورد حقیقت دنیا و جهان آخرت که دنیا بازیچه و سرگرمی و سرای عمل است در حالی که آخرت محل زندگی واقعی و سرای پاداش است و جهان آخرت به عنوان پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است) ارتباط دارد با:

(جوان و نوجوان) می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن. دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنیات و وابستگی هاست.

سوپر تست تألیفی: (هر کدام از کلمات قرمز رنگ می تواند یک جای خالی در آزمون ها و کنکور سراسری باشد)

تحقق پیام آیه شریفه ی (و ما هذه الحیاه الدنیا..)) در دوران نوجوانی و جوانی **بیشتر** است و این تصور نادرست که در این دوران

زندگی نیاز شدیدتر به توکل و اعتماد بر خداوند نیست **معلول** دقت در پیام آیه شریفه ی (ان هی الا حیاتنا الدنیا) از زبان **الملا**

اشراف یعنی کسانی که **(کافر شدند و دیدار آخرت را تکذیب)** کردند.

۲ نمونه از تصمیم های بزرگ (به ویژه در نوجوانی و جوانی) :

حضرت ابراهیم:

۱) در نوجوانی **مقاومت** در برابر خواسته های سرپرست و عموی خود (آزر) که او را دعوت به **بت پرستی** نمود.

۲) پس از آن در سنین بالاتر اقدام به **بت شکنی** نمود.

۳) **بنای کعبه**

۴) در اواخر عمر از امتحان الهی مبنی بر **قربانی کردن** فرزندش سربلند بیرون آمد.

حضرت امام علی (ع):

۱) در سن ۱۰ سالگی تصمیمات بسیار سنگین و سختی در مقابل **هجوم قریش و معاندین** پیامبر گرفتند.

۲) به عنوان **اولین مرد مسلمان** به پیامبر ایمان آورد و در همه شرایط یار ایشان بود تا جایی که در سن ۲۳ سالگی با **خوابیدن**

در بستر پیامبر فداکاری نمود و **توطئه** کسانی که قصد جان آن حضرت را داشتند **خنتی** نمود.

۳) **جنگ** های پی در پی **همراه** با پیامبر بودند.

۴) پس از رحلت پیامبر به قصد **حفظ اسلام سکوت** کردند و **خلافت** را در دوران پر از فتنه **قبول** نمودند.

بررسی ۳ آیه درس:

حقیقت توکل:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ

لِنتَّ لَهُمْ

گرو وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا

تتحقق غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ

(ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی (علت)

در برابر آنان نرم و مهربان شدی (معلول)

اگر درشت خو بودی

سنگدل

از اطرافت پراکنده می شوند

۱- فَاَعْفُ عَنْهُمْ (دلسوزی رهبر) توکل وقتی درست است که

۲- وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ (آموزش) انسان وظیفه و مسئولیت خود

۳- وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (مشورت) را انجام داده باشد:

۴- فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ قاطعیت همراه با توکل ..

..... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

بیانگر توحید عبادی

آل عمران، ۱۵۹ ← حدیث سریار بیت جبار

نکات آیه لنت لهم: (عنوان کامل آیه: بما رحمت من الله می دهد لنت لهم تهشم خدا متوکلین رو دوست داره)
ارتباط آیه با: (نکته دوم توکل)



توکل در جایی درست است که انسان **مسئولیت** و **وظیفه** ی خود را به خوبی انجام دهد،

یعنی (۱) **فکر و اندیشه** ی خود را به کار گیرد، با دیگران (۲) **مشورت** کند، بهترین راه ممکن را (۳) **انتخاب** نماید و با (۴) **عزم و اراده** ی محکم برای رسیدن به مقصود (۵) **تلاش** کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است

که اهل **همت، تعقل و پشتکار** است. (اهل تپه باشد)

ارتباط با دیدگاه پیامبر **سربار**:

توکل کننده بدون عمل **سربار** دیگران است.

ارتباط با بیت **جبار**:

گر **توکل** می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر **جبار** کن

ارتباط با:

توکل کننده ای که **اهل معرفت** باشد، می داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و

خواست‌هایش، از **ابزار و اسباب** بهره جوید. زیرا این ابزار و اسباب بنا بر **حکمت** الهی قرار داده شده

و بی توجهی به آن‌ها، بی توجهی به **حکمت و علم الهی** است.

اگر در تستی پرسند: برای رسیدن به تصمیم بهتر باید چه کنیم؟ ج: مشورت (و شاورهم ...)

اگر در تستی پرسند: عامل تفرقه و پراکندگی افراد از یکدیگر و رهبر خویش چیست؟ ج: درشت خوئی

اگر در تستی پرسند: کدام قسمت آیه نشان دهنده رابطه احساس مسئولیت و توکل است؟ ج: و شاورهم فی...

بیانگر توحید عبادی

آیه دوم:

علت و مبنای توکل:

«چرا باید به خدا توکل کرد؟» وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ
وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ

و كَفَىٰ بِهِ

بِدُنُوبٍ عِبَادَةٍ خَبِيرًا

فرقان، ۵۸

نکات خاص آیه:

(۱) در این آیه از پیامبر خواسته شده که به خدا توکل کند چرا؟ چون الف) زنده است و نمی میرد یعنی حضور همیشگی دارد و ب) او بر کار بندگان خود خبیر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله گناهان بندگان

۲) لازمه ی توکل بر خداوند چیست؟ او را حی و حاضر دانستن است.

۳) قرآن کریم پس از آن که خدا را حی و حاضر و زنده اعلام می کند از پیامبر چه چیزی می خواهد؟ این که به

تسبیح یا منزه شمردن خدا از هر عیبی و حمد چنین خدای بلند مرتبه ای بپردازد.

۴) کسی که بر خداوند توکل می کند باید ۳ مورد زیر را رعایت کند (داشته باشد):

✚ حیات را صفت ذات خدا بداند (الحی الذی لا یموت)

✚ زبان به حمد و تسبیح و تنزیه خدا بگشاید (سبح بحمده)

✚ خود را در محضر خدا بیابد (کفی به ذنوب عباده خبیراً)

۵) تناسب مستقیم میان ((علم انسان بر حاضر و آگاه بودن خداوند بر همه چیز)) و ((توکل و اعتماد او بر خداوند)) وجود دارد.

۶) ((کفی به ذنوب... خبیراً)) ارتباط با آیه: ((انه خبیر بما تفعلون)) و آیه: ((و هو علی کل شیء شهید)) = کل عالم وجود محضر خداوند است.

۷) ارتباط با نکته اول توکل: (توکل امری قلبی)

توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله ی ((خدایا، بر تو توکل می کنم)) نیست بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت

هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست. بنابراین شایسته است که با **اخلاص** بر خدا **اعتماد** کنیم + ارتباط با حدیث امام صادق (هر بنده ای از بندگانم **نیت خالص** به جای پناه بردن به کسی... چاره جویی...)

۸) مطابق نکته ۸ که بر اخلاص در توکل تاکید شده و چون اخلاص معنای دیگری از توحید عبادی است بنابراین:

توکل ناظر بر توحید عبادی است.

۹) اگر پیرسند چرا باید بر خدا توکل کرد باید دو ویژگی خدا در این آیه یعنی: الف) زنده است و نمی میرد یعنی حضور همیشگی دارد و ب) او بر کار بندگان خود خبیر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله گناهان بندگان؛ را بیان کنیم به همراه یک ویژگی دیگر خداوند که در آیه ۳۸ زمر (آیه بعدی که بررسی می کنیم) آمده است یعنی: ((تمام قدرت ها در اختیار خداست و تنها اوست که می تواند بدی ها را از ما دور کند و تنها اوست که نعمت ها را به ما می رساند و هیچ مانعی در مقابل او نیست)) را بیان کنیم.

۱۰) اگر پیرسند چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟ (اختصاص توکل به خدا) در این صورت حق نداریم از این آیه برای پاسخ گویی بهره. (باید از ۳۸ زمر بهره بگیرد)

آیه سوم:

علت اختصاصی توکل: **وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ** ← **مشرکین** ^{فرقان، ۵۸}
 «چرا نباید به غیر خدا توکل کرد؟»
 **مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ**
 **لَيَقُولَنَّ اللَّهُ**
قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ
 **مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ**
إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ **هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ** **أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ**
هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ
 **قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ** → قبول کفایت الهی
 **عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ** ← **توکل**
 ^{زمر، ۳۸}

حاکمیت اراده و مشیت الهی بر جهان

توحید ربوبیت

آیا آنان دورکننده‌ی گزند او هستند؟
 یا اگر رحمتی برای من خواهد
 آیا آنان بازدارنده‌ی رحمت او هستند؟

نکات خاص آیه:

- اعلام خالقیت پروردگار توسط مشرکان (اعتراف به توحید خالقیت)
- پس از اعلام خالقیت خداوند، بیان می‌کند که بر غیر خدا و بت‌ها نمی‌توان توکل کرد (قل افرایتم ما تدعون من دون الله)

چرا؟ به دو دلیل:

الف) چون نه خالقیت از آنهاست.

ب) و نه ربوبیت از آنهاست چون قدرت بر سود و زیانی ندارند.

نتیجه‌گیری نکته دوم:

اختصاص توکل بر خدا و لزوم عدم توکل بر غیر خدا

۳) با توجه به ((قل حسبی الله علیه يتوکل المتوکلون)) درمی‌یابیم: **لزوم قبول انحصار کفایت و بس بودن خداوند برای متوکلان.**

۴) با توجه به ((ان ارادنی الله یضر...)) درمی‌یابیم: **حکم و اراده‌ی الهی یعنی توحید ربوبیت و قضای الهی.**

۵) ارتباط ((هل هن کاشفات ضره)) با این قسمت از حدیث امام صادق: ((گرچه همه‌ی آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن‌هاست، **علیه** او برخیزند)) نشان‌دهنده قدرت و **اراده‌ی الهی** که بر همه مخلوقات غلبه دارد.

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۱ دینی دوم (دوستی با حق)

مقدمه و تیپ تست مقدمه:

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود:

رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (رحمت عام خداوند و گستره وسیع آن)

رحمت هر چیزی را فراگرفته است

خدا با همین اسم رحمان (نه رحیم) آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد.

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند. خداوند درهای

بازگشت (توبه) را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند. بدین گونه اسم غفار خود را به نمایش

گذاشت.

بیت مقدمه:

نیود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد.

پیام بیت: محبت و الفت بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را بر اساس محبت بنا نموده است. (رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ)

نکات ترکیبی مقدمه با درس ۷ دینی پیش دانشگاهی (توبه):

توبه: برای بندگان: به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری خداوند

برای خداوند: به معنای بازگشت خدا از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آموزش توبه ی خدا از روی لطف و کرم او و برای بخشیدن انسان است.

نکته ۱: غفاریت ریشه در رحمانیت دارد تقدم رحمانیت بر غفاریت.

نکته ۲: خداوند با نام غفار، با باز گذاشتن درهای بازگشت برای گناهکاران خود به سوی آنها رفت و یاد خود را در دلشان انداخت. (متن درس توبه)

نکته ۳: توبه پاک کردن گناهان (پیرایش و تخلیه) است یعنی: خارج کردن گناهان از قلب + شستشو دادن قلب

نکته ۴: راه های شناخت آیات و احادیث توبه :

اولش ال نداره ، آخرش غفور رحیم داره

If آیه:

اولش ال داره ، آخرش غفور رحیم نداره

نکته ۵: توبه + جبران تاب + اصلح نتیجه یتوب (خدا می بخشد)

توبه + ایمان و عمل صالح تاب + آمن + عمل صالحاً نتیجه یدل الله سیئاتهم حسنات

نکته ۶: طبق ((او بظلم نفسه ثم)) در آیه شریفه ((ومن يعمل سوءاً أو يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحیماً))؛ با گناه حق خود عالی

در رسیدن به کمال ضایع می شود، و طبق متن مقدمه این درس ((و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند)) می

توان نتیجه گرفت: از یاد بردن محبت و رحمت و صفت رحمانیت خدا توسط انسان و در پیش گرفتن راه سرپیچی، باعث ضایع گشتن حق

خود عالی در رسیدن به کمال می شود.

نکته ۷: قیام (نفس لوامه) و انقلاب درونی انسان علیه خود (نفس اماره) را توبه می نامند (بیانگر وجود اختیار در انسان).

تست مقدمه (احتمالی ۹۹):

اگر از خود بیرسیم (بزرگترین عشق و محبتی که باید قلب ما را فرا بگیرد عشق به کیست؟) و (این عشق چه ثمرات و نتایج دارد؟) به

ترتیب پیام کدام آیات پاسخ به این سوالات خواهد بود؟

پاسخ قسمت اول: (و من الناس من يتخذ من دون الله...والذين ءامنوا اشد حبا لله)

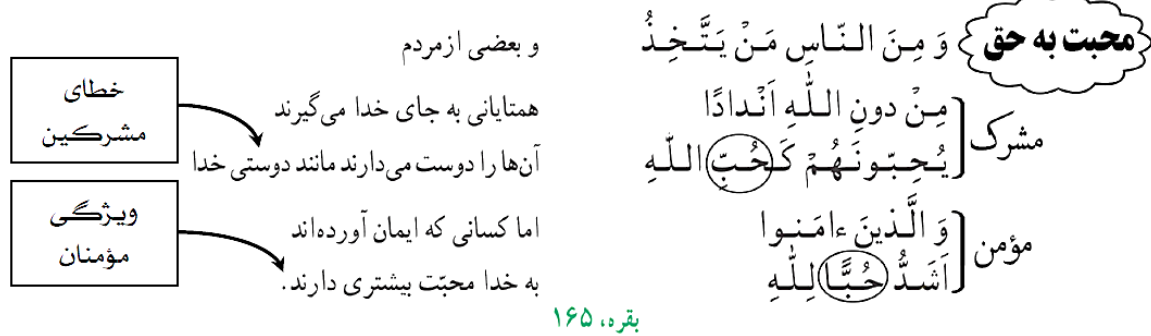
پاسخ قسمت دوم: (قل ان كنتم تحبون فاتبعوني...غفور رحيم) (لاتجد قوماً يؤمنون بالله...يؤادون) (قد كانت لكم اسوه حسنه ... انا براءء منكم و مما...)

تحلیل آیات درس + سوالات تحلیلی آیات:

سوال ۱) مردم بر دو دسته اند: گروهی که **محب و دوست خدا هستند و خدا را دوست دارند**.

گروهی چیزهای دیگر را همتای خدا می گیرند و به غیر او دل می بندند و به آنها دوستی می ورزند حال این غیر می تواند انسان یا شیطان و یا مال و جاه و شهوت باشد که شیطان مردم غافل را به سوی آن ها وسوسه می کند.

آیه:



۱۷ نکته و تمرین خاص آیه:

۱) انسان ها در دوستی خود دو دسته اند:

الف) گروهی که به جای خدا، غیر خدا را دوست دارند و مانند خدا به آن ها عشق می ورزند.

ب) گروهی که محب و دوست دار خداوند اند، که این عشق و محبت به خدا ثمره (معلول-میوه-نتیجه) تبلور ایمان در آن هاست.

۲) عشق و علاقه ی افراد با ایمان نسبت به خدا از عشق و علاقه ی بت پرستان نسبت به معبودشان بیشتر و عمیق تر است.

۳) بیانگر بعد (آری) در تولی (دوستی با خدا) است.

۴) (من یتخذ من دون الله) بیانگر شرک است زیرا خداوند یگانه و بی همتاست بنابراین کسی که برای او شریک بگیرد به شرک دچار شده است. (شرک در عبادت)

۵) مرتبط با این قسمت از مقدمه درس:

* گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند.*

((که تاریخ سرگذشت مقابله ی این دو گروه بوده است مثال: مقابله ی ابراهیم با نمروود، موسی با فرعون، عیسی با حاکم مشرک روم و کاهنان یهود و پیامبر گرامی اسلام با مشرکان حجاز))

۶) عشق و محبت مومنان به خداوند برترین نوع عشق ورزی است.

۷) رابطه مستقیم میان ایمان به خداوند و محبت به او

۸) غیر مومنان به بت های خود اندازه ی خدا عشق می ورزند.

۹) محبت خداوند، اساس دین داری است.

۱۰) متن کتاب درسی:

((اگر به مجموعه ی این پیام ها نگاه دیگری کنیم، می بینیم که قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می گوید: گروهی که زندگی خود را بر محور حب و عشق به خداوند بنا کرده اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبت غیر او را برگزیده اند. گویا تاریخ، سرگذشت مقابله ی این دو جریان بوده است))

۱۱) برای بررسی ریشه ای علت این ۳ سوال :

(راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

باید از ۲ مورد کمک بگیریم:

الف) به نقش محبت و عشق در زندگی انسان بپردازیم؛

ب) و تأثیر آن را در تصمیم گیری های فردی و اجتماعی افراد بررسی کنیم.

۱۲) در تست های خفن از شما می خواهند:

تست: توجه به نقش محبت و عشق در زندگی انسان و تاثیر آن بر تصمیم گیری های فردی و اجتماعی او ...

الف) در پاسخ به کدام سوال کمک کننده است؟

ج: (راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هر کدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

ب) و پیام کدام آیه شریفه سبب طرح این سوال شده است؟

ج: (و من الناس من يتخذ من دون الله...والذين آمنوا أشد حبا لله)

(قل ان كنتم تحبون فاتبعوني...غفور رحيم)

(لا تجد قوماً يؤمنون بالله...يؤادون)

(قد كانت لكم أسوة حسنة ... انا براءء منكم و مما...)

۱۳) مرتبط با تیترا ((محبت به حق))

۱۴) مرتبط با متن درس:

اگر (بعد از اگر = علت) عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود (علت ۱) و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد (علت ۲)،

این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند (معلول). سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که:

۱) به خدا ایمان دارد (شرط اول ایمان)

۲) محبت او را در قلب خود جای داده است، (شرط دوم محبت قلبی به خداوند)

۳) به میزانی که ایمانش اوج می گیرد (شرط سوم تعالی ایمان)

۴) محبتش فزون تر و عمیق تر می شود (شرط چهارم افزون شدن و تعمق (عمق بخشی) محبت به خدا)

آنگاه:

احساس حیاتی دوباره می کند (معلول ۱) و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد (معلول ۲).

۱۵) **مشتاقان عشق الهی** یعنی کسانی که به خدا ایمان دارند و ایمانشان اوج گرفته و به خدا محبت قلبی دارند و این محبت عمیق

و رو به فزون است بدلیل احساس حیات دوباره و فراگرفتن وجودشان از شور و شوقی فرح بخش، ندا سر داده اند:

مؤمن **و الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ**

در آن سینه دلی و آن دل همه **سوز**

دلی در وی، درون **درد** و برون **درد**

دل افسرده غیر از آب و گل نیست

الهی سینه ای ده **آتش افروز**

کرامت کن درونی **درد** پرورد

هر آن دل را که **سوزی** نیست دل نیست

۱۶) ارتباط با متن درس:

آثار محبت به حق:

افسردگی، خمودی، ترس و جبن را **از بین می برد.**

و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت **می بخشد.**

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، **بخیل را بخشنده**، کم طاقت و ناشکیبا را **متحمل و شکيبا** می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی **بیرون آورده** و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همت و اراده را **قوی**، غل و غش ها را **پاک** و اندیشه را **خلاق**.

خلاصه:

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند.

(۱۷) تمرین:

اگر بگوییم: الف) آنگاه پیام آیه شریفه ب)..... را آشکار ساخته ایم و آنگاه که ج) ندا سر می دهند: (الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز) اشاره دارد به تناسب میان د)

پاسخ:

الف) افسردگی، خمودی، ترس و جبن را از بین می برد.

و نشاط، تحرک، شجاعت و قدرت می بخشد.

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را متحمل و شکیبیا می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همت و اراده را قوی، غل و غش ها را پاک و اندیشه را خلاق.

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند.

ب) (و من الناس من يتخذ من دون الله أندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حبا لله)

ج) مشتاقان عشق الهی

د) ایمان و محبت به حق

نقش محبت:

۱ محبت و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است.

۲ فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدم ها جهت می بخشد.

۳ هر قدر این محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است. (تناسب میان عمق محبت و تأثیر آن در زندگی که مستقیم است)

مثال:

یک دختر و پسر، قبل از ازدواج، به چیزی جز خود نمی اندیشند. دنیای آن ها بر محور خود می چرخد و به کارهای خود و علاقه های شخصی خود سرگرم اند.

این دختر و پسر:

همین که کانون خانواده را تشکیل دادند و به هم دل بستند(علت)،

سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند(معلول ۱)،

شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود(معلول ۲)

و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خود تقدّم می یابد(معلول ۳).

و آن گاه که صاحب فرزند شوند(علت)،

رفتارشان به کلی عوض می شود(معلول صفر).

پسر، فردی چالاک و پرتحرک می گردد و برای رفع نیازهای زن و فرزند، راحتی را از خود می گیرد(معلول ۱)

و دختر، با صدای کودک، مانند برق می جهد و سراسیمه به سوی فرزندش می دود. همین دختر که تا دیروز کم طاقت و زود رنج جلوه می کرد، اکنون با قدرت شگرفی درمقابل بی

خوابی، گرسنگی و کار زیاد، صبور و شکیباست(معلول ۲).

محبت به فرزند(علت) سبب می شود:

از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند(معلول ۱)

و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود(معلول ۲).

تمرین سرکلاسی: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

الف)..... و سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است.(محبت-دوستی)

ب) فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در و های او دارد.(دل بستگی ها-محبت ها)

ج) ... است که به زندگی آدمی جهت می بخشد.(محبت)

صحیح یا غلط بودن هر جمله را معین کنید؟

الف) وسعت بخشیدن به شعاع خواسته های زن و مرد معلول به دنیا آمدن فرزند است. غ معلول تشکیل کانون خانواده و ازدواج

ب) آن گاه که زن و مرد صاحب فرزند شوند رفتارشان از دنیایی که کاملاً بر مبنای خود می چرخد به ایثار و از خودگذشتگی عوض می شود. غ در هنگام ازدواج و تشکیل

کانون خانواده هم سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خودشان تقدم یابد.

ج) آنگاه که زن و مرد خود را فراموش کنند و تبدیل به فردی با اراده نیرومند مصمم و پرجار شوند؛ محبت به فرزند در کنار محبت به خدا در قلبشان اوج گرفته است. غ

این خبیلی خفته باید می گفت محبت به فرزند در طول محبت به خدا قرار داره نه در کنار محبت به خدا چرا که محبت به خدا از همه محبت ها بالاتره! خدایی حال

کردی؟ به صلوات واسه شادی روح مادربزرگم بفرست. خیلی چاکریم!..

سوال ۲) لازمه ی دوستی با خداوند پیروی از دستورات اوست.

آیه:

اولین اثر «پیروی از خدا» قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
سرپردهی
فَاتَّبِعُونِي ﴿۱﴾ پیامبر اسلام
لازمه ی
دوستی با
خدا
يُحِبِّكُمْ اللَّهُ
وَ يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

سرپردهی لازمه محبت است
سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است
ارتباط با بدیت: به جان خودم رفتاری شگفت.....
ارتباط با جدیدیت: ما احب الله من عصاه
ارتباط با مناجات: شیرینی دوست با تو.....
۳۱ «عامل بخشش گناهان» را به به مردم نشان می دهد.

۱۱ نکته خاص آیه:

(۱) خطاب به پیامبر است.

(۲) شرط و لازمه ی دوستی خداوند چیست؟ پیروی از دستورات او و سرپردهی در مقابل خداست.

(۳) یکی از دستورات خداوند پیروی از رسول است بنابراین پیروی از پیامبر (ص) معلول دوستی خداست.

(۴) دین فقط محبت به خدا و پیامبر نیست بلکه اطاعت نیز لازم است.

(۵) نتیجه اطاعت پیامبر این که:

الف) جلب محبت خدا

ب) آمرزش گناهان

(۶) محبت انسان به خدا و پیروی از او محبت خدا به انسان و آمرزش را در پی دارد.

(۷) فاتبعونی بیانگر توحید عبادی

(۸) ارتباط با تبتیر ((پیروی از خداوند)) از آثار محبت به خدا

(۹) ارتباط با متن درس:

نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است.

شعر منسوب به امام صادق:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟ (استفهام انکاری)

به جان خودم این رفتاری شگفت است.

اگر دوستی ات راستین (علت) بود، اطاعتش (معلول) می کردی؛

زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.

برخی می گویند:

(۱) قلب انسان با خدا باشد، کافی است

(۲) و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد،

(۳) اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.

این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست.

خداوند می فرماید:

(۱) اگر مرا دوست دارید (علت ۱)

(۲) و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته، (علت ۲)

شایسته است از دستورات من پیروی کنید (معلول). چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند اما برخلاف خواسته ی او عمل نماید؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما أَحَبَّ إِلَهَ مَنْ عَصَاهُ كَسَى كَهِ يَكُنْ عِلْتًا، او را دوست ندارد (معلول).

خواستگاری و فرمان خداوند، یعنی **دین** همان برنامه ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست.

خداوند نیازی ندارد تا به ما فرمان دهد و نیازش را برطرف کند. خداوند، در فرمان هایش فقط و فقط به **مصلحت** ما نظر دارد. مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته ی **دل** ما توجه کند. او ناصحانه به ما هشدار می دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می آید ولی به **ضرر** شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می آید اما به **نفع** شماست. حتی اگر احساس کنیم برخی دستورها ی خداوند سخت است، باید **مطمئن باشیم** که این دستور برای **سعادت** ما ضروری است.

باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد. (جوانه زدن عشق

به سعادت حقیقی در دل انسان می دهد آسان شدن هر سختی بر انسان)

امام **سجاد** در ابتدای یکی از مناجات های خود، به **خدا**:

خدا یا! کیست که **شیرینی دوستی** با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟ (استفهام انکاری) (شیرینی دوستی با خداوند می دهد غیر او را طلب نکردن)

(ای **آرزوی دل مشتاقان**) مشتاقان عشق الهی: الهی سینه ای ده... وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبَّ لَّهِ

(و ای **نهایت آرمان دوستان**) اگر عشق و محبت انسان از این امور محدود فراتر رود و دل به **سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها** سپارد...

(**دوستی** تو را از تو می خواهیم) الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز ■ دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها (خدا) سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند.

(**دوستی هر که** تو را دوست دارد) وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل **محبت** همه ی کسانی را که **رنگ** و نشانی از او دارند، در خود می یابد دوستی با دوستان خدا

(و دوستی **هر کاری** که مرا به تو **نزدیک** می کند). چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند اما برخلاف خواسته ی او **عمل** نماید؟

جمع بندی مهم همه متن درس پیروی از خداوند: **(در آیات هر گاه از ریشه (حب)) دیدی همراه با از ریشه (تبع))**

سرپیچی / عدم صداقت دوستی / شعر امام صادق: نافرمانی و اظهار دوستی... / خدا: اگر دوست میدارید اطاعت کنید / حدیث امام صادق: عصا و نافرمان خدا را ما احب! (دوست نداره!) / جوانه زدن عشق میده آسان شدن هر سختی / امام سجاد: شیرینی دوستی و طلب غیر خدا! **نوچ نوچ!**

۱۰) عامل اثبات کننده محبت به خدا اطاعت از پیامبر است.

۱۱) توبه خداوند و آمرزش گناهان انسان در گرو دوست داشتن خداوند و تبعیت از او (ترکیب با درس ۷ پیش)

دوستی با دوستان خدا:

وقتی محبت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبت همه ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می یابد و به مقداری که این **رنگ** و **نشان** بیش تر و قوی تر باشد، **علاقه** و **محبت** نیز فزون تر می شود. در منظومه ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه وجود او حلقه زده اند، **نزدیک ترین آن ها، رسول خدا و اهل بیت ایشان هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه ی زیبایی های اویند هرکس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می یابد.**

تذکر: هرگونه کپی برداری و استفاده از متن جزوه بدون اجازه مولف حرام است و شما به

مولف جزوه که ساعتها برای تدوین این جزوه زحمت کشیده مدیون خواهید بود

سوال ۴) حضرت ابراهیم و کسانی که به او اقتدا می کنند، همواره از کسانی که **دشمنان خدا هستند و بت** می پرستند و از آن چه می **پرستند** بیزاری می جویند و اعلام **برائت** می کنند.

سوال ۵) میان کسانی که با خدا دوستی می ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه **دشمنی** برقرار است، **مگر آن** که آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.

آیه:

«مبارزه با دشمنان خدا»

امه پیامبر اسلام

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود

معلول (مقام الگویی ابراهیمی)

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ

در روش ابراهیم و همراهان او

عِلت (برائت از)

إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ

آن‌گاه که به قوم خود گفتند

مشرکین و معبودان آنها)

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ

به حقیقت که ما از شما بیزاریم (ابراز بیزاری در واقع مبارزه است)

وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و از آن چه جز خدا می پرستید

كَفَرْنَا بِكُمْ

نسبت به شما کافریم

وَبَدَائِبِنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ

و پدید آمده میان ما و شما دشمنی

وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا

و کینه برای همیشه

ایمان یگانه عامل

سِحْتِي تُوْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ

مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

مستحنه، ۴

برقراری صحبت است

توصیف ابراهیم از رابطه با اقوام

۱۴ نکته خاص آیه:

- ۱) این آیه حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او (کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند. (مقام الگویی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او)
 - ۲) علت این مقام الگویی برائت (از ریشه ی براء در آیات) جستن و بیزاری آنان از بت پرستان و معبودانشان است.
 - ۳) عبارت ((براء منکم)) بیانگر تبری و بُعد ((نه)) در جمله لا اله الا الله است.
 - ۴) دشمنی ابدی میان دو جبهه ی حق و باطل
 - ۵) عبارت ((عداوه و البغضا)) بیانگر مبارزه با دشمنان خدا و تسلیم نشدن در برابر آنهاست.
 - ۶) فقط ایمان به خدای یگانه عامل برقراری رشته محبت بین انسان هاست.
 - ۷) ((مما تعبدون من دون الله)) عبد+من دون الله دارد که بیانگر شرک در عبادت است. (چون براء داره میشه نفی شرک عملی!)
 - ۸) مقام الگویی در ۳ جا داشتیم که هر ۳ جا هم برای جامعه اسلامی است یکی در این آیه و دیگری:
 - الف) کنتم خیر امه اخرجت للناس.... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر
 - ب) و کذلک جعلناکم امه وسطاً... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.
 - ۹) ارتباط با تیترو (مبارزه با دشمنان خدا)
 - ۱۰) ارتباط با متن درس:
- عاشقان خدا پرچمدار **مبارزه** با زشتی ها، ستم و ستمگران بوده اند.
- همه ی پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در **مبارزه** ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم **مبارزه** را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.

نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند **قرار و آرام بگیرد**.
نکته: دو تا ((نمی شود که)) در متن درس داشتیم: ۱) نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است. (**تیتیر: پیروی از خداوند**) ۲) نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد. (**تیتیر: مبارزه با دشمنان خدا**)
 از این رو **جهاد** در راه خدا در برنامه ی **تمام پیامبران الهی** بوده و **بیش تر** آنان در حال مبارزه ی با ستمگران به **شهادت** رسیده اند. امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می نگریم، مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به **منافع و لذایذ** دنیایی خود حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافت مندانه محروم می کنند. **رنج و محرومیت مردم فلسطین** نمونه ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با **مبارزه**، برطرف نخواهد شد.

کلید واژه های ((مبارزه با دشمنان خدا)): (در آیات از ریشه براء + عداوه=دشمنی و بغضاء=کینه)

مبارزه با منفی ها/نمی شود+قرار و آرام گرفتن/جهاد در ره خدا/شهادت در راه مبارزه با ستمگران/منافع و لذایذ/مثال فلسطین تذکر:

نمی شود + دوستدار فضیلت و آراستگی = **تیتیر مبارزه با دشمنان خدا** = **آخرش=عدم آرام و قرار=مبارزه**

نمی شود + از صمیم دل کسی را لاو داشته باشد = **تیتیر پیروی از خداوند** = **آخرش=سرپیچی از فرمان خداوند=عدم صداقت در دوستی**

۱۱) در این آیه حضرت ابراهیم و پیروان آن حضرت خطاب به قوم (لقومهم) خود فرموده اند: (نسبت به شما و آنچه که می پرستید بیزاریم) بنابراین روابط (قومی، خانوادگی و ...) در دین داری و بیزاری و مبارزه با دشمنان خدا کاملاً بی تاثیر اند و این که انسان با کسی هم قوم یا هم خون باشد تاثیری در بیزاری جستن و مبارزه او علیه باطل و دشمنان خدا ندارد پس این آیه و به ویژه (لقومهم) با آیه (لا تجد قوماً یؤمنون ... او عشیرتہم) (یا قبیلہ شان) تناسب دارد.

۱۲) مبارزه با دشمنان خدا باید تا برقراری توحید ادامه یابد مگر نه همیشه میان حق و باطل و دوست و دشمن خداوند مبارزه است.

۱۳) این آیه خطاب به پیامبر اکرم و پیروان ایشان است.

نکته: در قالب یه تمرین نکته رو جا میندازیم با همدیگه!

تمرین: معین کنید مخاطب هر آیه چه شخص (اشخاصی) می باشد؟

۱) قل ان کنتم تحبون.... (خطاب به پیامبر)

۲) لا تجد قوماً یؤمنون... (خطاب به پیام بر)

۳) قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم... (خطاب به پیامبر و **همراهان ایشان**)

۱۴) اعلام و ابراز برائت به ۳ شیوه در این آیه بیان شده است:

الف) لفظی و زبانی: **براء منکم**

ب) قلبی و باطنی: **کفرنا بکم**

ج) عملی: **بدا بیننا و بینکم عداوۀ و بغضا**

تذکر مهم: ترتیب بالا خیلییی مهمه و یه جورایی احتمالی کنکور ۹۹ حساب میشه!

بگو: اول زبانی بعداً باطنی و در آخر عملی.

به عربی هم میشه: ۱) براء ۲) کفرنا ۳) عداوۀ و بغضا

نتیجه گیری:

دینداری با دوستی با خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد. به همین جهت اگر کسی بخواهد

قلبش را خانه خدا کند (تولی) باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون نماید (تبری).

لا اله الا الله در ۴۲ درس دین و زندگی:

۱. مهم ترین شعار اسلام

۲. در برگیرنده همه ابعاد توحید (توحید نظری + توحید عملی)

۳. موجب فلاح و رستگاری پیامبر : قولوا لا اله الا الله تفلحوا (اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام)

۴. بهای بهشت (از منظر پیامبر)

۵. دژ مستحکم خداوند: کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی (خدیث سلسه الذهب)

۶. دژ مستحکم پیامبر

۷. دژی که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می کند.

۸. پیامبر : نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای پرمحتوا همانند لا اله الا الله نگفته ایم.

۹. مرکب از نفی شریک خداوند (لا اله) اثبات یگانگی خدا (الا الله)

۱۰. مرکب از تولی (محبت به حق +) تبری (بیزاری از باطل) دین داری استوار بر ۲ پایه تولی و تبری است.

۱۱. به میزانی که **دوستی** با خدا عمیق تر باشد **نفرت** از باطل هم عمیق تر است.

۱۲. ارتباط با سخن امام خمینی: مگر تحقق دیانت، جز **اعلام محبت و وفاداری** نسبت به **حق و اظهار خشم و**

برائت نسبت به **باطل** است؟ حاشا که **خلوص عشق موخدین** جز به ظهور کامل **نفرت** از **مشرکین و منافقین** میسر شود.

۱۳. ارتباط با سفارش امام خمینی به مسلمانان جهان: باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از

محبت و **عشق** نسبت به **ذات حق** و **نفرت و بغض** (= کینه) **عملی** نسبت به **دشمنان خدا** لبریز کنند.

فصل دوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم
درس ۱۲ دینی دوم (فضیلت آراستگی)

تشریح مقدمه و تیپ تست های مقدمه:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ خُدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

از برنامه های ارزشمند **مؤمنان**، حضور عزتمند، عقیفانه و آراسته در اجتماع است. این مفاهیم گرچه **متفاوت** اند اما رشته ای نامرئی و ظریف، آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد و زیبایی خاصی پدید می آورد.

تیپ تست: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

(۱) مفهوم دریافت شده از آیه شریفه ((إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ)) متناسب با آیه الف)..... می باشد و مخاطب مورد دوم در بهره برداری از نعمات دنیایی (ب)..... می باشد.

(۲) حضور عزتمند و عقیفانه و آراسته در جامعه به شرط ج).... ارزشمند شمرده می شود.

(۳) رابطه میان آراستگی، عفاف و عزت در عین تفاوت در مفاهیم نوعی رابطه د) ... و ه) ... است که این رابطه ر).... خاصی را پدید می آورد.
ج: الف) قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده ... ب) مومنان و غیر مومنان ج) تحقق ایمان د) نامرئی ه) ظریف ر) زیبایی

پکیج تحلیلی آیات درس:

آیه اول:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ

فضیلت آراستگی

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

.....
جواز استفاده از زینتهای الهی برای بندگان

وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ نَفِي رَهْبَانِيَّت

قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا

.....
روزی های پاک در دنیا برای همه مردم در آخرت اختصاص به مومنان

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نَقْصِلُ الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

.....
اعتدال در بهره مندی از نعمتهای دنیوی و اخروی

محرمات الهی

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

مَا لَا تَعْلَمُونَ

بگو پروردگارم حرام کرده زشت کاری ها را

چه آشکار و چه پنهان آن ها را

و نیز گناه و سرکشی به ناحق را

و این که به خدا شرک بورزید،

چیزی را که برای آن دلیلی نفرستاده

و این که به خدا نسبت دهید

چیزی را که نمی دانید.

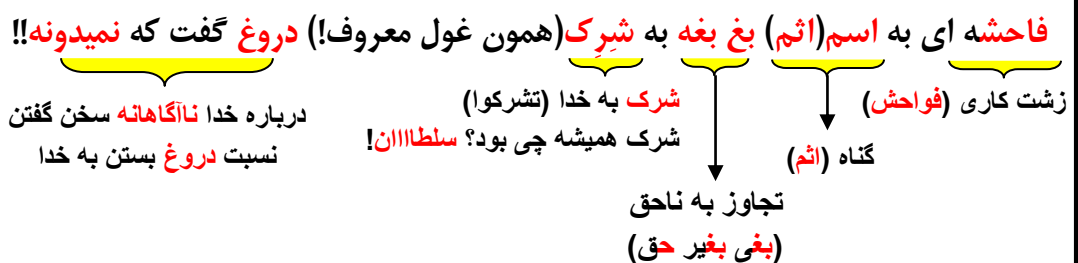
اعراف، ۳۲ و ۳۳ ناگاهانه درباره خدا سخن گفتن

این جمله در خصوص
کدام یک از محرمات
است؟

نکات خاص آیه:

- ۱) این آیه کسانی را که استفاده از نعمت های حلال و پاک و زیبایی هایی را که خداوند آفریده حرام می دانند مورد سوال قرار داده و می فرماید خداوند نعمت ها و زینت هایی که برای بندگانش آفریده را حرام نکرده است.
- ۲) این آیه مردم را دعوت می کند به استفاده از زینت هایی که خدا برای انسان آفریده است و حرمت و روی گردانی از آنها را مردود می شمارد.
- ۳) خداوند مردم را به استفاده از روزی های پاک و خدادادی دعوت می کند به شرطی که پاک و حلال باشند.
- ۴) استفاده از زیور های حلال در دنیا مشترک بین مومنان و غیر مومنان است.
- ۵) تاثیر روزی های حلال بر باطن انسان (و الطیبات من الرزق)
- ۶) مومنان از نعمت های حلال خداوند استفاده می کنند و این نعمت ها در قیامت به طور خاص به مومنان مختص است.
- ۷) قرآن انسان هایی را تربیت می کند که رشد و تعالی زندگی مادی و معنوی را با هم دارند.
- ۸) به دوری از کار های حرام توصیه شده است.
- ۹) آنچه خدا حرام کرده است به ترتیب:
 - الف. زشت کاری (فواحش) چه آشکار (ظهر) چه پنهان (بطن)
 - ب. گناه (اثم)
 - پ. تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق)
 - ت. شرک به خدا (تشرکوا) که مشرکان برای اعتقاد خود استدلالی ندارند (لم ینزل سلطان)
 - ث. درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن یا نسبت دروغ بستن به خدا (تقولوا ما لاتعلمون)
 (حتی موارد شک هم نباید به خدا چیزی را نسبت داد چه برسد به وقتی که درباره خدا چیزی را نمی دانیم)

رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شرک)



حالا به سوال: شرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطانان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارند!

۱۰) این آیه به **اعتدال** در زندگی از معیار های جامعه و تمدن اسلامی (درس ۸ پیش معیار ششم) اشاره دارد. مردم جامعه اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می کنند از زیبایی های جهان و نعمات الهی هم بهره می برند البته این نعمات نباید در **جهت دروغ به غول شرک** به کار برود یعنی نباید برای فواحش (زشت کاری) + اثم (گناه) + بغی بغیر حق (تجاوز به ناحق) + شرک به خدا بدون سلطان + ان تقولوا ما لا تعلمون به کار برود که در این صورت حرام خواهد بود.

۱۱) لزوم آراستگی ظاهری در کنار آراستگی باطنی و بهره مندی متعادل از زینت های دنیوی

۱۲) مقابله با زهد افراطی که منجر به ترک دنیا و توجه صرف به آخرت گردد. (من حرم زینه)

۱۳) نهی تحریم زینت های الهی و روزی های پاک برای بندگان خدا (زینه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق)

۱۴) در قیامت این زینت ها مخصوص مومنان است و لا غیر

۱۵) استفاده از زینت های الهی همراه با راز و نیاز و پابندی به اخلاق (ءامنوا...)

۱۶) این آیه و آیه دوم، نمونه ای از سخنان خداوند درباره **آراستگی و پوشش** است. برای درک عمیق تر و استفاده ی بهتر از راهنمایی های خداوند درباره ی مساله ای که **هر روز** با آن سر و کار داریم، از کلمات پیشوایان خود و شیوه ی زندگی آنان کمک می گیریم.

۱۷) مرتبط با تیترا (آراستگی، **شیوه** ی پیشوایان دین)

۱۸) مرتبط با متن:

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی **باطنی** خود می کوشیدند بلکه به زیبایی و آراستگی **ظاهر** هم توجه داشتند (تعادل) و یاران خود را نیز به رعایت آن دعوت می کردند.

۱۹) ارتباط با احادیث **آراستگی**:

پیامبر: لباس سفید و روشن بپوشید که **پاک تر و پاکیزه تر** است.

امام علی: **آراستگی** از اخلاق مؤمنان است.

امام صادق: خداوند زیبایی و **آراستگی** را **دوست دارد** و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.

امام صادق: دو رکعت نماز که با **بوی خوش** گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

پیامبر هنگام ملاقات: خدای تعالی **دوست** دارد وقتی که بنده اش به سوی دوستانش می رود خود را آماده و **آراسته** کند

۲۰) ارتباط با موضوع (آراستگی در اجتماع و هنگام عبادت)

۲۱) ارتباط با متن:

این شیوه ی رسول خدا (ص) و سایر پیشوایان ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به **آراسته ترین** و **پاکیزه ترین** ملت ها تبدیل شوند و **الگو و سرمشق** سایر ملت ها قرار گیرند. (مقام الگویی مسلمانان برای سایر ملت ها به واسطه ی آراستگی و پاکیزگی

۳ جای دیگر هم در آیات مقام الگویی داشتیم بگو:

الف) کنتم **خیر امه** اخرجت للناس.... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر

ب) و کذلک جعلناکم **امه وسطاً**... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.

ج) قد کانت لکم **اسوه حسنه** فی ابراهیم... : حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او (کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و

الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند. (مقام الگوی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او) علت این مقام الگویی

برائت (از ریشه ی براء در آیات) جستن و بیزاری آنان از بت پرستان و معبودانشان است.

(ان الله جميل و يحب الجمال)

آیه دوم:

عفاف

یا بَنِي آدَمَ يَكْسَانِي مَنْزِلَتِ زَنٍّ وَمَرْءٍ.....
 قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا.....
 دهدف از پوشش؟ یواری سَوَاءَتِكُمْ وَ رِيشًا^A.....
 حَفْظِ از ناپسندی (عفاف) - زیبایی (آراستگی ظاهری)
 وَ لِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ.....
 آراستگی باطن (مقدم).....
 ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ.....
 لَعَلَّهُمْ يَدَّغُرُونَ.....

اعراف، ۲۶

● امام صادق (ع) لباس نازک و بدن نما نپوشید زیرا نشانه سستی و ضعف دین است.

● ظاهر تجلی گاه باطن است.

نکات خاص آیه:

(۱) اهمیت اسلام به آراستگی ظاهری و آراستگی باطنی

(۲) کارکرد و هدف پوشش و لباس برای انسان:

(الف) پوشش ناپسندی ها (یواری سوءاتکم)

(ب) زینت و زیبایی (ریشاً)

(۳) ارتباط میان آراستگی و عفاف (مراعات پوشش و لباس ظاهری در گرو برخورداری از تقوی است)

(۴) هر گاه بپرسند کدام آیه پاسخ به این سوال است پاسخ همین آیه می باشد. (میان آراستگی و عفاف چه رابطه ای وجود دارد؟)

(۵) پوشش در جوامع امری فطری است.

(۶) بهترین لباس برای انسان لباس تقوا و پرهیزکاری است. (لباس التقوی ذلک خیر)

(۷) اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.

(۸) ارتباط با تیترا (تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی)

(۹) ارتباط با متن درس:

ظاهر هر کس تجلی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند.

مثال:

آن کس که نظم و برنامه ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان و باور داشته باشد، دست به برنامه ریزی می زند و هرکاری را در زمان خاص خود انجام می دهد.

از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می گذارد (تأثیر تدریجی رفتارهای ظاهری بر باطن و روحیه انسان) و روحیه ی فرد را تغییر می دهد. شما می توانید نمونه های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتی طرز تفکر افراد شده است. البته ممکن است انسان های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند. اما این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و نمی تواند از چشمان تیز بین انسان های خردمند مخفی بماند. بالاخره، باطن زشت آنان آشکار می شود و خود را نشان می دهد.

برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسل می شوند که: دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد، اما خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عقیف، ظاهر پاک و با عفاف را به دنبال می آورد و همان طور که گفته اند: ((از کوزه همان برون تراود که در اوست)) مگر می شود کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری بر ضد آن انجام دهد؟

((حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می رود.))

۳ مفهوم مهم درس:

عفاف، عزتمندی و آراستگی:

عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوء استفاده کنند. انسان عقیف حیا دارد از این که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند.

او در وجود خود ارزش های والاتری می یابد که می تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. انسان عقیف، آراسته است اما آراستگی او به گونه ای است که جسم او وسیله ی جلب توجه دیگران قرار نمی گیرد. او خود را بزرگ تر از آن می یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت جویی نگاه کنند.

به همان اندازه که رشته های عفاف در روح انسان ضعیف می شود، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می کند و پوشش جنبه ی خودنمایی به خود می گیرد. اما هر اندازه که این رشته مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه گاه زیبایی های روح و شخصیت متعالی انسان می گردد.

امام صادق: لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه ی سستی و ضعف دین است.

امام علی: بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

عفاف خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است. اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیش تر و برتری دارد. زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلی است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی می باشند و همچون سایه ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

زن کانون عفاف خانواده است. همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می خواند. گویا روح بزرگ او نمی پسندد که باز بچه ی خواسته های پست و حقیر ناپاکان شود. از این رو می کوشد آراستگی او در جامعه به گونه ای باشد که گوهر زیبای وجودش از نگاه نا اهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. او درمی یابد که اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می آورد. همان طور که اگر کسی به کمال علم زبیده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، موهبت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد و همان گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می شود، عرضه ی نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده عفت و حیا را از بین می برد.

عزت در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد:

انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می یابد که موجب می شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد. بزرگ ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است. چه بسا انسان هایی در جنگ ظاهری شکست بخورند اما روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند. یکی از اقسام پستی ها و حقارت ها آن است که افراد هوس ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس رانی های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه نمایند. انسانی که دارای عزت نفس است، این حقارت و پستی را نمی پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه ای در جامعه ظاهر می شود که اجازه ی چنین تحقیری را به دیگران نمی دهد. گرچه او هم

زیبایی و آراستگی را دوست دارد، اما این زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگه می دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.

نیاز به مقبولیت و رابطه ی آن با آراستگی:

برخی از نیازها در دوره ی نوجوانی و جوانی، بیش تر خود را نشان می دهد که در این میان می توان از نیاز به توجه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است، تلاش می کند که توانایی ها و استعدادها را کشف و شکوفا کند و آن ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند. نوجوانی که می کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباسی نامناسب یا آرایش غیر معمولی یا به کاربردن کلامی تند و نابجا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می کند، بسیار متفاوت است. این شخص به طور ناخود آگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده و آن دیگری ارزش های وجودی خود را به زیبایی هر چه تمام تر آشکار کرده است.

نکته:

آراستگی همراه با عفت و حیا نشانه ی:

الف. شخصیت روحی

ب. درک متعالی فرد از زندگی است

و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. حتی آن فردی که نسبت به پوشش همراه با عفت و حیای دیگری روی خوش نشان نمی دهد، در قلب و وجدان خود او را می ستاید.

* خلاصه تفکر در آیات *

رعایت حیا در حضور جنس مخالف الزامی است:

- ۱) آب ندادن گوسفندان توسط دختران شعیب در حضور مردان (لا نسقی حتی یصدر الرعا)
- ۲) رفتن موسی به سایه ای پس از آب دادن گوسفندان دختران (فسقی لهما ثم تولى الى الظل)
- ۳) گام برداشتن دختران شعیب همراه با رعایت عفاف (تمشی علی استحياء)

* خلاصه اندیشه و تحقیق *

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت مریم)) : **اعوذ/غلام/یالبتنی** + درخواست نیست و نابود شدن و شدت ناراحتی حضرت مریم در هنگام آگاهی از بارداری خود.

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت یوسف)) :

معاذ الله (پناه به خدا بردن حضرت یوسف هنگام مواجهه با ارتکاب به گناه)

حکم/علم (هنگامی که یوسف به بلوغ رسید خدا حکمت و علم به ایشان عطا نمود)

نصرف سوء//تصرف کید (از ریشه صرف + سوء/کید) (نصرف سو هنگام درخواست کامجویی از یوسف) (تصرف کید هنگام زندان)

مخلصین/محسنین (مخلصین همراه با نصرف سوء) (محسنین همراه با تعبیر خواب دو زندانی)

خمرأ/خبرأ (تعبیر خواب دو زندانی اولی (خمرأ) ارج و مقام نزد پادشاه می یابد. دومی (خبرأ) به دار آویخته و پرنده گان از سرش می خورند.)

سجن احب (زندان دوستی در مقابل انجام گناه)

سبع بقرات (تعبیر خواب پادشاه)

لم اخنه (عدم خیانت در غیاب عزیز مصر نشانه ی عفاف حضرت یوسف)....(احتمالی کنکور ۹۹)

نکتہ نوشت کلاسی:

دینی سال دوم دبیرستان
درس چهاردهم (نظارت همگانی)

(۱) مقدمه:

در روزگاران قدیم که دریانوردان با کشتی های بادبانی پهنه ی دریاها و اقیانوس ها را می پیمودند، با حوادث دلپره آور و خاطره انگیزی روبه رو می شدند. حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی که کرانه های آن ناپیداست، ساکنان کشتی را به هم نزدیک می کرد. آنان در هنگام خطر حس می کردند که چقدر سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است! یا همه با هم نجات خواهند یافت و یا همه با هم در دریا فرو می روند. پیام کلی: سرنوشت همه افراد جامعه همانند سرنوشت افراد داخل کشتی به هم گره خورده است.

سوپر ترکیب غفوری: آیه اندیشه و تحقیق درس یک دینی چهارم: من بهش میگم آیه کشتی و نامردان!!! (:

آیه: (هُوَ الَّذِي يَسِّرُ كُم فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ...)

ترجمه آیه: او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و باد های موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت می دهد (قدر الهی=بادهای موافق باعث حرکت کشتی (قضا) می شوند + توحید در ربوبیت) و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد (در لحظات حساس و خطر که احساس می کنند خودشان قدرت هیچکاری ندارند بیشتر به یاد خدا می افتند)؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند (هر کس در فطرت خود، خود را وابسته به یک قدرت بی پایان و بی نیاز می یابد). که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاس گزاران خواهیم بود اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، باز به ناحق، در زمین ستم می کنند. (بدکاری مردم پس از نجات از بحران ها (اذا هم یبغون) نشان دهنده عمیق نبودن اعتقادشان به خداوند و به زیان خودشان است (انما بغیکم علی انفسکم) ای مردم! ستم های شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره می برید، سپس بازگشت شما بسوی ماست (معاد جسمانی و بازگشت به سوی خداوند)؛ و ما، شما را به آنچه عمل می کردید، خبر میدهیم!

رمز های حفظ آیه: ریح طیبه (بادهای موافق) + اَلْبَرُّ وَ الْبَحْرُ (خشکی و دریا) + ریح (باد) + بغی (ستم و تجاوز)

ترکیب خفن: موارد حرام طبق آیه درس ۱۲ دینی ۲:

رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شرک)

فاحشه ای به اسم (اثم) بغ به شرک (همون غول معروف!) دروغ گفت که نمیدونه!!
زشت کاری (فواحش) شرک همیشه چی بود؟ سلطان!
گناه (اثم) تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق)

ارتباط این آیه با درس اخلاص (۴ سال چهارم)

خداوند، گرایش به پرستی خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله پیامبران الهی و کتاب های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است (هدایت تشریحی). انسان هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته اند و بنده هوای نفس و شیطان شده اند، (۱) از این گرایش غافل شده و (۲) سرگرم امور زود گذر دنیا گردیده اند. = در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند.

سخن رسول الله به یارانش:

مردم یک جامعه مانند سرنشینان کشتی اند. اگر کسی جایی را که نشسته، به بهانه ی این که جای خودش است، سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد کرد.

پیام: لزوم نظارت همگانی و تشییه جامعه بر یک کشتی که در حال سیر کردن اقیانوس زندگی برای رسیدن به کمال و برتری است. (شب=مردم، شب=سر نشینان کشتی، و ج=شب: مسئولیت های مشترک و هدف واحد)

تطبیق

برخی از افراد وقتی مرتکب گناهی می شوند و دیگران به آن ها تذکر می دهند، این را دخالت در حوز ه ی زندگی خود می شمردند و سلب آزادی خود تلقی می کنند. این دیدگاه را با آیات و روایات، به خصوص با مثال کشتی مقایسه کنید و نتیجه گیری نمایید.

پاسخ:

جست و جو در زندگی شخصی افراد جایز نیست اما اگر آشکار شد که شخص مرتکب منکری شده شده است؛ نهی از منکر واجب می شود چرا که آثار عمل او به جامعه رسیده و ضرر وارد می کند. همان طور که اگر فردی در کشتی عملی انجام دهد که ظاهراً شخصی است ولی سبب صدمه به کشتی و غرق شدن کل سرنشینان کشتی گردد؛ باید به سرعت در برابر عمل او مقامت نمود و او را منصرف کرد.

۲) هدف واحد و مسئولیت مشترک:

سرنوشت سرنشینان یک کشتی که در حال گذر از دریاها و اقیانوس هاست، در امور زیر به هم پیوند خورده و مسئولیت مشترکی دارند:

- ✓ همه ی آن ها با یک وسیله و به سمت یک هدف حرکت می کنند .
- ✓ هیچ یک از ساکنان کشتی نمی تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت حرکت کشتی را تغییر دهد.
- ✓ کشتی هم نمی تواند در آن واحد چند جهت متفاوت را دنبال کند.
- ✓ حفظ امنیت و سلامت کشتی برای رسیدن به مقصد بر عهده ی همه ی افراد است.
- ✓ اختصاصی بودن جا و برخی وسایل دیگر این حق را به کسی نمی دهد که هر طوری که میل دارد از آن ها استفاده کند.
- ✓ حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، ناامیدی یا امیدواری افراد در لحظه های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه ی ساکنان را تغییر می دهد.
- ✓ سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است.

خلاصه موارد بالا جهت به خاطر سپاری: همه یک هدف/جهت کشتی به میل یک مسافر نیست/کشتی فقط یک جهت/نقش همه در امنیت و سلامت/اختصاص جا و برخی وسایل/تأثیر حالات روحی یک فرد بر بقیه/بهترین راه رسیدن به مقصد= ناخدای خبره و کمک به وی

نتیجه:

- ✓ هر فردی نمی تواند به میل خود مقصدی برای کشتی اجتماع تعیین کند.
- ✓ هر فردی به بهانه استقلال در مسائل شخصی، نمی تواند بگوید: هر طور که میل دارم زندگی می کنم و انتخاب های من ارتباطی به دیگران ندارد.
- ✓ هر کس به بهانه ی نفع شخصی نمی تواند بگوید: من فقط برای رفاه و سعادت خود تلاش می کنم و کاری به دیگران ندارم.
- ✓ ارتباط و تأثیرگذاری اعضای جامعه بر یکدیگر نسبت به سرنشینان یک کشتی عمیق تر است چراکه از جهات مختلف با یکدیگر پیوند خورده اند و در زندگی طولانی مدت اجتماعی، اخلاق، آداب و رسوم و فرهنگ پدید می آید که بر هر یک از افراد تأثیر می گذارد.

آیه:

قبول فرمان های الهی } وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا
وَلَا تَفَرَّقُوا }
وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ }
إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً دُشْمَنِي دِيرِينَه }
فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ }
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا }
وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ }
فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا }
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ }
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ } ←

اسلام عامل
الفت و اخوت و وحدت
عمر، نعمت خداوند

۱. ضرورت وحدت و یکپارچگی همبستگی اجتماعی
۲. محور وحدت حبل الله است.....
۳. وحدت کلمه نتیجه کلمه توحید است.....

تا به لطف او با یکدیگر برادر شدید
و بر کنار پرتگاه آتش بودید منظور اختلاف و تفرقه است
که شما را از آن رها کنید
این گونه خدا آیات خود را روشن بیان می کند
تا این که هدایت شوید (یادآوری نعمت ها برای توجه به نعمت آفرین است، به جهت هدایت است.)

تیپ تست های آیه:

۱. منظور از پرتگاه آتش (شفا حفره من النار) در آیه چیست؟ وجود اختلاف، تفرقه و کینه ورزی در صدر اسلام

۲. عامل رهایی بخشی جامعه از و است. (اسلام- تفرقه- نابسامانی)

۳. عامل اصلی وحدت و برادری جامعه اسلامی می باشد. (لطف خداوند در تالیف قلوب مسلمانان)

۴. میان مسلمانان عامل هدایت ایشان است. (اتحاد)

۵. از عبارت در این آیه به توحید عملی می رسیم. (واعتصموا بحبل الله)

۶. سراسری ریاضی ۹۵: لازمه تمسک به ریسمان الهی چیست؟ (همدلی برادری و دوری از تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی)

۳) دعوت به خیر و نیکی:

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است .

این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی هاست تا میدان بر بدی ها تنگ شود و تمایل به سوی آن ها کاهش یابد .

این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می بخشد و هم به تعالی آن کمک می کند و هم به عنوان پیش گیری، مانع گسترش گناه می شود و نیاز به

درمان را که همان وظیفه ی دوام است، کم می کند .

بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است زیرا که امام صادق می فرماید: دعوت کننده ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی،

تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت کننده هستند. (رفتار های دعوت کننده: ۱. پارسایی ۲. تلاش ۳. نماز ۴. نیکی)

کلید واژه های دعوت به خیر و نیکی: آشنایی/تشویق/ترغیب/تمایل به بدی کم/میدان بر بدی تنگ/دوام سلامت/تعالی بخشی/پیش

گیری/مانع گسترش گناه/دعوت کننده/پارسایی/تلاش/نماز/نیکی/یدعون+الخیر. سراسری ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۷ از همین کادر مطرح شد!!

نکته: دعوت به خوبی ها و نیکی ها، گرایش به آن ها را در مردم افزایش می دهد و زمینه های گناه را کم رنگ می کند اما این دعوت همیشه

باعث پیشگیری نمی شود. (احتمالی ۹۹)

شرط
رستگاری

اولین
مقدم

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾

.....
پیشگیری از گناه - زمینه گناه را کم می کند ...

۱۴) امر به معروف=واجبات و مستحبات و نهی از منکر=محرمات و مکروهات:

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می

دهند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیر پذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که

همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران

سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای امر به معروف و نهی

از منکر دانست .

دو شرط
رستگاری

اولین
مقدم

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾

.....
پیشگیری از گناه - زمینه گناه را کم می کند ...

دومین
مؤخر

﴿وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ﴾ ... واجبات و مستحبات
﴿وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ ... محرمات و مکروهات
درمان گناه

ثمره ی وجود نظارت
همگانی در جامعه

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

سربلندی و رستگاری جامعه ی اسلامی در دعوت به نیکی
و امر به معروف و نهی از منکر است.
آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

نکته مهم: امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و محرمات واجب است و در مستحبات و مکروهات مستحب است.

همه ی احادیث امر به معروف و نهی از منکر:

امام علی:

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید
که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند
و آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.

امام علی (ع)

به امام حسن و امام حسین

ترک امر به معروف و نهی از منکر می
دهد: تسلط افراد شرور و بدکار و عدم
اجابت دعاها حتی در صورت تکرار

خارج 91 در میدان عمل به
نظارت همگانی آنجا که نافرمانان
متجاوز از حدود به استمرار
سریچی ها پافشاری کنند
پرداختن به وظیفه دومین که پیام
آیه شریفه: و یا مرون... می باشد
و جوب خود را اعلام می دارد تا
به بیان امام علی(ع): راه اجابت
دعا ها مفتوح بماند.

امام باقر:

امر به معروف و نهی از منکر فریضه ی بزرگ الهی است که همه ی واجبات با آن برپا می شود

و به وسیله ی آن امنیت برقرار می گردد،

کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تأمین می شود
و در سایه ی آن آبادانی می آید
و از دشمنان انتقام گرفته می شود
و کارها رو به راه می گردد.

امام باقر(ع)

امر به معروف و نهی از منکر: فریضه
همه واجبات بر آن برپا اند. / امنیت / کسب
و کار حلال / حقوق افراد / آبادانی / انتقام از
دشمنان / کارها رو به راه

هنر 86: بنابه فرموده امام
باقر انجام همه مستحبات
از نتایج امر به معروف و
نهی از منکر می باشد.

امام صادق:

گروهی از اینان (بنی اسرائیل) هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با
آنان مأنوس می شدند. (تایید کننده گناه دیگران در گناه شریک)

خندیدن به گناه کار موجبات انجام گناه را فراهم می کند.

امام صادق

خارج 90: مورد لعن پیامبران قرار گرفتن قوم بنی اسرائیل به بیان امام صادق معلول انس ورزیدن با گناهکاران و صحه گذاشتن بر زشت کاری آنان

رسول الله:

هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی بازدارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر
سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.

امر راهنمایی یا تشویق به کار بد می دهد سهیم بودن در بدی پیامبر بازداشتن از بدی و تشویق به نیکی می دهد سهیم بودن در نیکی

امام علی:

تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ی آبی است در برابر دریای پهناور. (ارتباط با قیام امام حسین(ع))

ارزش بسیار بالای امر به معروف و نهی از منکر در مقابل تمام کار های نیک امام علی(ع)

نکته خفن غفوری:

اگر در تستی بگویند: با توجه به بیان امام صادق(ع):

الف) مانوس شدن با گناهکاران توسط انسان باعث چه می شود؟ جواب: باعث شریک شدن در گناه آنان

ب) مانوس شدن با گناهکاران توسط قوم بنی اسرائیل باعث چه می شود؟ جواب: باعث مورد لعن پیامبران قرار گرفتن.

غفوری says: ...

۲ آیه دیگر امر به معروف و نهی از منکر:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

سرپرستی و مسئولیت اجتماعی مومنان

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

نظارت همگانی مستمر

(۱) يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

زمینه ساز
بهره مندی از
رحمت الهی

اقامه نماز مستمر

(۲) وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

پرداخت صدقه مستمر

(۳) وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

((توصیف))

ولایت پذیری مستمر... از معیار های تمدن اسلامی

(۴) وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت از دلایل ولایت ظاهری

لازمه جذب رحمت الهی ۴. مورد فوق است.

أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ

((ثمره))

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ← آمل تاحق بودن این وعده بیان کند.

آمل تاوانایی خدا را وعده خود را بیان کند. ^{توبه، ۷۱}

خلاصه مهم:

قرار گیری در رحمت خداوند

می دهد

1. مسئول و ولی نسبت به یکدیگر
2. امر به معروف و نهی از منکر
3. برپا داشتن نماز
4. پرداختن زکات
5. اطاعت از خداوند و پیامبرش

نشانه مرد و زن با ایمان فرقی
نی کند چه جنسیتی داشته
باشند!

معلول [كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ]
[أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ]

راه بهترین امت شدن

(۱) تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
(۲) وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
(۳) وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ...

علت

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود. ^{العمران، ۱۱۰}

دو مورد ویژگی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع
جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

نکته خفن شماره یک غفوری:

تنها آیه ای که فعل امر به معروف و فعل نهی از منکر در آن با (ت) شروع می شود همین آیه است که باید حواسمان باشد که در ابتدا با
(کنتم خیر امه) شروع شده و خداوند همراه با امر به معروف و نهی از منکر به ایمان نیز جهت مقام الگویی اشاره نموده است.

سوپر نکته خفن شماره دو غفوری ☺ احتمالی ۹۹

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت: ((و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن آیه با مفهوم دعوت به خیر و نیکی = ((و لتکن منکم امه))؛ آغاز می شود.

انتهای آن با مفهوم سربلندی و رستگاری = ((و اولئک هم المفلحون))؛ پایان می پذیرد.

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت: (([] یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن: آیه با عبارت ((و المومنون و المومنات))؛ آغاز می شود.

مفهوم آیه: زمینه سازهای قرار گیری در رحمت الهی (اولیا+امر به معروف و نهی از منکر+نماز+زکات+اطاعت خدا و رسول)

انتهای آن: با مفهوم مورد رحمت الهی قرار گرفتن و عبارت ((ان الله عزیزا حکیما))؛ پایان می پذیرد.

هیچگاه در تست ها قسمتی از آیه ای با عبارت: ((و ینهون عن المنکر)) آغاز نمی شود زیرا:

در این صورت مفهوم هر دو آیه بالا برداشت شده و دو گزینه صحیح می شود.

ولی دقت کنید ممکن است طراح این قسمت از آیه را بدهد و بگوید: ((با کدام مفهوم برداشت شده متناسب

نیست؟)) در این صورت منظور طراح گزینه ای می باشد که در آن یکی از مفاهیم موجود در آیه ((کنت خیر امه

اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله)) موجود باشد چرا که در این آیه فعل های مان

با ((ت)) شروع می شود نه ((ی)). + (قبلاً مفاهیم برداشت شده از این آیه را به دقت بررسی کردیم)

غفوری says ...

۵) احکام امر به معروف و نهی از منکر: (واجب کفایی)

این احکام عبارتند از:

الف - شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید:

۱- بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است. علم به واجبات و محرمات

۲- بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳- احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد. مثلاً اگر توضیح دادن مؤثر نبود، می‌توان روش را عوض کرد. مثلاً کتاب مناسب معرفی کرد یا از فردی که با اطلاع‌تر است کمک گرفت.

۴- بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست پس اگر بداند یا احتمال بدهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری پیش گیرد.

توجه: اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین - علیه السلام - و یارانش برای حفظ اسلام و از بین بردن ظلم و فساد بنی‌امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمل نمودند.

ب - مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مرحله اول: با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

مرحله دوم: با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخص گناهکار به عواقب و نتایج عمل خود بهتری بیرد.

مرحله سوم: او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه مسئولیت‌های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه‌ی اوست.

بیش از ۱۰ بار تکرار این کلید واژه‌ها در کنکور!!!

کلید واژه‌های شرایط: بداند/علم به واجبات/علم به محرمات/ادامه گناه/احتمال اثر/تغییر روش/عدم مفسده/ضرر/جانی/آبرویی/مالی
 کلید واژه‌های مراحل: #مرحله یک: رفتار/روی گرداندن/اخم #مرحله دو: زبان/موعظه/نصیحت/تربیتی/استدلال/منطق/اثرگذاری/عواقب/نتایج
 #مرحله سه: بازداشتن/وادار کردن/عدم وجود راه دیگر/اجازه حاکم اسلامی

این نکات را بفهمید!! حفظ نکنید فقط میخوام بفهمید طراح چجوری میتونه با کلمات بازی کنه.

سوپر نکته یک غفوری:

اگر ((احتمال)) همراه با: ((یا نداند)) یا ((یا گمان کند)) بیاید همواره پس از آن دو مطلب می آیند: اولاً ((تکرار می کند)) ثانیاً ((امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست)).

مثال: تست: در بررسی امر به معروف و نهی از منکر اگر فردی احتمال بدهد یا نداند که مخاطب ؛ در این صورت امر به معروف و نهی از منکر پاسخ: شرایط-تکرار گناه می کند یا خیر-واجب نیست.

سوپر نکته دو غفوری:

بداند برای هر چهار مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1) بداند از واجبات یا از محرمات 2) بداند به گناه ادامه می دهد. که در هر دو مورد طراحان بجای استفاده از کلمه ((بداند)) از کلمه ((علم به فلان)) استفاده می کنند که معادل هم اند. 3) در شرط سوم پس از آن اشاره شده است که: ((و اگر بداند که با تغییر روش موثر واقع می شود باید سعی کند روش خود را تغییر دهد)). 4) بداند که در امر و نهی او مفسده ای نیست و در ادامه کلمه ((بداند)) در کنار کلمه ((یا احتمال بدهد)) آمده است.

سوپر نکته سه غفوری:

احتمال بدهد برای سه مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1) یکی در انتهای شرط دوم که خود این شرط با کلمه ((بداند)) آغاز می شود ولی در انتها به ((احتمال بدهد که تکرار گناه کند)) ختم می شود. 2) احتمال بدهد که فلان روش موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده 3. احتمال بدهد در شرط چهارم در کنار ((بداند)) در جمله: ((پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید روش دیگری در پیش بگیرد)).

سوپر نکته فوووووق خفن غفوری:

اگر بداند..... همراه با ((+یا احتمال دهد)) با تکرار امر موثر واقع ... **روش** امر به معروف..... باید آن را تکرار کند.
پس اگر نداند گناه را تکرار می کند(انتهای **شرط** دوم)..... امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.
و اگر بداند با تغییر روش موثر(ادامه ی **شرط** سوم)..... باید روش خود را تغییر دهد.
پس اگر بداند همراه با ((+یا احتمال دهد)) ضرر جانی مالی آبرویی(ادامه **شرط** چهارم)..... روش دیگری در پیش گیرد.

سوپر نکته چهارم غفوری: باز هم خفن!!

کلمه ((روش)) هم در شرط سوم و هم شرط چهارم ذکر شده است بنابراین فقط به شرط سوم اختصاص ندارد!
شرط سوم: احتمال بدهد که فلان **روش** موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده
ادامه شرط چهارم: پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید **روش** دیگری در پیش بگیرد.

سوپر نکته پنجم غفوری:

کلید واژه ((کتاب مناسب)) یا ((کمک از فرد مطلع تر)) مربوطه به مورد سوم از **شرایط** امر به معروف و نهی از منکر
ولی کلید واژه ((استدلال)) و ((منطق)) و ((شیوه های مختلف تربیتی)) مربوطه به مرحله دوم از **مراحل** امر به معروف و نهی از منکر

روش ها:

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است :

- ۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.
- ۲- مانند طبیبی مهربان رفتار کند.
- ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.
- ۴- از خودخواهی و خودستایی پرهیزد.
- ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد. ← اخلاص
- ۶- خود را منزّه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.
- ۷- اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می شود، باید آن را تکرار کند!

روش ها (مفاهیمی اخلاقی اند)

کلید واژه های روش ها: عدم گناه /مهربان/رعایت مصلحت/عدم خودخواهی/حسن فاعلی=قصد فقط رضاالله/عدم برتر بینی/تکرار در صورت علم به تاثیر گذاری یا احتمال به تاثیر گذاری/از بین رفتن اخوت

پایان جزوه خفن درس چهاردهم دینی دوم دبیرستان

ففن نوشت های تستی من:....

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من صد درصد می زند پس به کمتر صد راضی نشو!

دین و زندگی دوم دبیرستان

درس ۱۵ (کار و درآمد حلال)

(۱) مقدمه:

انسان هایی که در یک جامعه زندگی می کنند، با کار و تلاش و به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می نمایند.

(۲) کار، منشأ اصلی تولید ثروت:

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

منطق فطرت هم برای پدید آورنده ی یک شیء حق تصرف در آن را می پذیرد و او را مالک می شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه ی موجودات خداست. (توحید مالکیت)

پیامبر: هر کس به آباد کردن زمینی که بی استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن (مالکیت) خواهد بود. کار، یا باید مولد و خلاق باشد و یا نتیجه ی مفیدی داشته باشد تا بتوان نام کار بر آن گذاشت.

کار مولد و خلاق اختصاص به کار در کارخانه یا کشاورزی و پزشکی ندارد.

تولید علم و پیشرفت در رشته های علمی از مهم ترین کارها.

تجارت کالاهای مفید و حلال و خدمات از کارهای سودمند.

یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده اند.

آیه:

ضرورت کار و کسب
 روزی از زمین
 هُوَ اَنْشَاكُمْ مِنَ الْاَرْضِ
 وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...
 او شما را از زمین آفرید
 و شما را به آبادانی آن واداشت
 هود، ۶۱

نکته: هر گاه از ریشه ((انشأ)) در آیات دیدی: اشاره به لزوم توجه به اصل و مبدا و #توحید خالقیت دارد.

نکته: (انشأ) در ۳ درس آمده: درس ۴ و ۵ دینی دوم که اشاره به آفرینش بعد روحانی دارد و یکی هم در آیه بالا که اشاره به آفرینش بعد جسمانی دارد چراکه بعد از آن عبارت ((من الارض)) بیان شده است.

جمع بندی:

۱. ثم + انشأناه + خلقا آخر (درس ۴ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به منشأ بعد روحانی انسان و بیانگر تفاوت خلقت بعد روحانی با جسمی.
۲. ثم + بینشی + النشاه الآخره (درس ۵ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به مشاهده چگونگی آفرینش جهان هستی برای درک آفرینش مجدد آن و وجود جهان آخرت.
۳. هو + انشأکم + من الارض (درس ۱۵ دینی ۲) اشاره به توحید خالقیت اشاره به مبدا و خلقت اولیه ی بشر از خاک (بعد جسمانی) روش حفظ: کلمه (خاک) دارای حرف (ک) هست و (انشأ) تنها در همین آیه همراه با ضمیر (کم) آمده که این ضمیر هم دارای حرف (ک) است.

جمع بندی کلید واژه های (کار منشأ اصلی تولید ثروت) :

خلاق / مولد / کلید منابع / تصرف / خانواده مالک / عدم سبقت / کارخانه / کشاورزی / پزشکی / علم / پیشرفت + علم / تجارت / خدمات / کاذب / بدترین / انشأ / استعمار / آبادانی

(۳) ربا، کاذب ترین کارها:

۱. پول وسیله ای برای مبادله ی کالا است.
۲. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده ای در کار باشد، ربا پیش می آید.
۳. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، یا وام گیرنده شرط می کنند که پول بیش تری بازگرداند.

۴. این عمل سبب می شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده در خواست کرده، بپردازند.
۵. ادامه ی این کار سبب می شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و ربا خواران حریص تر و ثروتمند تر شوند و طبقه ای استثنایگر در جامعه پدید آید.
۶. امروزه، سرمایه داران بزرگ جهان وام هایی با بهره های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی کنند، ناچار می شوند معادن و ثروت های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.
۷. در عصر رسول خدا مردم عربستان به ربا آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او نپردازند.

سرّیح منخ: چهار خاطر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

- ۱- در بینش و تفکر اسلامی، کار و، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.
خلاق و مولد-کلید
- ۲- منطقی ... هم برای پدید آورنده ی یک شیء حق ... در آن را می پذیرد و او را می شناسد.
فطرت-تصرف-مالک
- ۳- به این جهت، مالک ... و ... همه ی موجودات خداست که خدا همه موجودات است.
اصلی-حقیقی-پدیدآورنده
- ۴- هر کس به آباد کردن زمینی که بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او، آن زمین از آن او خواهد بود.
بی استفاده است-سبقت نگرفته باشد
- ۵- کار، یا باید ... و ... باشد و یا ... داشته باشد تا بتوان نام کار بر روی آن گذاشت.
خلاق-مولد-نتیجه مفیدی
- ۶- از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای ... و دوری از کار ... و است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را کرده اند.
کاذب-مفید-مولد-منع
- ۷- وسیله ای برای مبادله ی کالا است. اگر این پول، خودش مورد معامله قرار گیرد، بدون این که در کار باشد، پیش می آید.
پول-مستقلاً-فایده ای-ربا

آیه:

ای کسانی که ایمان آورده اید
پروای خدا داشته باشید **تقوا** لازمه ترک ریاست
و آنچه را از ربا باقی می ماند، رها کنید؛ **حرمت ربا**
اگر مؤمن هستید **ایمان شرط رها کردن ربا است.**
پس اگر چنین نکنید
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.
و اگر توبه کنید توبه از ربا درگرو رسیدن اصل سرمایه به قرض دهنده است
سرمایه هایتان از آن خودتان **صیانت از مالکیت خصوصی**
تا نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.
مصدق آن: ذروا ما بقی من الربا،

یا ایها الذین آمنوا

اتقوا الله

و ذروا ما بقی من الربا

ان کنتم مؤمنین

فان لم تفعلوا

فادنوا بحرب من الله و رسوله

وان تبتم

فلکم رؤس اموالکم

لا تظلمون و لا تظلمون

مصدق آن: ذروا ما بقی من الربا،

حرمت وام مشروط

شرط

علت

معلول

رمز حفظ آیه:

ذروا (رها کردن ربا)

اذن (اعلان جنگ با خدا و پیامبر)

تیبیب تست های آیه:

- ۱- آیه ی شریفه ((یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی...)) در تفهیم به مومنان است و در ادامه می فرماید اگر از این کار خودداری نکردید..... (بر حذر ماندن از آلودگی به ربا خواری-اعلان جنگ با خدا و رسولش را پذیرفتید)
- ۲- با توجه به آیه شریفه ((یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین)) لازمه ایمان واقعی معرفی شده است. (رعایت تقوای الهی و ترک ربا)
- ۳- در قرآن کریم فقط یکجا ((اعلان جنگ با خدا و رسولش)) مطرح می شود و آن زمانی است که یک نظام، فرهنگ را دنبال می کند. (اقتصادی-ربا خواری)

نکته بازی

نکته: (ذروا) دیدی سریع بگو حرمت ربا و وجوب ترک آن + توحید در عبادت / نکته: با توجه به آیه لازمه ایمان واقعی، رعایت تقوای الهی و ترک ربا است. /
نکته: ترک ربا باعث عدم ظلم به خود و دیگران می شود. / نکته: تارک ربا باید سود و بهره های پول را به صاحبانش بازگرداند اما اصل سرمایه مال خود اوست
به همین دلیل نه ستم می کند و نه ستم می بیند. / نکته: اذنوا دیدی سریع بگو: اعلان جنگ + شرک عملی / نکته: (تبتم) = توبه و بازگشت انسان از گناه

۱. در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می آید و سود یا زیان آن، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام دهنده ی کار تقسیم می شود.
۲. برنامه ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله ی طبقاتی و فقر است. آنان که ثروت اندوخته دارند، (۱) شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا (۲) با کسانی که نیازمند سرمایه اند، شریک شوند، یا (۳) به صورت قرض الحسنه به نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید پردازند.
۳. سرمایه باید مانند خون در رگ های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.
۴. وقتی سرمایه ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می افتد و ثروتی که از این راه به دست می آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود.
۵. یکی از راه های برقراری عدالت، توزیع عادلانه ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

(۵) بانکداری:

۱. در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه اندازی کارخانه، بنا کردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می شود.
۲. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می شود و سرمایه ی خود را طی قراردادی در اختیار افراد متقاضی می گذارد و با آنان در کار مشخصی مشارکت می کند. سرمایه ی بانک و کار افراد دست به دست هم می دهد و فعالیت اقتصادی شکل می گیرد. بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می کند تا وام گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.
۳. بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند. روشن است اگر بانک ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه ای را پیش نرفته اند.
۴. قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.
۵. تمرین متن: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.
در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت ... و ... است.
سود حاصل میان ... ، ... و ... تقسیم می شود.
آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند.
قانون بانکداری که در تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت و ... استوار است و از این جهت با مقررات مطابقت دارد.

(۶) تأمین نیازهای عمومی: (از اینجا به بعد درس مهم شد)

- جامعه ی اسلامی هزینه های گوناگونی دارد که باید تأمین شود. این هزینه ها دو نوعند: (۱) هزینه های ناشی از خلأها و شکاف های موجود در جامعه و (۲) دیگری هزینه های برآمده از زندگی اجتماعی و شهری.
- نیازهای جامعه از دو راه تأمین می شود: **انفاق و مالیات**
- انفاق: (انفاق واجب = زکات و خمس + انفاق مستحب)**

هزینه های ناشی از خلأها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه مانند هزینه های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان های از کار افتاده، خانواده های بی سرپرست، تحصیل طلاب، دانش آموزان و دانشجویانی که از تمکن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان

پرداخت قرض خود را ندارند و نیز ساختن مساجد و کتابخانه ها، ایجاد مؤسسات فرهنگی و تربیتی و تولید فیلم ها و نرم افزارهای آموزشی به منظور تربیت انسان های دیندار از راه انفاق است. افرادی که از نعمت سلامتی و تمکن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.

زکات: (یک انفاق واجب است)

قرآن کریم در بسیاری موارد، **پس** از برپا داشتن نماز (مقدم) بر پرداخت زکات (مواخر) تأکید کرده است.

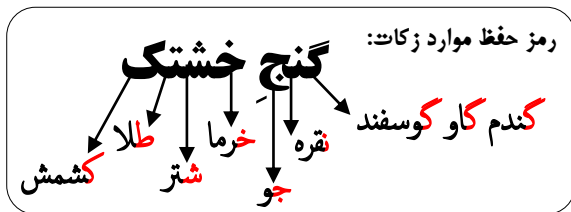
مواردی که ذکات به آن ها تعلق می گیرد:

غلات: گندم، جو، خرما و کشمش

دام ها: شتر، گاو و گوسفند

سکه ها: طلا و نقره.

نکات ذکات:



الف زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد. هر یک از این اموال **نه گانه** حد نصاب خاصی دارند. **ب** زکات، یک عبادت است و لازم است به نیت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ج زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت **سکه ای** باشد که معامله ی با آن رواج دارد؛ بنابراین، زیور آلات خانم ها زکات ندارد.

آیه ذکات:

زکاة

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ

لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ

وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا ←

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ ←

وَفِي الرِّقَابِ ←

وَالْغَارِمِينَ ←

وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ ←

وَأَبْنِ السَّبِيلِ ←

فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ←

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ←

نیازمندان و خانه نشینان

کارکنان جمع آوری زکاة

متمایل شدن دل های غیر مسلمان به اسلام

آزادای بردگان

پرداخت قرض بکارگران

کسی که در راه مانده و سید نیست.

.....

.....

.....

توبه، ۶۰

مصارف زکاة

۸ مورد

موارد مصرف زکات:

✓ فقرا و مساکین

✓ عاملین و قلوب

✓ رقاب و غارمین

✓ سبیل الله و ابن سبیل

مبنای وجوب زکاة

زکات فطره: (یک انفاق واجب است)

در **پایان ماه رمضان** که عید **فطر** فرا می رسد و همه در شادی به سر می برند، خداوند، برای کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را **واجب** کرده است و احکام آن به شرح زیر است:

الف کسی که موقع **غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار** است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که **نان خور** او هستند، هر نفر به میزان تقریبی **۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج** و مانند این ها به مستحق بدهد. اگر پول یکی از این ها را هم بدهد، کافی است.

ب کسی که دیگری باید فطره ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج کسی که نمی تواند مخارج سال خود و خانواده اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د انسان باید زکات فطره را **به قصد قربت** یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن **نیت زکات فطره** نماید.

همیشه خمس و زکات به n چیز تعلق می گیرند و $n-1$ موارد مصرف دارند.

خمس: (یک انفاق واجب است)

خمس یکی از راه های تأمین نیاز های جامعه است که به هفت چیز تعلق می گیرد و رایج ترین آن ها **منفعت کسب و کار** است. همه ی کسانی که **از طریق کار، درآمدی کسب می کنند**، پس از صرف هزینه های سالانه ی زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده ی او هست یا نه. چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد **چه به صورت پول و چه به صورت کالا**، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس به **حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرائط** پرداخت کند تا ایشان در راه هایی که قرآن کریم و رسول اکرم و **ائمه اطهار معین کرده اند، به مصرف برساند.**

نکات خمس:

- ۱ تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی توان چیزی خرید.
- ۲ اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.
- ۳ **آذوقه ای** که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است مانند **برنج، روغن و چای** اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی مانده است، پرداخت شود.
- ۴ زیور آلات خانم ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن ها باشد و جنبه ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخت شود.
- ۵ اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.
- ۶ اگر بچه ای سرمایه ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، بنابراین احتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

آیه خمس:

مصارف خمس

۶ مورد

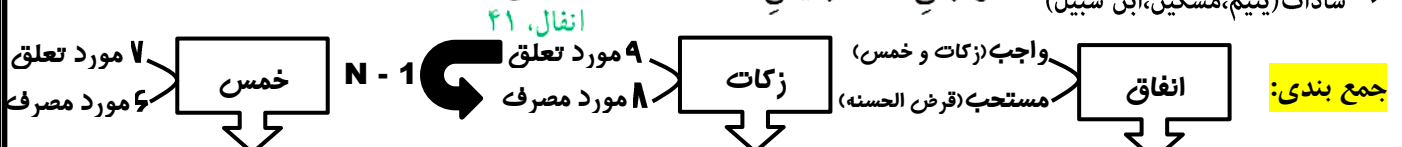
موارد مصرف خمس:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، ← پس انداز و باقی مانده
وَلِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ
وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ
وَ ابْنِ السَّبِيلِ ← کسی که در راه مانع و سید است.

✓ خدا و پیامبر

✓ خویشاوندان پیامبر

✓ سادات (یتیم، مسکین، ابن سبیل)



<p>هزینه های ناشی از خلا ها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه</p>	<p>رمز حفظ موارد زکات: گنج خشک گندم، گاو، گوسفند، نقره، خرما، طلا، کشمش، چو</p>	<p>افراد ای که از نعمت سلامتی و تمکن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.</p> <p>کلاسها، رزمی، استاد غفور</p>
<p>موارد مصرف زکات: ✓ فقرا و مساکین ✓ عاملین و قلوب ✓ رقاب و غارمین ✓ سبیل الله و ابن سبیل</p>	<p>قران: پس از برپایی نماز به زکات اشاره زکات یک عبادت به نیت زکات و با قصد قربت</p>	<p>زکات فطره: غروب شب عید فطر برای خود و کسانی که نان خور هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این ها به مستحق اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی</p>
<p>موارد مصرف خمس: ✓ خدا و پیامبر ✓ خویشاوندان پیامبر ✓ سادات (یتیم، مسکین، ابن سبیل)</p>	<p>غنتم = پس انداز مساکین + ابن سبیل مشترک با زکات</p>	<p>لزوم پرداخت خمس قبل از استفاده مال/نماز باطل در خانه بدون پرداخت خمس/آذوقه زیاد خمس واجب/برنج روغن چای/زیور آلات خانم اگر ذخیره ای خمس واجب/بچه سرمایه و منافع از آن وقتی بالغ بنا بر احتیاط واجب خمس/بخشیدن مال بدون خمس یک پنجم مال برای گیرنده نیست.</p>

مالیات:

امروزه یک شهر مانند خانه ای بزرگ است و همان گونه که یک خانواده، هزینه های رفاهی خود در خانه را می پردازد، باید هزینه های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه های شهری برعهده ی همه ی شهروندان است. علاوه بر هزینه های یک شهر، هزینه هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. (۱) ساخت راه های میان شهرها و روستاها، (۲) محافظت از جنگل ها و محیط های طبیعی، (۳) ایجاد امنیت و مانند این ها هزینه هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند.

مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می کنیم، بلکه بابت هزینه ی زندگی خود و خانواده ی خودمان در جامعه است؛ از این رو پرداخت کننده های مالیات نباید منتی بر کسی داشته باشند.

مابقی نکات:

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هرکدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد.

امام علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر که از جانب ایشان **حاکم مصر** شده بود، چنین می نویسد:

برنامه ی مالیات را به گونه ای رسیدگی کن که **به صلاح مالیات دهندگان باشد؛** زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه ی مردم جیره خوار مالیات و مالیات دهندگان هستند. اما باید ببیند از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی **زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، (۱) شهرها را ویران و (۲) بندگان را هلاک سازد، و (۳) حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.**

آیات اندیشه و تحقیق:

۱- **انَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفَ لَهُمْ»** وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

ترجمه: همانا مردان و زنان صدقه دهنده و آسانی که [به خداوند قرضی نیکو (قرض الحسنه) دادند، چند برابر به آن ها داده می شود و آنان اجر و پاداشی ارجمند دارند.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و اجر باکرامت، نتیجه ی انفاق و قرض الحسنه

۲- **وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ**

ترجمه: همانا خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرپرست برانگیختیم و خداوند گفت:

«همانا من با شما هستم اگر نماز را به پا دارید»

وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

ترجمه: و زکات را بپردازید و به فرستادگان ایمان آورید و آنان را یاری دهید و به خداوند قرضی نیکو (قرض الحسنه) دهید.

«لَا كُفْرَانَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» وَ «لَا دَخِلْنَاكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»

ترجمه: قطعاً گناهانتان را از شما می پوشانم و قطعاً شما را به باغ هایی که از زیر [درختان] آنها نهرها جاری است، وارد می کنیم.

فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

ترجمه: پس هر یک از شما بعد از این کفر ورزد، قطعاً از راه راست گمراه گردیده است.»

مفهوم آیات: پوشاندن گناهان و رسیدن به نعمات بهشتی، نتیجه ی بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیای الهی و قرض الحسنه

شرط
 ۳- (ان) تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

ترجمه: اگر به خداوند قرضی نیکو (قرض الحسنه) دهید، آن را برایتان چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند شکور و بردبار است.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و ثروت و آموزش گناهان، نتیجه ی قرض الحسنه

دو نکته مهم:

نکته: اگر ابتدای آیه با (ان) شروع شد و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (يضاعف لهم) و (لهم اجر كريم) خواهد بود. (رمز: لهم دو بار تکرار شده)

نکته: اگر ابتدای آیه با (ان) شروع شود و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (يضاعفه لكم) و (يعفر لكم) و (و الله شكور حلیم) خواهد بود. (رمز: لكم دوبار تکرار شده)

یادداشت ها و نکات من...

دینی دوم دبیرستان

درس ۱۶ (یاری از نماز و روزه)

(۱) مقدمه:

۱. نماز، ستون خیمه ی دین و نشانه ی وفاداری ما به عهد خویش با خداست.
۲. جامعه ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می شود.
۳. در جامعه و خانواده ای که نماز راه نیافته، گویا اسلام وارد نشده است.
۴. در کنار نماز، روزه قرار دارد. جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می کنند و رفتار مردم عوض می شود.
۵. اهمیت روزه و نماز و جایگاهشان در برنامه ی زندگی فرد مسلمان

تمرین مقدمه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: نماز به عنوان ستون و نشانه ای است برای ... انسان به عهد خویش با خداوند، لازمه شناخت جامعه اسلامی و نشانه ی شناخت جامعه اسلامی است و راه نیافتن به جامعه و خانواده است برای وارد نشدن اسلام به آن و تعویض رفتار مردم در ماه مشخصی از سال معلول است.
 جواب: خیمه دین - وفاداری - بررسی جامعه اسلامی از لحاظ توحید عبادی (نماز و روزه و ...) - نماز - نماز - علی (نه معلول) - روزه گرفتن و تعویض حال و هوای معنوی

(۲) متن ابتدایی:

می دانیم که اگر خدای مهربان برای زندگی ما انسان ها برنامه ای تنظیم کرده و وظایفی بر دوش ما قرار داده، جز مصلحت و سعادت ما هدفی نداشته است و گرچه ما به مصلحت برخی از این وظایف پی نمی بریم، اما یقین داریم که او دانای حکیمی است که جز براساس حکمت و وظیفه ای را تعیین نمی کند. با وجود این، انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت پیش تر دستورات الهی را انجام دهد. از این رو، خدای متعال به ما کمک کرده و فایده های مهم ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومین به اطلاع ما رسانده است. در این آیات، خداوند، مهم ترین فایده های نماز و روزه را متذکر می شود. دو فایده نماز عبارتند از: یک) یاد خدا (دو دوری از گناه. و مهم ترین فایده ی روزه نیز عبارت است از: تقوا، پاکی و پارسایی

تمرین متن ابتدایی: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: پیام این آیه شریفه / حدیث از پیامبر اکرم (ص): ((تقــروا فی کل شیء و لاتفکــروا فی ذات الله)) پاسخی است به نیاز انسان در دانستن و احکام الهی و این نیاز زمینه ساز انجام دستورات الهی است که و انسان را در پی خواهند داشت حتی اگر انسان به برخی از این وظایف پی نبرد ولی باید بداند که این وظایف جز بر اساس الهی تعیین نشده اند برای مثال دو فایده نماز عبارتند از و ؛ و همچنین مهمترین فایده ی روزه عبارت است از: تقوا و که مورد اول یعنی تقوا با توجه به آیه ۲۶ سوره اعراف در درس ۱۲ دینی دوم دبیرستان (لباس التقوی ذلک خیر) لباس تقوا از آن جهت بهترین پوشش برای انسان است که و با توجه به این آیه کلام خداوند تنها برای کسانی مفید واقع خواهد شد که

جواب: حکمت - علت - با معرفت بیشتر - مصلحت - سعادت - مصلحت - حکمت - یاد خدا - دوری از گناه - پاکی - پارسایی - اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید. - یدکرون (پند پذیر باشند)

(۳) تقوا: (خود نگهداری، تسلط بر خود)

۱. امام علی (ع) در نهج البلاغه: مَثَل آدم های بی تقوا مَثَل سوار کارانی است که سوار بر اسب های چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوار کار گرفته، به بالا و پایین می پرند و عاقبت، سوار کار را در آتش می افکنند. اما مَثَل آدم های با تقوا مَثَل سوار کارانی است که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا این که وارد بهشت می شوند. تفاوت اصلی میان این دو سوار کار که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به رستگاری، در چموشی و سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی و راهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.
۲. معنای تقوا: نگهداری و حفاظت
۳. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می کند. به عبارت دیگر، انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و در اختیار خود دارد و نمی گذارد که در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی جا در دره های هولناک سقوط کند.
۴. انسان با تقوا، انسان توانمندی است که خود را در برابر گناه حفظ می کند و می کوشد که روزه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نکه دارد. او مانند کسی است که بدن خود را چنان ورزیده ساخته که دچار بیماری نمی شود.

نکته مهم

عامل تعیین کننده میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ تقوا یا خود نگهداری یا میزان تسلط بر خود است. هر قدر هدف بزرگتر تقوای بیشتری نیاز دارد.

۵. خداوند مرتبه ی اولیه ی تقوا را در وجود همه ی ما انسان ها قرار داده به طوری که خوبی را دوست داریم و از بدی ها بیزاری می جویم. اما این مرتبه ی تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است. در آن صورت است که انسان می تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند. ۱۲ راه برای تقویت نهال تقوا که مهم اند یکی نماز است و دیگری روزه.

(جمع بندی به سبک ویژه استاد غفوری)

۶. کل آیاتی که به **تقوا** اشاره کرده اند در ۱۶ درس دین و زندگی دوم دبیرستان:

آیه مآء (اشراف) فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲) وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الْآخِرَةِ وَأُتِرْتُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳) وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ (۳۴) أَيْعِدْكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّكُمْ مَخْرُجُونَ (۳۵) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶) إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

ترجمه آیه مآء: و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را پرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!» (۳۲) ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟! (۳۳) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید. (۳۴) آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مرید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟! (۳۵) هیهات، هیهات از این وعده هایی که به شما داده می شود! (۳۶) مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می میریم، و نسل دیگری جای ما را می گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظُنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷) أَمْ نُجَعِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْفَسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نُجَعِلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

۱- خداوند موجودات جهان را به باطل نیافریده بلکه خلقت آن ها هدفدار بوده است.
۲- کافران گمان می کنند که جهان بی هدف خلق شده است.
کلیت: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی و عدل الهی

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءَهَا وَفَاتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا

خَالِدِينَ (۷۳) وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدُوهُ وَأَوْثَقَا الْأَرْضَ نَبِّؤًا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ (جایگاه متقین در قیامت: خلود در بهشت)

يَأْتِيهِمْ آدَمُ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَ آبَائِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ

يَذَكَّرُونَ (۲۶)

دو هدف از پوشش: تقوا و آراستگی، تقوا شرط مراعات پوشش ظاهری

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (۱۸)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شر تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! (حضرت مریم: (س): جلوه ی عفت و پاکدامنی

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸) فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِمِجْرَبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ

فَلَكُمْ رُءُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

۱- کسب درآمد از راه ربا حرام است.
۲- کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟ مساوی با جنگ با خدا
۳- اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟ باید آن چه علاوه بر اصل سرمایه از مردم گرفته به صاحبانش برگرداند و فقط مجاز است که اصل سرمایه ی خود را از بدهکار بگیرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

از مهم ترین ثمرات روزه (که یکی از مصداق های صبر است)، تقوا می باشد.

۴) نماز و بازدارندگی از گناه :

اثر نماز به تداوم و پیوستگی (عدم ترک نماز های روزانه) آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. اگر (شرط) نماز های روزانه ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. پس تأثیر پذیرفتن از نماز به شرطی است که (۱) عدم ترک نماز های روزانه (۲) دقت و توجه نمی توان انتظار داشت که با خواندن چند رکعت نماز (۱) شتاب زده (شتاب زده خواندن نماز مصداق بی کیفیتی) و (۲) بدون رعایت آداب، فرد از کارهای غلط خود دست بردارد.

اگر تلاش کنیم که روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را حس خواهیم کرد. افرادی که به نماز شان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی خوانند، از برخی منکرات پیشی تر دوری می کنند. اگر نماز را، (۱) کوچک نشماریم و (۲) نسبت به آنچه در نماز می گوئیم و انجام می دهیم درک صحیح داشته باشیم و (۳) با توجه، نماز را بخوانیم، (نتیجه) (۱) نه تنها از گناهان (۲) که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد. (خلاصه: عدم کوچک شماری + درک + توجه می دهد دوری از (۱) گناهان (۲) برخی مکروهات)) تمرین نماز و بازدارندگی از گناه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

اثر نماز وقتی در زندگی نمایان می شود که اولاً و ثانیاً داشته باشیم همچنین دست برداشتن از کار های غلط است برای خواندن نماز و ؛ این که شخص نماز گزار حتی از برخی مکروهات نیز دوری کند نتیجه کوچک نشمردن نماز و صحیح از آنچه در نماز گفته می شود و با نماز خواندن است. جواب: تداوم و پیوستگی - دقت و توجه - معلول - شتاب زده - بدون رعایت آداب - درک - توجه

۵) اگر های تستی نماز و عبارات زهری:

الف) اگر ها:

اگر

انجام به موقع نماز: بی نظمی منتفی

لباس و بدن پاکیزه: آلودگی های ظاهری منتفی

غصبی نبودن لباس و مکان نماز گزار: کسب در آمد از راه حرام منتفی

تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز: دیگران جای خدا منتفی

در رکوع و سجود عظمت خدا: خضوع و خشوع در مقابل مستکبران منتفی

اهدنا الصراط المستقیم: راه های انحرافی دیگران منتفی

غیرالمغضوب علیهم ولا الضالین: کسانی که خدا بر آن ها خشم گرفته یا راه را گم کرده اند منتفی

قاعده: اگر به چیز مثبت در نماز انجام آنگاه به چیز منفی در زندگی منتفی

(این دو چیز به یک عمل بر می گردن و با هم در تضاد اند.)

تکرار درست موارد بالا می دهد تسلط بالا بر خود و تقوای بی نظیر که می دهد عدم انجام منکرات

(ب) عبارات زرهی نماز:

(منظور از عبارات زرهی نماز یعنی عبارات و اعمالی که در طی نماز می خوانیم و انجام می دهیم که ما را از یک منکر خاص به مانند یک زره جنگی در امان نگه می دارند)

منکر	زره نماز؟
شرک به خدا	سوره ی توحید
دوستی با دشمنان پیامبر	درود بر پیامبر
درخواست از دیگران	دعای قنوت
تفرقه در جامعه	نماز جماعت
شرک عملی + پرستش غیر خدا	ایاک نعبد
شرک عملی + دوستی با دیگران	ایاک نستعین

(۶) خنثی کننده های نماز:

امام صادق: هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است. اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می شود که **عیب و نقصی** در نماز خواندن ما هست.

جمع بندی:

نکته: در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد یکی **شرط صحت** و دیگری **شرط کمال** مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد نمازش صحیح است، یعنی شرایط صحت را دارد. اما برای این که این نماز در او تأثیر داشته باشد و او را از گناهان بازدارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند، که به آن شرط کمال می گویند مثل این که با **دقت و توجه** نماز بخواند. مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است.

اثرگذاری نماز بر فرد وقتی است که: (۱) پیوسته باشد و ترک نشود (۲) با دقت و توجه باشد.

سرعت اثر گذاری نماز بر انسان وابسته به: (۱) کیفیت نماز (۲) رعایت آداب

پذیرفته شدن نماز وابسته به: میزان بازدارندگی نماز از گناه و زشتی و منکر

الف) خشم پدر و مادر:

امام صادق: فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند **هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند** نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.

ب) غیبت کردن:

پیامبر اکرم به ابوذر: هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش **قبول نمی شود** مگر این که غیبت شده او را ببخشد.

(۷) برنامه روزانه نماز:

پیامبر: نمازهای یومیه مانند چشمه ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست و شو می کنند.

*بیداری

*اقامه نماز صبح + پیشگاه خدا + عهد با خدا + وارد کار و فعالیت

*فعالیت روزانه + آلوده شدن به گرد و غبار

*اقامه نماز ظهر و عصر + پاک کردن قلب از غبارها

*ادامه فعالیت ها

*اقامه نماز مغرب و عشاء + پاک شدن مجدد از غبارها + آرامش و آسودگی و آمادگی برای خواب شبانه

(۸) روزه:

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می کند که اگر آن را به درستی (شرط صحت) و با معرفت (شرط کمال) انجام دهد، چنان قدرت و تسلطی بر خود پیدا می کند که (۱) می تواند موانع درونی را کنار بزند و (۲) گام های موفقیت به سوی برترین هدف های زندگی را به خوبی بردارد این عمل همان روزه است.

روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است.

(۹) دو نکته مهم روزه:

۱. نتیجه نهایی روزه: انسان احساس می کند هر کاری را که خداوند دستور داده، می تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.
۲. پیامبر: چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی شود؛ علت بیان: بعضی افراد به گونه ای روزه می گیرند که از اذان صبح تا اذان مغرب چیزی ننوشیده و نمی خورند ولی در طول روز مرتکب گناهانی می شوند در حالی که باید علاوه بر تحمل گرسنگی و تشنگی صفت تقوا در مقابل گناه در ما ایجاد و تقویت شود.

(۱۰) آیات درس:

آیه خطاب خدا به پیامبر(ص)

و آنگاه که بندگانم درباره‌ی من از تو می‌پرسند
(بگو): من به آنان نزدیک هستم
اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند
پس باید دعوت مرا بپذیرند
و به من ایمان آورند
باشد که راه یابند

نیکی است
و وظیفه‌ما
«علت»
«معلول»

و إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي
فَأِنِّي قَرِيبٌ ← نزدیکی خدا به ما
أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي
وَلْيُؤْمِنُوا بِي
لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

به شرطی که بنده ی خدا: الف) دعوت خدا را بپذیرد ب) ایمان به خدا بیاورد ج) از صمیم قلب خدا را بخواند خداوند او را اجابت می‌کند (تقدم اجابت دعوت خدا توسط بنده بر اجابت دعای بنده توسط خدا (شبهه آیه توبه)

بقره، ۱۸۶

تقدم خواست انسان بر اجابت الهی/سرشت خدا آشنا یکی از سرمایه های انسان(فانی قریب)/شعر: دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

.....
در مسی حرکت الهی از نماز...
و صبری یاری می‌گیریم.....
.....
و جویب روزه:.....
روزه از مشترکات ادیان است...
روزه تیرین تقوا است.....

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
سنت توفیق
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

نماز

منظور از صبر همان روزه است.

روزه

بقره، ۱۸۳

پیام کلی: روزه مصداق کامل پایداری در برابر خواهش های دل است.

امام باقر(ع): اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت / روزه مختص مسلمانان نیست / روزه تقوا را که از مصادیق صبر است افزایش می دهد.

.....
۱- تلاوت قرآن.....
۲- برپایی نماز.....
.....
باز دارند از گناه (تقوا)
یاد خدا (فایده ی برتر).....
اعتقاد به حضور الهی.....

خداوند به پیامبر اُتِلْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ ← وجوب نماز
إِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ←

عنکبوت، ۴۵

دریافت و ابلاغ وحی یکی از قلمرو های رسالت پیامبران (اتل ما اوحی الیک) + هر جا کتاب دیدی سریع بگو هدایت تشریحی انسان + مرجعیت دینی (اقم الصلاه)

۱۱) احکام روزه:

(خیلی مهم احتمالی ۹۹ - از این یک صفحه یک تست قطعی کنکور)

۱ تعریف روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید. انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه ی همه ی ماه را بنماید.

۲ باطل کننده های روزه

نه چیز روزه را باطل می کند، که از آن جمله است: (کتاب ۶ مورد گفته)

۱. خوردن، آشامیدن،
۲. دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم السلام،
۳. رساندن غبار غلیظ به حلق،
۴. فرو بردن تمام سر در آب،
۵. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۶. قی کردن

نکات مهم:

اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود. اگر روزه دار، چیزی را که لای دندان مانده، عمداً بخورد روزه اش باطل می شود. انسان نمی تواند به خاطر ضعف، روزه ی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود تحمل کرد، می تواند افطار کند چرا که حفظ جان واجب تر است.

روزه دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن ها را به حلق برساند.

اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد اشکال ندارد و روزه ی او صحیح است.

سایر احکام روزه:

۱. کسی که غسل جنابت بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
۲. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد یعنی تقریباً ۷۵+ گرم گندم یا جو و مانند آن ها به فقیر بدهد.
۳. اگر کسی روزه ی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد. (کفاره: یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد به هر فقیر یک مُد و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.)
۴. اگر کسی به چیز حرامی روزه ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره ی جمع بر او واجب می شود. یعنی باید هر دو کفاره ی یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر:

کسی که به سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

۱. رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی یعنی ۲۲/۵ کیلومتر نباشد و مجموعه ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
۲. بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند. پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.
۳. برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد. مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد.
۴. اگر فرزند یا نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.
۵. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟ در صورتی که قبل از رسیدن به آن مکان چیزی نخورده باشد و یا نباشامیده باشد می تواند روزه بگیرد ولی اگر به گمان نرسیدن به وطن بعد از اذان صبح چیزی خورده باشد دیگر نمی تواند روزه بگیرد.

۶. اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد چراکه شرط روزه گرفتن در هر محل درک زمان ظهر در آن محل است. (ظهر را باید آنجا باشد تا بتواند تصمیم بگیرد آن روز را می تواند روزه بگیرد یا خیر)
۷. اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه اش نسبت به روزه ی آن روز چیست؟ روزه ی او درست است و باید آن را ادامه دهد.
۸. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد و لذا باید روزه خود را افطار کند و بعد ها یک روز به جای آن روز، روزه بگیرد. (اینجوری حفظ کن: سختی مسیر توی سفر باعث شده روزه قبل از ظهر رو بخوریم ولی اگه بعد از ظهر مسافرت کنیم چون تائمش خیلی کمتره پس تنبلی ممنوع باید روزه رو ادامه بدیم راستی حواست باشه اینو با این که مسافر بعد از ظهر به مقصدش برسه که نباید روزه بگیره اون روز رو قاطی نکنیا بابا جان!!)
۹. تست کنکور ۹۸: در کدام یک از سفر های ۵ روزه زیر مسافر باید نمازش را تمام بخواند؟
 ۱) مسافت رفت و برگشت او هر کدام کمتر از ۴ فرسخ و بیشتر از ۸ فرسخ نباشد.
 ۲) رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ و رفت او بیش از نیمی از آن نباشد.
 ۳) رفت او کمتر از ۴ فرسخ و برگشت کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
 ۴) مسافت رفت او ۳ فرسخ و مسافت برگشت ۸ فرسخ باشد.
- پاسخ: گزینه ۴ (خداوکیلی این تست کنکور ۹۸ عه ها خخخخ خدایی چی میزنن این طراحای کنکور؟)
۱۰. نکات ۵ و ۶ و ۷ و ۸ احتمالی کنکور ۹۹ هستند.
۱۱. یه جمع بندی توپ که از گجی در بیای:
 پیش از ظهر به مقصد برسد: اگه غذا خورده روزه نه! اگه نخورده روزه بله!
 بعد از ظهر به مقصد برسد: روزه نه!
 پیش از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه نه!
 بعد از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه بله!

پایان جزوه درس شانزدهم دینی دو

محل یادداشت های من:

نکات فوق خاص غفوری

جزوه دینی دوم

۱) در آیه شریفه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم)) اگر پرسند کدام موضوع استنباط می شود؛ شما بین دو گزینه زیر به شک می افتید:

گزینه اول) آفرینش جهان هستی با تمام مخلوقات

گزینه دوم) خلق آسمان ها و زمین و موجودات آن

جواب گزینه دوم است؛ مشکل بزرگ در طرح این تست در این نکته است که در گزینه دوم به جای آن که مفهوم و معنی یا همان موضوع آیه که ((خلق آسمان ها و زمین و پراکندن جنبنندگان آن که از کلمه ی دابه مفهوم می شود)) را به صورت کامل بنویسد به صورت ناقص در گزینه دوم مطرح کرده است که همین می تواند دانش آموز بدبخت را به شک بیندازد که نکند گزینه اول هم درست باشد! اما اگر دقت کنید در آیه ی موجود در صورت تست حرفی از ((همه ی موجودات)) زده نشده بنابراین گزینه اول غلط خواهد بود!

۲) اگر در تستی پرسند: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد و او را از سایر موجودات متمایز می کند)) شما کدام گزینه را انتخاب می کنید؟

گزینه اول) ((و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها))

گزینه دوم) ((انی خالق بشر من طین...))

گزینه سوم) ((کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان))

بگذارید چیزی بگویم به عنوان استاد دینی به شما توصیه می کنم در حل این گونه سوالات (مثل سوال بالا!) حتی ۱ درصد هم از احساسات و عواطف تان در حل سوال کمک نگیرید! من و سایر طراحان به خوبی می دانیم که شما دوستان نظام قدیم تا چه حد روی کتاب درسی دین و زندگی مسلط هستید و امسال که خیلی از شما برای بار سوم و حتی بار چهارم و پنجم در حال مطالعه کتاب درسی دینی هستید مطمئناً همه مطالب را مطالعه کردید و به خوبی بر کتاب هایتان سوار هستید ولی نکته ای که هست گاهی این تسلط زیادی روی مطالب کار دستتان می دهد در این تست اگر گزینه اول را بررسی کنید متوجه می شوید که به ((وجود گرایش به خیر و نیکی در انسان)) به عنوان یکی از سرمایه های انسان اشاره دارد که این سرمایه ها را در درس سوم دینی دوم خواندیم و می دانیم که این سرمایه ها باعث برتری انسان بر سایر موجودات می شوند پس جواب گزینه یک هست ولی یک لحظه صبر کنید! متن سوال را درست بخوانید خیلی از شما نظام قدیمی ها حق تان نبوده که امسال هم پشت کنکور بمانید ولی می دانید چرا پشت کنکورید؟ بدلیل همین بی دقتی های ساده!! متن سوال گفته: ((و او را از سایر موجودات متمایز می کند)) یعنی باید آیه ای را پیدا کنیم که در آن انسان را از سایر موجودات متمایز بداند! نه آن که به واسطه یک ویژگی خاص انسان را متمایز از سایر موجودات کرده باشد! گرفتید چی شد؟! در صورتی جواب گزینه اول بود که طراح بگوید: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد که او را از سایر موجودات متمایز می کند))

جواب گزینه دوم است ادامه آیه می گوید: ((فقعوا له ساجدین)) که این موضوع را بیان می کند که: انسان به واسطه وجود روح دارای ویژگی هایی شده است که او را از سایر موجودات متمایز کرده است و بنابراین فرشتگان بر روح انسان سجده می زنند.

پس می تونیم اینجوری بگیم:

وجود روح در انسان (علت) می دهد ویژگی های خاص (معلول)

ویژگی های خاص در انسان (علت) می دهد تمایز از سایر موجودات (معلول)

نتیجه: پس وجود روح در انسان (علت) می دهد تمایز از سایر موجودات (معلول)

نتیجه گیری در سوپر تست زنی به سبک غفوری:

پس هرگاه در تستی گفته شود:

الف) و او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود روح است که می دهد برتری بر سایر موجودات و آن آیه ای را باید انتخاب کنیم که در ابداش ((انی

خالق بشر)) آمده و در انتهایش ((فقعوا له ساجدین)) آمده است.

ب) که او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود یکی از سرمایه های انسان است مثلاً همون گزینه ی اول که در تست قبلی تحلیل نمودیم

نکته: این مورد در آزمون سنجش آمد منتظرش در کنکور ۹۹ هم باشید امضا غفوری...

۳) و الذی قدر فهدی اشاره دارد به هدایت هر موجودی متناسب با ویژگی های آن موجود؛ خیلی از بچه ها تا ((هر))

را می بینند می گویند ایوللل پس این همون هدایت عام خداوند است! نخیر چون گفته: متناسب با ویژگی های همان

موجود پس نوع هدایت خاص است حالا میاد تو کنکور ببینید چند نفر اشتباه میزنن همین به نکته رو!!!

۴) اصل توحید= قل هو الله احد توحید خالقیت= قل الله... و هو واحد القهار

نتیجه: اگر در تستی بگویند: ((قل الله)) باید بگویید توحید در خالقیت چون در ادامه ی این آیه خداوند می گوید: قل الله

خالق کل شی ولی اگر در تستی بگویند: ((قل هو)) باید بگویید اصل توحید.

۵) اگر در تستی بگویند: بیت: ((دلی کز معرفت نور و صفا دید/به هر چیزی که دید اول خدا دید)) با کدام مورد اشاره

دارد؟

و دو تا عبارت داد در گزینه های تان: ۱) ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه ۲) الله نور السماوات و الارض....

اولویت با مورد اول است چرا که نزدیک ترین عبارت مورد اول است با این که مورد دوم هم دقیقاً هم مفهوم است ولی

اولویت در مورد اول است پس گزینه یک را بنزید و به متن کتاب درسی احترام بگذارید تا نتیجه کنکور تان ۵ رقمی نشود!!

۶) اگر در تستی بیت: ((ذات نایافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش)) را به شما بدهند و بگویند با کدام

مورد ارتباط مفهومی دارد:

گزینه اول: وابسته بودن جهان در پیدایش خود به خداوند

گزینه دوم: وابستگی ذاتی انسان و مخلوقات به خداوند

شما کدام را می زنید؟ آیا شک نمی کنید و نمی گوید ای بابا!!!!!! این دو تا یک مطلب را می رسانند!! نخیر اشتباه نکنید

طراح از شما مفهوم نخواست است طراح از شما به یاد آوردن دقیق متن کتاب را خواسته است! در متن کتاب برای تفسیر این

بیت داریم: یک موجود تنها در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازی ندارد که ذات و حقیقتش مساوی با موجود

بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد...)) بنابراین جواب گزینه دوم است.

۷) مواظب باشید آیه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم)) یا ((و من آیاته ان

تقوم السماء و الارض بامرهم...)) اشتباه نگیرید طراح قسمت دوم هر آیه را از شما طلب می کند که قسمت دوم آیه دوم

میشه: برپایی آسمان و زمین به فرمان خداوند.

۸) گرایش به خیر و نیکی همون نفس لوامه است مواظب باش طراح اگه بگه همون فطرت خدا آشناست غلط بگیری، و توی آیات مواظب باش که باید آیه مربوط به نفس لوامه (فجورها و تقواها) رو تیک بزنی خیلیا میرن آیه مربوط به فطرت خدا آشنا یعنی آیه (فطر الناس علیها) رو اشتباهی تیک میزنن.

۹) یوم تقوم الساعة.....بیانگر جهنم رستاخیزی است نه برزخی حواست باشه!!!!

یادداشت نامه دینی دو

...

چطور دینی دو بخوانیم؟

چطور تست بزنییم؟

اولاً دینی دوم دبیرستان به گفته خیلی ها سخت ترین و پر آیه ترین کتاب دین و زندگی کنکور محسوب میشد پس استارت مون رو با دینی دوم زدیم

ثانیاً ما دینی دوم دبیرستان رو در ۵ زنجیره بررسی کردیم:

زنجیره اول: درس ۱ تا ۴ که پایه و اساس کل دینی کنکور محسوب میشه که به زودی جزوه شو واستون قرار میدم

زنجیره دوم: درس ۵ تا ۷ یا معاد شناسی

زنجیره سوم: درس ۱۰ تا ۱۲ یا محبت به حق

زنجیره چهارم: درس ۱۴ تا ۱۶ یا احکام

زنجیره پنجم: درس ۸ و ۹ و ۱۳ که حفظیات صرف محسوب میشن و شما باید این درس ها رو از روی کتاب درسی بخونید و مطمئناً هیچ مسکلی براتون درست نمیکنن

ثالثاً روند خوندنتون هم به این صورت باشه که اول یک دور جزوه هر درس رو دقیق میخونید و سپس فقط و فقط تست های تالیفی همان درس رو از روی کتاب تستی که دارید می زنید و در مرحله بعد اگر تستی بود که اشتباه زدید باید به متن جزوه برگردید و دوباره همان قسمت رو مطالعه کنید و سرانجام برای بار آخر دوباره یک نگاه کلی به متن جزوه کنید و تست های کنکور و سنجش همان دزس رو به صورت یک آزمون ۲۵ تستی در عرض ۱۰ دقیقه به جواب برسونید و باز اگر مشکلی در تست ها داشتید به متن جزوه برگردید با این روند آموزشی شما اگر ۱۰۰ زدید آیدی بنده و سایر اساتید برای رفع اشکال هست میتونید بازهم کمک بگیرید که البته من مطمئنم و قسم میخورم ۱۰۰ می زنید.

موفق و پیروز باشید

مهدی غفوری

جهت استفاده از سایر جزوات ما را در کانال تلگرامی مان دنبال کنید:

@konkurpex

گفت و گوشت

دین و زندگی

۹۹

غفور



جلد پنجم

درس ۷ و ۸ و ۱۰ رینی سوم

نکته‌وت دین و زندگی کنکور

درس ۷ و ۸ دینی سوم

پس‌های گل بریم سراغ شروع به نکته‌وت و تست عجیب غریب

قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو قورت داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتاب که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره یاد تبدیل کردم به سه سوره طرح تست
خوب روی گزینه‌ها فکر کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حاجت فسر بزرزنها

درس هفتم: (درستی یا نادرستی هر جمله را بررسی کنید)

براساس تدبیر حکیمانه خداوند، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اسلام، به عنوان دو میراث گرانبها تا ظهور حضرت مهدی راهنمای ما انسان‌ها به سوی رستگاری و فلاح خواهند بود. غ تا آخرالزمان

خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه توحیدی، با گذشت سال‌ها از بعثت پیامبر به عنوان مشکلی جدید در جوامع مسلمان به وجود آمد. غ خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه توحیدی، حتی برای جامعه ای که به دست پیامبر هم بنا شده، وجود دارد.

حضرت علی نحوه عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد و با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، در زمان‌های مختلف مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می‌داد. ص

حضرت علی می‌فرماید: به زودی پس از من زمانی فراخواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. ص

ویژگی مشترک مردمی که به بیان امام علی در اختلاف با یکدیگر و پراکندگی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند این است که قرآن را راهنمای خود می‌دانند. غ آنان خود را راهنمای قرآن می‌دانند، نه قرآن را راهنمای خود

وقتی قرآن بخواند درست خوانده شود لزوم کار این است که به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش نکنند. ص

حضرت علی حاکم شدن بنی امیه را نتیجه سستی مسلمانان در دفاع از مظلومین می‌داند. غ دفاع از حق

علت آن که حاکمان ستمگر بر مسلمانان چیره گردیدند این بود که بیشتر مسلمانان به هشدار قرآن کریم

عمل نکردند و سپاسگزار واقعی نعمت رسالت نشدند. ص

این جزوات ویژه کلاس‌های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

پس از سقوط بنی امیه، در زمانی که امام باقر رهبری شیعیان را برعهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی عباس افتاد. غ امام صادق

از مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره بنی امیه و بنی عباس ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم بود که باعث شد همه مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره باشند. غ همه ی مردم خیر! این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا معتبر و موثق بود، به دست می آوردند.

این که سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می دادند نتیجه تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث بود. غ

تحریف در معارف اسلامی سبب می شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد. غ ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم

با نگهداری حدیث به شیوه انتقال حدیث بدون نوشتن آن به نسل های بعدی، احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت ولی امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث وجود نداشت. غ احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می شد.

ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم مقدمه ای بود بر تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث. ص دلیل: شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می آمد که براساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

تنها راه تحریف در معارف اسلامی جعل و یا تحریف احادیث بود. غ دلیل: به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. ص

تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث نتیجه این موضوع بود که برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب برای دریافت جایزه از بنی امیه و بنی عباس احادیثی از قول پیامبر اکرم جعل می کردند. ص

دنیا دوستی و عدم اسلام آوردن واقعی علت بود بر عملکرد کعب الاحبار. ص

این که جواب این سوال: ((کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجام دهد؟)) در زمان بنی امیه و بنی عباس این باشد: ((حتی اگر تک تک لقمه هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست)) **نشان دهنده ی** ((تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث)) و **نتیجه** ((ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم)) بود. ص

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه خود هستند و آن ها را اسوه قرار می دهند. ص

تربیت انسان هایی که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت های انسانی است علت اسوه بودن رسول خدا در آن زمان بود. غ معلول نه علت!

ظهور شخصیت ها و الگوهای غیر قابل اعتماد نتیجه تلاش حاکمان وقت بود تا شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص عمار و ابوذر و مقداد و سلمان، به انزوا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. غ همه جمله درسته ولی بچه ها باید می گفت به خصوص اهل بیت پیامبر! (متن کتاب)

پیامبر خدا حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، ایمان و عمل صالح است. غ ملاک تقوا است.

اگر بگویند: تلاش حاکمین وقت برای به **انزوا کشاندن** شخصیت های اصیل اسلامی سریع بگو: ظهور شخصیت ها و الگوهای غیر قابل اعتماد

اگر بگویند: شخصیت های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد **منزوی** شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. سریع بگو: تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرابی

آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا در جبهه دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبهه دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوه حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند. ص

اگر بگویند: افرادی که در **اندیشه و عمل و اخلاق** از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند. سریع بگو: ظهور شخصیت ها و الگوهای غیر قابل اعتماد

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

اما اگر در تست حرفی از **ثروت و مال اندوزی** بود سریع بگو: تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرای.

درس هشتم:

(نکات ۱۰۰ درصدی و احتمالی درس هشتم بررسی می شود.)

سخن حضرت علی: آگاه باشید که....

وقتی می توانید در آن شرایط **راه رستگاری** را **تشخیص** دهید که ابتدا **رهاکنندگان و پشت کنندگان** به صراط مستقیم را شناسایی نمایید.

و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن **وفا** کنید که **شکنندگان** پیمان را تشخیص دهید.

و آن گاه می توانید **پیرو** قرآن باشید که **فراموش کنندگان** قرآن را بشناسید.

تلاش ائمه سبب شد تا چهره اسلام راستین که براساس **توحید، عدل و امامت استوار** است و متناسب با شرایط زمان به نیازهای انسان ها پاسخ می دهد باقی بماند.

اقدامات مربوط به مرجعیت دینی: (**کلید تست ها: تعلیم قرآن + حفظ سخنان + تبیین + تربیت**)

تعلیم و تفسیر قرآن کریم (مبارزه با تحریف و جعل احادیث و آموزه های اصیل)

حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره برده و به حقایق آن دست یابند.

اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (حدیث سلسله الذهب و لا اله الا الله)

كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي
کلمه لا اله الا الله قلعه محکم من است و هرکس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان می ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود:

بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا
اما به شرطهای آن و من از شرطهای آن هستم

لا اله الا الله در دینی کنکور:

۱. مهم ترین شعار اسلام
۲. در برگرفته همه ابعاد توحید (توحید نظری + توحید عملی)
۳. موجب فلاح و رستگاری پیامبر: قولوا لا اله الا الله تفلحوا (اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام)
۴. بهای بهشت (از منظر پیامبر)
۵. دژ مستحکم خداوند: کلمه لا اله الا الله حصن فمن دخل حصن آمن من عذاب (حدیث سلسله الذهب)
۶. دژ مستحکم پیامبر
۷. دژی که انسان را از شرك در عقیده و عمل حفظ می کند.
۸. پیامبر: نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای پر محتوا همانند لا اله الا الله نگفته ایم.
۹. مرکب از نفس شریک خداوند (لا اله) اثبات یگانگی خدا (الا الله)
۱۰. مرکب از تولی (محبت به حق +) تبری (پیزاری از باطل) دین داری استوار بر ۲ پایه تولی و تبری است.
۱۱. به میزان که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل هم عمیق تر است.
۱۲. ارتباط با سخن امام خمینی: مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.
۱۳. ارتباط با سفارش امام خمینی به مسلمانان جهان: باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض (=کینه) عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.
۱۴. توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است.

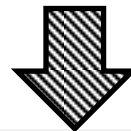
تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: (کلک تستی: مواظب باشید برای تالیف کتاب ها؛ طراحان به جای تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو **از تربیت شخصیت های اسلامی** استفاده نکرده باشند که **غلط** است!)

ائمه اطهار با تکیه بر **علم الهی** خود، به دور از انزوا و گوشه گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه مسائل نو اظهار نظر کرده و مسلمانان را از معارف خود بهره مند می ساختند. (علت) ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن **کتاب های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار** در کنار سیره پیامبر و قرآن کریم است. (معلول)

مثال: (رمز: کتاب که جمله هاش تبیین بشه باعث تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو میشه!)

نهج البلاغه (بخش هایی از خطبه ها، نامه ها و کلمات حضرت علی)
عُرْرَ الْحِكْمِ و دُرَّرَ الْكَلِمِ (یازده هزار سخن کوتاه از حضرت علی)
صحیفه سجادیّه (امام سجاد)
کافی (از کلینی)
مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَاقِه (از صدوق)
التهدیب و الاستبصار (از طوسی)
تربیت شخصیت های اسلامی:

در اطراف هر یک از این بزرگواران، شخصیت های برجسته ای تربیت شدند که در علم، ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان های زمان خویش بودند. آن ها اندیشه های **اسلام راستین (منظور تشیع)** را در عالم گسترش دادند و **آرمان های متعالی** آن را حفظ کردند.



رمز همیشگی مون اینه دقیق بلد باشی هر تستی رو زدی!:

آرمان و آرزو با هم ازدواج کردند و بچه شون اسمش شد **ایمان تقوا زاده**، تربیت **راست و درست** این بچه باعث شد اندیشه های **اسلام راستین** را در عالم گسترش داده و **آرمان** های متعالی آن را حفظ کنه! و تموم!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

مجاهده در راستای ولایت ظاهری: (کلید های تست: عدم تأیید+معرفی خویش+آگاهی+شیوه درست مبارزه)

از ۲ جهت مبارزه:

۱ رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

۲ از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیرپا گذاشتن قوانین اسلامی را گناه می دانستند اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

شیوه ها:

عدم تأیید حاکمان:

امامان هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خود را به عنوان جانشین رسول خدا تأیید نکردند.

امامان تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می کردند، عمل شان را تأیید می نمودند، اما آنان را در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا یکسان می دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می کردند.

معرفی خویش به عنوان امام برحق:

آن بزرگواران همواره خود را ب عنوان امام و جانشین برحق پیامبر اکرم معرفی می کردند.

این دو اصل همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آن ها می دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا به رسمیت نمی شناسند و مشروعیتی برای آن ها قائل نیستند و خود را لایق این مسئولیت می دانند.

به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می کردند و نسبت به آنان و یارانشان انواع سختی ها و آزار و اذیت ها روا می داشتند تا آن جا که همه آن بزرگواران به شیوه های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

آگاهی بخشی به مردم:

راه رهایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات اجتماعی = آگاه شدن (علت)

+ رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی (علت)

نتیجه: ائمه برای آگاه کردن مردم حتی از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند. (معلول)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

انتخاب شیوه های درست مبارزه:

امامان شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی گزیدند؛ به گونه ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین یعنی تشیع باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان اسلام حقیقی، به نسل های آینده معرفی گردد.

کلید واژه تستی:

تفکر اصیل اسلام راستین = تشیع

اسلام حقیقی = روش زندگی امامان

تقیه: اقدامات مخفی به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند.

نمونه های شیوه های درست مبارزه با توجه به زمان: (خیلی مهم)

حضرت علی: دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. / برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشه گیری هم در پیش نگرفت.

امام حسن: دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. / برخلاف میل خود، از جنگ دست برداشت و با معاویه قرارداد صلح امضا کرد.

امام حسین: در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست به جهاد نزد. / وقتی یزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت یزید نرود و علیه وی قیام کند. / پس از شهادت امام حسین و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع از هم پاشید.

امام سجاد: در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاقه مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. / بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد. / در اثر فعالیت های امام سجاد، در دوران امام باقر زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام باقر: پایه گذاری یک مدرسه علمی بزرگ در مدینه / اما زمان قیام علیه این حاکمان را مناسب نمی دید. / وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

امام صادق: ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی امیه به اوج رسیده بود. / امام صادق مبارزه خود را علنی تر کرد و در فرصت های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود / حتی به زیدبن علی، عموی خود اجازه قیام داد. / مدرسه علمی را که امام باقر پایه گذاری کرده بود، توسعه داد + هزاران شاگرد

امام کاظم: دوره شدت اختناق / سال های طولانی در زندان / مبارزه در قالب تقیه

امام رضا: ده سال از امامت ایشان در دوره هارون عباسی بسیار سخت (نه شدت اختناق!) / با روی کار آمدن مأمون زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد / مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

پس از شهادت امام رضا: مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، / ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه امام جواد نیز مشکل شد. / امام هادی را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و به شهادت رساندند / امام حسن عسکری نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید. / این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت شدند.

ولایت معنوی امامان:

پس از رسول خدا، ائمه اطهار واسطه خیر و برکت و رحمت در جهان.

به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می دهند و آنان را به مقصود می رسانند.

مقام و منزلت انسان های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.

درس دهم: (درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید):

دعا برای سلامتی حضرت مهدی و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه ای دائمی و پیوسته است. ص

پاسخ به این سؤال که: ((نتیجه نهایی مبارزه حق علیه باطل چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟)) با بینش انسان درباره اسلام ارتباط دارد. غ پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده اند و اداره کننده ای مدبر و حکیم (آفرینش هدفمند و حکمت خداوند) برای آن نمی شناسند، نمی توانند آینده ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

خداپرستان که معتقدند یکی از نام های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می کند، براساس وعده پیشوایان دین، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت. غ وعده الهی!

امامان معصوم، برای تحقق وعده های الهی، برای اولین بار از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته اند. غ اولین بار پیامبران الهی

در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده نیست، یک ولی الهی ظهور می کند و حکومت جهانی و عادلانه ای تشکیل می دهد که فقط براساس دین خدا اداره می شود. غ شرایط بایستی کاملاً آماده شده باشد

اعتقاد ظهور منجی عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، پس از وی دستخوش دگرگونی شد. غ به جز پیامبر اسلام

با وجود اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

ص

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

در کتاب های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت مهدی از نسل پیامبر اکرم و حضرت فاطمه است ولی هنوز به دنیا نیامده است. ص

زنده بودن حضرت مهدی و حاضر بودن ایشان در میان مردم باعث شد هر ماجراجوی فریب کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به زودی شناخته شود و مردم هوشیار فریب او را نخورند. غ به دلیل مشخص بودن پدر و مادر حضرت مهدی نه حضورشان! حضور حضرت در میان مردم چه ربطی به این موضوع دارد؟ اگر قرار باشد به حضور که این ماجراجویان هم در میان مردم هم حضور و هم ظهور دارند!

می دانیم که ناظر بودن حضرت مهدی بر کار های مسلمانان و امت اسلامی در مقابل غیبت ایشان قرار ندارد. ص ظهور در مقابل غیبت است نه حضور و حاضر بودن و نظارت بر اعمال مسلمانان

بر خور داری جامعه به صورت های گوناگون از هدایت های امام و از ولایت معنوی ایشان معلول ظهور ایشان است. غ معلول حضور شان در میان مردم و زنده بودن ایشان

نگاه مثبت دین به آینده اسلام و اعتقاد به حضور حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام انتظار را در دل ها زنده کرده است. غ این جمله کتاب نیست توجه کنید: نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی (عج)، اصلی به نام انتظار را در دل ها زنده کرده است.

انسان منتظر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می شود. از این رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت. ص

تست: هر انسان منتظری...

۱) به معنای خاص کلمه کسی است که برای رسیدن جامعه به اهداف و آرمان های خاصی همواره تلاش می کند.

۲) حکومت های غیرالهی و طاغوتی را نمی پذیرد و در مقابل آن ها می ایستد و مقاومت می کند.

۳) می کوشد در جهت همان نوع از جامعه ای که انتظارش را می کشید حرکت کند.

۴) قطعاً به خدا و جهان آخرت ایمان دارد.

گذشته سرخ به معنای اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه گسترش عدالت، آرمانگرایی و حقیقت جویی می باشد. غ به نکته توجه کن: گذشته سرخ همیشه: عدالت خواهی اما آینده سبز همیشه: گسترش عدالت در تست ها!!!

الف - گذشته سرخ - اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی و حقیقت جویی.
ب - آینده سبز - باور به مهدویت و پذیرفتن حکومت های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

مسئولیت های منتظر:

تقویت معرفت، ایمان و محبت به امام: (یقین و عدم تردید + محبت و معرفت)

پیامبر: هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر را بپذیرد.

پیامبر به حضرت علی: بزرگترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می کنند، پیامبرشان را ندیده اند، امام آن ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین (و تفکر در آن ها) ایمان می آورند.

عصر غیبت، عصر دودلی ها و شک و تردیدهاست.

مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می شود.

پیروی از امام عصر: (رمز: پیروی و تبعیت)

منتظر حقیقی تلاش می کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن هاست.

پیامبر: خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، درحالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.

ایجاد آمادگی در خود و جامعه: (رمز: آمادگی + مبارزه با باطل + استواری + یاران امام + عدد ۳۱۳)

منتظر، عصر غیبت را عصر آماده باش برای یاری امام تلقی می کند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده اند و با مستکبران مقابله ننموده اند، در روز ظهور، مانند قوم موسی به حضرت مهدی می گویند: تو و پروردگارت بروید بجنگید ما اینجا مینشینیم.

امام صادق: یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره ها هستند؛ اگر به کوه ها روی آورند، آن ها را متلاشی می کنند.

در صحنه فعالیت های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی اند.

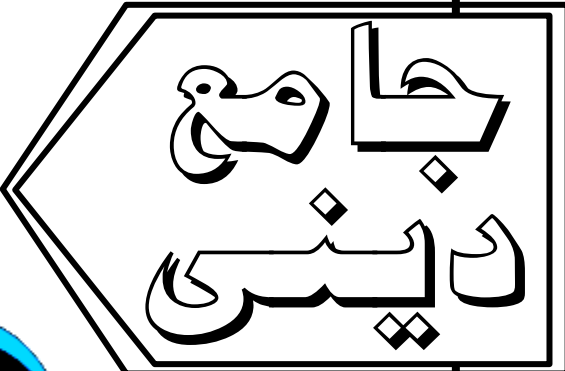
هسته مرکزی این یاران، سیصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام

باقر پنجاه نفر از آنان از زنان اند. همچنین، در احادیث آمده که بیش تر یاران امام را جوانان تشکیل می دهند.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

به نام جهان آفرین قادر و توانا

فوری پنهان + در انتظار طلوع



۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دینی ۳
(سری کامل)

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۹ (خورشید پنهان)

۱) شناسنامه امام مهدی:

دوازدهمین امام

تولد: سپیده دم جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا (تکنیک: $۲+۵+۵=۱۲$ = سال تولد دوازدهمین امام)

تا ۲۶۰ در کنار پدر ماند (تکنیک: ۲ ضرب در $۶=۱۲$ = شروع امامت دوازدهمین امام شیعیان)

سال ۲۶۰ شروع امامت پس از به شهادت رسیدن امام حسن عسکری

دوره اول امامت تا سال ۳۲۹ هجری = غیبت صغری به کمک نواب اربعه یا نواب خاص

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب: نامه ای از طرف امام زمان: پس از آخرین نایب دیگر جانشینی نیست و شروع مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری.

۲) علت غیبت امام مهدی:

خداوند راه رستگاری/نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان ها نشان داده است. آن ها نه تنها راه سعادت را، به مومنان به مردم معرفی کردند بلکه دل سوزتر از پدری مهربان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام، خود و امامان معصوم را/امام علی را پدران امت معرفی فرموده است و روشن است که دل سوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر غلط پیش رفتند که یازده تن/هوازه تنج از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

پیامبر اکرم در زمان حیات، درباره دوازده/یازده جانشین و امام بعد از خود با مردم سخن گفته بود و حضرت علی/مهدی را معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین و سایر امامان نیز درباره امام زمان و رسالتی که برعهده دارد، یاد کرده بودند. از این رو حاکمان بنی عباس/بنی امیه در صدد بودند که مهدی موعود را به محض تولد از بین ببرند. آنان امام دهم و سپس امام یازدهم و خانواده ایشان را در محله ای نظامی در شهر سامرا/مدینه منزل دادند و رفت و آمد های آنان را زیر نظر گرفتند تا در صورت امکان، امام دوازدهم را در همان شروع امامت/همان کودکی به شهادت برسانند. (انسانی ۹۳)

به سبب این اقدار ناشناسی و ۲ ناسپاسی و در ۳ خطر بودن جان آن حضرت، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد. ادامه یافتن این غیبت نیز بر اثر باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ظهور می باشد این غیبت آن قدر ادامه می یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی ادرک ظهور (نه حضور) و آ بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت (ذخیره) الهی را پیدا کند. در آن زمان، بشریت عملی شدن وعده های الهی در مورد ۱ حکومت صالحان و ۲ برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید.

تجربی ۹۰ و خارج ۹۴: خداوند نعمت هدایت را با وجود پیامبران اولوالعزم/انبیاء و اولیای خود کامل کرده است و در همین رابطه پیامبر اکرم خود و حضرت امام علی (ع) را هادیان/پدران امت معرفی نمودند.

سنجش ۹۳ و انسانی ۹۴: علت نخستین غیبت حضرت حجت(ع) روش حاکمان بنی عباس که در صدد بودند آن حضرت را به محض تولد از بین ببرند و تداوم غیبت به دلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرش حکومت عدل الهی است.

۳) جمع بندی:

شروع امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت و پنهان گشتن حضرت مهدی از نظر معلول:

اقدرناشناسی و ناسپاسی و در ۳ خطر بودن جان

علت غیبت نخستین: در خطر بودن جان (بواسطه نقشه قتل امام توسط بنی عباس) و علت غیبت دومین: قدر ناشناسی و ناسپاسی

ادامه یافتن غیبت حضرت مهدی معلول:

باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ۱ ظهور یا ۲ پذیرش حکومت عدل الهی یا ۳ در بهره مندی از رهبری ظاهری ایشان

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی معلول: (نکته: این مورد در انتهای درس به گونه ای دیگر نیز ذکر شده است!)

نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور (نه حضور) و ۲ بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت (ذخیره) الهی را پیدا کند.

عملی شدن وعده های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی معلول:

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی + وجود شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود حضرت مهدی در جامعه انسانی

۴) احادیث مربوط به علت غیبت امام زمان:

پیامبر اکرم:

خداوند زمین را پر از قسط و عدل (موخر) خواهد کرد، بعد از این که پر از ظلم و جور (مقدم) شده باشد.

امام علی می فرماید:

زمین از حجت خدا خالی نمی ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان ها و زیاده روی ایشان در گناه، آنان را از وجود حجت در

میان نشان بی بهره می سازد. (ستمگری و زیاده روی در گناه مصداقی برای قدرناشناسی و ناسپاسی و علت دومین غیبت)

امام باقر فرمودند:

قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی گیرد مگر آن که گناهی انجام دهد که

شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است: (قرائت آیه موخر بر حدیث)

این بدان سبب است که خداوند

تغییر نمی دهد نعمتی را که

بر قومی ارزانی داشته

مگر آن که انها تغییر دهند

وضع خویش را

پیام کلی: ✓ اعطاء نعمت مقدم بر رفتار ماست.

✓ عامل اصلی غیبت خود مردم اند. انفال، ۵۳

✓ تغییر و تحول در جامعه تابع نسبت خاص است

✓ سنت تاثیر نیکنی ها و بدنی ها در سرنوشت

.....

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ

لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً

أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ

حَتَّى يُغَيِّرُوا

مَا بِأَنْفُسِهِمْ

وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

معلول
تابع

علت
تابع

آیاتی که علت غیبت را بیان می کند

معلول إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

عَلَّتْ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

* زمینه ساز هلاکت و بدبختی یا عزت و سربلندی جوامع اعمال و کردار مردم است
رعد، ۱

۵) نتیجه گیری از احادیث و آیات مبحث شماره ۴ و ارتباط با سنت تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت:

تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، **قوانین و سنت های خاص** خود را دارد که باید بدان ها توجه کرد؛

مثال:

(دور شدن از کار -) در جامعه ای که گرفتار بی عدالتی است، **تصمیم یک فرد یا گروهی محدود** برای برقراری عدالت، **اگر از**

همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی رسد.

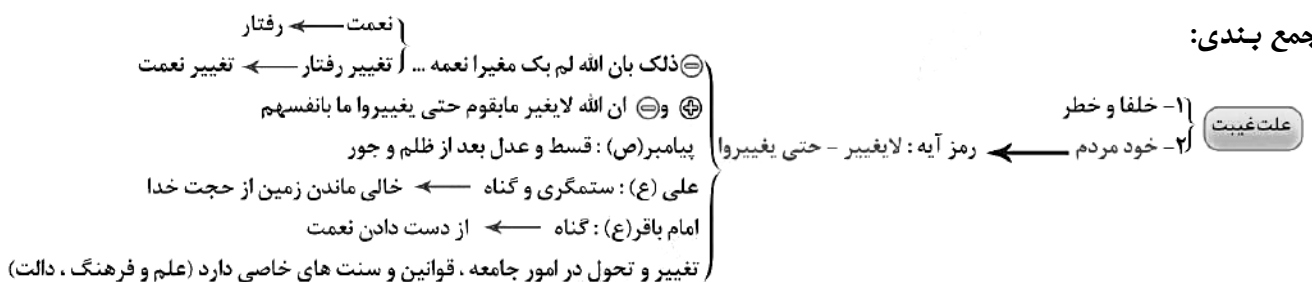
(رفتن به سوی کار +) گسترش علم و فرهنگ نیز همین طور است. تنها زمانی دانش و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می

کند که **عموم افراد جامعه مشتاق و خواهان** این پیشرفت باشند.

به همین جهت قرآن کریم می فرماید: **تا اقوام و ملت ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط** زندگی آنان را تغییر

نخواهد داد.

جمع بندی:



سنت تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت:

و لو ان اهل القری (شهرها) (۱) آمنوا و (۲) اتقوا (علت: گرو) (چون آیه کلمه ی اهل القری = مردم دارد بنابراین سنت اجتماعی است.)

لفتحننا علیهم برکات من السماء و الارض (معلول: تحقق)

و لکن کذبوا (علت: گرو)

فاخذناهم بما کانو یکسبون (معلول: تحقق)

تجربی ۹۵ (ثمره ایمان مردم و گرایش به تقوا در میان آنان چیست؟ جواب: **لفتحننا علیهم برکات من السماء و الارض**)

✓ زندگی ما و جامعه به شدت تحت تاثیر رفتار های ماست.

✓ این یک سنت اجتماعی است و با آیه ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ارتباط دارد. هر دو اشاره به سنت تاثیر

نیکی و بدی در سرنوشت.

✓ جامعه ای که در مسیر نیکی ها گام بردارد در های رحمت الهی را به روی خود می گشاید و جامعه ای که به گناه آلوده شود به عذاب

گرفتار می شود.

✓ ارتباط با کلام امام صادق(ع): **یموت بالذنوب** بیشتر از یموت بالاجال و یبعث بالاحسان بیشتر از یبعث بالاعمار

هنر ۹۴: کدام آیه بیانگر قوانین و سنت های خاص خداوند برای اصلاح شرایط زندگی مردم است؟ ج: ان الله لایغیر

ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

خارج از کشور ۹۲: با توجه به آیه (ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) مفهوم می گردد که:

۱) سنت الهی به گونه ای است که تحول از درون شروع شود. (تغییر را جا انداخته ثانیاً از درون اکثریت افراد!) پس غ

۲) تصمیم درونی مردم علت تغییر تصمیم الهی است. (تصمیم مردم بر تصمیم خدا هیچ تاثیری ندارد!) پس غ

۳) تغییر و تحول در امور جامعه قوانین و سنت های خاص خود را دارد که باید بدان ها توجه نمود. جواب

ریاضی ۸۸: تغییر نعمات الهی تابع تغییر نفسانیات انسان هاست از آیه: ذلك بان الله... برداشت نمی شود.

نفسانیات همان **افکار و اعمال** انسان اند که مربوط به روح و روان فرد اند **نه یک جامعه!**

در تمام تست های این درس اگر آیه درس در صورت تست بود گزینه ای که **به یک فرد** اشاره داشت ۱۰۰٪ **جواب نیست.**

سوپر تست احتمالی ۹۹: چند مورد از موارد زیر می توانند برداشتی صحیح از آیه شریفه (ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) باشد؟ (غفوری) (مشابه زبان ۸۶، تجربی و ریاضی ۸۸ و ریاضی ۹۱)

الف) عدالت خواسته فطری همه انسان هاست و در فطرت و ویژگی های خاص آفرینش همه انسان ها قرار داده شده است.

ب) خداوند ما را مسئول سرنوشت خود قرار داده و سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داده است تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

پ) برقرای عدالت همراهی اکثریت را می طلبد و عموم افراد جامعه باید آماده و پذیرای عدالت شوند.

ت) زیاده روی در گناه نشان بی نصیبی از عدالت است.

ث) ظلم پذیری جامعه به حاکمیت نظام سلطه می انجامد.

ج) تصمیم درونی مردم علت تغییر تصمیم الهی است.

چ) سنت الهی این گونه است که تحول از درون شروع شود.

ح) تغییر جامعه و پذیرش درونی عامل تغییر و تحول است.

خ) تغییر و تحول بر کل عالم حاکم است و از جمله بر درون انسان ها.

د) سنت خدا بر استمرار لطف و فیض بر جوامع خواهان فیض

ذ) تغییر دورنی جوامع تابع تغییر سنت خدا بر آن جوامع است.

۱) دو مورد ۲) سه مورد ۳) چهار مورد ۴) پنج مورد

جواب: گزینه دو؛ فقط موارد پ و ت و ح صحیح می باشند.

۶) چگونگی رهبری معنوی و ظاهری در عصر غیبت:

غیبت در مقابل **ظهور** است نه **حضور** پس: امام زمان چون خورشید عالم تاب، **انوار هدایت و رهبری (چه معنوی و چه ظاهری)** خود را بر مسلمانان می تاباند. این انسان ها هستند که امام را نمی بینند، نه این که ایشان در بین مردم **حضور** نداشته باشد. (امام علی: حجت خداوند در میان مردم **حضور** دارد، از معابر و خیابان ها عبور می کند... تا اینکه زمان **ظهور** و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می رسد. آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست.)

الف) **بخش رهبری معنوی**: امام زمان: بهره بردن از من در عصر غیبت، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت **ابرها باشد**. این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از **عدم شایستگی** انسان ها در بهره مندی از **رهبری ظاهری** ایشان است. دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر نیست بلکه رهبری **حقیقی** مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است. اما این رهبری را انسان های عادی **حس نمی کنند**؛ همان طور که برخی از انسان ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی یابند. اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

بخش اصلی رهبری امام مربوط به **ولایت معنوی** است. ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان ها آگاه است، به صورت های مختلف، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی بر خوردار می سازد. (پس دریافت امداد معنوی از امام زمان تنها به شیعیان اختصاص ندارد ولی شیعیان و محبان کمک بیشتری دریافت می کنند = سنت امداد) اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را **قطع** خواهد کرد. هم اکنون نیز امام عصر **اسرپرست**، **حافظ** و **بیاور** مسلمانان است.

هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعابرای مؤمنان، نمونه هایی از این دستگیری هاست. چه بسیارند افرادی که از یاری آن حضرت بر خوردار می شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند.

ب) **بخش رهبری ظاهری**: ایشان به عالمان دین واگذار کرده است. (و اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی **رواه حدیثنا**)

۷) جمع بندی دو نامه معروف امام زمان:

نامه اول:



از: امام زمان به: آخرین نایب خاص

زمان: شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب

محتوا: شروع مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری

نامه دوم:

از: امام زمان به: شیخ مفید از علمای بزرگ اسلام

زمان: در زمان غیبت کبری

محتوا: (ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.) (ما در رسیدگی به شما و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند.)

نتیجه: ولایت معنوی امام زمان همیشگی است و لطف و محبت امام همیشه هست و اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد مشکلات و توطئه های دشمنان ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع می کند.

ترکیب: سخن امام زمان به اسحاق بن یعقوب بیانگر مرجعیت دینی و ولایت ظاهری فقیهان در عصر غیبت و نامه ایشان به شیخ مفید بیانگر ولایت معنوی ایشان در عصر غیبت. (تکنیک: ولایت معنوی مفیده!)

۸) جمع بندی نایبان امام زمان:

دو دسته نایب برای امام زمان:

۱) نواب اربعه یا نواب خاص که توسط شخص امام زمان تعیین شده اند.

۲) نواب عام: که همان عالمان دین هستند که باید سه شرط ۱) عادل ۲) باتقوا ۳) زمان شناس را داشته باشند و برخلاف نایبان خاص افراد مشخص و تعیین شده ای نیستند و مردم باید در زمان غیبت کبری برای احکام دینی به اینان مراجعه کنند.

۹) زمان پایان دوران غیبت:

تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی ندارد.

از این امور جز خداوند، کس دیگری آگاهی ندارد. بنابراین، کسانی که زمان ظهور را پیش گویی می کنند، دروغگویند.

امام باقر: کذب الوقتون: تعیین کنندگان وقت، دروغ گویند.

پیامبر اکرم: مثل ظهور حضرت مهدی، مثل برپایی قیامت است. مهدی نمی آید مگر ناگهانی.

۱۰) لوازم پایان غیبت:

در ابتدای درس:

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی معلول:

نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور (نه حضور) و آبهره مندی کامل از وجود آخرین حجت (ذخیره) الهی را پیدا کند. در انتهای درس: (در تست ها اولویت اول با این موارد است و اگر در گزینه ها نبود مراجعه به موارد بالا) (ابتدای درس)

احساس نیاز جهانی به کمک الهی (نه کمک امام زمان! تله تستی)

نامیدی از همه مکتب های غیر الهی

آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است.

(۱۱) انواع امور:

(۱) عقلانی و عادی:

مثال: پاکیزگی باعث عدم ابتلا به بیماری می شود. { هم عقلانی و هم اتفاق افتادنش امری طبیعی

(۲) عقلانی ولی غیر عادی:

مثال: می توان با تحقیقات پزشکی عمر انسان ها را تا هزاران سال افزایش داد! { عقلانی است ولی یا تاکنون اتفاق نیفتاده
 مثال: عمر ۹۵۰ ساله حضرت نوح
 مثال: عمر زیاد حضرت مهدی
 مثال: رویاهای صادقه که بر پایه بعد روحانی انسان اند.

(۳) غیر عقلانی یا محال:

مثال: یک عدد هم فرد باشد هم زوج!
 مثال: متحرکی در یک زمان هم در مشهد و هم در اصفهان! { غیر عقلانی است

(تحلیل آیه ۱۱ رعد کامل در اندیشه و تحقیق) (احتمالی ۹۹)

له معقبات من بین یدیه و من خلفه **یحفظونه** من امر الله:

فرشتگان مامور حفظ جان انسان او را در برابر خطراتی که اراده حتمی خداوند نیست به امر خدا محافظت می کنند.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم:

حفاظت خداوند تا زمانی است که انسان کفران نعمت نکند و گرنه از لطف الهی محروم می شود.

و اذا اراد الله بقوم سوء فلا مرد له:

اراده خداوند بالاتر از همه اراده هاست پس اگر خداوند برای کسی بدی اراده کند هیچ کس قدرت ایستادگی در برابر اراده خداوند و تغییر آن را ندارد که با عبارت: ان ارادنی الله بضر هل کن کاشفات ضره در درس ده دوم ارتباط دارد و چون (اراد) آمده اشاره به توحید ربوبیت و قضای الهی دارد.

و ما لهم من دونه من وال:

تنها سرپرست و والی (وال در آیه) برای مردم خداست که اشاره به توحید در ولایت دارد.

هرچند ما بر خلاف اکثر استادای محترم نکته ای رو کم نگفتیم!!! ولی آگه هست یادداشت کن:



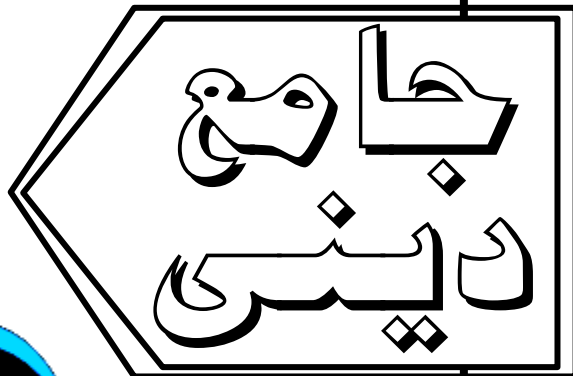
مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

دینی ۳
(سری کامل)

به نام جهان آفرین قادر و توانا

مرصعیت و ولایت فقیه به سبک غفور



۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۱۱ (مرجعیت و ولایت فقیه)

۱) مقدمه: دو قلمرو ۱) مرجعیت دینی و ۲) ولایت ظاهری یا همان رهبری بر جامعه بر عهده امامان معصوم بود و آنان به عنوان **حجت** های خدا در روی زمین، این مسئولیت ها را بر عهده گرفتند و در **همین** چارچوب، **جهاد و مبارزه** کردند. (آخرین ذخیره الهی = حضرت مهدی) **تست:** با توجه به مسئولیت های حجت خداوند بر زمین کدام گزینه به اشتباه بیان نشده است؟ (غفوری)

۱) حجت های خداوند که همان پیامبران و امامان معصوم بودند در چارچوب دریافت و ابلاغ وحی بر روی زمین جهاد و مبارزه نمودند.

۲) حجت های خداوند که پس از رحلت رسول خدا همان مراجع تقلید هستند که مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را پس از ایشان بر عهده می گیرند.

۳) حجت های خداوند که پس از رحلت رسول خدا همان امامان معصوم بودند، در چارچوب مرجعیت دینی و ولایت ظاهری جهاد و مبارزه کردند.

۴) حجت الهی همان مهدی موعود است که به عنوان آخرین ذخیره الهی به عقیده همه ی ادیان در پایان الهی جهان ظهور خواهد کرد و عدالت جهانی را با برقراری حکومت اسلامی برقرار می کند.

۲) پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و **قرآن**، کتاب جاودانه اوست. پیروی از **دین** اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

قرآن کتاب هدایتی هدایت هیچ گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

باطل در این کتاب راه نیابد	لا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ	معلول
چه پیش از آن	مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ	
و چه بعد از آن، و آیند = ارتباط با آیه لَنْ تَقْعَلُوا	وَلَا مِنْ خَلْفِهِ	
که فرستاده ای است از سوی خدای حکیم و	عَلْتِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ	

فُضِّلَتْ، ۴۲ ستوده

قرآن یشوانه محکمی برای مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت است.

اسلام دین ماندگار نارنج خداوند، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.

.....	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ	اسلام
.....	بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ	
غلبه اندیشه حق بر سایر اندیشه ها.	لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ	
.....	وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ	

توبه، ۳۳

اسلام در عصری پاسخگویی نیاز جامعه بشری در مرجعیت دینی و ولایت ظاهری است.

۳) جواب این سوال که مرجعیت دینی و ولایت ظاهری چگونه ادامه می یابد؟ از **سیره امامان** بزرگوار بدست می آید.

سیره امامان چه بود؟ تربیت دانشمندان و فرستادن به دور دست ها برای آموزش چی؟ احکام اسلامی

این روش برگرفته از؟ قرآن کریم

دستور قرآن: گروهی از مردم وقت و همت را صرف **شناخت دقیق** دین (**تفقه** در دین) پس از کسب علم به شهر های خود رفته و آموزنده ی قوانین اسلامی به مردم باشند.

تفقه: تفکر عمیق & فقیه: افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند.

آیه سوم: فقها چراغ هدایت راه از بیراهه

فقها

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً
تخصی در دین بر همگان واجب است.
فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ
تفقه در دین واجب و کتابی است.
مِنْهُمْ طَائِفَةٌ

و نمی شود که مؤمنان همگی اعزام شوند
پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،
جمعی از آنها
تا دانش دین بیاموزند،

و مردم خویش را هشدار دهند کار فقیه انداز نبایست هاست
آن گاه که به سوی آن ها باز گردند؛

پیام کلی: چون مسلمانان توان تخصص و تفقه در دین
ندارند و چون همه مسلمانان دسترسی به پیامبر
ندارند باید گروهی این تخصص را فرامی گرفتند.
تا مواظبت و توجه کنند.

۱- لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
هدف از کوچ به
ترتیب تخصصی
در دین و هشدار
به مردم است

۲- وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ
هشدار بنابندها
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ

لَعَلَّهُمْ يَحذَرُونَ ← نمره هجرت برای تفقه

۴) وظیفه مسلمان در زمان غیبت چیست؟ در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کند.

چرا باید مراجعه کند؟ (دلیل مراجعت به فقیهان چیست؟)

پیامبر اکرم: حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، (سخت تر) از حال یتیمی است که

پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در «مسائل زندگی» حکم و نظر امام را نمی داند. البته

اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگری را که به احکام

ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت

با ما خواهد بود. ۱ پاداش فقیه عصر غیبت چیست؟ مرجعیت دینی

بر اساس این روایت، با عمل به آیه ما كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً...، یک فقیه در قیامت همنشین پیامبر خواهد بود.

۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.

۵) شرایط ویژه فقیه چیست؟

امام صادق: فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ

هر کس از فقیهان که

صحمم

نگهدارنده نفس خود،

صَائِنًا لِنَفْسِهِ،

نگهبان دین خود،

حَافِظًا لِدِينِهِ،

مخالفت کننده با هوی و هوس خود

مُخَالَفًا لِهَوَاهُ

فرمان بردار فرمان خداوند خود باشد

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ

پس، بر مردم است که از او پیروی کنند

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ ...

۳- مردمی که می خواهند بر اساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی

ندارند، باید به فقیهی که دارای شرایط ویژه ای هستند، مراجعه نمایند.

۶) برای قضاوت به چه کسی مراجعه؟

از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را
امام صادق: (۱) قاضی و (۲) حاکم قرار داده ام.

۱- فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده که می تواند احکام اسلامی را به دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.

۷) به چه کسانی نباید برای قضاوت مراجعه کرد؟

امام صادق: درباره کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می کنند، فرمود:
 هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می فرماید «می خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، در حالی که باید به طاغوت کافر باشند».^۱
 پرسیدند: پس چنین افرادی چه کنند؟ مدعیان ایمان ← **يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ**
 فرمود: اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن ها را می داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده ام.^۲

۴- مردم نباید برای مجموعه احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند.
 اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملاً حکومت طاغوت را پذیرفته اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده اند.

۸) آقا شماره ۶ آخرش با شماره ۷ یکیه؟

خیر کاملاً یکسان نیست! فقط در کلمه (حاکم) وجه تشابه دارند دقت کنید در تست ها طراح کلمه قاضی رو بده شما نباید بگید وجوب عدم مراجعه به طاغوت یا مثلاً کلمه (داور) رو بده شما نباید گزینه ای که مربوط به تخصص هست رو انتخاب کنید.

انتهای سکشن ۷: قاضی و حاکم (تخصص و قضاوت به اهل تخصص)

انتهای سکشن ۸: داور و حاکم (وجوب عدم مراجعه به سلاطین و طاغوت برای قضاوت)

۹) لزوم زمان شناس بودن فقیه:

ولی عصر: پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست و جو نمود، فرمود:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ

و در مورد رویدادهای زمان

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا

به راویان حدیث ما رجوع کنید.

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ فَفَهَا

که آنان حجت من بر شماست

وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

و من حجت خدا بر آن ها می باشم

فقها حجت امام اند
 امام حجت خداست

۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به دست آورد.

۱۰) تست جمع بندی متن پس از پیام حدیث (بسیار مهم)

تست: کدام گزینه به درستی بیان شده است؟ (غفوری)

- ۱) بنا به فرمان امام زمان و به نیابت از ایشان فقیه دو مسئولیت مرجعیت دینی و رهبری و ولایت را بر عهده دارد و در حد توان جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می کند. غ فقیه واجد شرایط
- ۲) تنها ابزار استنباط دقیق احکام توسط فقها کمک گرفتن از موازین دقیق نیست و آنها علاوه بر این از اختصاص تفکر در آیات نیز بهره می برند. غ اختصاص تفکر در آیه خیر! بلکه تفکر در آیات و روایات!
- ۳) تقلید در واقع مراجعه همه مردم که در احکام دین متخصص نیستند به کارشناسان دین یا همان فقها است که عمل مطابق با راهنمایی ایشان را بدنبال خواهد داشت. غ عموم مردم در احکام متخصص نیستند (گروهی مهاجرت کرده احکام را می آموزند).
- ۴) از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه اسلامی را به دست می گیرد که از این طریق فرصت برای اجرای تمام احکام دین فراهم می شود. ص (ترکیبی با درس چهارم سال سوم)

۱۱) شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه:

شرایط

الف) مرجع تقلید:	ب) ولی فقیه: (مشروعیت)
• تخصص در فقه،	• تخصص در فقه،
۱ با تقوا باشد.	۱ با تقوا باشد.
۲ عادل باشد.	۲ عادل باشد.
۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.	۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.
	۴ با تدبیر و با کفایت:
	کلید واژه: پیچیده جهانی/خنثی سازی دشمن/درايت و کفایت و بینش
	۵ شجاعت و قدرت روحی:
	کلید واژه: مبارزه با دشمن/اجرای احکام بدون ترس/پایداری
	(شجاع باشه تهدید بشه نترسه)

در غیر این صورت پیروی از دستورات وی حرام است

یک مجتهد، علاوه بر تخصص در فقه باید دارای چه شرایطی باشد تا از نظر دین مشروعیت رهبری داشته باشد و در غیر این صورت پیروی از دستوراتش چه حکمی دارد؟

۱) با تقوا، عادل، زمان شناس، با تدبیر باشد و شجاعت و قدرت روحی داشته باشد - لازم نیست.

۲) با تقوا، عادل، زمان شناس، با تدبیر بوده و شجاعت و قدرت روحی داشته باشد - حرام است.

۳) نگهدارنده نفس خود، نگهدارنده دین خود و مخالفت کننده با هوی و هوس خود باشد - حرام است.

۴) نگهدارنده نفس خود، نگهدارنده دین خود و مخالفت کننده با هوی و هوس خود باشد - لازم نیست.

۱۲) ولایت فقیه زمینه ساز حکومت جهانی:

فرصت فراهم سازی آنچه برای ظهور حضرت مهدی لازم است در اختیار (۱) مومنان (۲) منتظران حضرت مهدی

- ۱) مرجعیت و ولایت فقیه = چراغ هدایتی که در پرتو نور آن (۱) راه از بی راهه شناسایی (۲) برگزیدن راه درست در میان هزاران راه بن بست.
- ۲) حکومت اسلامی قلعه و حصار محکم که منتظران در آن: آماده سازی و تشکل خود دو مورد بالا علت است برای: تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت ارائه یک الگو از حاکمیت دین داران است که با

الهام از تعالیم انبیا برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان ها تلاش می کنند.

۱۳) ویژگی های حکومت اسلامی:

۱. زمینه عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می آید.
۲. دینداران و حق طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت های انسانی می شوند.
۳. جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.
۴. وجود حکومت اسلامی می تواند امکان مقابله با توطئه ها و تهاجم ها را فراهم آورد.
۵. برنامه های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.
۶. گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، اما سبب تقویت جبهه حق در دنیا می شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک تر می سازد. (حمایت از محرومان می دهد دشمنی ستمکاران می دهد تقویت جبهه حق جهانی و حکومت عدل جهانی)

۱۴) راه های شناخت مراجع تقلید: (باید تحقیق کنیم)

- ۱ خود ما به اندازه ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه واجد شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.
- ۲ از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم. (شرط پرسش: ۱) عادل ۲) مطمئن و مورد اعتماد ۳) تشخیص) یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است. (شهرت فقیه)

۱۵) انتخاب ولی فقیه: (به صورت دسته جمعی)

نمی شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید

فقیه می تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش برد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت تشخیص برعهده مجلس خبرگان) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت)

شیوه انتخاب ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران:

- ❖ مستقیم: حضور مردم در اجتماعات و راه پیمایی ها در زمان انقلاب اسلامی و پذیرش ولایت امام خمینی
- ❖ غیرمستقیم (دو مرحله ای): بنا بر قانون اساسی مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و ایشان از میان فقها کسی را که برای رهبری شایسته تر است تشخیص داده و به جامعه اعلام می کنند.

یادداشت ها و نکات من...

۱۶) جمع بندی سریع کل درس:

شرایط

ب) ولی فقیه: (مشروعیت)

• تخصص در فقه،

۱) با تقوا باشد.

۲) عادل باشد.

۳) زمان شناس: بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.

۴) با تدبیر و با کفایت:

• **کلید واژه:** پیچیده جهانی / خنثی سازی دشمن / ادراکیت و کفایت و بیش

• شجاعت و قدرت روحی:

• **کلید واژه:** مبارزه با دشمن / اجرای احکام بدون ترس / پایداری

(شجاع باشه تهدید بشه نترسه)

الف) مرجع تقلید:

• تخصص در فقه،

۱) با تقوا باشد.

۲) عادل باشد.

۳) زمان شناس: بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.

در غیر این صورت پیروی از دستورات ولی حرام است

راه های شناخت مراجع تقلید: **(باید تحقیق کنیم)**

۱) **خود ما** به اندازه ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه واحد شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲) از **دو نفر عادل و مورد اعتماد** که **بخواهند** فقیه واحد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم. (شرط پرسش: ۱) **اعادل** (۲) **مطمئن** و **مورد اعتماد** (۳) **انسیخیه**)

۳) یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان **مشهور** باشد که انسان **مطمئن** شود و **بداند** که این فقیه، واحد شرایط است. (شهرت فقیه)

انتخاب ولی فقیه: (به صورت دسته جمعی)

نمی شود که هر کس، به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است در

غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید

فقیهی می تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش برود که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد

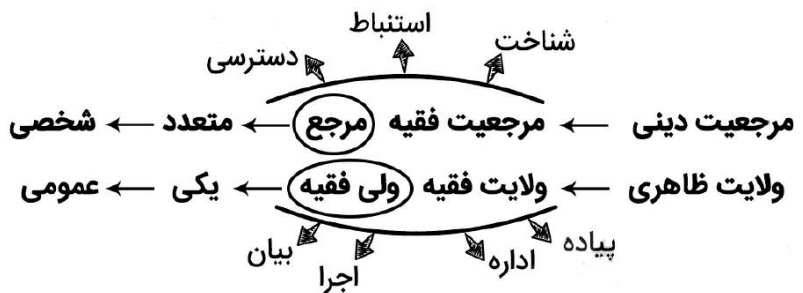
(مشروعیت تشخیص بر عهده مجلس خبرگان) و هم مورد پذیرش مردم باشد (مقبولیت)

شبهه انتخاب ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران:

❖ مستقیم: حضور مردم در اجتماعات و راه پیمایی ها در زمان انقلاب اسلامی و پذیرش ولایت امام خمینی

❖ غیر مستقیم (دو مرحله ای): بنا بر قانون اساسی مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و ایشان از میان فقها کسی را که برای

رهبری شایسته تر است تشخیص داده و به جامعه اعلام می کنند.



- ۱- با تقوا (حکم)
- ۲- عادل
- ۳- زمان شناس (نیاز روز)
- ۴- کفایت و تدبیر نقشه دشمنان
- ۵- شجاعت مبارزه و تهدید دشمنان

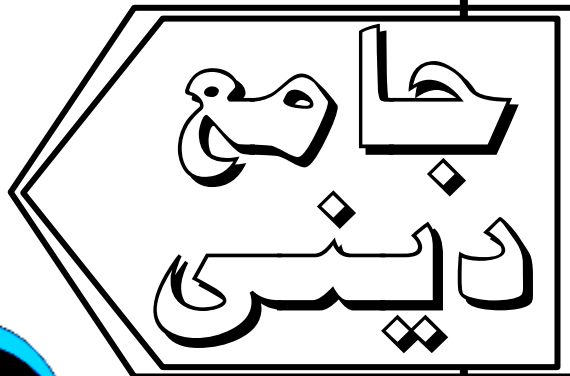
مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از **۱۰۰** راضی نشو!



به نام جهان آفرین قادر و توانا

ویژه گنرها حکومت اسلامی به سبک غفوری



۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دینی ۳
(سری کامل)

دین و زندگی سوم دبیرستان
درس ۱۲ (ویژگی های حکومت اسلامی)

(۱) مقدمه:

ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت، به **نیابت** از امام عصر برعهده **فقیه واجد شرایط** است یعنی فقیه‌ای که شرایط پنج گانه ی مشروعیت (با تقوا+عادل+زمان شناس+با تدبیر+شجاعت) را دارد. (نیابت=جانشینی)

(۲) سه کادری مهم ابتدای درس: (در سه کادری ها همیشه **اولین** و **سومین** کادر علت و معلول و کادر وسط هم علت هم معلول)

علت

ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به **جانشینی و نیابت** از رسول خدا و امامان انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند.

۱

معلول**علت**

از **این رو**، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی **قرآن کریم** بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید.

۲

معلول

لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم.

۳

چرا فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد؟ چرا فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که شیوه آنان را عمل کند؟ **جواب کادر یکم**

چرا لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ آیات قرآن کریم برویم؟ **جواب کادر یکم و دوم**

(اولویت در گزینه های تست با کادر دوم است)

(۳) وظیفه ی رهبر نسبت به مردم:

(الف) طبق آیات قرآن:

(۱) **دلسوز** و مهربان (لنت لهم) + از **کوتاهی** مردم بگذرد (عاف عنهم) + **طلب** آموزش برای مردم (واستغفر لهم)(۲) **مشورت** و تصمیم پس از مشورت (شاورهم فی الامر)

نکته: با توجه به توسعه جوامع (علت)، لازمه مشورت، وجود گروه ها و نهادهای مشورتی (معلول) است که امروزه در

جمهوری اسلامی ایران به شکل های گوناگونی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد.

(۳) در تصمیم گیری قاطع و **استوار** (فاستقم کما امرت) + با **توکل** برنامه ها را پیش برده (فاذا عزمتم علی الله) +

مانع خلل و سستی در نظام

(۴) **روشنگری** مردم و افزایش بصیرت مردم با روش درست و منطقی (بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالنتی هی

احسن) هدف؟ مردم (۱) راه حق را از باطل تشخیص (۲) در دام دشمنان نیفتند.

رمز مهم: دل کوتاه طلب / مشورت کن توکل کن استوار باش / تا روشن شوی

ب) طبق سیره پیامبر گرامی اسلام و امامان بزرگوار:

- ۱) **قاطعیت و استواری** نسبت به **سرنوشت جامعه و اصول اسلامی** + عدم اجازه به بی توجهی به قوانین اسلامی
 - ۲) **نگاه برابر** و مطابق قانون به آحاد جامعه
 - ۳) **تربیت و هدایت** مردم (مهم ترین حق مردم = تربیت و هدایت به دین و سعادت حقیقی)
 - ۴) **تواضع و فروتنی** در برابر مردم + **عزت و اقتدار و نفوذناپذیری** در برابر ستمکاران و مستکبران
- نکته:

دسته الف: در **تصمیم گیری قاطع و استوار** (فاستقم کما امرت) ... وظیفه رهبر طبق آیات قرآن

دسته ب: **نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی**: **قاطعیت و استواری** ... وظیفه رهبر طبق سیره مثال:

تست) همه گزینه ها بیانگر وظیفه رهبری جامعه اسلامی استخراج شده از منبع اول بررسی وظایف رهبر است به جز....

- ۱) رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است. از کوتاهی های مردم می گذرد و برای آنان از خداوند آمرزش می خواهد.
 - ۲) با مردم جامعه خود مشورت می کند و تصمیم گیری های خود را پس از مشورت انجام می دهد.
 - ۳) رهبر با قاطعیت و استواری نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی اجازه ی بی توجهی به قوانین اسلامی را نمی دهد.
 - ۴) رهبر با قاطعیت و استواری نسبت به جامعه اسلامی تصمیم می گیرد و مانع هر گونه خلل و سستی در جامعه اسلامی می شود.
- (ترجمه صورت تست: منبع اول بررسی وظایف رهبری طبق متن کتاب درسی = قرآن پس باید دنبال گزینه ای باشیم که رهبری جامعه را طبق آیات قرآن بیان نکرده باشد یعنی طبق سیره باشد)

۴) عهدنامه مالک اشتر به سبک غفوری: (از سال ۹۱ تا ۹۸ تقریباً هیچ سالی نبوده که یک تست از این جدول طرح نشده باشد)

فرمان (معلول)	علت فرمان (علت)
مهربانی + برابری همه در دوستی	مردم یا برادر دینی یا آفرینش یکسان
تکبر ←  حکومت خدا	↓ سرکشی ↓ تندروی ↑ عقل
میانه حق / شامل عدل / خشنودی	(خشم / خشنودی) عمومی ← نابودی (خشنودی / خشم) خواص
دوری عیب جو	<i>Max</i> تلاش رهبر ← پوشاندن عیب مردم
عدم شتاب تصدیق سخن چین	سخن چین ☺ ظاهر = لباس نصیحت ☹ باطن = خیانتکار (خ = رمز ما)
عدم مشورت ترسو	سستی روحیه (و = رمز ما)
عدم تساوی نیکو کار با بدکار	↓ رغبت نیکو کار ↑ شوق بدکار
پاسدار حق طبقات محروم دل مشغولی حکومتی باعث عدم رسیدگی محرومان نشود.	هرگز کار فراوان و مهم عذر نیست برای ترک مسئولیت
عده ای اخمو برای تحقیق محرومان + رفع مشکلات	<i>Max</i> نیاز طبقه محروم به عدالت

مورد اطمینان + خدا ترس + متواضع = **اخم**

۵) وظیفه مردم نسبت به رهبر:

الف) طبق آیات قرآن:

۱. تبعیت از رهبر + پایبندی قوانین و مقررات (فاتبعونی و اطیعوا امری)
۲. استقامت و پایداری برای $APN = A$ اجرای قوانین اسلام + P پیشرفت جامعه + N ناکامی دشمن
۳. حفظ وحدت + همبستگی بر محور رهبری (باعث عدم نفوذ دشمن در نتیجه عزت + استقلال)
۴. آمادگی نبرد با ظالم و مستکبر

ب) طبق سخنان پیشوایان:

۱. آگاهی سیاسی اجتماعی
 ۲. خیرخواه نصیحت گریاری دهنده رهبر
 ۳. امر به معروف و نهی از منکر با روش درست و تاثیرگذار (ترکیب با ۱۴ دینی ۲)
- کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، موظف است:
- ۱- در انجام آن، مرتکب گناهی - مانند دروغ، توهین و تحقیر - نشود.
 - ۲- مانند طبیعی مهربان رفتار کند.
 - ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند.
 - ۴- از خودخواهی و خودستایی پرهیزد.
 - ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد. ← اخلاص
 - ۶- خود را منزّه از گناه و برتر از گناهکار نبیند.
 - ۷- اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می شود، باید آن را تکرار کند.
۴. کوشش آبادانی
۵. حفظ اموال عمومی
۶. ترجیح منافع کل جامعه بر منافع شخصی

روش ها (مفاهیمی اخلاقی اند)

۶) اهمیت مسئولیت رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر (متقابل)

الف) حدیث امام علی: (سه بار تست کنکور)

بزرگترین حقی که خدا واجب کرده چیه؟ حق رهبر بر مردم و مردم بر رهبر

چرا این حق اینقدر مهمه؟ (۱) حاکم باید اصلاح بشه تا مردم اصلاح بشن (۲) مردم باید پایداری کنن تا حاکمان نیکو بشن

این حق سبب چی شده؟ (۱) دوستی و الفت (۲) ارجمندی دینشان

حالا چه زمانی حق در میان جامعه ارزشمند میشه؟ زمانی که مردم وظیفه شان نسبت به حاکم را انجام و حاکم حقشونو ادا کنه.

ب) آیه:

حق رهبر بر مردم

فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ **پایداری**

پایداری کن، همان طور که فرمان یافته ای

هم چنین آنان که با تو به خدا روی آورده اند

و سرکشی و طغیان نکنید

وَمَنْ تَابَ مَعَكَ

وَلَا تَطْغَوْا

که او بدانچه می کنید، بیناست

إِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

پیام کلی: مردم برای اجرای قوانین اسلام و ناکامی دشمنان از خود پایداری و استقامت نشان دهند.

(۷) نظام اسلامی و مردم سالاری:

جمهوری اسلامی ایران

حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می شود

و قانون گذاران نمی توانند برخلاف دستورات الهی

قانون تنظیم کنند. (مردم سالاری دینی)

دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین

خواسته های دنیوی مردم قرار داده است نسبت به ارزش

های الهی بی اعتناست.

اما هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و

برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را

در این چهارچوب برقرار می کند.

حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید

آمده است. یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین

کرده اند، نه فرد یا گروهی خاص.

مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه

های تعیین شده در قانون آن را دنبال می کنند.

قانون اساسی شکل حکومت و خطوط کلی آن را تعیین می

کند.

مردم با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس

شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و

روستا، هم در امور کشور دخالت می کنند و هم پابندی خود

را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می دهند.

لاکه هست یارداشت کن...



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

به نام جهان آفرین قادر و توانا

عزت نفس به سبک غفور

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

جامع
دینی



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۱۳ (عزت نفس)

۱) پیش مقدمه شماره صفر:

۱. عزم: بناگذاری و تصمیم بر انجام یک برنامه و قبول یک تعهد و پیمان.	۲. پیمان با خدا: انسان با خدا عهد می کند که برای انجام دادن آن چه خداوند از وی خواسته است بکوشد و برای موفقیت در آن پیمان، برنامه ریزی کند.	۳. برنامه ریزی در زندگی	۴. هدف زندگی
---	---	-------------------------	--------------

محتوای این پیمان، واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهاتی است که خداوند معین کرده و سعادت ما را در گرو رعایت آن قرار داده است.

۲) پیش مقدمه یک:

راه های تقویت عزت نفس در کل دین و زندگی تا قبل از درس ۱۳ دینی سوم:

تصمیم گرفتن برای وفای به عهد ← تکمیل عهد
تجدید عهد

- راه های تقویت عزم و تصمیم
- ۱- تسریع در تحقق بخشیدن به تصمیم
 - ۲- احساس حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان
 - ۳- عملی دانستن تصمیم جدید
 - ۴- رعایت اصل اعتدال
 - ۵- رعایت اصل تدریج و تداوم
 - ۶- توکل بر خدا

در سال اول

در سال دوم

در سال اول، در مرحله عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خداست و سه مرحله دارد: ۱- عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند)

۲- تجدید آن عهد

۳- تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمیگزیند، عهد می کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و مقصود خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی بر اساس این عهد تصمیم می گیرد و برنامه های خود را عملی می کند. در این سال، همجنس آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، یابدار و ناسف قدم بنهائیم. در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آینده خظیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و این تصمیم خود یادآوری و وزیدیم. همجنس با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای یادآوری بر عزم آشنا شدیم.

۳) مقدمه درس: رمز: ۴ علت می دهد ۴ معلول

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران (علت ۱) و راهنمایی پیشوایان (علت ۲)، ما را به پیروی از دین خود دعوت کرده (علت ۳) و رسیدن به سعادت را در گرو پیمودن این راه قرار داده است (علت ۴)؛ با دیگر عهد و پیمان خود با خدا را به خاطر می آوریم (معلول ۱) و با اعلام سپاس به پیشگاه او (معلول ۲)، پیمان گذشته را تجدید می کنیم (معلول ۳) و با تصمیمی محکم تر به راه ادامه می دهیم (معلول ۴).

تفاوت بین قرب الهی و قرب وجودی؟

قرب الهی یعنی ما بریم سمت خدا

قرب وجودی یعنی خدا میاد سمت ما

۴) مفهوم عزت نفس: (توجه: زیرنویس های این درس از خود متن درس مهم تر اند که به رنگ خاکستری نمایان است)

عزت به معنی شکست ناپذیری است. انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی شود و شکست نمی خورد. بنابراین، وقتی می گوئیم فلان شخص دارای عزت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست ناپذیر دارد و تسلیم نمی شود.

در مقابل عزت؛ ذلت قرار دارد که به معنی شکست پذیری و تسلیم شدن است. شخص ذلیل، کسی است که خود را تسلیم دیگری می کند.

خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و خطاب به وی فرموده: ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم. یَا أَيُّهَا آدَمُ خَلَقْتُ الْإِنْسَانَ لَأَجْلِكَ وَ خَلَقْتُكَ لَأَجْلِی (زیرنویس مهم)

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود (فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکِ مُقْتَدِرٍ) و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد (یا ایتها النفس المطمئنة... (قمر ۵۵)) و آنچه از زیبایی و خوبی و لذت که می شناسد و تمنا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد. (یطاف علیهم بصحاف من ذهب و اکواب و... ترجمه: گردانیده می شود بر ایشان کاسه های پهنی که از طلاست و کوزه های بی دستگیره و در آن است آنچه خواهش دارد آنرا نفس ها و لذت می برد چشم ها و شمایید در آن جاودان (زخرف ۷۱))

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکِ مُقْتَدِرٍ

قرب الهی

بالاترین ثمره اخلاص

جایگاه مادی بهشتیان

عزت، کسب کردنی است. انسان باید تلاش کند تا به انسان عزیز و شکست ناپذیر تبدیل شود. صفاتی مانند عزیز، عالم، شجاع و سخی به صورت بالقوه در انسان ها هستند و انسان به آن ها گرایش دارد. برای اینکه این صفات بالقوه شکوفا شوند انسان باید کار و تلاش کند و با برنامه ریزی صحیح، این صفات را در خود متجلی سازد.

مصادیق کرامت، رزقناهم و حملناهم

آیه اول:

توحید ربوبیت

کرامت خدادادی (خداوند به انسان کرامت ذاتی بخشیده و او را بر بیشتر موجودات برتر کرده است) آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ آدَمَ وَكَانَ مِنْهُمُ مُوسَى وَهَارُونُ

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم ← مفهوم کرامت

وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و آنان را در خشکی و دریا برساندیم

وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم

وَفَضَّلْنَاهُمْ

و برتری کاملشان بخشیدیم

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا بر بسیاری از آفریدگان خویش ← حفظ کرامت اختیاری است

اسراء، ۷۰

پیام کلی: ارزش هر کس به درک و فهم حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد- بهای انسان خداست.

برتری انسان بر سایر مخلوقات یکی از سرمایه های وجودی انسان است.

(سال دوم درس سوم)

ارتباط: روزها فکر من این است و همه شب سخنم

ارتباط: خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده

ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در

نظام آفرینش بستگی دارد

یکسانی منزلت زن و مرد (نه حقوق)

جمع بندی کامل عوامل و موانع رشد انسان: (درس سه دینی دوم)

یوسوس
عامل بیرونی: شیطان (نشن اشکار: علو مبین)
عامل درونی: نفس اماره (نشن ترین نشن)
نوسوس

۴: قدرت اختیار:

دوری از شقاوت – گزینش راه درست از نادرست
رمز آیات: اَمَّا – لَعْنٌ – نَفْسَه

۵: هدایت الهی و امداد های خاص خدا: (پیامبران ← راه سعادت)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

- سنت توفیق (ترکیب با پیش)
- بهره مندی از امداد غیبی و یاری خدا در رسیدن به مقصد، معقول تلاش انسان در راه خدا و خوشبختی خود است.
- انجام عمل صالح از برنامه های اخلاص (ترکیبی با پیش)

۶: قدرت تفکر و تعقل (بستمع- ينظر):

خدا به ما نیرویی داده تا با آن ببینیم و راه درست زندگی را از راه های غلط تشخیص بدهیم. حقایق را دریابیم و از جهل دور شویم

فَيَتْرُكُ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَنْبِيَاءِ
• ارتباط با حدیث امام صادق: خدا انبیا را نفرستاد جز اینکه مردم در پیام الهی تعقل کنند

بسر منزلت داد جہان آفرین	بسر آردم راه خود اندر زمین
به فشگر و دریا شده رهسپار	به مرکب بگشتمند لاریش سوار
از آتش بروید از بطن خاک	به آتش بدرایم روز سیراک
فضیلت بدرایم ما بر بشر	که نسبت به مخلوقها بزرگ

۱: کرامت و منزلت انسان: (مصادیق کرامت: رزقناهم و حملناهم)
خدا به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و آنچه که در آسمان و زمین است برای ما آفریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود ما قرار داده است.
وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا
علت معلول

۲: فطرت و سرشت خدا آشنا: (فطرت – قرب – نگاه به پدیده ها – مشهود بودن خدا)
خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند.
سخن امام علی: در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم

ارتباط با بیت: دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم یا که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم
فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا
• چون همه مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی داد
• خود شناسی مقدم بر خداشناسی است
ارتباط با: (نحن اقرب الیه من حبل الوريد...)
• این آیه ما را از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد (۹۷ ز)

۳: گرایش انسان به خیر و نیکی (نتیجه فطرت):
خدا شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. از این روست که همه ی ما فضائل چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت دوست داریم و از دو روی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت می کنیم و در اندیشه ی جبران بر می آید (ارتباط با آیه: و لا اقسم بالنفس اللوامة) و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها

۵) نتایج بهره گیری از عزت و عدم بهره گیری از آن:

عزت و شکست ناپذیری در دو مورد ضروری است:

۱ در برابر خواسته های نامشروع درونی (نفس اماره) که سبب روی آوردن ما به گناه می شوند.

۲ در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرون (شیطان و ...) که می خواهند در مقابل ظلم آنان تسلیم باشیم و ذلت را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می آموزد که هر کس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی ها روی آورد و از گناه دوری کند، گرد ذلت بر چهره او

نمی نشیند، یعنی عزیز می شود، عزیز در برابر گناه. و هر کس از این قبیل تمایلات دنباله روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و

ذلت چهره او را می پوشاند، ذلت در برابر گناه.

گرد ذلت آنگاه از چهره ی انسان نابود می شود که یعنی عزت مندی در برابر محقق می گردد که عبارت مؤید آن است.

نست

به نیکی ها روی آورد - گناه - «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ»

آیه دوم:

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
توصیف انسان عزیز
الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةَ (سنت توفیق الهی) پاداشی نیکوتر و فروتر است
وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ و چهره شان را تیرگی و خواری نبوشاند (معاد جسمانی)
.....
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ نتیجه و ثمره ی عزت
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

پیام کلی: هر کس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی روی آورد رو سفید و عزیز می شود.

آیه سوم:

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
توصیف انسان ذلیل
جَزَاءً سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا
ثمره ذلت
وَتَرَهُمْ فِيهَا
نتیجه آلودگی به گناه: (۱) جزا و عذاب گناه (۲) خواری و ذلت
نسبت تفاوت در پاداش و کفر...
جزای بدن به همان میزان بدی است و نه بیشتر.
رابطه بین عمل و کیفر یک رابطه حقیقی است. (۹ دوم)
یونس، ۲۶

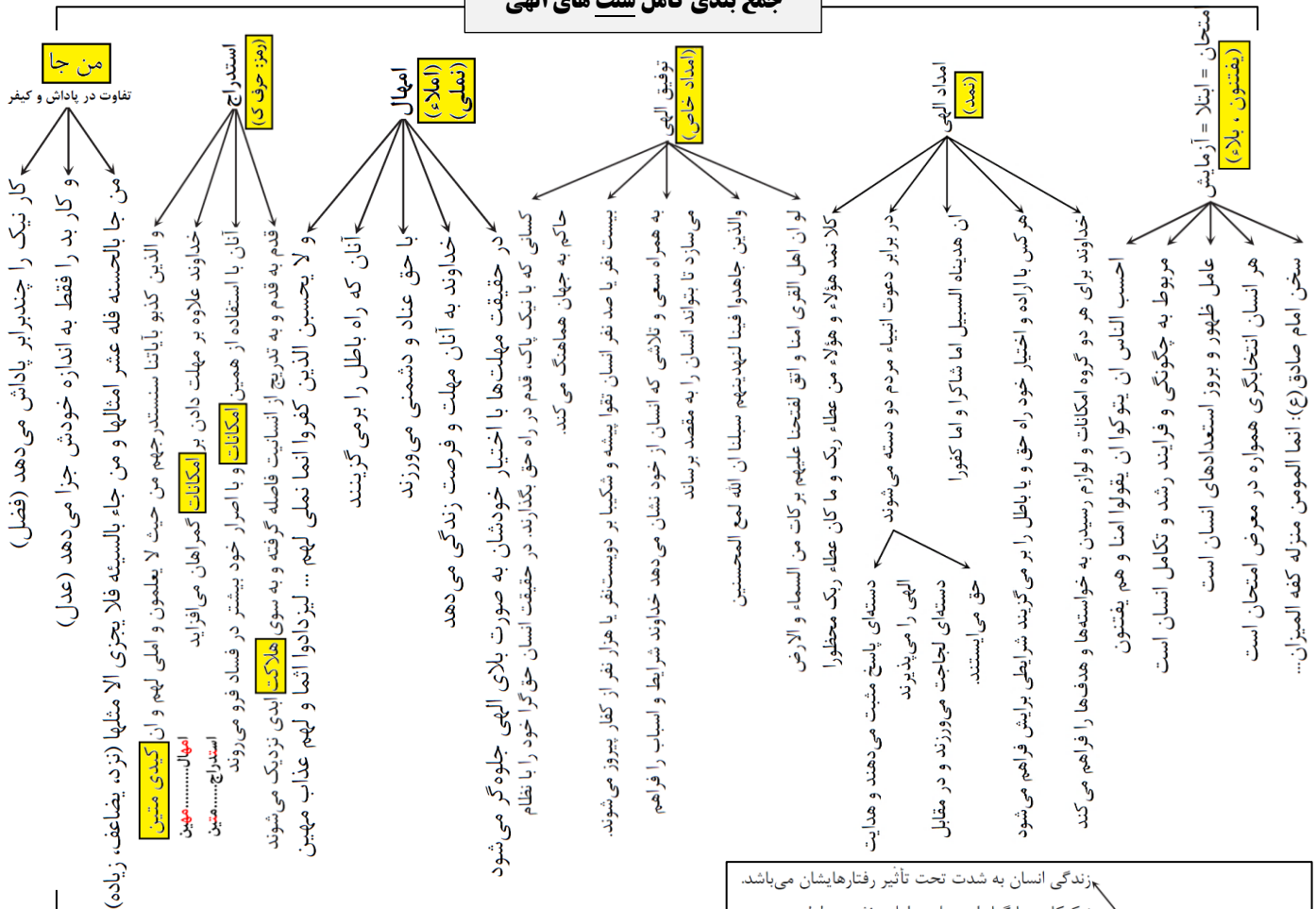
پیام کلی: هر کس از تمایلات نامشروع دنباله روی کند خواری چهره ی او را می پوشاند.
ذلت و خواری و گرد فقر واقعس عاقبت کسانی است که مرتکب گناهان می شوند. (ترهقهم ذله)

✓ گناه فقر واقعی است. مصادیق این آیه، در واقع لطف خداوند که اگر در آیه لقد کرما بیان شده را نادیده گرفته اند.

آیات شماره ۲ و ۳ به سنت تفاوت پاداش و کیفر اشاره دارند.

(درس ششم دینی پیش)

جمع بندی کامل سنت های الهی



در مقابل دیگران ذلت را پذیرفتن ناشی از ... شکست در مقابل ... است و ذلت نفس، ...
شکستن پیمان با خداست.
تقدم - تمایلات پست درون خود - علت



تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت (سنت اجتماعی)
 - زندگی انسان به شدت تحت تأثیر رفتارهایشان می باشد.
 - نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر
 - من یموت بالذنوب اکثر ممن یموت بالاجال
 - و من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار
 - لو ان اهل القرى... ولكن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون

۶) انسان عزیز:

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس ها و تمایلات نابخای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می کند و به آنها پاسخ نه می دهد.

برخی از افراد در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک کننده بیرونی را مقصر جلوه می دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می گذارند. اما این گونه افراد باید توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه ساز هستند، نه بیشتر. آن کس که تصمیم می گیرد و مرتکب گناه می شود و کرامت خدادادی خود را الگمدار می کند، خود انسان است. چه بسیار انسان هایی که همان زمینه ها را می بینند اما با قدرت روحی و اراده قوی در مقابل گناه می ایستند و آن را شکست می دهند.

پیام: انداختن بار گناه بر دوش عوامل بیرونی به عنوان یکی از نمونه های حقارت نفس و ضعیف بودن نفس

۷) عزت نفس و بندگی خدا:

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست ناپذیری است که همه مخلوقات تسلیم اویند. سرچشمه تمام عزت ها خداست و هر کس که دنبال عزت است، باید خود را به این سرچشمه پیوند دهد. (علت)

به همین جهت است که: (معلول) قرآن کریم ابتدا عزت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا بنده خالص خدا و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا (علت) بندگی خدا را پذیرفته اند (معلول اول، پس پیروی از رسول می دهد پذیرش بندگی خدا) و تسلیم خدا شدند (معلول دوم، پس پیروی از رسول می دهد تسلیم خدا شدن)

آیات چهارم و پنجم:

در عبارت «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ» ترکیب «وَلِلَّهِ» جار و مجرور و خیر مقدم و کلمه «الْعِزَّةُ» مبتدای مؤخر است. تقدم خیر، حصر را می رساند و در نتیجه در ترجمه می توان گفت: «عزت فقط برای خداست.»

قرآن ابتدا عزت را از خدا، سپس رسول خدا که بنده خالص خداست

و سپس مؤمنان که با پیروی از رسول خدا و بندگی تسلیم او شده اند.

تعریف منافقین بر اساس آیه ۸ منافقون: هر کس که عزت را در خدا و رسولش نیابد.

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ

وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

منافقون، ۸

مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

فاطر، ۱۰

هر کس دنبال عزت است باید...

خود را به سرچشمه عزت نزدیک کند.

راهبهر همدلی از عزت

معلول
رابطه ی
عزت نفس
و بندگی خدا

علت

۸) عزت نفس در کلام پیشوایان: پیشوایان ما چون بنده حقیقی خدا بودند (علت)، در سخت ترین شرایط زندگی، عزت ماندن زیستند و هرگز تن به خواری ندادند. (معلول)

امام علی (ع) در وصف انسان هایی که عزت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس (عامل درونی) پیروز شده اند:

علت عَظْمَ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ
معلول فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ

خدا در نفس آنان بزرگ است
پس غیر خدا در چشم آنان کوچک است

امام علی (ع) برای تسلیم نشدن در برابر ظالمان (بیرونی) و حفظ عزت نفس خود در مقابل آنان می فرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ
وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

بنده دیگری (مثل خودت) نباش

چرا که خدا تو را آزاد آفریده است. حفاظت از حریت خدادادی

پیامبر اکرم:

(محاصره طاقت فرسای مشرکان مکه) (جز ابوطالب و یاران اندک) (پشتوانه ظاهری دیگری نداشت) (به بزرگان مکه که وعده ثروت و قدرت به او می دادند، فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست بر نمی دارم.)
امام حسین:

(آن گاه که بزبیدیان از او می خواستند تسلیم شود) (تا جانش محفوظ بماند) (می فرمود: مرگ با عزت از زندگی با ذلت برتر است) (به خدا سوگند من دست ذلت به شما نمی دهم و همچون بردگان فرار نمی کنم) (تقدم مرگ با عزت بر زندگی با ذلت)
حضرت زینب:

(در پاسخ به جمله عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که می خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند) (فرمود: در این واقعه ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا

حضرت یوسف:

حضرت یوسف در خلوت ترین مکانی که زیلخا ترتیب داده بود، در برابر هوس سرکش او ایستاد، در حالی که برده و غلام زیلخا محسوب می شد و می توانست بگوید من باید از او اطاعت کنم (امام علی ع): لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا) اما هنگامی که زیلخا خواست نامشروع خود را با اصرار و تهدید مطرح کرد، یوسف، با این که در اوج جوانی و زیبایی بود، خدا را به یاد آورد و گفت: خدا یا به تو پناه می برم (ولله العز...) و از دست زیلخا به سوی درهای بسته فرار کرد (فرار کردن از گناه معلول خود را همواره در پیشگاه خدا دیدن) گرچه حضرت یوسف به زندان افتاد، اما عزت حقیقی را به دست آورد (بواسطه پیروی از دستورات خدا تبدیل به انسان عزیز شدن) و بعدها به عزت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد (عزت حقیقی می دهد عزت ظاهری)

۹) خود دانی و خود عالی:

شناخت ریشه عزت و ذلت سبب می شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزت حرکت کند و از ذلت دوری نماید.
انسان دارای دو دسته از تمایلات:

تمایلات عالی: مربوط به بعد روحی و معنوی او (خود عالی و برتر انسان)

مثل: تمایل به (دانایی) (احسان) (شجاعت) (ایثار) (حسن خلق) (عدالت) (عفاف) (حیا) (گذشت)

مشوقان انسان ها به سوی تمایلات عالی: عقل، وجدان (نفس لواحه)

انسان عزیز، به ندای عقل و وجدان و نفس لواحه گوش فرا می دهد و تسلیم نفس اماره نمی شود.

تمایلات دانی: مربوط به بعد دانی و حیوانی او (خود دانی و پست انسان)

مثل: (ثروت) (شهوت) (غذاهای لذیذ) (زیور) (زینت) (رفاه)

محرکان به تمایلات دانی: هوس و هوس (نفس اماره)

انسان ذلیل در درون شکست می خورد و تسلیم نفس اماره خود می شود.

انسان گناه کار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود ابتدا در خود می شکند و حقارت را می پذیرد او عزت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است.

طبق تحقیقات اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده اند و تحقیر شده اند.

بنابراین یکی از راه های مبارزه با کژی ها و زشتی ها در جامعه افزایش عزت نفس انسان ها و حفظ کرامت آن هاست.

نتیجه گیری:

انسان باید به گونه ای زندگی خود را تنظیم نماید که توجه به تمایلات دانی، مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی او نشود.

در حقیقت تمایلات دانی تمایلات بدی نیستند بلکه:

برای زندگی دنیوی لازم و ضروری هستند اما نباید از حد تجاوز کرده و مانع رشد تمایلات عالی شوند.

حد و مرز تمایلات دانی را خدا می داند و او چگونگی بهره مندی از هر کدام را مشخص کرده تا انسان بتواند تمایلات عالی را در خود رشد داده و به کمال برساند.

۱۰) علت و معلول های مهم درس:

تسلیم و بندگی خدا می دهد: عزت نفس

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: دوری از گناه

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: نفس اماره

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: عزت نفس و توجه به خود عالی

غفلت از خداوند می دهد: ذلت نفس

غفلت از خداوند می دهد: گرفتاری در دام گناه و گرفتار شدن به خود دانی

غفلت از خداوند می دهد: نفس اماره به سوء

در این صورت باید توبه کرد و
از گناه بازگشت

عزت نفس می دهد: حفظ پیمان با خدا و باقی ماندن بر عزم و تصمیم (مواظب باش در تست ها برعکس نباشه)

ذلت نفس می دهد: شکستن پیمان با خدا و سستی در عزم و تصمیم (مواظب باش در تست ها برعکس نباشه)

انسان عزیز می دهد: شکست ناپذیری در برابر ظالمان و ستمگران و خضوع و فروتنی در برابر مردم

محل یادداشت جدید:

۱۱) اندیشه و تحقیق درس:

۱- میان « عزت نفس » و « گناه » چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا؟ عزت نفس یعنی احساس بزرگواری و عظمت، و گناه یعنی خود را به حقارت و پستی کشاندن. بنابراین با یکدیگر رابطه عکس دارند. هر قدر که کرامت نفس بالاتر باشد گناه کمتر. تا انسان حقیر نشود و خود را کوچک نکند دست به گناه نمی‌زند همانطور که هر قدر خود را عزیز ببیند تن به ذلت نمی‌سپارد.

۲- آیا می‌توان مسئولیت انجام دادن گناه را از دوش خود برداشت و به عوامل بیرون منتقل کرد؟ شرایط بیرونی زمینه‌ساز هستند، اما عامل و تصمیم‌گیرنده خود انسان است و با اختیار و اراده خود دست به گناه می‌زند. دوری از گناه پیش از آنکه به شرایط بستگی داشته باشد به مقدار عزت نفس و همت ما بستگی دارد. در شرایطی یکی گناه می‌کند اما در همان شرایط شخص دیگری خود را حفظ می‌کند و تقوا پیشه می‌نماید پس بستگی به خود انسان دارد.

۳- با توجه به اینکه آیه ۱۰۰ سوره فاطر خداوند را صاحب عزت معرفی می‌کند، راه بهره‌مندی از عزت الهیست؟ راه بهره‌مندی از عزت الهی اطاعت از خداوند و قدم گذاشتن در راهی است که خداوند می‌پسندد.

۴- آیا انسانی که دارای عزت نفس است به پیمان شکنی دست می‌زند؟ خیر - زیرا کسی پیمان خود با دیگران و مخصوصاً پیمان با خدا را می‌شکند که ابتدا در خود شکسته باشد یعنی خود عالی او تسلیم خود دانی شده باشد اما کسی که صاحب عزت است خود عالی را برتر می‌شمارد و آن را عزیز می‌دارد. یادداشت‌ها و نکات من...



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می‌زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

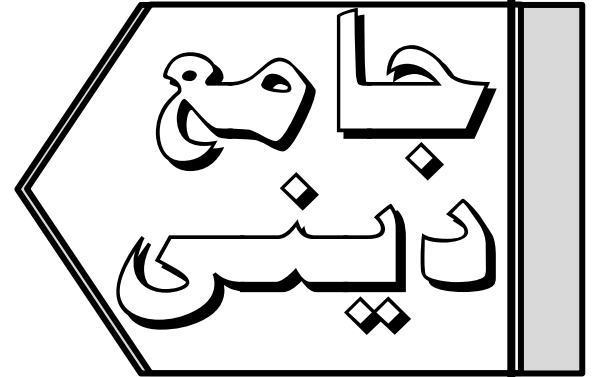
به نام جهان آفرین قادر و توانا

درس ۱۴ هم دینر سوم دبیرستان

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد



زمینه های پیوند

خانواده:

ارزشمند ترین بنیان و بنا نزد خدا

آغاز: پیوند زن و مرد

تکامل: آمدن فرزندان

شخصیت انسانی زن و مرد:

(انث)(انسان)(بنی آدم) : اختصاص به جنس خاص

چرا؟ زنان و مردان ویژگی های فطری یکسان + هدف

مشترک + با استفاده از سرمایه های ذاتی یکسان - هدف

نتیجه: ۱) کرامت انسان هم زن هم مرد OK

۲) به میزان تقوا+عفاف+دوری از گناه عزیز تر

۳) پاداش اخروی+قرب پروردگار هم زن هم مرد

۴) عذاب اخروی+دوری خدا هم زن هم مرد

مهم ترین برنامه های جوان برای

سعادت خود و خانواده ی آینده:

۱ تقویت عفاف و پاکدامنی در خود از آغاز بلوغ

۲ مشخص کردن هدف های خود از تشکیل خانواده

۳ شناخت معیارها و شاخص های همسر مناسب

۴ شناخت ویژگی های روحی زن و مرد

۵ آشنایی با نقش خود در خانواده به عنوان زن یا شوهر، مادر یا پدر

۶ کسب آمادگی پذیرش مسئولیت در خانواده

ریشه برخی ازدواج های ناموفق؟ عدم توجه به نیاز انس با همسر و در

نتیجه عدم رفتار آرامش بخش از جانب زن یا مرد یا هر دو

مبدا آرامش در خانواده زن است چون توانایی بیشتر در ایجاد سکونت و آرامش

هم مردان بین هم زنان (ز)

۱. تسلیم (مسلم)
۲. ایمان (مومن)
۳. فرمان برداری (قانت)
۴. راستگویی (صادق)
۵. صبر (صابر)
۶. خشوع (خاشع)
۷. صدقه (متصدق)
۸. پاکدامنی (حافظ)

ملاک های بهره مندی از

آموزش و پاداش بزرگ الهی:

۱

۲

راه کار تشکیل خانواده موفق توسط جانوران:

تنظیم برنامه + درک صحیح

(آموزش از کتاب+معلم)

دوره بلوغ تا ازدواج حساس ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان

دختران و پسران قبل از ازدواج ، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت

زندگی آنان را سامان دهد.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی

خود را حفظ کرده و به گناه آلوده نشده است.

باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکل بر خداوند، راه های نزدیکی به گناه را ببندیم.

اهداف ازدواج:

هر چهار هدف ملاک هدف چهارم اولویت - ازدواج موفق

شروط دو تا چهار - عدم ظهور اختلاف + دوری روحی

پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی ترین / شروع: دوران بلوغ / نتیجه: رسیدن به آرامش روانی بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز

انس با همسر: نیاز به زندگی با جنس مخالف آشکار پس از بلوغ / پاسخ نامشروع می دهد: بی قراری و ناآرامی بدون همسر / زن توانایی

رشد و پرورش فرزندان: عدم جایگزینی نهاد پرورش خانواده / بهداشت روانی جسمی تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی کودک = خواست الهی

رشد اخلاقی و معنوی: عالی ترین هدف تشکیل خانواده / خانواده تنها محیط مناسب جهت تربیت صحیح کودکان و رشد فضائل اخلاقی آنان

نقش های مکمل:

زن و مرد زوج یکدیگر

زوجیت - زمانی معنی دارد که تکمیل کننده هم باشند

زن و مرد - ویژگی های انسانی مشترک دارای هدفی مشترک

ولی از جهت (زن بودن) (مرد بودن) - تفاوت

تفاوت می دهد - نیازمندی (نه برتری ذاتی / برتری به تقوا است)

تفاوت های زیستی و روان شناختی زن و مرد - عامل زوجیت آن دو

هر کدام یک سری وظایف برعهده - خانواده متعادل

مهمترین عامل پایداری خانواده پس از ازدواج = درک درست زوجیت و

مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک نتیجه: لباس هم شدن

غفلت از عامل پایداری خانواده می دهد:

بیگانه شدن از هم + جدا شدن از هم با کوچک ترین تنش

اقدامات حفظ پاکدامنی: (شناخت سپهر معصومین) (نماز

جماعت) (اشغال به کار ضروری) عدم دیدن تصاویر

مبتذل) (استقامت در برابر تحریک دیگران) (دوست دین

دار) (شرکت در جلسات مذهبی) (ورزش) (توجه به نصیحت

والدین) (کنترل نگاه به نامحرم) (برنامه افزایش معرفت

دینی) (عاقبت اندیشی در کارها + تصمیم گیری با فکر

آرامش در خانواده زن است چون توانایی بیشتر در ایجاد سکونت و آرامش

مبدا آرامش در خانواده زن است چون توانایی بیشتر در ایجاد سکونت و آرامش

ریشه برخی ازدواج های ناموفق؟ عدم توجه به نیاز انس با همسر و در

نتیجه عدم رفتار آرامش بخش از جانب زن یا مرد یا هر دو

فرزند = (ثمره پیوند+تحکیم بخش وحدت+دوام وجود) for والدین / بالندگی فرزند - پایداری والدین

پوشاندن عیب های همدیگر

درس چهاردهم (زمینه های پیوند) درس پانزدهم (پیوند مقدس) درس شانزدهم (کانون مهر)

و من آیاته خلق (حکمت خدا) + انفسکم ازواج + لتسکنوا (انس با همسر) + جعل بینکم موده و رحمه (رشد اخلاقی معنوی) + لقوم یتفکرون
 و الله جعل لکم من انفسکم ازواج + جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده (رشد و پرورش فرزندان) + رزقناکم من الطیبات + افلا بالباطل یؤمنون و بنعمت الله هم یتفکرون

۳

۲

۱

نکات مهم تست زنی خودم:

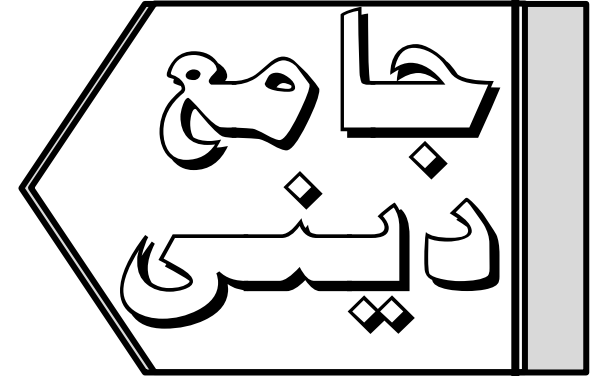
به نام جهان آفرین قادر و توانا

در سر ۱۵ هم دینر سوم دبیرستان

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد



پیوند مقدس

درس چهاردهم (زمینه های پیوند) درس پانزدهم (پیوند مقدس) درس شانزدهم (کانون مهر)

چرا اذن پدر برای دختر؟

لطافت های روحی و ظرافت های عاطفی دختر، آن گاه که در فضای محبت و علاقه جنس مخالف قرار می گیرد، احتمال **نادیده گرفتن برخی واقعیت ها و کاستی ها** را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، دختران به خاطر **حیا و عزت نفس قوی** خود، در ازدواج پیش قدم نمی شوند و طلب و درخواست از طرف پسر صورت می گیرد، ممکن است **حیا** مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی های پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم گیری کند.

پدر بر احساسات خود **غلبه** + **تجارب فراوان** + **شناخت کامل** از جنس مرد است، می تواند مراقبت کند و به راهنمایی بپردازد.

تحقیق درباره همسر:

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه ای که به کمک آن بتوان به اطمینان در تصمیم گیری رسید، **ضروری** است. تحقیق باید نتیجه بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛
تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت هایی که منشأ آن تنها **هوس های زودگذر** است، اشتباه کرد.

اولین قدم برای تشکیل خانواده، انتخاب همسر خوب است.
پیامبر: در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا محبوب تر از ازدواج نیست.
از زیباترین و حساس ترین تصمیم های زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک

خانواده مورد قبول خداوند بر محور ایمان پایه گذاری شده و اعضای خانواده مسیر رشد و تعالی را پیمایند و به **سعادت** برسند. (علت)

از این رو، **پیشوایان** هر یک از دختر و پسر را راهنمایی کرده اند که چگونه قدم در امر ازدواج گذارند. (معلول)
نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. (علت)

از این رو **پیشوایان** همواره دختران و پسران را به ازدواج **تشویق و ترغیب** و از والدین خواسته اند: (الف) ترک **رسوم غلط** (ب) **فراهم** کردن شرایط لازم برای ازدواج (پ) به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار **آسیب** ها نسازند. (معلول)
علاقه شدید به چیزی آدمی را **کور و کر** می کند.

از این رو **پیشوایان** پدر مورد همسر آینده یا پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت (الف) **علاقه و محبت** به فرزند، معمولاً **صلحت** و **خوش بختی** او را در نظر می گیرند و (ب) به علت **تجربه و پختگی**، بهتر می توانند **خصوصیات افراد** را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش بینی کنند. (تحمیل نظر خیلییییر!)

از نظر قرآن کریم، مهم ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست.

راه های شناخت همسر:

- ۱ تحقیق درباره خانواده همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
- ۲ شناخت **دوستان همسر** و کسانی که او با آن ها معاشرت بیش تری دارد.
- ۳ تحقیق **روحیات و خلقیات** همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
- ۴ معاشرت **خانواده های** دوطرف با یک دیگر و بهره بردن از **تجارب پدر و مادر** در این معاشرت ها.
- ۵ **مشورت** با افراد قابل اعتماد و کاردان.
- ۶ **گفت و گو** با یکدیگر در **جلسات حضوری و طرح نظریات** و دیدگاه ها درباره موضوعات مختلف.

اثر ازدواج:

ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ گویی به **قانون خلقت** انجام می شود. **لروابط نامشروع** و **آسیب های اجتماعی** و روانی از **فوائد ازدواج** به موقع است.
با پاسخ گویی به نیاز جنسی در قالبی غیر از ازدواج - لذت آنی گناه- روح و روان فرد را **پژمرده** و **شخصیت شکسته** + **افراط** در گناه برای فرار از **پژمردگی**

آمادگی برای ازدواج:

نیازمند دو بلوغ است: **بلوغ جنسی و بلوغ عقلی و فکری**
بلوغ عقلی مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد
نشانه های بلوغ عقلی:

- توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار،
- فکر کردن درباره **ویژگی های همسر**،
- **تنظیم خرج و هزینه خود**
- دوری از بی برنامه بودن

مشکلات پیش رو ازدواج:

- ۱ **نیاز به مسکن**
- ۲ **هزینه های ازدواج و تأمین خانواده**
- ۳ **طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی**
- ۴ **توقعات غیر ضروری بر اثر آداب و رسوم غلط**
- ۵ **رقابت های نابجای خانوادگی**
- ۶ **الگو قرار ندادن روشی پیشوایان دین**

جمع بندی احادیث مرتبط با زمان ازدواج:

پیامبر: کسی که ازدواج کند ۰.۰ قسمت دین خود کامل پس برای ۰.۰ قسمت دیگر پروا اما صادق: دور کمت نماز شخص متأهل < هفتاد رکعت نمازی شخص مجرد
پیامبر: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را **نیکو** کند و در **رزق و روزی** آن ها توسعه دهد و عفاف و **غیبت** آن ها را زیاد گرداند.

معاشرت ها با منشأ هوس های زود گذر:

نتیجه بخش نیست + آثار زیان بار + معمولاً احساسات حاکم + اصرار بر بهتر نشان دادن + سستی رابطه و جدایی

درس چهاردهم (زمینه های پیوند) درس پانزدهم (پیوند مقدس) درس شانزدهم (کانون مهر)

جمع بندی دو آیه درس:

و لا تنكحوا المشركات حتى يومنن و لا تنكحوا المشركين حتى يومنوا (ملاك اصلی ازدواج و شرط اول = ایمان) اولئك يدعون الى النار (بدبختی ابدی) والله يدعون الى الجنة و المغفرة باذنه (ثمرات ازدواج طبق نظر خداوند = بهشت الهی + آموزش به اذن خداوند) و یبیین آیاته للناس لعلهم یتذکرون (هدف از بیان نشانه های خداوند یادآوری و متذکر شدن مردم) رب اجعلنی مقیم الصلاه و من ذریتی (اهمیت و مسئولیت زن و مرد در انتخاب همسر آینده با هدف تربیت فرزندان صالح سراسری ۹۴) ربنا و تقبل دعا ربنا اغفر لی و لوالدی و للمومنین یوم یقوم الحساب (اهمیت تربیت فرزندان: الف) مومن و برپاکننده نماز همراه با والدین + ب) طالب آموزش برای پدر و مادر (نکته: یوم یقوم الحساب = وقوع معاد)

نکات مهم تست زنی خودم:

به نام جهان آفرین قادر و توانا

تداول رسالت

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

جامع
دینی

دست نویس



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

جزوه دست نویس درس پنجم دینی سوم

درس پنجم سوره بقره (درس ۵) = آیه + روایات تاریخی بر آیه - محبت علی (ع) ۱

ظواهر اهل رسالت - رحمت و ابلاغ وحی - قرآن و حفظ قرآن توسط مسلمانان - بعد از فوت پیامبر - بیعت

پیامبر - خاتم النبیین است چرا؟ [ع]

۲ ظواهر دیگر: ۱) مرجعیت دینی و ۲) ولایت ظاهری - ادامه پیام چرا؟ ۱) نسبت زمان - گسترش سرزمین اسلام

۲) اخص در فرقه ها و اندیشه ها
۳) مسائل و مشکلات بصریه

پس نیاز است به امام در جنبه هدایت و سعادت و عدالت
عقل جاهل
عقل معقول

تعلیم، تبیین، تفهیم دین - مرجعیت دینی - آغاز کلمه: پیامبر - بایان رهنه: ندارد - ضروری: علی - ادامه دارد؟ بله توسط امام
ولایت و سرپرستی جامعه - ولایت ظاهری - آغاز کلمه: پیامبر - بایان رهنه: ندارد - ضروری: علی - ادامه دارد؟ بله توسط امام
در ابانت و ابلاغ وحی - آغاز کلمه: پیامبر (ص) - بایان رهنه: پیامبر (ص) - ضروری: علی - ادامه دارد؟ بله - ادامه رهنه ندارد
قرآن کریم - تعریف آفتاب استی - پس پیامبر خاتم پیامبران است.

چه انسان علی از هدایت امام پس از پیامبر اکرم ضرورت می شود؟ کسی که (۱) طلب و (۲) اطمینان خود را لایق پذیرش هدایت معنوی
مصداق هدایت معنوی: اطمان پس از پیامبر - چرا؟ بر ۲ دلیل، ۱) تعلیم و تبیین حکم دینی (مرجعیت دینی و ۲) ولایت ظاهری
پس تعلیم دین، تفهیم فطرت دینی، مرجعیت دینی و ولایت ظاهری علی - مصداق هدایت معنوی است.

من مات - لم یعرف امام - مت جاهلیه - اهمیت و ضرورت امام شناسی
تقریب امام: توسط خلوئه صورت گرفته و توسط پیامبر و قرآن اعلام شده است و عکس این جمله صادق نیست.

کدام حدیثی: تعیین امام توسط پیامبر، تعیین امام بعد از او توسط انجمن، تعیین امام توسط پیامبر، تعیین امام توسط خلیفه
همه در مسوولیت های پیامبر - جز در ابانت و ابلاغ وحی - ادامه - توسط امامان - امام باید صفات خاص، ویژگی خاص

عصمت: اصل - برسد - تعیین - اطمینان - مردم در دینی اعتماد - مردم در دینی خزان ها

تشخیص عصمت برای انسان سخن نیست.
تشخیص عصمت برای پیامبر اسلام صحیح نیست.
تشخیص عصمت توسط اطمان سخن نیست.
تشخیص عصمت توسط هر انسانی حتی پیامبر و امام صحیح نیست.

۱- معرفت امام در مراسم دعوت خویشان:
لحم اربع الار - لحم الابرار - لحم عشیره عقبه
(عدم ۳ سال از بعثت گذشته بود)

فرمان از خداست - پیامبر: (جی بود؟) خویشان نزدیک خود را انداز گفت (آنور عقبه)
اعزاز دستور خدا توسط پیامبر: یک نفر از نزدیکان بنام حاسم دعوت + دستور داری اسلام

مطلع سؤال توسط پیامبر: کلام
محلان محل - کلمات حضرت علی
امام زین العابدین (ع) - پیوسته اسلام (۲) گسترش اسلام

محل

جزوه دست نویس درس پنجم دینی سوم

علی (ع) ← نوجوانی در سال سوم بعثت (بارگفت) گفت: لبت! من بار و باریت ... ← برادر اخ
 در غزوات پیامبر و زمان و ۳ سال پس از بعثت
 قید بار و سلم و ۳ بار از جه
 قید بار جواب از نیرنگان نبی هاشم؟ منفر بار ← اسیدی ... (پیرزنی) اسلام X (کشتش)
 جواب از امام علی (ع)؟ ← سه بار

کجا حارون برای دعوی جانسین بودند محمد علی برای محمد (ع)
 چرا همان روز اول برای جانسینی اقدام شد؟ ← احمد کابری پیامبر + جانسینی وسط فدا انتخاب می شود تا مردم پس باید هکالت روز
 حاکم اهل دعوت جانسین تقصیر می شد.
 این ولایت، (انگشته امام علی (ع) ← آیه کی ولایت) (رمنز: علی)

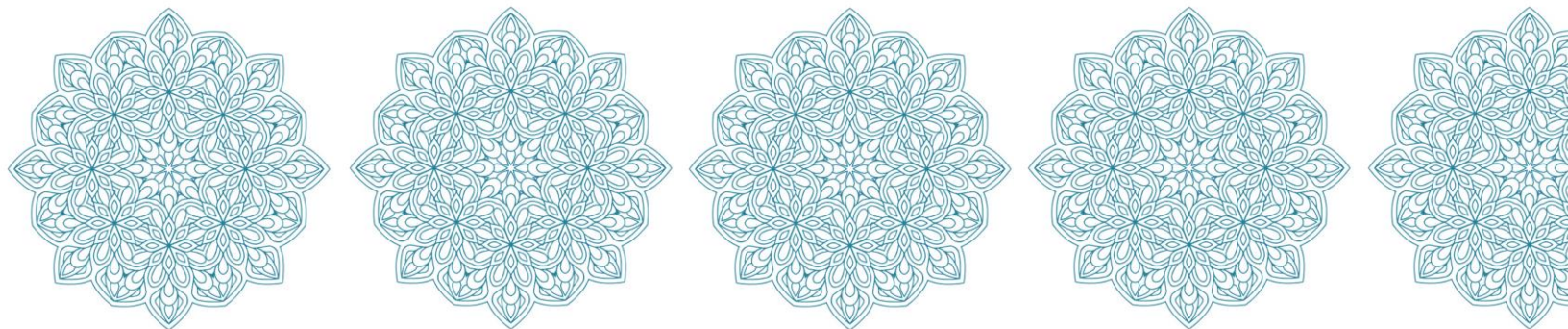
انصار (اولیم) - الله - رسول - معذرت این - ع (ع)
 اولی / الذین وافوا - یقیمون الصلاة - یؤتون الزکوة و القول
 شان تزل آیه و داستان جد و امام علی و انشور و ...
 تزل آیه ولایت ← حکومت با شتاب پیامبر به سوی مسجد را همراه داشته است.
 در حال رکوع مسقه - در حال نماز صدقه - صدای بکسیر باران + سپاس و شکرش الله توسط پیامبر
 نماز علی (ع) مستحب بوده است.
 برای چه بود ← اعلان کتبات و معنی کتب آن از بیخ بود.

آیه تطهیر اول: دعای پیامبر (س) تزل آیه تطهیر
 انما یرید الله لیتطهرکم عنکم رجس اهل بیت و یطهرکم تطهیرا
 انما یرید (نصیر یرید) بعد برزخ ابدی (مردونه) ← عصمت انصاری اهل بیت ← امام علی (ع) ← حضرت خاتمه (ع)
 دعای پیامبر اهل بیت معاند ... از هر بلیغی و نابالغی حفظ کن ← امام - صحت (ع) ← صحیح (ع)

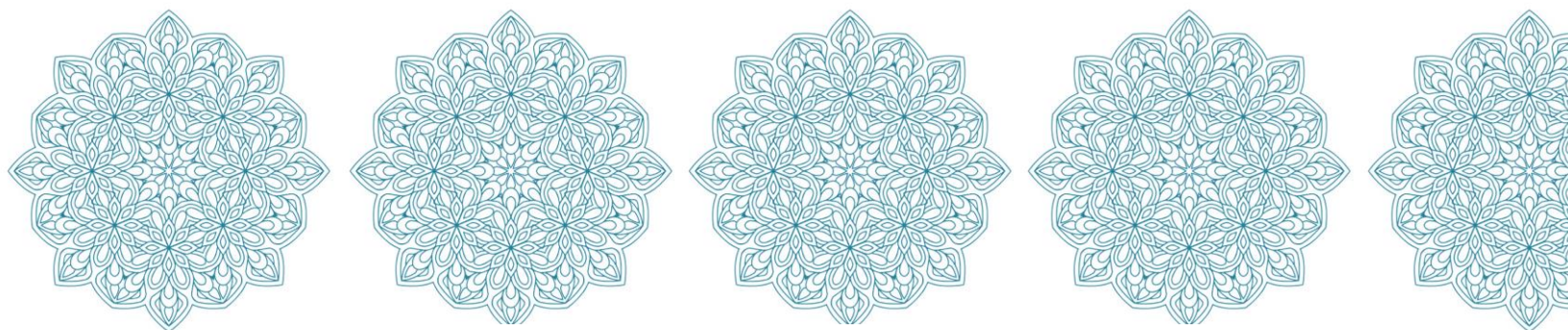
مؤخر بر آیه
 استباه اول نمودی!
 آیه مؤخر بر دعای پیامبر است.

داستان آیه تطهیر؟ : ام سلمه می نویسد (راوی داستان = ام سلمه) ...
 یکشنبه یک خانوادگی پیامبر آوردند
 یک دعوت پیامبر از خانواده برای نشتن (ولی ام سلمه دعوت شد!)
 دعای پیامبر
 تزل آیه
 هر روز صبح ← هنگام فتح به مسجد ← خانگی فاطمه
 مردم مطلع شدند → اهل بیت = اهل خانه

منتشر شده در کانال کنکورپکس



جزوه جهش دینی پیش دانشگاهی



درس اول:

شده در این فضای تأمل بر انگیز (این = جهان پر جنب و جوش / فضایی بی کران با لوکشان ها، منظومه ها، فورشدها و سیارگان، زمین با جنگل ها، دریاها، بیابان ها، جانوران، گیاهان و گل های زیبا) نگاهتان از سطح ظاهری پریده ها عبور کند و از خود بپرسید: این موجودات، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟ **از هستی بفس**

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش و هستی:

هر یک از ما (انسان ها) با تمام وجود خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم به همین جهت در سختی ها و مشکلات به او پناه می بریم و از او کمک می طلبیم. (نه در همه حال انسان ها با تمام وجود خدا را درک می کنند ولی ذات و کنه خدا رو درک نمی کنند) خدا نور هستی است بلکه حضور خدا رو درک می کنند!! قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر در این باره (درک حضور خدا و یافتن او با تمام وجود) دعوت می کند و راه های متفاوتی را به ما نشان می دهد که یکی از این راه ها نیازمندی جهان (همه موجودات)، در پیدایش خود، به خداست. استدلال نیازمندی جهان به خدا در پیدایش و هستی:

مقدمه اول: پریده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه اند؛ حیوانات، گیاهان، چمادات، زمین، ستاره ها و لوکشان ها پریده هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده اند و سپس پدید آمده اند.

یا انسان و موجودات جهان پریده هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

مقدمه دوم: هر پریده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد. ذات نایافته از هستی بفس کی تواند که شود هستی بفس

یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پریده نیست و نیاز به پدید آورنده ندارد و خودش همواره هست.

نتیجه: با توجه به این دو مقدمه، درمی یابیم که ما و مجموعه پریده های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم که سرپوشه هستی است و هستی از او جدا نمی شود. این وجود برتر و متعالی خداست.

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصراً به مرحله پیدایش نمی شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند.

رابطه وجود ما با وجود خداوند مانند رابطه پرتوهای نور با منبع آن است، همان طور که اگر فورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نماند. (این قسمت رو اگر در تستی دارند بگید برای اثبات نیازمندی مخلوقات در بقا به خداوند به وقت نزدیک نیازمندی در پیدایش ها من اینها آوردمش خوب ببینید!!!) نیازمندی جهان به خدا در بقا:

تصور اشتباه از برای ماندن دیواری که یک معمار که سال ها پیش فوت کرده مردم را به اشتباه انداخته؛ یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. این تصور اشتباه! چرا؟ چون معمار علت اصلی ساختمان نیست و به ساختمان و اجزای آن وجود نبفشیده است. وظیفه او فقط پایه جایی اجزاء و قراردادن آنها در جای خود بوده است.

در قرآن کریم، خداوند غنی خوانده شده است و انسان ها و سایر مخلوقات فقیر و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ گاه تغییر نمی کند.

انسان ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی تر و بیشتر می شود. به همین جهت پیامبران، امامان و اولیای الهی پیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می کنند و از او کمک می خواهند و در مشکلات به او پناه می برند.

خداوند، نور هستی؛ نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود.

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... ..

هر چیزی پیش از آنکه نمایش دهنده نور باشد، نشان دهنده قالیق نور یعنی فراست. خدا نور هستی است و همه موجودات، هستی نور را از او می‌گیرند و با وجود او آشکار می‌شوند.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

برای بودن جهان به امر خدا از نشانه های فراست، یعنی اگر خداوند اراده فرماید آسمان و زمین را نابود فواید کرد.

اندریشه و تعقیق
هُوَ الَّذِي يُسِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَكُمْ بِرِمْحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَ تَهَارِيجٌ عَاصِفٌ وَجَاءَ هُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَاؤَ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُجِيبْتُمْ مِنْ هَٰذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲) فَلَمَّا أُنجِبْتُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

در لغات مساس و نظر که اساس می‌کنند فودشان قدرت هیکلاری ندارند بیشتر به یار خدا می‌افتند.

هر کس در فطرت فود، فود را وابسته به یک قدرت بیایان و بینای می‌یابد.

معنی:

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می‌آید؛ و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!» (۲۲) اما هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (مبیرد)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهم! (۲۳) - یونس

یادداشت من:

مهدی غفوری

تکنیک های سر کلاسی:

مقرمه اول ما و این جهان وجودمان از فورمان نیست و پدیده هستیم.

مقرمه دوم موجوداتی که پدیده هستند در موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که وجودش از خودش باشد.

تنبیه پس ما و این جهان وابسته به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذاتش می باشد.

از دقت در عبارت شریفه «یا ایها الناس انتم الفقرا» مفهوم می‌گردد که همه‌ی مخلوقات از جمله انسان در وجود و هستی خود نیاز فرا هستند.

پیام «چون وجود فراوند وابسته به چیزی نیست کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند. او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است» از دقت در عبارت شریفه «الله هو

الغنی الممیر» مفهوم می‌شود.

پدیده	خداوند	قرآن
فقیر	غنی	فلسفه اسلامی
ممکن الوجود	واجب الوجود	تعریف
وجود و هستی‌اش از خودش نیست.	ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودنش است.	
برای به وجود آمدن نیازمند علت در مرحله پیدایش و بقا نیازمند خدا	نیستی در او راه ندارد. برای به وجود آمدن نیازمند علت نیست.	
انسان و همه هستی پدیده هستند.	وجودش به خودش متکی است و از ذاتش سرچشمه می‌گیرد.	

یا ایها الناس انتم فقرا الی الله و هو الغنی ممیر:

- ✓ جهان از اصل های متعدد به وجود نیامده
- ✓ وجود فرا وابسته به چیزی نیست
- ✓ نیاز ذاتی پدیده ها در موجود شدن و بقا

ان یشاء یزهبکم و یات بخلق جدید

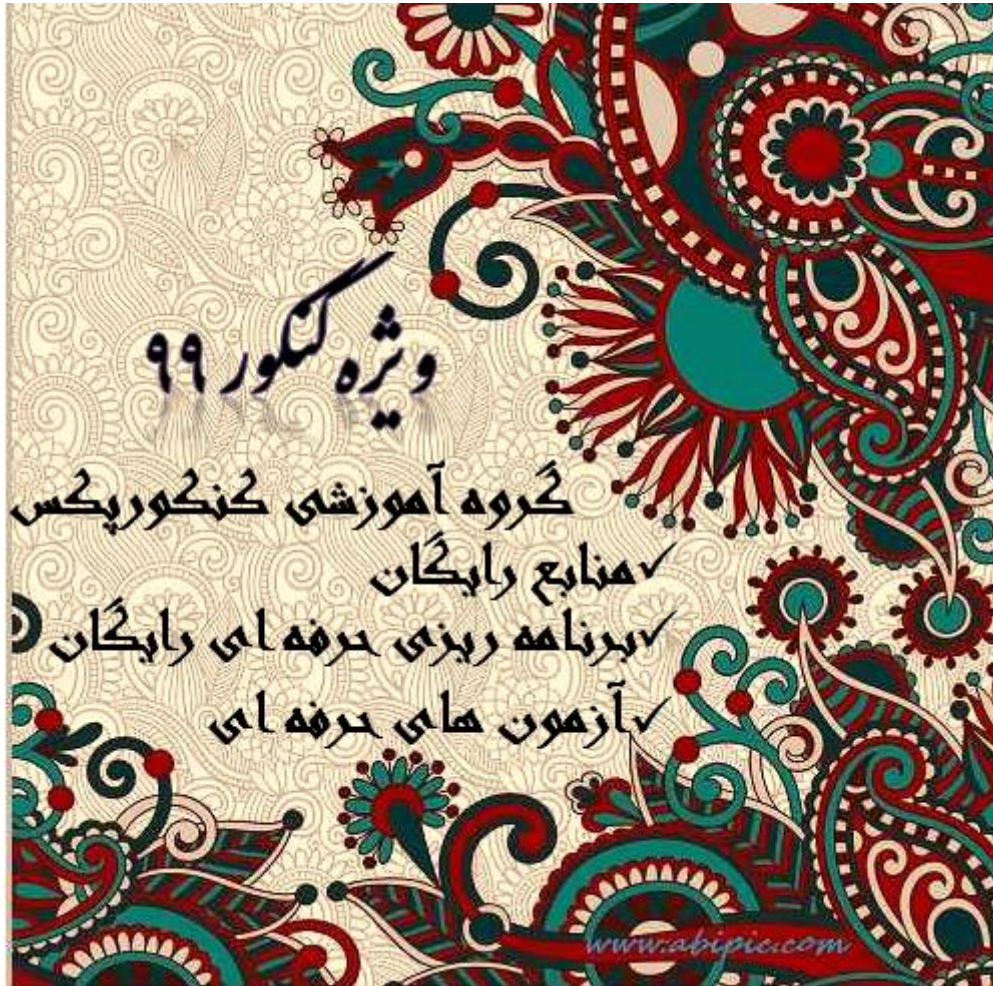
- نیازمندی مخلوقات به فراوند در بقا
- اشاره به تومید ربوبیت
- اشاره به قضای الهی
- تومید در خالقیت

مهدی غفوری

لازمه شناخت هر چیزی:

(۱) اطاعت (مغز مون کوپولوعه!!!)

(۲) دسترسی داشتن؛ شناخت پیستی و ذات و ماهیت ناممکن است و شناخت هستی و وجود خداوند ممکن است.



به نام جهان آفرین قادر و توانا

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

جامع
دینی



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دینی پیش دانشگاهی

درس پنجم (قدرت پرواز)

(۱) مقدمه:

در درس های پیشین که سخن از توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادت بود، گفته شد که تنها **ما لک، رب و مدبر** جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره (توحید ربوبیت) جهان در کنار او قرار نمی گیرند و با او شریک (توحید خالقیت) نمی شوند. همه موجودات، تحت اراده و مدیریت (توحید ربوبیت) خداوند و به **اذن** او عمل می کنند. **همه** رخدادهای و حوادث جهان، تحت **اراده** و **مدیریت** خداوند است.

تمرین: جای های خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

تنها مالک، رب و جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در جهان با خداوند رابطه ندارند و با او نمی شوند، همه موجودات تحت اراده خداوند و به او عمل می کنند و همه رخدادهای و حوادث جهان بدلیل بودن خداوند تحت و اوست.

(جواب: مدبر- اداره- عرضی- شریک- اذن- خالق- اراده- مدیریت)

(۲) اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود:

- تفاوتی اساسی میان آتش، آب، گیاه و حیوان با انسان وجود دارد. (آتش بدون اختیار می سوزاند، آب بدون اختیار جاری می شود، گیاه بدون اختیار می روید و حیوان بدون اختیار راه می رود).
- هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمیگزیند.
- توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است.
- اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.
- حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد.
- اختیاری امری روشن است.
- مولوی: آن یکی بر رفت بالای درخت ... چوب حق و پشت و پهلو، آن او ... گفت: توبه کردم از جبر ای عیار... اختیار است اختیار است اختیار.
- نشانه های وجود اختیار: (تام)

((ت ا م))

ت: تفکر و تصمیم: اندیشه/سبک سنگین کردن/گاهی تردید/انتخاب یک از چندین راه / این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

ا: احساس رضایت یا پشیمانی: موفقیت = رضایت خرسندی / اشتباه و زیان = پشیمانی ندامت / از خود دانستن/ اگر نبودی اختیار این شرم چیست

م: مسئولیت پذیری: مسئولیم/نیک انجام=تشویق توسط دیگران/زشت انجام=تنبیه کیفر توسط دیگران / عهد و پیمان/پیمان شکنی=مجازات

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ورنه نیایی من دهم بد را سزا؟ هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟ (عدم اختیار=عدم مسئولیت پذیری)

شاخ نکته ها:

تفکر و تصمیم و تردید هر سه اول شون (ت) دارند پس همیشه با هم میان.

مورد دوم یعنی احساس رضایت یا پشیمانی به انواع احساسات انسان در مورد عمل خود مربوط است ولی مسئولیت پذیری مربوط به عمل انسان های دیگر در قبال کار های ماست. احساس رضایت و خرسندی مربوط به احساس رضایت و پشیمانی (مورد دوم) است ولی تشویق که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است. احساس ندامت و پشیمانی مربوط به احساس رضایت و پشیمانی (مورد دوم) است ولی تنبیه و کیفر که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است. کلید واژه های ((موفقیت)) و ((اشتباه و زیان)) مربوط است به احساس رضایت یا پشیمانی (مورد دوم) و کلید واژه های ((درست و نیکو)) و ((زشت و ناپسند و پیمان شکنی)) مربوط است به مسئولیت پذیری که مربوط به اعمال ما در قبال دیگران می باشد.

i. آیات اختیار حقیقتی وجدانی:

هدایت بشری

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

اختیار انسان (تکوینی)

إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا

هدایت انسان در پرتو اختیار وی نسبت به گزینش راه درست یا نادرست محقق می شود.

انسان، ۳

انسان در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب دارد.

به راستی آمده است نزد شما **هدایت شرعی / آگاهی**
رهموده‌هایی از پروردگارتان!

پس هر که بینا گشت به سود خودش، اختیار انسان / آزادی
 و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است
 و من بر شما نگهبان نیستم

رهموده‌های الهی موجب بصیرت است
قَدْ جَاءَكُمْ
بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

انعام، ۱۰۴
 عدم نگهبانی خداوند بر انسان، آن‌گاه به وقوع می‌پیوندد که رهموده‌های الهی به هدایت انسان نینجامد.

۳) فواید توجه ما به اختیار:

- آن چه اهمیت دارد، **نحوه بهره‌مندی** از اختیار است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده‌ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته‌اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته‌اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه‌های بزرگ علم و دانش را فتح کرده‌اند.
- میان کسی که نعمت **اختیار و آزادی** خود را **شناخته** و آن را **باور** دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تراج رفته می‌پندارد، تفاوت بسیار است.
- انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است: (1) احساس هويت می‌کند. (2) از خودباوری بالایی برخوردار است. (3) در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می‌کند. (4) تصمیم‌های اشتباه خود را می‌پذیرد و در صدد جبران برمی‌آید.

۴) پندارهای ویرانگر: (جبرگرایی/آزادی مطلق)

- برخی اندیشه‌های باطل سبب رواج **جبرگرایی** می‌شوند. مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیا مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی‌گذارد.
- رواج عقیده «جبری‌گری» مانند ویروس فلج، **تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می‌گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می‌کند.** در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی‌گرا به همین نتیجه در اندیشه‌های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (پوچ‌گرایی) شدند.
- زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده‌اند را موهبت الهی معرفی می‌کنند و مدعی می‌شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده‌ای در محنت و مشقت باشند.
- از طرف دیگر، کسانی که از این نعمت الهی محروم شده‌اند، به خود حق اعتراض نمی‌دهند و می‌پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. وقتی که بنی‌امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری‌گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق‌طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می‌کردند، به گونه‌ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.
- پندار ویرانگر دیگر از آن کسانی است که فکر می‌کنند **اختیار به معنای آزادی مطلق**، محور قرار دادن خواست‌های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی **نادیده گرفتن قانون مندی**‌های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس‌های خود می‌خواهند و توجه نمی‌کنند که چنین برداشتی از اختیار، **نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.**

۵) زمینه‌ساز شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره‌مندی از آن، دروازه‌های پیشرفت را فتح کنیم و قله‌های کمال را ببیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی‌دانند، به پیش رویم. **زمینه‌ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.**

۱) اعتقاد به خداوند حکیم: مهم‌ترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی **حکیم، عادل و قادر** است که با **حکمت** خود جهان را خلق کرده، و آن را **تدبیر و اداره** می‌کند به طوری که همه حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان‌دهی شده و **قانون مند** اتفاق می‌افتد و اگرچه ما، به **علت دانش محدود و ناقص** خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویدادهای جهان خلقت **عاجز** هستیم، اما مطمئنیم و **اعتقاد داریم** که هر حادثه‌ای دارای **هدفی معین** می‌باشد. / قطره‌ای کز جویباری می‌رود از پی انجام کاری می‌رود/ ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان دارای **حافظ و نگاهبانی** است که **اشتباه** در کار او راه ندارد. **کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود و هیچ کسی جز او نیز نمی‌تواند آن را از نابودی نجات دهد.** (یسک تزولا... حلیمای غفورا)

۲) قانون مند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون‌مند، این امکان را به ما می‌دهد که با **شناخت** (۱) **استفاده از قوانین جهان:** (۱) نیازهای خود را برطرف کنیم، (۲) استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و (۳) **پله‌های کمال** را ببیماییم. نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان، **قضا و قدر الهی** است. تقدیر یعنی اندازه گرفتن و قدر یعنی اندازه و قضا به معنای به انجام رساندن حکم کردن و پایان دادن و حمیت بخشیدن است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می‌کند، **مقدر** به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم (توحید ولایت) و فرمان و اراده (توحید ربوبیت) الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به **قضای الهی** هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری‌ها و قانون مندی‌هایش (تقدیر) از آن خداست و اجرا و پیاده کردن (قضا) آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آبی که با اراده خود می‌نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است. یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با ویژگی‌ها، اندازه‌ها و تقدیرها (تقدیر) آفریده که سبب رفع تشنگی انسان (قضا) می‌شود.

آیات: **رابطه قضا و قدر - تقدیر الهی... وحدانیت در خلقت و وحدانیت در تدبیر الهی.**

✓ آفرینش بر اساس قانونمندی و ویژگی معین است.

✓ قضای الهی برخاسته از تقدیر است.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ
 خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ
 قر. ۴۹

خانواده آقای تقدیری

لَا السَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا
أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ
وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

نه خورشید را سزد

که به ماه رسد

و نه شب بر روز پیشی جوید

و همه در مداری در گردشند.

پس، ۴۰ عدم خروج موجودات از نظام قانونمند خود - قانونمندی حاکم بر جهان

انسان می تواند ایام را تنظیم کند و با اعتماد و اطمینان از دقت و نظم آن، برنامه ریزی و عمل کند.

اراده و قضای

حتمی خداوند

اوست که زنده کند و بمیراند

بر وجود بخشیدن

و چون به کاری حکم کند به پدیدهای جهان است.

پس به آن می گوید

باش، پس می باشد

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ

كُنْ فَيَكُونُ

غافر، ۶۸ نیازمندی موجودات در پیدایش - توحید خالقیت - تغییرات مظهری از ربوبیت است.

(نقطه چین قرمز = کلید واژه قضا / خط آبی = کلید واژه تقدیر)

۶) ارفع ابهام:

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ در حالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.. داستان حضرت علی: برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری بر اساس دستور عقل، بی فایده است. اما امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

۷) رابطه اراده ی انسان با اراده خداوند:

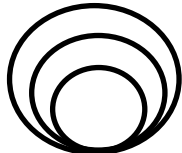
اینکه می گوئیم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. حال آیا این اختیار الهی با اختیار انسانی منافات دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به انواع علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بپردازیم:

۱) **علل عرضی:** به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر/مشارکت یکدیگر/هر عامل مستقیماً نقشی دارد/نقش اجزا با یکدیگر متفاوت/نقش ها در مجموع مکمل همدیگر/باغبان و خاک و آب و نور و حرارت در پرورش گیاه.



شکل:

۲) **علل طولی:** یک عامل اثر بر عامل دیگر .. تا عامل 1-n ام بر عامل n ام تاثیر می گذارد/اگر یکی از عوامل حذف شود اختلال/هر عامل اثر عامل قبلی را به معلول خود منتقل/اراده انسان در طول اراده الهی است/هر عامل با قدرت و حکمت بالاتر مقدم بر عامل بعدی و موخر بر عامل قبلی خود می باشد.



شکل:

نتیجه گیری: وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

أَلَلَهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْيَحْرَ
لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ
وَلِتَسْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

مصدق کرامت انسان «جَعَلْنَاكُمْ فِي الْبُرْ وَالْحَجْرِ
..... قضای الهی»
اختیار-تقدیر الهی-اختیار در چهارچوب نظام قضا و قدر
تلاش انسان برای بهره مندی از قانون و تقدیرات الهی
شکرگزاری از نعمت هاست.
جانبه، ۱۲
پیام کلی: ما در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم.

۸) اختیار انسان، یک تقدیر الهی

- a. وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.
- b. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.
- c. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.
- d. به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

۹) محدوده اختیار انسان:

- a. شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی‌ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی ژرف‌تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه‌ای که نه تنها این نظام سب‌راه او نشود، بلکه زمینه‌ساز عروج و صعود وی به سوی قله‌های کمال گردد.
- b. توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط در صورتی صرام و مسخر انسان می‌شوند که آدمی ویژگی‌ها و قانون مندی‌ها (تقدیر) آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی‌ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند (قضای انسانی در طول قضای الهی) تا بتواند در آسمان‌ها و دریاهای سیر کند (قضای انسانی در طول قضای الهی).
- c. پس تقدیرات و قانون مندی‌ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است. برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی‌کنند و بدون درک قانون مندی‌های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه‌های دلخواه خود را دنبال می‌کنند و بدبختی خود را رقم می‌زنند.

۱۰) نکات اضافه سرکالسی:

.....

به نام جهان آفرین قادر و توانا

سنت هارالهر به سبک غفور

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

جامع
دینی



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دین و زندگی چهارم دبیرستان

درس ۶ (سنت های الهی)

قانونمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، **تجلی تقدیر** الهی و زمینه ساز حرکت و یوایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می شود. جمع بندی تقدیر در دین و زندگی:

بر اساس **تقدیر** الهی، جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد.

وقتی که بنی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با **تقدیر** و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

موجودات جهان از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به **تقدیر** الهی هستند.

برخی چنین پنداشته اند که قضا و **قدر** الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ در حالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

خَلَقْنَا بَقْدَرٍ

زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را برطرف کنیم، استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و پله های کمال را پیماییم. نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان ((قضا و **قدر** الهی)) است. امام علی: از قضای الهی به **قدر** الهی پناه می برم.

اینکه می گوئیم خداوند با حکمت خود، **اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها** را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و **قدر** اوست.

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدِي

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

پیامبر:

نَحْنُ مُعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ : ما انبیاء مأمور شده ایم

أمرنا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ : که با مردم به اندازه

علی **قدر** عقولهم فهمم و درکشان سخن بگوئیمازدواج با فاطمه، دختر رسول خدا موهبتی عظیم و آسمانی بود که خدا برای حضرت علی **مقدر** کرده بود.

جمع بندی تجلی در دین و زندگی:

قانونمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، **تجلی تقدیر** الهی و زمینه ساز حرکت و یوایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می شود. حضرت علی: الحمد لله **المتجلی** لخلقه بخلقه: سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد.

تجلی گه خود کرد خدا دیده ما را / در این دیده در آید و ببیند خدا را

بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که **تجلی** کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

ظاهر هر کس **تجلی اندیشه و یاور اوست** و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند. زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او **متجلی** است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی (نه بیرونی) می باشند و همچون **سایه ی رحمت الهی**، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

سنت های الهی:

بر اساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان ((سنت های الهی)) یاد کرده و انسان ها را به شناخت آنها، به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسان ها دعوت نموده است.

قَدْ خَلَقْتُمْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنًا
فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره مندی از طبیعت می شود.

شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می کند.

تست تالیفی غفوری: کدام گزینه به درستی بیان شده است؟ (شبه ساز زبان ۹۵ و خارج کشور ۹۳)

- ۱) **شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز راه رسیدن به کمال را هموار می کند.**
- ۲) **شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می گردد.**
- ۳) **جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را بدون اثر پذیری از همدیگر می پیمایند.**
- ۴) **قانون مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، زمینه ساز تقدیر الهی و تجلی حرکت و پویایی انسان است.**

امتحان و ابتلاء:

مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعداد های اوست.

هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض **امتحان و آزمایش** است.

کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد **آزمایش های ویژه و امتحان های خاص** می گردد.

همه انسان ها در طول عمر خود در معرض **آزمایش** اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش ها، سبب جدا شدن انسان های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب ماندگی آنها می گردد.

امام صادق: انما المؤمن بميزلة كفة الميزان كلما زيد في _____

بلاءه
أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكَوا
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت ابتلا درست ذکر شده است؟

- ۱) از سنت‌های الهی است که هرچقدر ایمان شخص بیشتر شود غالباً سختی و مرارت بیشتری بر او وارد می‌شود. ص
- ۲) موجب می‌شود انسان شایستگی‌های رشد و کمال خود را نشان دهد و شخصیت خود را خالص‌تر گرداند. ص
- ۳) رهنمودهای پیشوایان دین به ما می‌آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. غ
- ۴) در جهت تجلی تمایلات درونی هر انسانی با قوه‌ی اختیار لازم است تا وی مورد آزمایش الهی قرار گیرد. ص
- ۵) این سنت الهی نتیجه سرمایه ارزشمندی در انسان هاست که از دقت در آیه شریفه ی ((حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا هِيَ كَلِمَةٌ هُوفَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ)) بدست می‌آید. ص (منظور=اختیار)
- ۶) ادعای ایمان ورود به امتحانات خاص را بدنبال دارد. ص
- ۷) آن جا که امام صادق می‌فرماید: ((أَتَمَّا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَهَّةِ الْمِيزَانِ كَمَا زِيدَ فِي بَلَاءِهِ)) ورود انسان با ایمان را به حیطة‌ی امتحان خاص اعلام می‌نماید که منادیگر پیام آیه شریفه ی ((احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا...)) می‌باشد. ص

رو آیه (سیروا فی الارض) دار در دین (روم) و سوم داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندگی کنیم:

<p>((أَفَلَا سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ تَلْقُونَ)) ((الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))</p> <p>نتایج سیر و گردش در زمین:</p> <p>۱) درک چگونگی پیدایش دنیا</p> <p>۲) مشاهده‌ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ</p> <p>۳) مشاهده قدرت خداوند</p> <p>آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد</p> <p>وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می‌باشد.</p> <p>روش حفظ: آیه با (ق) شروع میشه و با (ق) هم تموم میشه.</p>	<p>((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ))</p> <p>سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.</p> <p>کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی‌آورند، در دنیا گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از دنیاست می‌رسند.</p> <p>به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و قرآن است.</p> <p>روش حفظ: تنها آیه (سیروا فی الارض) در دینی کنکور که با فعل مضارع آمده است (یسیروا)(ینظروا)(تعقلون)</p>
---	---

یک آیه (سیروا فی الارض) هم در این درس خواندیم:

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ))

شکست و سقوط مخالفان حق، حتمی است، اگر شك دارید، تاریخشان را بخوانید و با سفر، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید. عوامل عزت یا سقوط جوامع، قانونمند است (سنت الهی). اگر عواملی مثل انکار و تکذیب حق در زمانی سبب هلاکت شد، در زمان‌های دیگر هم سبب می‌شود.

هدف از دستور سیر در زمین عبرت گرفتن و آدم شدن است و کافران هرگز به این آیه با این هدف عمل نکرده‌اند.

امداد الهی:

در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند.

سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند.

یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و هدف هایشان را فراهم می کند.

کسی که راه حق را برمیگزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و مراتب کمال را می بیند.

افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می دوند، آن را به دست می آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.

روی آوردن دنیا و لذت های دنیایی به برخی انسان های گناهکار نشانه لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی پایان الهی محروم مانده اند.

كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ

وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

تست: چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت امداد درست ذکر شده است؟

- (۱) امداد الهی برای حق و باطل مسدود نمی شود. ص
- (۲) کسی که راه حق را برمیگزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و مراتب کمال را می بیند و کسی که فقط خواهان دنیا باشد نه تنها در دنیا به خواسته اش نمی رسد بلکه در آخرت نیز سودی نمی بیند. غ (دنیا خواهان دنیا را بدست...)
- (۳) برای اعمال زیان کارترین مردم، خداوند هیچ ارزش و میزانی قرار نداده با آن که رسیدن به دنیا در نتیجه سعی و تلاش آن ها و سنت عام امداد، برای شان فراهم شده است. ص
- (۴) کمک های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده است به پیش رود همیشگی و قانون مند است. ص
- (۵) در برابر رهنمودهایی که پیشوایان دین به ما می آموزند، مردم دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. غ (در برابر دعوت انبیا نه آموزه ها و رهنمود های پیشوایان دین!)
- (۶) روی آوردن دنیا و لذت های دنیوی به بعضی انسان های گناهکار نشانه ی مورد لطف الهی قرار گرفتن آن هاست. غ (نیست)
- (۷) در مقابل استفاده از امکاناتی که خداوند برای رسیدن به اهداف برایما قرار داده است اگر امروز شویم به مرحله بالاتر راه می یابیم و با امتحان جدیدتری روبرو می شویم. غ (قسمت دوم مربوط به سنت ابلا و امتحان و آزمایش است)
- (۸) کسی که راه حق را برمیگزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و در صورت داشتن ایمان و عمل صالح و تقوا مراتب کمال را می بیند. ص
- (۹) همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. غ (چون کلید واژه ی آسان تر + فراهم ساختن اسباب دارد پس سنت توفیق است)

توفیق الهی:

امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با **نیت پاک** (حسن فاعلی)، **قدم در راه حق**، گذارند و **سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف** خود قرار دهند.

همراه با **سعی و تلاشی** که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند **آسان تر** به مقصد برسد.

نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می کند، دست او را می گیرد و با **پشتیبانی** خود به پیش می برد.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

در حقیقت، انسان **حق گرا**، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می کند و یک قدمش به اندازه ده ها قدم نتیجه می دهد. قرآن کریم وعده می دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوایبیشه و شکیبیا بر دویست نفر یا هزار نفر از **کفار** پیروز می شوند.

تست: چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت توفیق درست ذکر شده است؟

- (۱) همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. ص
- (۲) برای رسیدن به هدایت الهی تلاش لازم است و باید گام اول را خود انسان بردارد. ص
- (۳) شرط پیروزی عده ای کم بر عده ای بسیار علاوه بر تقوا، صبر است. ص
- (۴) این که در بارور شدن بیشتر تلاش انسان حق گرا، نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است را تنها عامل بدانیم به نوعی شرک در ربوبیت دچار شده ایم. ص نظام حاکم بر جهان فقط کمک کننده است و خالق این نظام که خداوند است باعث چند برابر شدن حاصل و نتیجه اعمال انسان حق گرا می شود.
- (۵) تلاش و مجاهدت انسان انتخاب گر، معلول نصرت و هدایت الهی است که سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را به دنبال دارد. غ (تلاش و مجاهدت انسان انتخاب گر، علت نصرت و هدایت الهی است)

املاء:

آنان که **راه باطل را برمی گزینند** و با حق عناد و دشمنی می ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می دهد ولی آنها این فرصت را وسیله **غوطه ور شدن** در تاریکی ها قرار می دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به **شقاوت ابدی** گرفتار خواهند شد.

در حقیقت، مهلت ها و امکانات، با **اختیار و اراده خودشان** به صورت **بلائی الهی** جلوه گر شده و باعث می شود که **بار گناهان** آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود.

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لَّأَنفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

استدراج:

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر می شوند.

حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی است.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
وَ أُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

نکات خبیلی مهم:

کفروا: در ابتدای آیه املا دیده میشه.

کذبوا: در ابتدای آیه استدراج دیده میشه.

(کذبوا که دو تا نقطه داره (ذ-ب) بنابراین واسه استدراج هست که (ت) دو نقطه داره)

نملی: وسط آیه املا دیده میشه

املی: وسط آیه استدراج دیده میشه.

(استدراج دو تا (الف) داره پس املا (املی) هم که دو تا (الف) داره واسه استدراج دیگه!)

مهین: انتهای آیه املا دیده میشه.

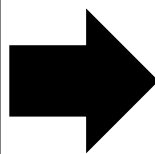
متین: انتهای آیه استدراج دیده میشه.

(متین که (ت) داره استدراج هم (ت) داره دیگه!)

تفاوت در پاداش و کیفر:

با آنکه براساس **عدل**، خداوند باید به همه بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش و جزا می دهد.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا
وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ



در مورد قیامت

تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت:

رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست .

نیککاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

دعا می تواند سبب بسیاری از خوبی ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، به شرطی که:

۱) دعا با شرایط واقعی آن انجام و ۲) چیزی که انسان از خداوند در خواست می کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

امام صادق:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَ كُرُّ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَ كُرُّ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ

امروز ثابت شده است که سرپشمه قسمت قابل توجهی از بیماری های جسمی، عوامل روحی و معنوی است، و یکی از مهم ترین عوامل ناراحتی روانی فشارهای شغلی است که از تأمیه ویران به خاطر اتهام گناه بر روح آدمی وارد می شود. انسان گناهکار در دارگاه ویران معامله می شود و با میزات های دردناک معنوی ویران روبه رو می گردد و عکس العمل آن در جسم و جان و حتی در مرکب و میرها آشکار می گردد. بعکس، افراد نیکوکار از درون ویران خود تشویق می شوند و همین تشویق معنوی نیرو و نشاط تازه ای به آنها می دهد و بر طول عمر آنها می افزاید تقییه این که گناه عمر را کوتاه، و کار نیک عمر آدمی را طولانی می سازد.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. **جامعه ای** که در مسیر خوبی ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می گشاید و جامعه ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب ها گرفتار خواهد شد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا
وَاتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
وَلَكِنَّ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اگر مردم شهرها ایمان آورده
و به تقوا گراییده بودند،
همانا برایشان می گشودیم
برکاتی از آسمان و زمین
ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
به کیفر آن چه کسب کردند

لاکه هست یادداشت کن...



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از **۱۰۰** راضی نشو!

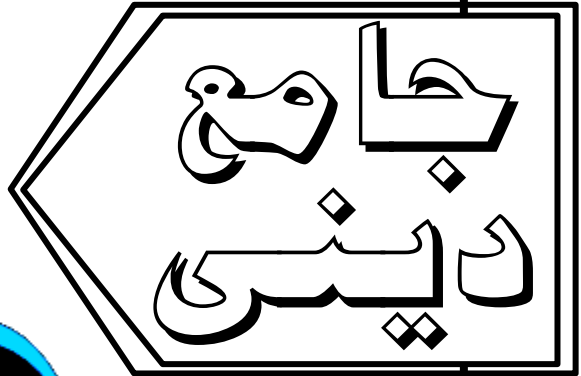
به نام جهان آفرین قادر و توانا

بازگشت (توبه) به سبک غفور

۹۹

گارانتی تضمینی

۳۰ درصد



دین و زندگی جامع کنکور

استاد مهدی غفوری



کنکور ۹۹

دین و زندگی چهارم دبیرستان

درس هفتم (بازگشت)

(۱) مقدمه:

خدای متعال به حضرت داود فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت هایشان می دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می گسست.

جمع بندی حضرت داود در کل دین و زندگی، (داود سه بار در کتاب درسی دینی تکرار شده است)

(۱) توکل:

توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله ی خدایا، بر تو توکل می کنم نیست بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد. خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره سازی خدا نیست.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بنده ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه ی آسمان ها و زمین و هرچه در آن هاست، علیه او برخیزند.

(۲) امر به معروف و نهی از منکر:

قوم بنی اسرائیل، هم در زمان حضرت داود و هم در عصر حضرت عیسی راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.

صادق درباره ی آنان می فرماید:

گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند اما هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند.

جملات خطی مهم محبت در دین و زندگی کنکور:

خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست، در ما قرار داد. از این رو، هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند، خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند. کودکی که از مادر متولد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد.

آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد. خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند. (رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی **محبت** و **رحمتش** را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند (مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود / زمانه طرح **محبت** نه این زمان انداخت

حافظ می گوید **محبت** و **الفت**، بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را براساس **محبت** بنا نهاد.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ حُبًّا وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ لِيهِ

محبت بیشتری دارند)

محبت و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و **محبت** های او دارد و همین **محبت** هاست که به زندگی آدم ها جهت می بخشد. هر قدر این **محبت** شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است.

محبت به فرزند در دختر سبب می شود از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود.

اگر عشق و **محبت** انسان از امور مادی محدود فراتر رود و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند. سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که به خدا ایمان دارد و **محبت** او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می گیرد و **محبتش** فزون تر و عمیق تر می شود، احساس حیاتی دوباره می کند و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد.

امام خمینی: مگر تحقق دیانت جز اعلام **محبت** و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.

خداوند می خواهد که مردم با **محبت** به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند.

لطف و **محبت** امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد. در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. افزایش معرفت به امام عصر و تقویت **محبتی** که به دنبال آن می آید، وظیفه هر مسلمانی است.

توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیش تر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با **محبت** مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن خود نان آور خانواده باشد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده ایم که علاقه و **محبت** اولیه، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند.

پدر و مادر به علت علاقه و **محبت** به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش بختی او را در نظر می گیرند و به علت تجربه و پختگی شان، بهتر می توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش بینی کنند.

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، متعهد می شود که هدیه ای را به عنوان (مهر) به زن تقدیم کند.

مهر و محبت پشتوانه اصلی تحکیم خانواده است نه مهریه که جنبه اقتصادی و مالی دارد.

مرد باید محبت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن پرهیزد. همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق العاده ای می یابد و توجه او به زندگی چند برابر می شود.

فداکاری و محبت مادر به فرزند، به خود مادر هم تعالی می بخشد و نشاط می دهد.

اسلام، وظیفه تأمین معاش را از دوش مادران برداشته تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.

حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون مند کردن فرزندان کمک می کند و محبت و احترام به مادر حس قدردانی و شکر گزاری را در آنان قوی تر می سازد.

۲) تعریف توبه:

تصمیم های جدید همواره برای تکمیل پیمان های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جای گذاشته است.

۳) مفهوم توبه: (دینی دوم)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند (مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

۴) داستان بشر بن حارث و توبه او: (توبه و پایداری در آن یک انسان عیاش را پرهیزگار و خداپرست می کند)

روزی امام موسی کاظم از کوچه های بغداد می گذشت. از یک خانه ای صدای عربده و تار و تنبور بلند بود، می زدند و می رقصیدند و صدای پایکوبی می آمد. اتفاقاً یک خادمه ای از منزل بیرون آمد در حالی که آشغالهایی همراهش بود و گویا می خواست بیرون بریزد تا مامورین شهرداری ببرند. امام به او فرمود صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ سؤال عجیبی بود. گفت: از خانه به این مجللی این را نمی فهمی؟ این خانه «بشر» است، یکی از رجال، یکی از اشراف، یکی از اعیان، معلوم است که آزاد است. فرمود: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها از خانه اش بلند نبود. حال، چه جمله های دیگری رد و بدل شده است دیگر نوشته اند، همین قدر نوشته اند که اندکی طول کشید و مکثی شد. آقا رفتند. بشر متوجه شد که چند دقیقه ای طول کشید. آمد نزد او و گفت: چرا معطل کردی؟ گفت: یک مردی مرا به حرف گرفت. گفت: چه گفت؟ گفت: یک سؤال عجیبی از من کرد. چه سؤال کرد؟ از من پرسید که صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ گفتم البته که آزاد است. بعد هم گفت: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها بیرون نمی آمد. گفت: آن مرد چه نشانه هایی داشت؟ علائم و نشانه ها را که گفت، فهمید که موسی بن جعفر است. گفت: کجا رفت؟ از این طرف رفت. پایش لخت بود، به خود فرصت نداد که برود کفشهایش را بپوشد، برای اینکه ممکن است آقا را پیدا نکنند. پای برهنه بیرون دوید. (همین جمله در او انقلاب ایجاد کرد.) دوید، خودش را انداخت به دامن امام و عرض کرد: شما چه گفتید؟ امام فرمود: من این را

گفتم. فهمید که مقصود چیست. گفت: آقا! من از همین ساعت می خواهم بنده خدا باشم، و واقعا هم راست گفتم. از آن ساعت دیگر بنده خدا شد.

تیپ سوالات بشر بن حارث: (مانند ریدینگ های زبان است با این تفاوت که متن را به شما نمی دهند!)

۱. کدام امام باعث توبه شد؟ موسی کاظم یا امام هفتم پدرش جعفر صادق و پسرش علی بن موسی الرضا در زمان خلفای عباسی

۲. اعلام توبه به تنهایی او را در سلک مردان پرهیزگار در آورد؟ خیر؛ وفاداری در پیمان

۳. پاسخ خدمتکار به امام؟ حارث آزاد است.

۴. پاسخ امام به خدمتکار؟ اگر بنده بود حرمت مالک (توحید مالکیت) و صاحب (توحید خالقیت) خانه خود (منظور خداوند) را نگه می داشت (ترکیبی: فرزندان هم باید حرمت والدین خود را نگه دارند)

۵. زمان توبه چه موقع بود؟ بلافاصله پس از پرسیدن علت تاخیر خدمتکار و پابرنه دویدن به سوی امام موسی کاظم

۶. عامل توبه چه بود؟ کلام امام همچون تیری بر قلب بشر بن حارث نشست.

۷. لازمه توبه چیست؟ انقلاب درونی فرد (همان طور که حارث پس از شنیدن کلام امام منقلب شد)

۸. لازمه تدوام توبه شخص چیست؟ وفاداری در پیمان خویش

۹. شغل حارث چه بود؟ اشراف زاده (همون آقا زاده!!!)

۵) انقلاب علیه خود:

گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان ها، قدری بیشتر، می توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند (مثال: تغییر جهت گیاه در اثر آنزیم اکسین به سمت نور و یا فرار از نور در پلاناریا یادت هست پلاناریا دستگاه عصبی مرکزی اش از ۱ مغز و ۲ عدد طناب عصبی شکمی تشکیل شده بود! بین طناب ها رشته های عصبی وجود داشت که جز دستگاه عصبی محیطی محسوب میشد! زیست و دینی رو اینجوری ترکیب کن!) و مسیر حرکت را عوض کنند.

اما هیچ کدام از گیاهان و حیوانات توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

خب کتاب درسی اومده یه (بررسی) آورده که اگه بررسیش نکنی بازی رو باختی پس با من باش:

با توجه به آنچه در سال های قبل درباره «نفس اماره به بدی» و «نفس لوامه» و

«خوددانی» و «خودعالی» آموخته اید، به سوال های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس درباره ظلم به خود می باشد؟

۲- چگونه انسان به خود ظلم می کند؟

۳- انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می کند؟



تحلیل انواع نفس در کل دین و زندگی کنکور:

الف) نفس اماره

که همواره انسان را به بدی‌ها فرمان می‌دهد و اگر با عقل و ایمان مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می‌کشاند.

در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» «به درستی که نفس انسان را به کارهای زشت و ناروا فرمان می‌دهد مگر آن که پروردگارم رحم کند.

این نفس، آنقدر خواهش و خواسته خود را تکرار می‌کند تا انسان را گرفتار سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس اماره همچون فرد منافق تملق انسان را می‌گوید و در قالب دوست جلوه می‌کند تا بر انسان مسلط شود و او را به مراحل بعد وارد کند.

کل جملات کتاب:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلِمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (در این جا اقرب: منظور قرب وجودی نه قرب الهی)

نفس هر دم در درونت در کمین...

در زمان تسلیم شدن انسان در برابر نفس اماره شکست درونی متبوع شکست بیرونی است

دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی از عقل و وجدان (نفس لوامه) باز می‌دارد.

ب) نفس لوامه:

مراد از آن، همان وجدان اخلاقی باشد. آری، انسان دارای حالتی است که در برابر انجام بدی‌ها یا کم شدن خوبی‌ها، هم در دنیا خود را ملامت می‌کند و هم در آخرت. این ملامت‌ها، همان ندامت و پشیمانی است که می‌تواند مقدمه توبه (درس ۷ پیش) باشد و یا بستری برای یأس و خودباختگی (درس ۵ دوم دیدگاه مایدیون) فراهم آورد.

(کامل توضیح داده شد در مورد شماره ۹)

ج) نفس مطمئنه:

که در اثر نماز و یاد خدا حاصل می‌شود و انسان به آرامش و اطمینان دست پیدا می‌کند. قرآن کریم در یک می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لَذِكْرِي» نماز را به یادار تا به یاد من برسی و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه باشید که با یاد خداوند دلها اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند.

در مقابل تردید و تشکیک مخالفان در معاد که بازگشت آن به قدرت خداوند است، قرآن بر قدرت الهی در باز آفریدن انسان‌ها تأکید می‌کند. (اثبات امکان معاد با ذکر نمونه‌ها) اینجوری بگو یادت نره: مطمئن باش معادی در کار هست! حالا:

بررسی آیه مربوط به ظلم خود (پاسخ سوال یک بررسی کنید کتاب)

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

پیام آیات:

سوء در لغت، به معنای زیان رسانی به دیگران هم آمده است. پس آیه هم ظلم به مردم و هم ستم به خویش را مطرح می‌کند. چنانکه برخی مراد از «سوء» را گناه صغیره و مراد از «ظلم به نفس» را گناهان کبیره دانسته‌اند. انسان حق ندارد حتی به خودش ظلم کند و گناه در حقیقت ظلم به خویش است. يَطْلُمُ نَفْسَهُ راه بازگشت برای خطاکاران باز است. يَسْتَغْفِرُ لِلَّهِ میان استغفار بنده و مغفرت الهی، فاصله‌ای نیست. يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا توبه‌ی واقعی چنان شیرین است که انسان، رحمت الهی را در درون خود احساس می‌کند. يَجِدُ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا خداوند نه تنها بدی‌ها را می‌بخشد، بلکه مهربان هم هست. غَفُورًا رَحِيمًا ظلم انسان به خودش با ارتکاب گناهان است.

به شرطی که پس از ظلم انسان به خودش نفس لوامه یا همان خود عالی در مقابل نفس اماره یا همان خود دانی قیام کند توبه صورت پذیرفته است.

یک انقلاب درونی علیه خود لازم است تا نفس لوامه با پیروزی بر نفس اماره و شیطان بتواند به توبه معنی بخشد.

این آیه بیانگر تجلی صفت مهربانی و غفران الهی برای انسان توبه‌کار است.

رمز آیه: ظلم به خود - یظلم نفسه - انتهای آیه: غفور + رحیم

۶) کاربرد توانایی انقلاب علیه خود: (توضیح مفهومی دیگر از فطرت خدا آشنا/ کلک طراح: استفاده از ویژگی‌های گرایش به خوبی‌ها و بیزاری از بدی‌ها و گول خوردن دانش‌آموزان!)

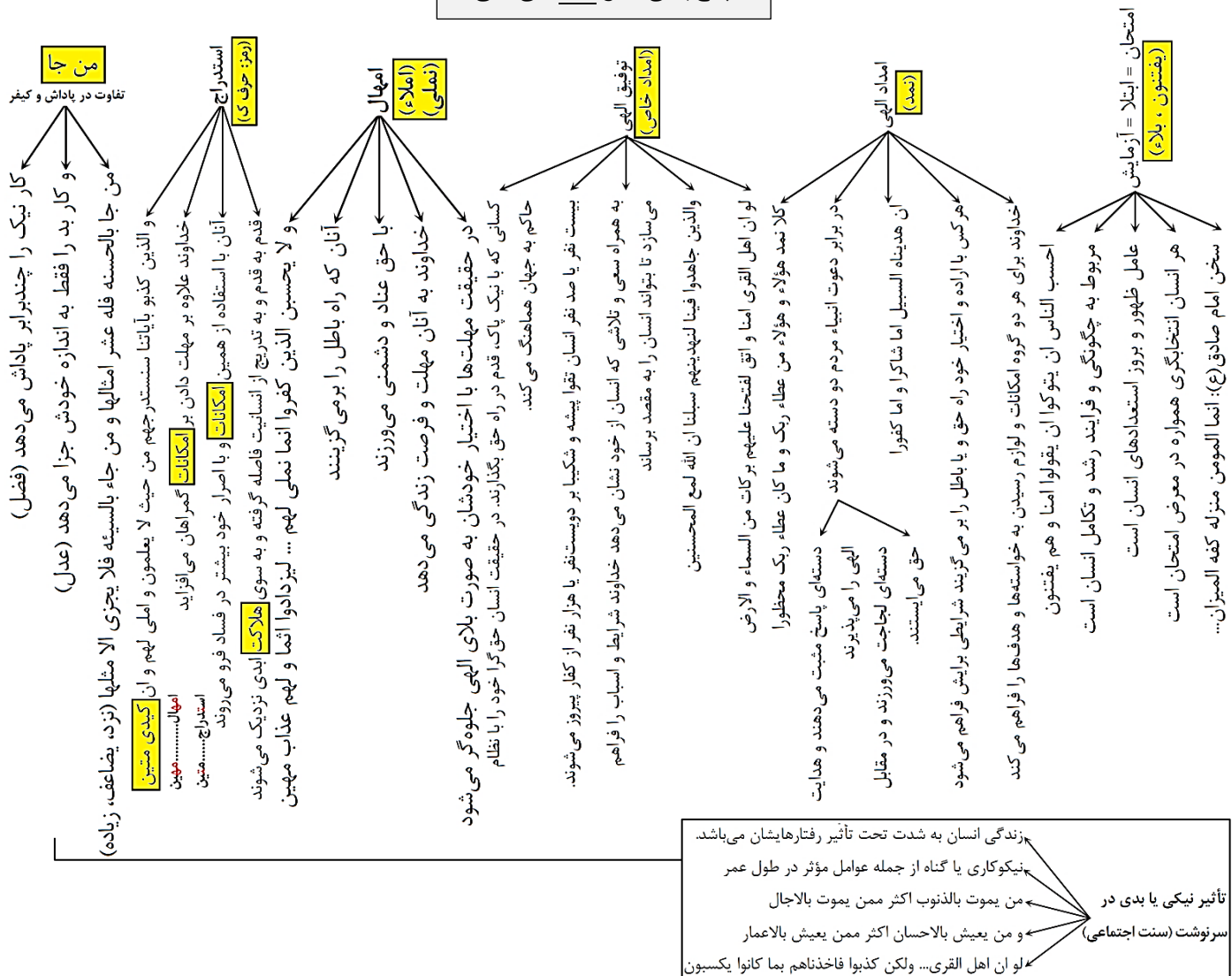
وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. (فطرت خدا آشنا در دینی دوم)

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. (مفهوم تقرب الهی)

البته شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. (اشتیاق خداوند آنقدر زیاد است که بنده اگر می دانست از شدت تلاش در جهت تقرب الهی تکه تکه میشد!)
 او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد(سنت تفاوت در پاداش و کیفر) کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.
 نکته: گفتیم سنت الهی پس جمع بندی کنیم:

(درس ششم دینی پیش)

جمع بندی کامل سنت های الهی



نکته: شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست.

نکته: جمع بندی فطرت خدا آشنا در کل دینی کنکور:

با توجه به آیه شریفه ی ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)) می توان بیان داشت که چون همه

مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی بدهند و خود شناسی مقدم بر خدا شناسی است و این آیه

مارا از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد و با آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ...)) ارتباط مفهومی دارد چرا که قسمت دوم این آیه آمده است: ((وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)) و ما باید قسمت دوم را حتماً حفظ باشیم چرا که طراح ممکن است قسمت دوم را در تست ندهد؛ خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند. همچنین با حدیث امام علی (ع): (در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن دیدم) ارتباط مفهومی دارد و با بیت: (دوست نزدیک تر از من به من است / وین عجب تر که من از وی دورم ... مهجورم) ارتباط مفهومی دارد و می توان بیان داشت که: مشهود بودن خدا در همه یک رمز قابل اعتماد برای سرمایه رشد (فطرت خدا آشنا) می باشد. همچنین نباید این سرمایه رشد را با سرمایه رشد با عنوان: (گرایش به خیر و نیکی) اشتباه گرفت که رمز دومی گرایش به چیز های مثبت و بیزاری از چیز های منفی است ولی اولی: گرایش به خداست. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.

تیپ تست های مطرح شده در این بخش:

۱. اشتیاق دو طرفه است یا یک طرفه؟ دو طرفه

۲. اشتیاق دیدار خداوند توسط انسان تراز خداوند به دیدار انسان است. (کمتر)

۳. وجود سرشت خدا آشنا در وجود انسان است برای احساس پیوند قلبی میان خود و خداوند. (علت)

۴. آرزوی انسان شدن است و مقصد انسان است. (خدایی - در کنار خدا آرام گرفتن)

۵. در مورد با بند چهارم طراحان علاقه خاص به ارتباط بند ۴ با آیه ۵۵ سوره قمر دارند:

فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

پیام:

مؤمنین، هم از نظر مادی کامیاب خواهند شد، «فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ» و هم از نظر معنوی. فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ

مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

بهشت، سراسر صداقت است و ذره ای دغل بازی در آن راه ندارد. مُّقْعَدٍ صِدْقٍ

۶. این که خداوند برای هر قدمی که انسان به سویش برمی دارد هزاران قدم و با شتاب به سوی انسان حرکت کند معلول چیست؟

گزینه اول: معلول اشتیاق و شوق بیشتر خداوند به رستگاری و سعادت انسان
گزینه دوم: معلول انتظار خداوند برای ملاقات انسان و فراوانی اشتیاق به ملاقات انسان
جواب: باید به متن کتاب مراجعه کرد چرا که در این مواقع بهترین منبع کتاب درسی است و نه استفاده از احساسات مان!
متن کتاب:

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

با عنایت به متن کتاب درسی بهترین گزینه؛ گزینه دوم است ولی گزینه اول هم چندان غلط نیست به هر حال در تست ها اولویت با گزینه دوم است.

(۷) ناسپاسی:

گاهی آدمی حرمت خدای خود را می شکند، گام در مسیر ناسپاسی می گذارد و خود را به گناهان آلوده می کند و از مسیر رستگاری دور می شود.

تیپ تست ۱: قدم گذاشتن در مسیر ناسپاسی و عدم شکرگزاری علت است برای شکستن حرمت خداوند.

تیپ تست ۲: دور شدن از مسیر رستگاری معلول این است که انسان با ناسپاسی کردن حرمت خدای خویش را بشکند.

تیپ تست ۳: شروع حرمت شکنی با ناسپاسی می باشد که خود گناه است.

گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی که شیطان و سوسه اش می کند، قدم بر می دارد.

تیپ تست ۱: افزایش تدریجی حرمت شکنی با گسترده شدن گناه و خاموشی چراغ عقل و فطرت صورت می گیرد ولی شروع آن با ناسپاسی است.

تیپ تست ۲: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: حرمت شکنی افزایش داشته باشد. (کلک طراح: با شروع حرمت شکنی ناگهان جهت الهی زندگی تغییر می کند. گزینه ای غلطه مواظب باش اشتباه نکنی)

تیپ تست ۳: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: دامنه گناه گسترده شود.

تیپ تست ۴: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: چراغ عقل و فطرت به خاموشی گراید.



ترکیب های خفن ویژه غفوریون:

۱) چراغ های کنکوری!!

الف) برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: **عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در**

بیرون انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست. همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند **هدایت الهی** است. از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

ب) خداوند می خواهد که مردم با **محبت** به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند. پس دوستی و محبت کسانی در آیات موردنظر است که **چراغ** هدایت مردم در تاریکی ها هستند.

ج) مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان **چراغ** هدایتی است که در پرتو آن می توان راه را از بی راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن بست می انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود.

د) نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می شود. همین نور معمولی را در نظر بگیریم. نور یک **چراغ** در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می شود. نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور **هستی** است.

ه) گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که **چراغ** عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی که شیطان وسوسه اش می کند، قدم بر می دارد.

نتیجه: چراغ در تست های کنکور می تواند **عقل** باشد می تواند **فطرت خدا آشنا** باشد می تواند درباره هدایت باشد. می تواند

در مورد خداوند نور هستی آمده باشد. می تواند به جای فرستادگان الهی برای هدایت تشریحی انسان به کار رود!

۲) جمع بندی (عقل و تعقل) در دین و زندگی:

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد. (نفس اماره)

قانون عقل و خبر پیامبران: دفع خطر احتمالی لازم است.

نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد. (ضرورت معاد براساس حکمت الهی)

توکل، جانشین تبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. (رمز= اهل تپه باید توکل کنن!)

قرآن کریم از انسان ها می خواهد که درباره ی هدفمندی جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. (آمادگی جامعه بشریت از علل ختم نبوت)

رسول خدا در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی و اهل بیت را برای مردمی که قرن ها با نظام قبیله ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می دانستند بیان می کرد تا دل های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می خواندند و ساده می زیستند.

دو آیه (سپروا فی الارض) دار داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ

تَعْقِلُونَ)) ((النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن

قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت

گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی آورند، در دنیا

گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از

دنیاست می رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و

قرآن است.

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱) درک چگونگی پیدایش دنیا

۲) مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳) مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان

معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می

باشد.

برخی امور از نظر عقلی امکان پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم

زوج و هم فرد باشد. همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. اما برخی امور

هستند که پیدایش آن‌ها از نظر عقلی امکان پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند. (عمر طولانی حضرت مهدی عقلانی است ولی غیرعادی است)

اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می دهد، تندروی تو را فرو می نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی باز می گرداند. (عهدنامه مالک اشتر)

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. اما هوی و هوس (نفس اماره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای **عقل و وجدان** و نفس لوامه گوش فرامی دهد و تسلیم نفس اماره نمی شود.

همواره دیده ایم که **علاقه و محبت اولیه**، چشم و گوش را می بندد و **عقل** را به حاشیه می راند، به گونه ای که فریاد های خیرخواهانه او را نمی شنوند.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ **عقلی** و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد. با رسیدن بلوغ **عقلی**، جوان در می یابد که باید زندگی را بسیار جدی گرفت و برای آینده برنامه ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ **عقلی** است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و **عقلی** با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد.

انسان با کمک **عقل** خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنا بر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما نمی داند که **نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است**.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: **عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون**. انسان به کمک **عقل** خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که **جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست** همچنین انسان به کمک **عقل** خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند **هدایت الهی** است. از این رو خداوند **پیامبرانی** را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان **عاقلاً** بیندیشد، راه دست یابی به **همه نیازها** برای وی مشخص شده و **دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد**.

امام کاظم: ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی **تعقل** کنند. کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از **معرفت** برتری برخوردار باشند و آنان که در **تعقل** و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی **داناترند** و آن کس که **عقلش کامل تر** است، **رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر** است. + **حجت نهان همان عقل است**.

عقل وسیله فهم پیام الهی است. و آنکه **تعقل** کند هدف و آینده و راه درست زندگی را می یابد.

خداوند، متناسب با دو ویژگی (**عقل**) و (**اختیار**) در انسان ها، آن ها را با فرستادن **دین** راهنمایی و **هدایت** کرده است و پیامبران الهی مسئولیت **ابلاغ** و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند.

۸) گرفتاری در گناه:

تیپ تست های مختلف طراحان:

عامل بیزاری و تنفر از گناه در اولین دفعه ارتکاب به گناه چیست؟

مشاهده شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود

عامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه چیست؟

گرفتاری در گناه + عادت به گناه

پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام اند؟

توجیه گناه + عادت به گناه

نقطه مشترک میان عوامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه با پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام

است؟ (احتمالی ۹۹)

عادت به گناه

میزان تاثیرات گناهان یکسان...؟

نیست، برخی زیاد برخی کم ولی قطعاً تاثیر خود را می گذارند. کلک طراح: (گناهی بی تاثیر باشد) اشتباهه!

پیامد های گناهان بزرگ کدام است؟

خروج انسان از مسیر **توحید و اخلاص**

گرفتاری در **دام شیطان**

تباهی زندگی

عذاب اخروی

اثر بر نسل های بعدی

نکته: موارد رنگی فوق آنقدر قابل ترکیب با درس های دینی هستند که اگر می نوشتم ۴۰ صفحه میشد! پس خودتون در

ذهنتون لینک کنید! ولی از همه خلاصه ای آوردم:

توحید:

توحید ذاتی (اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت: خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت: از آن خداست-له-الله-امور

ولایت: ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت: پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز خلق، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد، احداً، شکر، تسلیم، تسبیح، تنزیه، توکل، اخلاص، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لااله الا الله : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم همیشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی میشه!)

اهدنا الصراط المستقیم همیشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری غیر

خلق کردن انجام میده پس همیشه توحید ربوبیت)

اخلاص:

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همه کار ها

فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن ها راه نداشته باشد . بنابراین، اخلاص در بندگی

معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجه اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه

اش در بهشت بالاتر است.

برنامه ریزی برای اخلاص:

۱ تقویت روحیه حق پذیری: اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص

۲ افزایش معرفت به خداوند : به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق تر بشناسیم، انگیزه ما برای

پرستش و بندگی نیز افزایش می یابد.

۳ راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او : نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می

کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند.

۴ یاد معاد و روز حساب : یکی از راه های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همه ما

حیات جاودانه ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می شود.

۵ انجام عمل صالح : قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است . زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را

شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی ایستد . عمل صالح، انسان را

پرورش می دهد و وجودش را خالص می سازد.

جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه: تصمیم گیری آگاهانه

و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش + لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی در عین بهره

مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی

میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هر چه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

شیطان در دین و زندگی:

توهم: برتری بر آدم

سوگند: فریب بنی آدم

راه های فریب: **زیبا** خانوم (زیبا نشان دادن گناه) **آرزو** خانوم (سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه دنیایی) **سکینه** خانوم (ایجاد کینه میان مردم) **غافل** میشن (غافل کردن از خدا و یاد او)

کارش: وسوسه + وعده دروغین

راه نفوذ: نفس اماره

گفته شیطان به اهل جهنم: در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید خداوند به شما وعده ی **حق** داد، اما من به شما وعده ای دادم و **خلاف** آن عمل کرد البته من بر شما **تسلطی** نداشتم (وجود اختیار)، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز **خود** را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید.

وسوسه کردن طبق آیه: دعوت به بدی (فحشا و سو) + ناآگاهانه صحبت کردن

اقرار شیطان: ناتوانی از فریب **مخلصین**

رمز حفظ موارد حرام: (دروغ به غول شریک) (ترکیب با درس ۱۲ دوم)

فاحشه ای به **اسم** (اثم) **بغ** بغه به **شریک** (همون غول معروف!) **دروغ** گفت که **نمیدونه!!**

درباره خدا **ناآگاهانه** سخن گفتن
نسبت **دروغ** بستن به خدا
وسوسه شیطان هم همینه دقیقاً!!

شرک به خدا (تشرکوا)
شرک همیشه چی بود؟ **سلطانان!**

زشت کاری (**فواحش**)
گناه (اثم)

تجاوز به ناحق

(**بغی** بغیر حق)

حالا یه سوال: شریک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین **سلطانان!** پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل **سلطان**) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ **استدلالی** ندارن!

۹) سایر نکات مبحث ناسپاسی:

نکته تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است.

برخی از گناهان بزرگ: دروغ + ظلم به مردم + پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظلم + کسب مال حرام + فساد اخلاقی + روابط نامشروع + تهمت + ترک نماز و روزه

امام صادق: (به یکی از یاران) چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی، او تو را می

بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی بیند، **کفر** ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او

را خوارترین بینندگان به خود قرار داده ای!

۱۰) حقیقت توبه:

توانایی انقلاب علیه خود حاصل (میوه، نتیجه، معلول) پشیمانی از گذشته است.

این توانایی به انسان امکان می دهد راه رفته را باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید.

توانایی انقلاب علیه خود و توبه دروازه رحمتی است که خداوند بر روی بندگان گشوده است.

توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است. برای خداوند هم به

کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

ترکیبی: همه دروازه های دینی: (در دینی سوم دروازه فقط یک جا داریم و در دینی دوم هیچ دروازه ای نداریم! در دینی پیش

هم دو جا دروازه داریم یکی درس ۵ و دیگری همین درس)

الف) آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان

ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود. در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که

بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. درواقع،

انسان ها وارد دوره بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان ها

پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

ب) فواید توجه ما به اختیار:

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از آن

است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که ضریب هوشی و استعداد فکری خارق العاده ای

دارند ولی بدان توجه نکرده و آن را در وجود خود مدفون ساخته اند. و چه بسیار افرادی که از هوش متوسطی برخوردار

بوده اند اما دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور

دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را

باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس

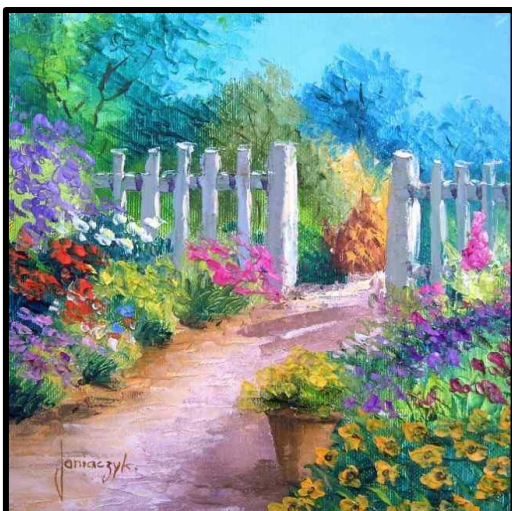
مسئولیت می کند، تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید. خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت

به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را ببیماییم و در آسمان هستی تا

جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر

جهان خلقت است.

حالا خودت به خلاصه خوب بنویس از کل دروازه های دینی برای مرورت:



دروازه دینی پیش:

دروازه دینی سوم:

تحلیل آیه حقیقت توبه:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پیام آیه:

برای انسان خطا کار، همیشه راه بازگشت و اصلاح، باز است. فَمَنْ تَابَ توبه، تنها يك ندامت درونی نیست؛ بلکه باید همراه با جبران مفاسد گذشته باشد. وَأَصْلَحَ اگر انسان توبه کند، خداوند هم توبه او را می پذیرد. يَتُوبُ عَلَيْهِ سرقت، ظلم به خود و جامعه و تجاوز به امنیت جامعه است. بَعْدِ ظُلْمِهِ مجرمان را باید به راه خدا دعوت و امیدوار کرد. فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ... غَفُورٌ، رَحِيمٌ توبه انسان مقدم بر توبه خداوند است.

در این آیه از گناه با نام ظلم یاد شده است دلیل این نام گذاری این است که گناه نوعی ضایع شدن حق است. اقدامات لازم برای رسیدن به مرحله آمرزش:

الف) توبه از گناه و ظلم (تاب من بعد ظلمه)

ب) اصلاح گذشته (اصلاح)

توبه پذیری خداوند ناشی از دو صفت: آمرزش و رحمت اوست.

در این آیه برخلاف آیه ((وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا)) به قطعیت در آمرزش و رحمت خداوند

اشاره شده است در حالی که در آیه مورد مقایسه به این اشاره شده که خود انسان توبه کار با توبه کردن خداوند را آمرزنده و رحیم می یابد.

رمز آیه: فَمَنْ تَابَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(در حالی که در آیه قبل ابتدای آیه ((وَمَنْ)) و انتهای آیه ((یجد)) می آمد)

۱۱) توبه و پاکی:

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست.

توبه گناهان را از قلب خارج می کند و قلب را شست و شومی دهد. به این عمل میگویند: پیرایش و یا تخلیه توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می سازد.



امام علی: ((توبه دل ها را پاک می کند و گناهان را می شوید) (علت)

پیامبر: ((کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه نکرده است)) (معلول)

تحلیل آیه توبه و پاکی:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَاحِبًا
الْحَافُوا بِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

پیام آیه:

توبه اگر حقیقی باشد آثار مفید مادی و معنوی دارد.

اسلام، بن بست ندارد. گنهکار نیز راه بازگشت دارد. إِلَّا مَنْ تَابَ

در هنگام ارتکاب گناه، ایمان از کف می رود، و هنگام توبه باز می گردد. إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ

توبه، يك انقلاب همه جانبه است، نه يك حرکت سطحی و لفظی، عمل صالح

جایگزینی عقوبت با پاداش یکی از مظاهر رحمت و آمرزش الهی

عوامل تبدیل کننده گناهان به نیکی ها:

الف) توبه کردن (تاب)

ب) ایمان آوردن (آمن)

ج) انجام کار نیک (عمل صالح)

یادداشت کن:

(۱۲) مراحل توبه:

توبه صرفاً لفظی نیست بلکه تحولی درونی و قلبی است که آثار گناه را پاک می کند.

مرحله اول: پشیمانی از گذشته (رمز: ش دارن: پشیمانی+شیرینی+شوق+خوشش بیاید)

رکن و قدم اول توبه

حالتی درونی که شخص را دچار حسرت و اندوه می کند.

شیرینی گناه تبدیل به تلخی می شود.

تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی است و خاطره گناه شیرین است توبه شروع نشده.

خداوند: تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است توبه اش را نپذیرم.

توبه بر لب سبزه بر کف دل پر از شوق گناه

اگر پس از توبه همچنان از گناه خود خوشش بیاید و لذت ببرد هنوز پشیمان نشده است و ادعای پشیمانی

کرده است.

معمولاً با استغفار همراه است.

ابراز پشیمانی با عبارت ((استغفرالله))

مرحله دوم: تصمیم بر عدم تکرار گناه: (رمز: از ریشه فعل+مستهزی)

رکن دوم توبه

تصمیم جدی بر ترك گناه

عدم پذیرش توبه در صورت: اظهار ندامت ظاهری و نمایشی (بدترین اثر: به استهزا گرفتن خداوند)

((استغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربه))

نکته: دو مرحله قبل عادت به گناه را از بین می برد. اما برخی گناهان که به حق الناس مربوط است جبران

نمی کند.

مرحله سوم: جبران حقوق مردم: (رمز: ادا کردن دین مادی و معنوی+صدقه+دعا)

در حد توان جلب رضایت صاحبان حق در صورت دسترسی به آنان با ادا کردن حقوق مادی و معنوی

در حق صاحبان حق صدقه دادن + دعای خیر در صورت عدم دسترسی داشتن به آنان

حقوق معنوی مردم بسیار مهم تر از حقوق مادی

مرحله چهارم: جبران حقوق الهی: (رمز: اطاعت خداوند+توحید عبادی+عفو)

مهم ترین حق خدا بر مردم حق اطاعت و بندگی اوست. (مهمترین حق مردم بر رهبر و برعکسش چی بود؟!)

جبران کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند(نماز های قضا را بخوانیم و ...)

در صورت حداکثر تلاش و باقی ماندن حقی در برابر خداوند او مهربان است و بقیه موارد را خود جبران می

کند در نتیجه عفو کامل صورت می پذیرد.

۱۳) توبه اجتماعی:

توبه همانند توحید عملی (عبادی) دارای دو بعد است: ۱) توبه فردی ۲) توبه اجتماعی
تعریف:

بازگشت جامعه به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی.

انحرافات اجتماعی:

رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا
نکته: انحراف های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل **ابتدایی** خود اصلاح شوند تا **گسترش** نیابند و **ماندگار** نشوند.

راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها = امر به معروف و نهی از منکر
گفتیم امر به معروف و نهی از منکر پس باید درس **نظارت همگانی** مرور بشه که من واستون آوردم:

امر به معروف = (واجبات و مستحبات) و نهی از منکر = (محرمات و مکروهات):

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می دهند. به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از **قیام و شهادت** خود و یارانش را **احیای امر به معروف و نهی از منکر** دانست.

.....	اولین	دو شرط
.....	مقدم	رستگاری
.....	دومین	فلاح جامعه
.....	مؤخر	ثمره وجود نظارت همگانی در جامعه

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
پیشگیری از گناه - زمینه گناه را اگر می کند.....
«وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» واجبات و مستحبات
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ محرمات و مکروهات
درمان گناه
سر بلندی و رستگاری جامعه ی اسلامی در دعوت به نیکی
و امر به معروف و نهی از منکر است.
آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

معلول
[كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ]
راه بهترین امت شدن
علت
(۱) تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
(۲) وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
(۳) وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ ...

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود.
آل عمران، ۱۱۰

دو مورد ویژگی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع
جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

۱۴) زمان توبه:

امام علی: ((از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر...))
تمام طول عمر ظرف زمان توبه است.

بهترین زمان توبه: زمانی که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر

علت مناسب تر بودن زمان جوانی نسبت به پیری برای توبه:

الف) دوره جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارد، تحول و دگرگونی دارد.

ب) حيله خطرناک شیطان این که به امید توبه کردن در پیری انسان در جوانی خوش گذرانی کند.

دلایل مورد ب:

۱. پیری محصول جوانی است و تعداد گناهکاران متحول شده در پیری بسیار کم

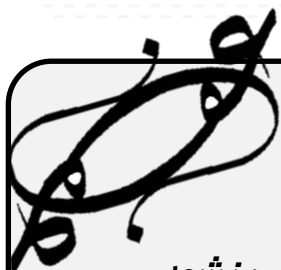
۲. بسیاری از انسان ها اصلاً به پیری نمی رسند در نتیجه عدم فرصت توبه

۳. فریب بزرگ شیطان این که: لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه دهد.

نکته: مؤمنان هم از لذت های عالی معنوی برخوردار می شوند و هم بی دغدغه گناه و به دور از رنج های روانی، از

لذت های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

پایه دس، مقتم دینم و زندگی تیش دلانگه‌ی



مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زند پس به کمتر از  راضی نشو!

نگار فورس دینے و زندگی

۹۹ غفور



جمع بندی ویژه کانوں
آرموں ۲۰ و ۲۷ کی ماہ

نکات فوری ویژه جمع بندی

آزمون ۲۰ و ۲۷ دی ماه کنکور

۱. کلید واژه های متن + آیه سنه های الهی: (اول متن رو بررسی کردم بعدش آیات)

رشد و تکامل / ظهور و بروز / نیت و تمایل / امتحان و آزمایش / ساخته شدن و تکامل / خسران و عقب ماندگی:

دیدنی بزن امتحان و ابتلا

پذیرش یا ایستادن / اراده و اختیار / امکانات و لوازم عمومی / عدم بهره از نعمات بی پایان خدا برای دنیا دوستان

دیدنی بزن سنت امداد الهی

امداد خاص / سعی و تلاش و مجاهدت انسان / نصرت و هدایت خدا / هماهنگی انسان حق گرا با نظام جهانی

دیدنی بزن توفیق الهی

مهلت و فرصت باطل دوستان / غوطه ور شدن در تاریکی ها / شقاوت ابدی / رشد بار گناهان / خاص گناهکاران با

مهلت دیدنی بزن املا

رشد امکانات (نه مهلت) گناهکاران / اصرار بیشتر بر گناه / قدم به قدم / گام به گام / تدریج به سوی عذاب / هلاکت

ابدی دیدنی بزن استدراج

خفن نکته: (اگه بگن شقاوت ابدی باید بگی: سنت املا) (اگه بگن هلاکت ابدی باید بگی: استدراج) رمز: بگو آروم

آروم (تدریجی) به فنا رفت!

عدل خدا / فضل خدا / کار نیک چند برابر جزا اما کار بد فقط به اندازه خودش جزا **دیدنی بزن تفاوت در پاداش و کیفر**

خفن نکته: (اگه بگن: خداوند به نیکوکاران چندین برابر پاداش میدهد جواب همیشه: یا سنت توفیق الهی یا سنت

تفاوت در پاداش و کیفر که اولویت در گزینه ها با سنت توفیق الهی هست! اما اگر بگن خداوند به نیکوکاران

چندین برابر پاداش و به بدکاران به اندازه خودش جزا می دهد فقط همیشه سنت تفاوت در پاداش و کیفر)

زندگی تحت تاثیر رفتار انسان / تاثیر کارها بر طول عمر / تاثیر دعا بر کیفیت زندگی / دعای واقعی / تنها سنت

اجتماعی کتاب! دیدنی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت

جمع بندی کلید واژه آیات سنت های الهی:

(احسب + یفتنون) دیدنی بزن امتحان و ابتلا (نهد + عطا) دیدنی بزن امداد الهی

(جاهدوا + محسنین) دیدنی بزن توفیق الهی (نملی + مهین) دیدنی بزن املا

(سنستدرجهم + املی + متین) دیدنی بزن استدراج (حسنة عشر + سینة مثل) دیدنی بزن تفاوت در پا و کی

(اهل القرى + برکات) دیدنی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲. جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه:

تصمیم گیری آگاهانه و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش + لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی

در عین بهره مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی

میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش)

بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

جمع بندی کامل میوه های اخلاص:

اولین میوه = عدم نفوذ شیطان

میوه دوم = تزریق آمپول حکمت (!) به اختیار که نتیجه اش همیشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و

آگاهانه

بالاترین میوه = دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی

است!

میوه های وصف ناشدنی = بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود:

همگی به شرط اطاعت

میوه های وصف ناشدنی = بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت



بالاترین میوه = دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی است!

بنا به تعبیر امام علی:

نهایت آرزوی عارفان + دوست دل های صادقان + ولی مومنان + معبود عالمیان

وصول از راه بندگی عارفانه

میوه اول = عدم نفوذ شیطان

میوه دوم = تزریق آمپول حکمت (!) به اختیار که نتیجه اش همیشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و آگاهانه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۳. جمع بندی مهم اختیار انسان (مباحث ترکیبی میان درسی دینی پایه و پیش)

جمع بندی آیات اختیار: (لعل - ما - لنفسه)

لعل دیدی بگو اختیار:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ
 اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيَسْتَعْمُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
 حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
 يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لُبَاسًا يُوَاسِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِكُلِّ سُلْطَانٍ نُّعْوَىٰ ذَلِكُمْ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَتَذَكَّرُونَ
 وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ فِرْقَتِكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
 وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ما (Emma) دیدی ۱۰۰ درصد بگو اختیار:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا

لنفسه دیدی بگو اختیار: (البته استثنا هم زیاد داره مثلاً در حدیث امام صادق داریم: صِلْنَا لِنَفْسِهِ به معنای نگه دارنده نفس خود

که در این جا به خصوصیات ویژه فقها اشاره میشه و مفهوم اختیار مورد نظر نیست)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ
 قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

جمع بندی اختیار حقیقی وجدانی: (دینی پیش درس ۵)

- تفاوتی اساسی میان آتش، آب، گیاه و حیوان با انسان وجود دارد. (آتش بدون اختیار می سوزاند، آب بدون اختیار جاری می شود، گیاه بدون اختیار می روید و حیوان بدون اختیار راه می رود.)
- هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمی گزیند.
- توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است.
- اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.
- حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد.
- اختیاری امری روشن است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

g. مولوی: آن یکی بر رفت بالای درخت ... چوبِ حق و پشت و پهلو، آن او ... گفت: توبه کردم از **جبر** ای عیار... **اختیار** است **اختیار** است

اختیار.

h. نشانه های وجود اختیار: (تام)

((————— م —————))

ت: تفکر و تصمیم: اندیشه/سبک سنگین کردن/گاهی تردید/انتخاب یک از چندین راه / این که فردا این کف یا آن کف خود دلیل اختیار است ای صنم
ا: احساس رضایت یا پشیمانی: موفقیت = رضایت خرسندی / اشتباه و زیان = پشیمانی ندامت / از خود دانستن / اگر نبودی اختیار این شرم چیست
 م: مسئولیت پذیری: مسئولیم / نیک انجام = تشویق توسط دیگران / زشت انجام = تنبیه کیفر توسط دیگران / عهد و پیمان / پیمان شکنی = مجازات
 هیچ گویی سنگ را فردا بیاور نیایی من دهم بد را سزا؟ هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟ (عدم اختیار = عدم مسئولیت پذیری)

ساخ نکته ها: (نکاتی که طراحان علاقه زیادی دارند!)

تفکر و تصمیم و تردید هر سه اول شون (ت) دارند پس همیشه با هم میان.

مورد دوم یعنی احساس رضایت یا پشیمانی به انواع احساسات انسان در مورد عمل خود مربوط است ولی مسئولیت پذیری مربوط به عمل انسان های دیگر در قبال کار های ماست.

احساس رضایت و خرسندی مربوط به **احساس رضایت و پشیمانی** (مورد دوم) است ولی **تشویق** که نوعی احساس نیست و عمل هست مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است.

احساس ندامت و پشیمانی مربوط به **احساس رضایت و پشیمانی** (مورد دوم) است ولی **تنبیه و کیفر** که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری (مورد سوم) است.

کلید واژه های ((موفقیت)) و ((اشتباه و زیان)) مربوط است به احساس رضایت یا پشیمانی (مورد دوم) و کلید واژه های ((درست و نیکو)) و ((زشت و ناپسند و پیمان شکنی)) مربوط است به مسئولیت پذیری که مربوط به اعمال ما در قبال دیگران می باشد.

جمع بندی: در تست ها هرگاه واژه ای احساسی دیدی (مثلاً رضایت و ندامت) سریع بزن احساس رضایت و پشیمانی از نشانه های وجود اختیار

در تست ها هرگاه واژه ای مربوط به عمل دیدی (مثلاً تشویق و تنبیه) سریع بزن مسئولیت پذیری از نشانه های وجود اختیار

i. آیه مهم اختیار حقیقی وجدانی:

به راستی آمده است نزد شما	رهنمودهای الهی موجب بصیرت است
هدایت شرعی / آگاهی	
رهنمودهایی از پروردگارتان!	فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ
پس هر که بینا گشت به سود خودش، اختیار انسان / آزادی	
و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است	
و من بر شما نگهبان نیستم	

انعام، ۱۰۴
عدم نگهبانی خداوند بر انسان، آن گاه به وقوع می پیوندد که رهنمودهای الهی به هدایت انسان نینجامد.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

جمع بندی فواید توجه ما به اختیار:

- a. آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از اختیار است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند.
- b. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است.
- c. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است: (رمز: هویت + خودباوری + مسئولیت + جبران)
- ۱) احساس هویت می کند.
- ۲) از خودباوری بالایی برخوردار است.
- ۳) در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند.
- ۴) تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید.

جمع بندی پندارهای ویرانگر: (جبرگرایی / آزادی مطلق)

۱. برخی اندیشه های باطل سبب رواج جبرگرایی می شوند. مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی گذارد.
۲. رواج عقیده «جبری گری» مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می کند. در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی گرا به همین نتیجه در اندیشه های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (پوچ گرایی) شدند.
۳. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقت باشند.
۴. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. وقتی که بی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.
۵. پندار ویرانگر دیگر از آن کسانی است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محور قرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.

جمع بندی زمینه ساز های شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.

۱ اعتقاد به خداوند حکیم: مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوریکه همه حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد. / قطره ای کز جویباری می رود از پی انجام کاری می رود/ ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد. (بمسک تزولا... حلیما غفورا)

۲ قانون مند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با (۱) شناخت و (۲) استفاده از قوانین جهان:

(۱) نیازهای خود را برطرف کنیم، (۲) استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و (۳) پله های کمال را بپیماییم. نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان، قضا و قدر الهی است. تقدیر یعنی اندازه گرفتن و قدر یعنی اندازه و قضا به معنای به انجام رساندن حکم کردن و پایان دادن و حتمیت بخشیدن است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم (توحید ولایت) و فرمان و اراده (توحید ربوبیت) الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری ها و قانون مندی هایش (تقدیر) از آن خداست و اجرا و پیاده کردن (قضا) آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آبی که با اراده خود می نوشیم، به علت اعتقاد به همین تقدیر است. یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها (تقدیر) آفریده که سبب رفع تشنگی انسان (قضا) می شود.

دقیقاً گزینه کنکور سراسری!! که غلطه توجه کنید!!!

رفع ابهام:

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی و رای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

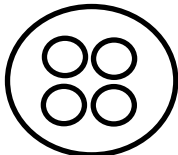
داستان حضرت علی: برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری براساس دستور عقل، بی فایده است. اطامیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اطامیر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

جمع بندی انواع روابط طولی و عرضی، سوال: به نظر شما رابطه خدا با انسان کدام است؟

اینکه می گوئیم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. حال آیا این اختیار الهی با اختیار انسانی منافات دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به انواع علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بپردازیم:

(۱) **علل عرضی:** به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر / مشارکت یکدیگر / هر عامل مستقیماً نقشی دارد / نقش اجزا با یکدیگر متفاوت / نقش ها در مجموع مکمل همدیگر / باغبان و خاک و آب و نور و حرارت در پرورش گیاه.

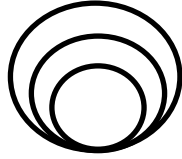
شکل:



این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲) علل طولی: یک عامل اثر بر عامل دیگر ... تا عامل $n-1$ ام بر عامل n ام تاثیر می گذارد/ اگر یکی از عوامل حذف شود اختلال/ هر عامل اثر عامل قبلی را به معلول خود منتقل/ اراده انسان در طول اراده الهی است/ هر عامل با قدرت و حکمت بالاتر مقدم بر عامل بعدی و موخر بر عامل قبلی خود می باشد.

شکل:



جمع بندی اختیار انسان، یک تقدیر الهی:

- وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط **تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان** یک موجود نیست. این ها **ساده ترین و آشکارترین تقدیرها** هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.
- این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.
- یکی از **تقدیرات الهی** برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است.
- به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی تواند از اختیار، که **ویژگی ذاتی اوست**، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با **خواست و اراده** خود انجام می دهد.

جمع بندی محدودۀ اختیار انسان:

- شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی **زرف تر** خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه **میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان** را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه **زمینه ساز** عروج و صعود وی به سوی قله های **کمال** گردد.
- توجه کنیم که **ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم** و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط در صورتی **صرام و مسخر** انسان می شوند که آدمی **ویژگی ها و قانون مندی ها** (تقدیر) آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی **تهیه** کند (قضای انسانی در طول قضای الهی) تا بتواند در آسمان ها و دریاها **سیر** کند (قضای انسانی در طول قضای الهی).
- پس تقدیرات و قانون مندی ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده آن است.** برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قانون مندی های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه های دلخواه خود را دنبال می کنند و بدبختی خود را رقم می زنند.

دقیقاً گزینه کنکور سراسری!!

۴. جمع بندی کلید واژه های انواع توحید:

توحید ذاتی (اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت: خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت: از آن خداست-له-لله-امور

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ولایت: ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت: پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز خلق، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد، احداً، شکر، تسلیم، تسبیح، تنزیه، توکل، اخلاص، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لا اله الا الله : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم همیشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی همیشه!)

اهدنا الصراط المستقیم همیشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری

غیر خلق کردن انجام میده پس همیشه توحید ربوبیت)

سایر نکات ریز و مهم:

اگر خداوند به کسی اذن در ولایت دهد آن شخص نیز می تواند در محدوده ی اجازه ی خداوند در اشیایی تصرف کند. چنین

اذنی به معنای واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست بلکه بدین معنی است که آن شخص در میسر و مجرای ولایت الهی

قرار گرفته و از خودش استقلال ندارد.

برخی انسان ها توحید در خالقیت را قبول دارند اما گرفتار شرک در ربوبیت می شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای

انسان های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز می کنند و فکر می کنند که آن انسان ها یا آن مخلوقات مستقل از

خداوند می توانند در امور جهان دخالت کنند.

اگر افراد جامعه بکوشند در روابط خود با یکدیگر به جای خواست ها و تمایلات خود فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش

طاغوت ها سر باز زنند مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم

کنند بعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می یابد.

اگر هر يك از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی

قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند شرک اجتماعی تحقق می یابد.

معرفت به خداوند زمانی میوه ی خود را می دهد که از مرحله ی شناخت ذهنی به مرحله ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت

شود؛ یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند

می گردد و این بت ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه کرده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده‌ی خودمان قرار داده است. این معیارها عبارت‌اند از: ۱- اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند. ۲- بندگی کسانی جز او. ۳- خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی. ۴- تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند.

ریشه‌ی بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.

حل تمرین: برای هر یک از آیات/عبارت‌های زیر نوع توحید را مشخص کنید:

آیه شریفه « ما لهم من دونه من ولی »

آیه شریفه « لا یشرك فی حکمه احداً »

آیه شریفه « و لم یکن له کفو احد »

آیه شریفه « لیس کمثله شیء »

اعتقاد به این که تدبیر و پرورش مخلوقات فقط به دست خداست

آیه شریفه « افرأیتم ما تحرون . اأنتم ترعونه ام نحن الزارعون »

آیه شریفه « نحن جعلناها تذکرة و متاعاً للمقوین . . . با ترجمه اش »

آیه شریفه « و اعلموا ان الله غنی حمید »

آیه شریفه « و لله ما فی السماوات و الارض و الی الله ترجع الامور »

نکته: برخی جوانان مدرس دین و زندگی (!) می‌گویند وجود کلمه (امور) در آیه بالا به معنای توحید مربوط است

ولی باید بگوییم که اینجا هیچ ربطی به توحید مربوط ندارد و فقط به خاطر کامل شدن آیه آمده است و مربوط به

بازگشت امور به خدا است.

آیه شریفه « و لم یکن له شریک فی الملک » توحید.....

«تھا وجود مستقل و بہ خود متکی خداست» توحید.....

آیہ شریفہ «فاعبدوہ هذا صراطاً مستقیماً» توحید.....

آیہ شریفہ «اتخذوا احبارہم و مرہبانہم ارباباً من دون اللہ» توحید.....

آیہ شریفہ «ان اللہ ربی و ربک توحید».....

آیہ شریفہ «فاعبدوہ هذا صراطاً مستقیماً» توحید.....

آیہ شریفہ ۳۱ توبہ «وما امروا الا لیعبدوا الہاً واحداً» توحید.....

عبارت «لا الہ الا اللہ» و «لا الہ الا هو توحید.....

عبارت «... ان اعبدوا اللہ واجتنبوا الطاغوت» توحید.....

عبارت «ومن یسلم وجہہ الی اللہ...» دلالت بر توحید عبادی (عملی) دائر توحید.....

دہر عبارت «خالق کل شیء» فاعبدوہ توحید.....

عبارت «ان تقوموا للہ منی و فرادی» توحید.....

عبارت «فاعبد اللہ» توحید.....

عبارت «لا تعبدوا الشیطان» توحید.....

آیه شریفه «وَأَنْ اعْبُدُونِي تَوْحِيدًا.....»

آیه شریفه «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ تَوْحِيدًا.....»

۵. نکته مهم شرک که همیشه سوال کنکور داشته چیه؟!!

وقتی توانایی انجام کاری را از هر انسانی (پیامبران-امامان-فقها-افراد عادی و ...) بردانیم و این را در طول اراده ی خدا ندانیم در اصل دچار شرک ربوبیت شده ایم مثال: آیه (اتقوا ابراهیم و رهبانوم اربابا من دون الله) وقتی چند فرایی باشیم مثلاً فرای آسمان و فرای زمین در واقع دچار شرک در فالقیت شده ایم. وقتی در مالکیت جهان کسی را شریک خداوند قرار دهیم دچار شرک در مالکیت شده ایم. وقتی ولی بودن رسول خدا را به گونه ای مستقل از ولایت خداوند در نظر بگیریم دچار شرک در ولایت شده ایم. وقتی هر یک از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و فیبر رساندن به دیگران نباشند شرک اجتماعی تحقق می یابد.

۶. نکته مهم درس هستی بخش کجاست؟

(الف) نیازمندی جهان به خدا در پیدایش: (انتم الفقرا الی الله)

مقدمه اول: پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست و به خودمان متکی نیستیم. مقدمه دوم: هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است. (ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش) (شیرین شدن) (یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد) نتیجه: در پیدایش و هستی یافتن نیازمند موجودیت خدا هستیم که سرچشمه هستی است.

(ب) نیازمندی جهان به خدا در بقا: (یات بخلق جدید) (انتم الفقرا الی الله)

رابطه ما با خدا مانند رابطه پرتو های نور با منبع آن

(ج) همه مواردی که به خداوند نور هستی اشاره دارند:

الحمد لله الذی متجلی لخلقه بخلقه

ما رایت شیئاً الا و رایت الله قبله و بعده و معه

دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم...

نکته: معرفت الهی نیازمند پاکی و صفای قلب است که در نوجوان و جوان زیاد وجود دارد.

(د) تفکر در چیستی خدا نکن! ولی در صفات الهی تفکر کن زیرا شناخت صفات و ویژگی های خداوند از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی ممکن است. (نه کاملاً!!!)

(ه) اندیشه و تحقیق به شدت مهم و حیاتی درس اول و نکات آن:

هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُ
تُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْ بِكُمْ بَرْحٌ طَيِّبَةٌ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ
الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن لَّا نَجِّيتِنَا
فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَيَّ
فَتَبَيَّنْتُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

پیام آیات: (در کنکور سراسری دقیقاً به سبک زیر قسمتی از پیام آیات را می دهند و از شما آن آیه را می خواهند یا برعکس)

قوانین حاکم بر طبیعت، مخلوق و محکوم خداوند است. (هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ)

کارهای انسان، به خدا هم نسبت داده می شود، چون قدرت از اوست. با آنکه سیر، عمل انسان است، «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ»، اما می فرماید: (هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ)

انسان هر چه هم پیشرفت کند، از گزند حوادث طبیعی در امان نیست. (جاءتها ريح عاصف)

مرفهان نپندارند که پیوسته در رفاه خواهند بود. (فرحوا بها، أحيط بهم)

حوادث طبیعی، غرور و تکبر انسان را برطرف ساخته، او را در برابر خداوند خاضع می سازد. (دعوا الله)

هنگام خطر، فطرت انسان به یک مبدأ نجات متوجه می شود. (دعوا الله مخلصين)

ایمان و اخلاص باید دائمی باشد، نه موسمی و به هنگام احساس خطر. (أحيط بهم دعوا الله مخلصين)

انسان در هنگامه ی خطر قول می دهد، ولی به رفاه که رسید غافل می شود. (لئن أنجيتنا)

ناسپاسی و کفران نعمت ها، یکی از زمینه های بروز سختی و عذاب است. (لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين)

انسان کافر بی وفا، عهدشکن و ناسپاس است. «فَلَمَّا أَنجَاهُمْ، يَبْغُونَ» (در آیه ی قبل، وعده داد اگر نجات یابد شکر کند، ولی پس از نجات ناسپاسی می کند)

ظلم به مردم، ظلم به خویش است، چون همه از یکدیگریم. (بغيتكم على أنفسكم)

کیفر ستم، هم در دنیا است هم در آخرت. (على أنفسكم، إلینا مرجعکم)

ظالمان، تنها در چند روزه ی دنیا کامیابی دارند که در برابر کیفر قیامت، ناچیز است. (متاع الحياة الدنيا)

ریشه ی ظلم ها، دنیا طلبی انسان است. (متاع الحياة الدنيا)

یاد قیامت، از عوامل بازدارنده ی گناه است. (يا أيها الناس ... إلینا مرجعکم)

خداوند به همه ی کارهای انسان آگاه است و انسان نیز در قیامت از همه ی کارهای خود آگاه خواهد شد. (فتبينکم بما کنتم تعملون)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیر حضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

درس اول: هستی‌بخش



۱- ریشه‌ی وابستگی‌ها نیز است

۱- مرحله‌ی پیدایش
۲- نیازمندی مخلوقات به خدا در دو مرحله
۳- مرحله‌ی بقا

۳- لازم‌ی پرش از هستی موجودات چیست؟ عبور از سطح ظاهری پدیده‌ها

* یا ایها الناس: ای مردم = خطاب عام
أنتُمُ الْفُقَرَاءُ: شما نیازمندان
ألی اللّٰه: به خدا هستید

۱. همه‌ی مخلوقات از جمله انسان، در وجود و هستی خود نیازمند خدا هستند
۲. وابستگی ذاتی همه‌ی مخلوقات از جمله انسان را بیان می‌کند
۳. ارتباط معنایی دارد با شعر:
ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

واللّٰهُ هُوَ: و تنها خدا
الغنی الحمید: بی‌نیاز و ستوده است

۱. تنها وجود بی‌نیاز خداست او در هستی خود به دیگران محتاج نیست
۲. چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد
و نابودش کند، او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ: اگر بخواهد شما را می‌برد
و یاتِ بخلقٍ جدید: و آفرینش جدیدی به وجود می‌آورد
و ما ذلک علی الله بعزیز: و این برای خدا کار دشواری نیست

بردن مخلوقات به عدم و نیستی
و آفرینش مجدد (جایگزین کردن) برای
خداوند کار سخت و دشواری نیست



۱- خداوند در بیان (فقر و نیازمندی) به صفت (غنی و حمید) خود اشاره می‌کند

۲- در قرآن خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او، این نسبت هیچ‌گاه
تخیر نمی‌کند هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است.

*** الله نور السماوات و الارض: خداوند نور آسمانها و زمین است**

- پیام کلی**
- ۱. هر مخلوقی نشان دهنده‌ی خالق خود است
 - ۲. آن گونه که نور خودش روشن است به دیگران روشنی می‌دهد، خداوند خود هست و به دیگران هستی می‌دهد
 - ۳. آیه فوق نیازمندی مخلوقات را در مراحل پیدایش و بقا بیان می‌کند
 - ۴. هر چیزی در این جهان بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود
 - ۵. در آیه‌ی فوق نور به معنای وجود و هستی است
 - ۶. آیه می‌تواند به توحید در خالقیت اشاره داشته باشد (الله نور السماوات و الارض = الله خالق السماوات والارض)

نکات

آیه (الله نور السماوات و الارض) ارتباط معنایی دارند:

۱. اعراب حضرت علی (ع)

* الحمد لله مُتَجَلِّی لِحَلْقِهِ بِخَلْقِهِ: سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد

* ما رأیتُ شیئاً الا و رأیتُ اللهَ قبله و وَبَعْدَهُ و وَمَعَهُ و هیچ چیز را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با

آن مشاهده کردم

۲. اشعار

۱. دل کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید آل خدا دید

۲. به صحرا بنگرم صحرا تو بینم / به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و نوردشت / نشان از قامت رعنا تو بینم

۳. کلمات:

نور- متجلی- تجلی- دید- بنگرم- اولی الابصار- رأیت- من دایته ← همگی با هم ارتباط معنایی دارند

به حدیث پیامبر (ص) توجه کنید:

* لا تفکروا فی ذات الله: در ذات و چیستی خدا فکر

نکنید

تفکروا فی آلاء الله: در نعمت‌های خدا تفکر کنید

- ۱. خداوند حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است در ظرف ذهن‌ها نمی‌گنجد
- ۲. ذهن به حقیقت خدا احاطه پیدا نمی‌کند
- ۳. هر چیستی که برای خدا فرض کنیم او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم
- ۴. شناخت هر چیز مستلزم احاطه و دسترسی است



رابطه‌ی جهان با خدا را با رابطه‌ی ساعت و سزنده‌ی آن مقایسه کنید، و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را بنویسید:
شباهت‌ها:

۱. ساعت و جهان هر دو منظم و دارای هدف هستند.

۲. ساعت و جهان هر دو پدیده‌اند و نیازمند به وجود آورنده هستند.

تفاوت‌ها:

۱. ساعت ساز هستی‌بخش اجزاء نیست و فقط نظم دهنده‌ی اجزاء است، اما خداوند هم هستی‌بخش است و هم نظم دهنده

۲. جهان پس از آفرینش، برای بقا نیز به خالق خود (خداوند) نیازمند است (نیازمندی در مرحله‌ی بقا) ولی ساعت پس از ایجاد، دیگر نیازی به ساعت‌ساز ندارد و نیازش فقط در مرحله‌ی ایجاد است نه بقا

۳. سزنده‌ی ساعت، خود نیز مخلوق و پدیده‌ای است و برای تولید ساعت، نیازمند موادی است که خودش به وجود نیآورده، ولی خداوند پدیده را از ابتدا و هیچ خلق کرده است.

نتیجه: مراحل نیازمندی مخلوقات به خدا

۱. نیازمندی در مرحله‌ی پیدایش (خلق / ایجاد / احداث)

۲. نیازمندی در مرحله‌ی بقا (استمرار / تداوم زندگی)

جمع‌بندی کلی

خداوند (دیگری)	پدیده
۱) واجب‌الوجود (ضروری‌الوجود)	۱) ممکن‌الوجود (ممکن است باشد، ممکن است نباشد)
۲) همواره بوده و هست	۲) نیستی‌اش مقدم بر هستی‌اش است
۳) متکی و وابسته نیست	۳) متکی و وابسته هست
۴) مستقل است	۴) مستقل نیست
۵) نیاز به پدید آورنده ندارد	۵) نیاز به پدید آورنده دارد
۶) وجود خداوند همیشگی است	۶) یک زمانی نبوده سپس به وجود آمده
۷) وجود و هستی از او سرچشمه می‌گیرد	۷) وجود و هستی از او سرچشمه نمی‌گیرد
۸) قائم به ذات هست	۸) قائم به ذات نیست
۹) ذات و حقیقت خداوند وجود و هستی است	۹) ذات و حقیقت پدیده عدم و نیستی است
۱۰) به جز خداوند همه چیز پدیده است	۱۰) انسان و سایر اشیای پیرامون او همگی پدیده هستند

اندیشه و تحقیق

* **وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ** و از آیات اوست که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛
ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند
إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ناگهان همه خارج می شوید

پیام کلمه }
۱. برپا بودن آسمان و زمین به فرمان خداوند، یکی از نشانه‌های اوست. (أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ)
۲. علت نشانه بودن آن‌ها این است که آسمان و زمین، هم در حدوث و ایجاد و هم در بقا و استمرار، نیازمند خداوند هستند و به فرمان او پابرجا می‌باشند



آیه‌ی فوق ارتباط معنایی دارد با:

سال دوم درس ۶: فراخوانی از زمین و خارج شدن از آن **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حَيَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ مِمَّا كَفَرْتُمْ** (دعو من الأرض تخرجون)
سال دوم درس ۸: زنده شدن همگی انسان‌ها **يَوْمَ نَبْعَثُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِمَا كَفَرُوا** (دعو من الأرض تخرجون) «**إِذَا** آنهم تخرجون» آمده است.

«او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛
زمانی که در کشتی ها قرار می گیرید
و آن ها با بادهای موافق، آنان را حرکت می دهند و خوشحال می شوند
ناگهان طوفان شدیدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آن ها می آید؛
و گمان می کنند هلاک خواهند شد؛
در آن هنگام خدا را از روی اخلاص می خوانند که:
«اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.»

اما هنگامی که خدا، آن ها را رهایی بخشید
(باز) به ناحق، در زمین ستم می کنند
ای مردم! ستم های شما فقط به زیان خود شماست
از زندگی دنیا بهره (می برید)، سپس بازگشت شما به سوی ماست؛
و ما، شما را به آن چه عمل می کردید، خبر می دهیم.»

* هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ
وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَوَفَرِحُوا بِهَا
جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ
مَكَانٍ
وَوَدُّوا أَنَّهُمْ يُحَيِّطُ بِهِمْ
دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
لَئِن أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ
إِذَا هُمْ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ
مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ
فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

- پیام کلی
۱. برخی انسان ها زمانی به یاد خداوند می افتند که احساس نابودی و قطع امید از همه عوامل مادی دارند.
 ۲. آیهی شریفه، بیانگر فطری و ذاتی بودن خداپرستی و خداجویی نیز می باشد، به عبارت دیگر همان کسانی که در هنگام خوشی، خداوند را فراموش می کنند، به هنگام قطع امید از همه ی مخلوقات و مکونات، به سوی خدا برمی گردند. یعنی سرشت ایشان، کاملاً خدا آشنا است
 ۳. بدکاری مردم پس از نجات از بحران ها (اذا هم یبغون) نشان دهنده ی عمیق نبودن اعتقادشان به خداوند و به زیان خودشان است. (إنما بغیتم علی أنفسکم)

نکات

آیهی فوق ارتباط معنایی دارد با:

- سال دوم درس ۳: سرشت خدا آشنا یکی از سرمایه های انسان (دعواته مخلصین له الدین)
- سال دوم درس ۶: معاد جسمانی و بازگشت به سوی خداوند (اینها مرجعکم)
- سال دوم درس ۹: تجسم اعمال و مشاهده ی اعمال زینوی در صیامت (ننبلکم بما کنتم تعملون)
- سال چهارم درس ۲: توحید در ربوبیت (هو الذی یرکم فرج البصر)



۱- شعر: «به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم» با کدام مورد ارتباط مفهومی ندارد؟

(۱) الله نور السماوات و الارض

(۲) انتم الفقراء إلى الله

(۳) ما رأيتُ شيئاً إلا ورأيتُ اللهَ قَبْلَهُ و بَعْدَهُ و مَعَهُ

(۴) الحمدُ لله المتجلى لخلقهِ بخلقهِ

۲- کدام گزینه با بقیه ارتباط مفهومی ندارد؟

(۱) دلی کز معرفت نور و صفا دید

(۲) ذات نایافته از هستی بخش

(۳) به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

(۴) به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

به هر چیزی که دید اول خدا دید

کی تواند که شود هستی بخش

به دریا بنگرم دریا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم

۳- بیت: «ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش» با کدام آیه هم مفهوم است؟

(۱) انتم الفقراء إلى الله

(۲) الله لا إله إلا هو

(۳) الله نور السماوات و الارض

(۴) لا إكراه في الدين

۴- شعر: «دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اول خدا دید» با کدام مورد ارتباط مفهومی ندارد؟

(۱) الله نور السماوات و الارض

(۲) الحمدُ لله المتجلى لخلقهِ بخلقهِ

(۳) يا ايها الناس انتم الفقراء إلى الله

(۴) ما رأيتُ شيئاً إلا ورأيتُ اللهَ قَبْلَهُ و بَعْدَهُ و مَعَهُ

۵- نیازمندی وجودی همه مخلوقات به خداوند شامل و می شود.

(۱) نیازمندی در مرحله پیدایش - راهنمایی

(۲) نیازمندی در مرحله بقا - بقا

(۳) نیازمندی در مرحله پیدایش - استقلال وجودی

(۴) نیازمندی در مرحله پیدایش - بقا

۶- هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و محسوب می شود و پیام آیهی شریفهی حاکی از آن است.

(۱) آیهای از آیات الهی - الله نور السماوات و الارض

(۲) آیهای از آیات الهی - و لله ما فی السماوات و ما فی الارض

(۳) نوری از انوار هستی - الله نور السماوات و الارض

(۴) نوری از انوار هستی - و لله ما فی السماوات و ما فی الارض

۷- حدیث شریف «الحمد لله المتجلى لخلقهِ بخلقهِ» بیانگر این است که هر چیزی در این جهان، تجلی وجود خالق و محسوب می شود و انسان نمی تواند به خداوند پی ببرد.

(۱) نوری از انوار هستی - هستی

(۲) نوری از انوار هستی - چیستی

(۳) آیهای از آیات الهی - هستی

(۴) آیهای از آیات الهی - چیستی

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۸- آیهی شریفه‌ی «ان یشا یدهبکم و یأت بخلق جدید» موضوع و را بیان می‌کند.

(۱) بندگی و عبودیت در پیشگاه الهی - نیازمندی مخلوقات به خالق در مرحله‌ی به وجود آمدن

(۲) بندگی و عبودیت در پیشگاه الهی - وابستگی وجودی جهان در بقای خود به خدا

(۳) وابستگی مخلوقات به اراده‌ی الهی - وابستگی وجودی جهان در بقای خود به خدا

(۴) وابستگی مخلوقات به اراده‌ی الهی - نیازمندی مخلوقات به خالق در مرحله‌ی به وجود آمدن

۹- رابطه‌ی وجود داشتن ما با خداوند مانند رابطه‌ی با است از این رو در قرآن کریم خداوند خوانده شده است.

(۲) شعاع‌های نور - روشنایی - غنی

(۱) پرتوهای نور - منبع نور - حمید

(۴) شعاع‌های نور - روشنایی - حمید

(۳) پرتوهای نور - منبع نور - غنی

۱۰- پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «الله نور السماوات و الارض» این است که جهان، در نیازمند به خدا است و تمام موجودات اند.

(۲) پیدایش و هستی یافتن - آیه‌ای از آیات الهی

(۱) پیدایش و بقا - آیه‌ای از آیات الهی

(۲) پیدایش و هستی یافتن - نوری از انوار وجود

(۳) پیدایش و بقا - نوری از انوار وجود

تست	۸	۹	۱۰
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

پایان درس اول

درس دوم: یگانہ بی ہمتا



توحید:

۱. روح دین توحید است
 ۲. مهم ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین توحید است
 ۳. بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگر (نبوت - معاد) اعتبار ندارد
 ۴. نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایہ افکنده است
 ۵. نگرش توحیدی در پیکره کی معارف و احکام دین حضور دارد و به این پیکره حیات بخشیده است
 ۶. اعتقاد به توحید در زندگی فردی و اجتماعی انسان تاثیر دارد
- اصل توحید: اعتقاد به این کہ خداوند یگانہ است و شریک و همقایی ندارد ← احد
← واحد



- | | | |
|--|-----------------------|--------------------|
| <p>۱. خاصیت ← (خ - ق) ← خلق کردن
← آفرینش</p> <p>۲. مالکیت ← لله - ملک - مالک</p> <p>۳. ولایت ← ولی، ولائیشیرک فی حکمه احداً</p> <p>۴. ربوبیت ← (ر) - هدایت - پيشا</p> | <p>(۱) نظری (خبر)</p> | <p>مراتب توحید</p> |
| <p>۱. فردی</p> <p>۲. اجتماعی</p> | | |
- ← موضوع درس ۳

- * قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ: بگو خداوند آفریننده‌ی هر چیزی است < توحید در خالقیت
- * وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ: و او یگانه قهار (غالب) است < اصل توحید یگانه بودن خداوند (احد) در هستی بخشی (خالق) را بیان می‌کند
- * قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو او خدایی یکتاست < اصل توحید (خداوند در ذات خود یکتاست)
- * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: و برایش هیچ همتایی نیست < اصل توحید

شُرک در خالقیت	توحید در خالقیت
<p> </p> <p> خدای ماه خدای خورشید خدای تاریکی خدای روشنایی خدای برف خدای باران فقط ماه فقط خورشید فقط تاریکی فقط روشنایی فقط برف فقط باران خلق می‌کند خلق می‌کند خلق می‌کند خلق می‌کند خلق می‌کند خلق می‌کند </p> <p>* اگر تصور کنیم که دو یا چند خدا وجود دارد که هر کدام خالق بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند در واقع هر کدام از آن‌ها را محدود و ناقص فرض نموده‌ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالاتی را دارا باشد که دیگری آن کمالات را ندارد. وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند، چنین خدایانی ناقص و نیازمند هستند و هر یک به خالق و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید.</p>	<p> (۱) تنها مبدأ و خالق جهان خداوند است (۲) موجودات جهان همه از خدا هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد (۳) جهان از خداوند است (از او بی جهان) (۴) جهان از اصل‌های متعدد پدید نیامده است (جهان از یک اصل به وجود آمده است) (۵) قرآن کریم این حقیقت بزرگ (توحید در خالقیت) را به انسان‌ها یادآوری می‌کند و از هر گونه شرک انذار می‌دهد </p>



تنها مبدأ و خالق جهان خداست (توحید در خالقیت)
چند مبدأ < اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان (شُرک در خالقیت)

* وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ: و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است
و الی الله تُرْجَعُ الْأُمُورُ: به سوی خداوند کارها بازمی گردند

توحید در مالکیت

- پیام کَلِّے
- ۱. چون خداوند خالق جهان است، پس مالک جهان است
 - ۲. مالک حقیقی و اصیل خداست و سایر مالکیتها قراردادی و اعتباری است
 - ۳. رابطه مالکیت انسان با مالکیت خداوند یک رابطه‌ی طولی است
 - ۴. چون مخلوقات جهان و آثارشان از خداست پس مالک اصلی و حقیقی آن فقط خداست
 - ۵. تُرْجَعُ الْأُمُورُ { (۱) معاد
(۲) هدفداری
(۳) حکمت خدا

* مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ: برای آنان جز خدا سرپرستی نیست
و لا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا: و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی گیرد

توحید در ولایت

- پیام کَلِّے
- ۱. فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی او شریک نیست
 - ۲. هر گونه تصرف در جهان، حق او و شایسته خداوند است
 - ۳. چون خداوند مالک حقیقی جهان است لذا بر آن ولایت دارد
 - ۴. خداوند بخشی از ولایت خود را به دیگران واگذار نمی کند
 - ۵. خداوند در هر حال ولی همه مخلوقات است

* أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ: آیا به آنچه می‌کارید توجه کرده‌اید؟
أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ: آیا شما آن را زراعت می‌کنید؟
أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ: یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟

توحید در ربوبیت

- پیام کلی
- خداوند رب العالمین است
 - صاحب اختیاری است که تدبیر همه‌ی امور هستی به دست اوست
 - اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست
 - بی‌نیازی خداوند در اداره‌ی این جهان
 - خداوند که تنها خالق تمام جهانیان است به‌طور طبیعی تدبیر و پرورش همه مخلوقات را نیز در اختیار دارد
 - اوست که جهان را اداره می‌کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می‌کند و پیش می‌برد

شرک در ربوبیت:

- اگر کسی در کنار ربوبیت الهی برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند
- اگر کسی فکر کند غیر خدا می‌تواند امور را تدبیر کند
- اگر کسی فکر کند پزشک به تنهایی شفا می‌دهد
- اگر کسی فکر کند پیامبر به تنهایی شفا می‌دهد

نکات

توحید در ربوبیت بدین معنا نیست که موجودات به‌خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند باغبانی که زحمت می‌کند و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درخت نتیجه‌ی تدبیر اوست. بلکه توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند.



۱- عقیده به توانایی پیامبر (ص) در شفای بیمار جزء توحید در است که بعد از وفات ایشان ادامه زیرا

(۱) ربوبیت - ندارد - اعجاز ایشان در زمان زنده بودنشان است.

(۲) ربوبیت - دارد - روح مطهر ایشان بعد از مرگ زنده است.

(۳) ربوبیت - ندارد - اعجاز ایشان در زمان زنده بودنشان است.

(۴) خالقیت - دارد - روح مطهر ایشان بعد از مرگ زنده است.

۲- چرا قرآن خطاب به کسانی که سر به طغیان برداشته و خود را مستقل از خدا دیده‌اند، می‌فرماید: «أنتم تزرعونه أم نحنُ

الزارعون»

(۱) زیرا دچار شرک ذاتی شده‌اند. (۲) زیرا توحید در ولایت ندارند.

(۳) زیرا دچار شرک عبادی شده‌اند. (۴) زیرا توحید در ربوبیت و تدبیر ندارند.

۳- آیهی شریفه‌ی «قل هو الله احد» مبین کدام مفهوم است؟

(۱) اعتقاد به معاد که سایر احکام دینی وابسته به آن است. (۲) اعتقاد به توحید که سایر اعتقادات دینی وابسته به آن است.

(۳) اعتقاد به ولایت و نبوت الهی در پذیرش دین. (۴) اعتقاد به توحید و گسترش معاد در سرتاسر آیات الهی.

۴- کدام گزینه با آیهی شریفه‌ی «ما لهم من دونهی من ولی» ارتباط مفهومی دارند؟

(۱) قل هو الله احد (۲) ولا یُشْرک فی حُکْمِهِ أَحَدًا

(۳) پایه و اساس دین توحید است. (۴) اعتقادات دینی وابسته به معاد هستند.

۵- بدون اعتقاد به هیچ اعتقاد دیگری ارزش و اعتبار ندارد؟

(۱) توحید - دینی (۲) معاد - علمی (۳) امامت - دینی (۴) روح - علمی

۶- آیهی شریفه‌ی «افرايتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون» بیانگر توحید در می‌باشد و بدان معناست که

.....

(۱) خالقیت - باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند مالک باغش است.

(۲) ربوبیت - باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند مالک باغش است.

(۳) ربوبیت - زارع حقیقی و پرورش دهنده‌ی اصلی درختان و گیاهان خدا است.

(۴) خالقیت - زارع حقیقی و پرورش دهنده‌ی اصلی درختان و گیاهان خدا است.

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۷- آیات کریمه‌ی «افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون»، «و لله ما فی السماوات و ما فی الارض» و «... لا یشرک فی حکمه احدا» به ترتیب بیانگر کدام شاخه‌های توحید است؟

- (۱) ولایت - ربوبیت - مالکیت
(۲) مالکیت - ولایت - ربوبیت
(۳) ربوبیت - مالکیت - ولایت
(۴) مالکیت - ربوبیت - ولایت

۸- اگر کسی تصور کند که خداوند برخی از کارهای جهان را به مخلوقات خود واگذار کرده به است و قرآن کریم خطاب به آنان می‌فرماید:

- (۱) هیچ‌گونه شرکی گرفتار نشده - افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون
(۲) شرک در ربوبیت دچار شده - افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون
(۳) هیچ‌گونه شرکی گرفتار نشده - و لله ما فی السماوات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور
(۴) شرک در ربوبیت دچار شده - و لله ما فی السماوات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور

۹- از آیه‌ی شریفه‌ی استنباط می‌شود فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی او شریک نیست.

- (۱) قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار
(۲) ... ما لهم من دونه من ولی و لا یشرک فی حکمه احدا
(۳) افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ...
(۴) و لله ما فی السماوات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور

۱۰- از دقت در کدام مورد، به ترتیب، توحید در ولایت و توحید در ربوبیت، مفهوم می‌گردد؟

- (۱) و الی الله ترجع الامور - و ما امروا الا لیعبدوا الیها واحدا لا اله الا هو
(۲) و لا یشرک فی حکمه احدا - و ما امروا الا لیعبدوا الیها واحدا لا اله الا هو
(۳) و لا یشرک فی حکمه احدا - افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون
(۴) و الی الله ترجع الامور - افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون

تست	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

پایان درس دوم

درس سوم: حقیقت بندگی



۱. پرستش خدا
۲. اطاعت از خدا
۳. جلب رضایت خدا

(۱) توحید عملی (عبادی)

۱. بُعد فردی (شخصیت یگانگی): یعنی تمام کوشش‌ها، تمایزات و تصمیمات و فعالیت‌ها جهت الهی داشته باشد

(۲) توحید عملی (عبادی)

۱. سیاسی
۲. اقتصادی ≠ طاعت
۳. فرهنگی

۲. بُعد اجتماعی: نظام الهی

۳) اگر آیهای داشتیم که قمتی از آن توحید نظری و قمتی دیگر توحید عملی باشد: { توحید نظری همواره علت است
توحید عملی همواره معلول است }

پس نتیجه می‌گیریم ← توحید عملی میوه و ثمره‌ی توحید نظری است.

۴) اگر آیهای داشتیم که قمتی از آن توحید نظری و قمتی دیگر توحید عملی باشد:
← توحید نظری را در نظر نمی‌گیریم جواب توحید عملی است.

۵) شعر زیر اشاره به توحید عملی (عبادی) دارد:

بر آستان جانان کج سر توان نهادن
چلبانگ سر بلندی بر آسمان توان زد

بندگی (متبوع، گرو، علت)
(معلول، تحقق)

نقته: شعر ارتباط معنایی دارد با آیات: ۱. وَ مَنْ يُسْلِمْ ...
۲. وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا ...

* إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ: قطعاً خداوند پروردگار من و شماست ← توحید ربوبیت
فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ: پس او را بپرستید این است راه استوار ← توحید عملی (عبادی)
توحید عملی میوه و ثمره
توحید در ربوبیت است

* الْحَمْدُ لِلَّهِ: سپاس خدای را ← توحید عملی (عبادی)
رَبِّ الْعَالَمِينَ: که پروردگار جهانیان است ← توحید در ربوبیت
توحید عملی میوه و ثمره
توحید در ربوبیت است



با بررسی جزیه‌جزو آیات فوق به یک پیام رسیدیم پس نتیجه می‌گیریم هر دو آیه هم مفهوم هستند

* **إِتَّخَذُوا أَخْبَارَ هُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ: دانشمندان و راهبانشان را**
 ارباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خداوند به پروردگاری گرفتند
 وَ الْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ: و همچنین مسیح پسر مریم را
 و ما أَمْرًا: در حالی که مأمور نبودند

◀ شرک عملی جنبه اجتماعی
 (پیروی کردن از مشرکین)

الَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ وَاحِدًا: جز آنکه خداوند یکتا را بپرستند
 لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ: هیچ معبودی جز او نیست

◀ توحید عملی و توحید نظری (جامع ابعاد توحید)

سُبْحَانَهُ وَ عَمَّا يُشْرِكُونَ: پاک و منزّه است از آنچه که به او همراه و شریک می گیرند

◀ تنزیه و تسبیح از مراتب توحید عملی است



در پیام آیهی بالا هشدار دادن و برهنگرداشتن غلط است.

* **وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رُسُلًا: در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم**

◀ وحدت در دعوت پیامبران

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ: که خدا را بپرستید

◀ توحید عملی جنبه اجتماعی (ضرورت تشکیل نظام الهی)

وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ: و از طاغوت دوری کنید

◀ نفی شرک عملی جنبه اجتماعی (ضرورت اجتناب از طاغوت)

پیام کلی

۱. اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خدا نباشد نابه جا و غلط است
۲. اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت از جانشینان آن حضرت لازمه توحید عملی است
۳. بعثت انبیاء برای دعوت مردم به پرستش خدا باید همراه نفی طاغوت و بعد اجتماعی توحید عبادی باشد
۴. هدف بعثت انبیا دعوت به توحید عملی و نفی شرک است

* **وَ مَنْ يُنْسِلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُخْسِنٌ: هر کس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد**

◀ منزلت نتیجه‌ی

بندگی است

فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى: قطعاً به ریسمان استواری چنگ زده

◀ منزلت (معلول)

وَ إِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: و سرانجام کارها به سوی خداست

◀ اشاره به بازگشت و معاد



بررسی جز به جز آیه:

۱. **حَلَمَاتٍ: یُطِمْ وَ هُوَ** - توحید عملی بعد فردی هستند که بیان شخصیت یک انسان موحد است.

۲. **فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى** - کارهای تمسک به دستاوردهای مطمئن برخوردار از توحید در عبادت است.

۳. **عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: اشاره به معاد که حقیقتی است** همدار و نشانی حکمت خداست.

* ایاکَ نَعْبُدُ و ایاکَ نَسْتَعین: فقط تو را عبادت می‌کنیم و از تو یاری می‌جوئیم

پیام کَلَمَے
 ۱. توحید عملی جنبه اجتماعی (توحید در عبادت)
 ۲. حصر بندگی و استعانت در خداوند



۱. اگر بعد از آن تفلحوا باشد (حدیث از پیامبر (ص))
 ۲. اگر بعد از آن حصنی باشد (حدیث از امام رضا (ع))
 لا اله الا الله:

* قولوا لا اله الا الله: بگوئید لا اله الا الله (عَلَمَے)
 لازم می‌آید رسالتی گفتن لا اله الا الله است
 تفلحوا: رسالت شویید (معلوم)

* کلمة لا اله الا الله حصنی: کلمه محبوبی جز الله نیست در متکلم من است
 فَمَنْ دَخَلَ حصنی: پس هر کس داخل در من شود
 اَمِنَ مِنْ عَذَابِی: از عذاب من در امان است
 سخنان پیامبر:

۱) نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه پر محتوا مانند «لا اله الا الله» نقتلیم.
 ۲) این کلمه در است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند به همین جهت خداوند این کلمه را در مکتب خود نامیده است.
 توحید نظری توحید عملی
 نکته:

۱. مهم ترین شعار اسلام لا اله الا الله است.
۲. لا اله الا الله نغمه محبوبه های ساخته شده (بت).
۳. الا الله اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است.



تست

۱- در کدام گزینه علت عبارت: «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» به درستی بیان شده است؟

- (۱) مَنْ يُسَلِّمُ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ
(۲) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
(۳) لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ إِعْبُدُوا اللَّهَ
(۴) وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِيعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا

۲- کدام یک از آیات زیر فقط به توحید در عبادت اشاره دارد؟

- (۱) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
(۲) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
(۳) قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ
(۴) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۳- قرآن در مورد کسی که می فرماید: «فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» و دو شرط لازم برای چنگ زدن به ریسمان الهی عبارتند از و

- (۱) خود را تسلیم خدا کند و مؤمن باشد - اسلام - ایمان
(۲) خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد - اسلام - احسان
(۳) به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نیکوکار باشد - اسلام - ایمان
(۴) ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد - اسلام - احسان

۴- شرک عملی در مقابل چه چیزی قرار دارد و چند مرحله است؟

- (۱) توحید خالقیت - دو مرحله
(۲) توحید عملی - دو مرحله
(۳) توحید خالقیت - سه مرحله
(۴) توحید عملی - سه مرحله

۵- تمام آیات به جز آیهی بر یک مفهوم دلالت دارند.

- (۱) وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِيعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
(۲) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
(۳) وَمَنْ يُسَلِّمُ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
(۴) وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ إِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

۶- پیام آیهی شریفه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ إِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» کدام است؟

- (۱) اتمام حجت پیامبران بر امت‌های خود و نفی شرک در پرستش
(۲) اتمام حجت پیامبران بر امت‌های خود و طاغوت‌زدایی دعوت آنان
(۳) وحدت انبیاء، تحقق توحید خالقیت و قبول توحید در ربوبیت
(۴) وحدت انبیاء، تحقق توحید عبادی و نفی شرک در پرستش

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۷- پیام تمام آیات، به جز آیهی شریفه‌ی تحقق توحید عملی اجتماعی است.

(۱) ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم

(۲) و ما امرنا الا لیعبدوا الهما واحدا لا اله الا هو

(۳) و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

(۴) و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی

۸- اطاعت از رسول گرامی اسلام (ص) و اطاعت از جانشینان آن حضرت لازمه‌ی توحید است که توحید

..... می‌باشد و پیام آیه‌ی شریفه‌ی حاکی از آن است.

(۱) عملی - نتیجه‌ی - نظری - ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم

(۲) نظری - نتیجه‌ی - عملی - ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم

(۳) نظری - مقدمه‌ی - عملی - و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

(۴) عملی - مقدمه‌ی - نظری - و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

۹- توحید عملی در فرد به صورت است و تجلی توحید عملی در جامعه می‌باشد.

(۱) یگانه شدن انسان برای خدا - اطاعت از پیامبر (ص) (۲) اعتقاد خالص به خدا داشتن - اطاعت از پیامبر (ص)

(۳) یگانه شدن انسان برای خدا - تحقق قسط و عدالت (۴) اعتقاد خالص به خدا داشتن - تحقق قسط و عدالت

۱۰- آیات شریفه‌ی «الذین یذکرون الله قیما و قعودا...»، «و من یتول الله و رسوله...» و «و من یسلم وجهه الی الله و هو

محسن» به ترتیب بیانگر کدام بعد از ابعاد توحید است؟

(۱) ربوبیت - عبادی - عبادی (۲) عبادی - ولایت - عبادی (۳) ربوبیت - عبادی - ربوبیت (۴) عبادی - ولایت - ربوبیت

۱۱- کدام آیه‌ی قرآن کریم از سوره‌ی مبارکه‌ی «حمد» بیانگر توحید در عقیده و نظر نیست؟

(۱) مالک يوم الدين (۲) بسم الله الرحمن الرحيم (۳) الحمد لله رب العالمين (۴) ایاک نعبد و ایاک نستعین

تست	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

پایان درس سوم

درس چهارم: در مسیر اخلاص



۱) جن و انس را نیافریدیم مگر برای بندگی }
 ۱. آفرینش جن قبل از انسان بوده
 ۲. جن و انس دارای تکلیف و اختیار هستند.
 ۳. ظننی (هدف) جن و انس عبودیت است (هدف میانه)

۲) تنها موعظه‌ی خدا و پیامبر به مسلمانان ← تقوموا لله ← قیام برای خدا (اخلاص)

۳) تنها سؤال خدا از کسانی که دنبال هوس و هوس می‌روند }
 ۱. ألم اعهد اليكم يا بني آدم
 (آیا با شما عهد نبستم بودن ای فرزندان آدم)
 ۲. أن اعبدوني (بندگی خدا)

۴) }
 مخلص: اخلاص در بندگی
 مخلص: عدم تفویض شیطان در انسان

* قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ: بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم }
 تنها موعظه‌ی پیامبر و خدا به مسلمانان
 آن تقوموا لله: که برای خدا قیام کنید

مثنی: دوه‌دو } در کار خالصانه جماعت بهتر است - توحید عملی اجتماعی
 و فرادی: یا یک نفر یک نفر } در کار خالصانه تعداد اصل نیست - توحید عملی فردی
 ثم تفكروا: سپس بیندیشید } در کار خالصانه تعجیل کنیم
 خداوند پس از قیام دعوت به تفکر می‌کند زیرا تفکر موجب بینش عمیق می‌شود



۱- تقوموا لله (اخلاص در بندگی) }
 ۱. تمام جهت‌گیری‌ها سمت و سوی الهی پیدا کند.
 ۲. کارها فقط برای رضای خدا انجام شود.
 ۳. هوای نفس و شیطان در کارها و اعمال ما نباشد.

۲- در آیه‌ی فوق حُجْنِ فَعَلِنَ به دنبال حُجْنِ فاعِلِنِ است.
 ۳- آیه‌ی فوق می‌گوید که زندگی عرصه‌ی عبادت و بندگی است.

* **إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ: ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم** < نزول هدفدار قرآن < هدف از نزول کتاب اخلاص
فَاعْبُدِ اللَّهَ: پس خدا را پرستش کن < توحید عملی یا عبادی
مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ: و دین خود را برای او خالص گردان < اخلاص در بندگی
 در بندگی و عبودیت است < دعوت قرآن به اخلاص



به هر میزان در جهت اخلاص پیش تر، مقام نزد خدا گرامی تر و درجه در بهشت بالاتر است.

* **أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ: مگر با شما عهد نکردم** < خداوند انسان هایی را که به دنبال هوس می روند مورد سؤال قرار می دهد
یا بنی آدم: ای فرزندان آدم < یکسانی مقام و منزلت زن و مرد در عبودیت
أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ: که بندگی شیطان را نکنید < نفی شرک عملی جنبه اجتماعی = مبارزه با طاغوت
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ: که او بر شما دشمنی آشکار است < وصف شیطان
وَإِنْ أَعْبَدُونِي: مرا بندگی کنید < توحید عملی جنبه اجتماعی = برپایی نظام الهی
هذا صراطٌ مُسْتَقِيمٌ: این راهی راست است < توحید عملی

پیام کلمه
 ۱. گرایش فطری به اخلاص را بیان می کند
 ۲. انسان همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنه‌ی انتخاب یکی از این دو راه است
 ۳. خداوند گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله‌ی پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است

* **كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ: این گونه بازگردانندیم**
عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ: از او بدی و زشتکاری را < (معلول)
إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ: چرا که او از بندگان مخلص ما بود < (علت)

پیام کلمه
 ۱. فلسفه منصرف شدن یوسف مخلص شدن یوسف است
 ۲. اولین میوه‌ی اخلاص عدم نفوذ وسوسه‌های شیطان در مؤمن با اخلاص است
 ۳. نجات انسان شایسته از وسوسه‌های شیطان می‌باشد و هشدار می‌دهد که انسان که راه نجات، آراستگی به اخلاص است
 ۴. علت نجات حضرت یوسف (ع) رسیدن او به درجات بالای اخلاص بوده است
 ۵. آیه ارتباط معنایی دارد با
 بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

نکات

راه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

(۱) تقویت روحیه حوق پذیری

آیه: نَعْقِلْ - سَعِير

نکته: اولین قدم < تقویت روحیه حوق > نَعْقِل

(۲) افزایش معرفت به خدا: اولین کلمه‌ی شعرهایی که با < آفرینش > مهر <

(۳) راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او

آیه: وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

(۴) یاد معاد و روز حساب

آیه: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ...

(۵) انجام عمل صالح (اهتمام به عمل صالح)

آیه: جَاهِدُوا + فِينَا

- * وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا: کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کردند.
- لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم.
- وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است.
۱. برای پیشرفت در توحید عبادی، اهتمام به عمل صالح لازم است تا عنایت‌های الهی، شامل حال انسان گردد
۲. اهتمام به عمل صالح که از راه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص است

نکات

عمل صالح:

۱- انسان را پرورش می‌دهد.

۲- وجودش را خالص می‌سازد.

۳- خداوند راه و مسیر را به او نشان می‌دهد.

۴- خداوند او را بیشتر هدایت می‌کند.

* **لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ: اگر می شنیدیم یا تعقل می کردیم** < (علت) < ۱. برای پیشرفت در توحید عملی حق پذیری لازم است
 ما كُنَّا فِي اصْحَابِ السَّعِيرِ: در میان دوزخیان نبودیم < (معلول) < ۲. تقویت روحیه حق پذیری که از راه های رسیدن به اخلاص است

نکات

۱) کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است به آسانی وارد مسیر بندگی می شود و به سرعت قلبهای موقفیت را می بیند.
 عت (معلول) معلول معلول

۲) آیه فوق (تعقل - سعیر) ارتباط معنایی دارد با آیه «فبشر عباد الذین یستمعون القول...»

* **وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: و نماز را برای یاد من به پا دار** < راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او از راه های پیشرفت توحید عملی و اخلاص

نکات

۱- فواید راز و نیاز و عرض نیاز به پیشگاه خدا < ۱. محبت خدا را در قلب تقویت می کند
 < ۲. غفلت را کنار می زند
 < ۳. انسان از امدادهای الهی بهره مند می شود

۲- چون نماز در پنج نوبت در شبانه روز انجام می شود، به طور مداوم ما را به یاد خدا می اندازد و حضور او را در زندگی ها تقویت می کند

۳- این آیه به «توحید عملی یا عبادی» اشاره دارد

نکات

حُجْنُ فَاعِلِي وَ فَعْلِي

حُجْنُ } ۱. فاعل: نیت، روح عمل، قصد، هدف (شرط اول)
 ۲. فعل: شکل، ظاهر عمل (شرط دوم)

نقته: } ۱. حُجْنُ فَاعِلِي يَكُ حُجْنُ فَعْلِي رَا بِي دَنْبَالٍ دَارِدُ.
 ۲. حُجْنُ فَعْلِي هَمَوَارِهٌ بِي دَنْبَالٍ حُجْنُ فَاعِلِي اسْت.

به حدیث پیامبر (ص) توجه کنید:
 نِيَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ: نیت مؤمن برتر < حُجْنُ فَاعِلِي
 مِنْ عَمَلِهِ: از عمل اوست < حُجْنُ فَعْلِي
 پیام: در انجام هر عمل < حُجْنُ فَعْلِي
 هم باید نیت درونی و قلبی انسان الهی باشد < حُجْنُ فَاعِلِي
 هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده انجام شود < حُجْنُ فَعْلِي

نقته:
 ۱. انسان اگر هم حُجْنُ فَعْلِي و هم حُجْنُ فَاعِلِي داشته باشد < با اخلاص است
 ۲. انسان اگر حُجْنُ فَعْلِي داشته باشد، حُجْنُ فَاعِلِي نداشته باشد < ریاضت است.
 ۳. انسان اگر حُجْنُ فَعْلِي و فاعلی نداشته باشد < مشرب است.

بررسی اشعار درس:

* آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
راه‌های رسیدن به اخلاص است افزایش معرفت به خدا که از



اگر کسی پرده‌ی غفلت را کنار نبرد، همچنان نایب خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

* مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود
پیام کَلِّ \leftarrow افزایش معرفت به خدا که از راه‌های رسیدن به اخلاص است

* بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند
پیام کَلِّ \leftarrow توحید عملی یا اخلاص در بندگی

* همچو سلمان در مسلمانی بکوش ای مسلمان تا که سلمانت کنند
پیام کَلِّ \leftarrow زندگی عرصه‌ی بندگی و عبودیت است

معانی احادیث پیامبر حتماً حفظ شود.

یا بَنِي آدَمَ ای فرزندان آدم،
أَنَا غَنِيٌّ لَا أَتَقَرُّ من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم
أَطِئْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ مرا در آن چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَتَقَرُّ تا تو را آن چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی

یا بَنِي آدَمَ ای فرزندان آدم،
أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم
أَطِئْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ مرا در آن چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ تا تو را زندگی‌ای بخشم که نمیری

یا بَنِي آدَمَ ای فرزندان آدم،
أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ من به هر چه می‌گویم «باش»، می‌شود
أَطِئْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ مرا در آن چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ که به هر چیز بگویی «باش»، بشوی



۱- منظور از «صراط مستقیم» در قرآن توحید در است؟ کسانی که در دنیا تعقل نمی‌کنند و به سخن حق گوش نمی‌دهند در قیامت جزء اصحاب قرار می‌گیرند.

(۱) عبادت - جهیم (۲) خالقیت - سعیر (۳) عبادت - شمال (۴) عبادت - سعیر

۲- طبق آیات قرآن تنها موعظه و پند و اندرز پیامبر (ص) چیست؟ اولویت اول و مهم در انجام آن فردی است یا اجتماعی؟

(۱) اقم الصلاة لذكري - به صورت جماعت و اجتماعی (۲) اقم الصلاة لذكري - به صورت فردی و تنهایی

(۳) أن تقوموا لله - به صورت فردی و تنهایی (۴) أن تقوموا لله - به صورت جماعت و اجتماعی

۳- کدام گزینه جزء پنج برنامه برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص نیست؟

(۱) راز و نیاز با خداوند، یاد معاد و روز حساب (۲) اهتمام به عمل صالح، تقویت روحیه حق‌پذیری

(۳) توبه، توکل بر خدا (۴) افزایش معرفت به خدا، یاد معاد

۴- اولین ثمره‌ی اخلاص، است که پیام‌آیه‌ی شریفه‌ی حاکی از آن می‌باشد.

(۱) زندگی سالم و به دور از فساد و احساس اطمینان و آرامش روانی - ... کذلک لنصر فعنها لسوء والفحشاء انه ...

(۲) زندگی سالم و به دور از فساد و احساس اطمینان و آرامش روانی - الم اعهد اليکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشيطان انه ...

(۳) عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص - ... کذلک لنصر فعنها لسوء والفحشاء انه ...

(۴) عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص - الم اعهد اليکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشيطان انه ...

۵- پیام‌آیه شریفه‌ی «لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر» این است که برای پیشرفت در توحید، لازم است تا شامل حال انسان گردد.

(۱) عبادی - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - عنایت الهی

(۲) ذاتی - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - عنایت الهی

(۳) عبادی - افزایش معرفت به خداوند - عدم نفوذ شیطان

(۴) ذاتی - افزایش معرفت به خداوند - عدم نفوذ شیطان

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱
	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲
	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳
	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴

۶- پیام آیات شریفه‌ی «یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک ...: ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد ...» و «لو کنا نسمع او نعقل ...» به ترتیب بیانگر و که از لوازم برنامه‌ریزی برای است، می‌باشد.

۱) یاد معاد و روز حساب - افزایش معرفت به خداوند - اخلاص

۲) راز و نیاز با خداوند - افزایش معرفت به خداوند - ایمان

۳) راز و نیاز با خداوند - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - ایمان

۴) یاد معاد و روز حساب - تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - اخلاص

۷- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری» یکی از برنامه‌های مورد توجه برای وصول به حقیقت است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی مفید این معنی است.

۱) خلوص در اعتقاد - لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر

۲) اخلاص در بندگی - لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر

۳) اخلاص در بندگی - والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

۴) خلوص در اعتقاد - والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

۸- اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص است، و کسانی که به این ندا پاسخ مثبت ندهند در قیامت حسرت‌زده و ناامید، می‌گویند:

۱) حق‌پذیری - ان لا تعبدوا الشیطانَ اِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

۲) انجام عمل صالح - ان لا تعبدوا الشیطانَ اِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

۳) انجام عمل صالح - لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر

۴) حق‌پذیری - لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر

۹- مفهوم دو بیت زیر، بیان حال چه کسانی است؟

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار»

۱) کسانی که با افزایش معرفت به خداوند انگیزه بندگی را افزایش می‌دهند.

۲) کسانی که با افزایش معرفت در توحید عبادی انگیزه اعتقادی را افزایش می‌دهند.

۳) کسانی که برای تقویت عبودیت و توحید عبادی، توجه مداوم به معاد و روز حساب دارند.

۴) کسانی که در مقابل حق خاضع هستند و وقتی حقیقت را دریافت می‌کنند، تسلیم آن می‌شوند.

تست	۶	۷	۸	۹
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۱۰ - «مسدود بودن راه نفوذ شیطان و مایوس شدنش از انسان» از ثمرات بهره‌مندی از است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی حاکی از آن است.

(۱) ایمان - انا انزلنا الیک الكتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

(۲) اخلاص - انا انزلنا الیک الكتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

(۳) اخلاص - كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین

(۴) ایمان - كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین

۱۱ - از آیه‌ی شریفه‌ی «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا الله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» توحید در به معنای مفهوم می‌گردد.

(۱) خالقیت - یگانه شدن انسان برای خدا (۲) خالقیت - اعتقاد به یگانگی خداوند

(۳) عبادت - اعتقاد به یگانگی خداوند (۴) عبادت - یگانه شدن انسان برای خدا

۱۲ - اگر در عبادتی حسن فعلی داشته باشد اما حسن فاعلی همراه آن نباشد، دچار شده‌ایم. بنابراین حسن به‌طور طبیعی حسن را به دنبال می‌آورد.

(۱) انحراف - فاعلی - فعلی (۲) انحراف - فعلی - فاعلی (۳) ریا - فاعلی - فعلی (۴) ریا - فعلی - فاعلی

۱۳ - از آیه‌ی شریفه‌ی «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا الله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» و بیت مفهوم می‌گردد.

(۱) اخلاص در بندگی - دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

(۲) اخلاص در بندگی - بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

(۳) توحید در ربوبیت - دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

(۴) توحید در ربوبیت - بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

۱۴ - اگر بگوییم: «عمل صالح انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را از زنگارها، صیقل می‌بخشد و موجب کسب فیض خداوند در ادامه‌ی مسیر و هدایت افزون‌تر الهی می‌شود.» پیام کدام آیه را ترسیم کرده‌ایم؟

(۱) انا انزلنا الیک الكتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

(۲) والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین

(۳) الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطانَ إِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

(۴) من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا ... فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تست	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
گزینه	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱
	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲
	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳
	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴

۱۵ - با توجه به آیهی «قل انما اعظکم بواحدة...» خداوند مردم را تنها به یک چیز اندرز می‌دهد و آن است و لازمه‌ی اولین قدم در این امر آمدن به دنباله‌ی است.

۲) تفکر در معرفت الله - حسن فعلی - حسن فاعلی

۱) تفکر در معرفت الله - حسن فاعلی - حسن فعلی

۴) قیام برای خداوند - حسن فعلی - حسن فاعلی

۳) قیام برای خداوند - حسن فاعلی - حسن فعلی

۱۵	تست 
<input type="radio"/> ۱.	گزینه 
<input type="radio"/> ۲.	
<input type="radio"/> ۳.	
<input type="radio"/> ۴.	

چهارم
پایان درس

درس پنجم: قدرت پرواز

* انا هَدِيْنَةُ السَّبِيلِ: همانا ما راه [حق و باطل] را به انسان نشان دادیم < فلسفه‌ی نبوت < رابطه‌ی فلسفه‌ی نبوت با اختیار
إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا: یا سپاسگذار است یا ناسپاس < اختیار < اختیار حقیقی وجدانی و مشهود است

نکات

- ۱- با توجه به عبارت هَدِيْنَةُ السَّبِيلِ تَوْحِيدِ دَر رِبُوبِيَّةِ رَا تَبِيْهَةٌ كَرَفَتْ.
- ۲- آیه با آیه‌ی «قَدْ جَاءَ كُمْ بَصَائِرٌ مِّمَّنْ أَبْصَرُ فَسَفَهُ» ارتباط معنایی دارد چون هر دو درباره‌ی اختیار است.
- ۳- آیه به اختیار اشاره دارد که از تقریرات الهی است یعنی از ویژگی‌های انسان است.
- ۴- آیه به سنت امداد اشاره دارد.

* قَدْ جَاءَ كُمْ: به راستی آمده است نزد شما < خداوند از شیوه‌ی راهنمایی خود با ما سخن گفته
بَصَائِرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ: رهنمودهایی از پروردگارتان < به اراده‌ی خدا و توحید در ربوبیت اشاره دارد
فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ: پس هر که بینا گشت به سود خودش < اراده‌ی انسان (قدرت اختیار)
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا: و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است < اراده‌ی انسان (قدرت اختیار)
و ما انا عَلِيْكُمْ بِحَفِيْظٍ: و من بر شما نگهبان نیستم < اختیار از انسان سلب نمی‌شود، چون نشانه فرستاده شده است

نکته

آیه ارتباط معنایی دارد با آیه‌ی: ... و مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِوَكِيْلٍ

* إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ: همانا خداوند نگه می‌دارد
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: آسمان‌ها و زمین را
أَنْ تَزُولَا: از منحرف شدن
وَلَنْ زَالَتَا: و اگر منحرف شود
إِنْ أَمْسَكْتُمَا: نگه نمی‌دارد آن دو را
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ: هیچ کسی بعد از او
إِنَّهٗ كَانَ حَلِيْمًا غَفُورًا: اوست بردبار آمرزنده < به صفات الهی اشاره می‌کند

۱. با استفاده از تقدیر الهی خدا جهان را از انحراف نگه می‌دارد
۲. توحید در ربوبیت (اراده‌ی خدا)
۳. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا کشتی غرق و نابود نمی‌شود
۱. ایمان به خدای حکیم و نظام حکیمانه او این اطمینان را به انسان می‌دهد که جهان نگهبانی دارد که اشتباه در کار او نیست
۲. بیانگر اراده و قدرت نامحدود خداست و با آیات این ارادنی ... او ارادنی ... مرتبط است



« قضا و قدر الهی »

یادآوری: سال دوم با معانی تقدیر آشنا شدیم: اندازه، ویژگی، خصوصیت، ساختار محیط، موقعیت مکانی و زمانی حال باید بدانیم قضای الهی اتفاق است که بر اثر تقدیر می‌افتد.
مثال: دیوار کج است (تقدیر)، دیوار فرو ریخت (قضا)

- پس از مثال فوق نتیجه می‌گیریم که:
- ۱. تقدیر مقدم بر قضا است.
 - ۲. تقدیر علت و قضا معلول است.
 - ۳. قضای الهی به تقدیر الهی تکیه دارد.

قضا و قدر در یک نگاه:

- قضای الهی اراده
- ۱. خلق: خَلَقَ خَلْقًا - خَلَقًا = در یک کلام آفرینش (خلق کردن، ایجاد کردن)
 - ۲. جمله‌های دستوری: حَلَمَ، فرمان، دستور (فیه بامر، امر، اَمْرًا لَمْ يَكُنْ فَيَلْمُونَ)
 - ۳. هر زنده کردن و حرکتی (یحيى، يميت)
 - ۴. قضای خداوند حتمی است < حتمیت

- تقدیر الهی علم و حکمت
- ۱. قَدَّرَ بَقَرًا، اندازه، ویژگی، خصوصیت، ساختار محیط، موقعیت مکانی و زمانی، نقش
 - ۲. اجزای آسمان تقدیر الهی است < شمس - قمر - ایلح، نهار

نتیجه:

- فُلک ← قضای الهی (اراده الهی)
- فُلک ← تقدیر الهی (علم و حکمت الهی)

* انا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ: ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم

- پیام کلی
- ۱. هر یک از پدیده‌ها، پیدایش (خلقنا) و ویژگی‌هایشان (قدر) در چارچوب قوانین و نظام خاص صورت می‌گیرد
 - ۲. هر موجودی به گونه‌ای خلق شده که اندازه‌ی خاص، هدف خاص و نظم خاص را دنبال می‌کند
 - ۳. عبارت خلقنا به قضای الهی اشاره دارد که از اراده‌ی الهی سرچشمه می‌گیرد و همچنین به توحید در خالقیت هم اشاره می‌کند
 - ۴. عبارت بقدر به تقدیر الهی اشاره دارد که از علم و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد

* هُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيُمِيتُ: اوست که زنده کند و بمیراند
فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا: و چون به کاری حکم کند
فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ: پس به آن می گوید
كُنْ فَيَكُونُ: باش، پس می باشد

مربوط به قضای
الهی و اراده‌ی تکوینی
و حتمی خدا بر وجود
بخشیدن به پدیده‌ها

* اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ: خدا همان کسی است که دریا را برای شما رام کرد
لِيَجْرِيَ الْفُلْكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ: تا کشتی در آن به فرمانش روان شود

موجودات جهان از آن جهت که با فرمان
و اراده‌ی الهی حقیقت می یابند مقضی به
قضای الهی هستند

و لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ: و تا از فضل و بخشش او بجوید
و لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: شاید که شما تشکر کنید

۱. توسعه‌ی فعالیت‌های اختیاری انسان که تابع معرفت به
تقدیر الهی است که برخاسته از علم و حکمت است
۲. اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست

* لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا: نه خورشید را سزد
أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ: که به ماه رسد

به تقدیر الهی اشاره دارد که از علم و
حکمت الهی سرچشمه می گیرد

و لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ: و نه شب بر روز پیشی جوید
و كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونُ: و همه در مداری در گردش اند

۱. عدم خروج موجودات از قانون مندی و تقدیرات الهی (حرکت موجودات)
۲. به ذکر نکات علمی بی سابقه اشاره دارد

نکات

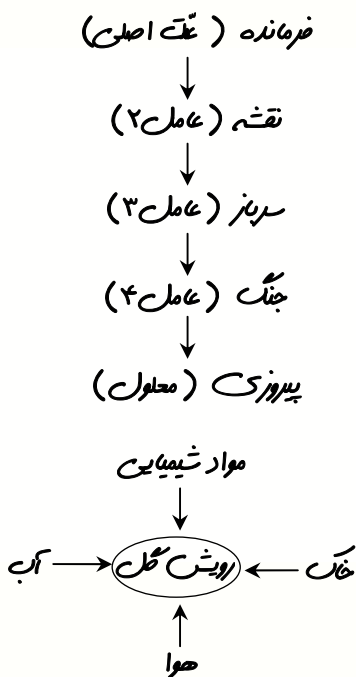
علل طولی و عرضی

علل طولی:

۱. اثر علت‌ها بر معلول نیست
۲. بین علت‌ها شدت ضعف و قدرت وجود دارد
۳. اثر چند عامل روی هم به نتیجه می رسد
۴. علل طولی یک رابطه را تشکیل می دهد
۵. تفسیرش مصداق بارز علل طولی است

علل عرضی:

۱. اثر علت بر معلول یکن است
۲. بین علت‌ها شدت ضعف و قدرت وجود دارد
۳. علل عرضی یک مجموعه را تشکیل می دهد
۴. رویش گل مصداق بارز علل عرضی است





۱- مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «انا هدینا السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» ناظر بر کدام مطلب و مؤید کدام نشانه‌ی وجود اختیار در انسان است؟

(۱) تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری - تفکر و تصمیم

(۲) اختیار و فلسفه‌ی نبوت - احساس رضایت یا پشیمانی

(۳) فواید آگاهی و توجه ما به اختیار - تفکر و تصمیم

(۴) نظم جهانی لازمه‌ی اعمال اختیاری انسان - احساس رضایت یا پشیمانی

۲- در مورد امیرالمؤمنین (ع) پیرامون دیوار کج، کدام‌یک درست است؟

(۱) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با تقدیر عمومی دیوار، یعنی کجی آن است.

(۲) فرو ریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است. این تقدیر متناسب با قضای عمومی آن دیوار، یعنی کجی آن است.

(۳) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

(۴) فرو ریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است. این تقدیر متناسب با قضای خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

۳- «این‌که همه‌ی موجودات، تحت اراده و مدیریت خداوند و به اذن او عمل می‌کنند.» در برگیرنده‌ی مفهوم است که می‌تواند باشد و روابط میان موجودات برخاسته از است.

(۱) توحید در خالقیت - کاهش دهنده‌ی نقش اختیار انسان -

(۲) توحید در ربوبیت - بستری مناسب برای ظهور اختیار انسان - قضای الهی

(۳) توحید در خالقیت - محدود کننده‌ی کار اختیاری انسان - تقدیر الهی

(۴) توحید در ربوبیت - محدود کننده‌ی کار اختیاری انسان - تقدیر الهی

۴- «نوشیدن آب برای رفع عطش»، معلول اعتماد انسان به در جهان هستی و شرط بهره‌مندی از اختیار برای انسان، اعتقاد به است که با سازگاری دارد.

(۱) تقدیر الهی - تقدیر الهی - اختیار انسان

(۲) تقدیر الهی - وجود اصل اختیار در انسان - قضا و قدر الهی

(۳) تقدیر الهی - وجود اصل اختیار در انسان - قضا و قدر الهی

(۴) قضا و قدر الهی - علم و حکمت خداوند - قضا و قدر الهی

۵- قرآن کریم «حکم و فرمان خداوند برای خلقت هر مخلوق» و «رابطه‌ی جاذبه‌ی موجود میان اشیاء» را به ترتیب موضوع و می‌داند.

(۱) تقدیر الهی - قضای الهی (۲) قضای الهی - تقدیر الهی (۳) قضای الهی - قضای الهی (۴) تقدیر الهی - قضای الهی

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>
	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>
	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>
	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>

۶- آیهی شریفه‌ی «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» بیانگر مفهوم است که یک حقیقت است و هر کسی

- (۱) هدایت - فطری - آن را در خود می‌یابد.
(۲) اختیار - وجدانی - آن را در خود می‌یابد.
(۳) هدایت - وجدانی - می‌تواند استدلال کند.
(۴) اختیار - فطری - می‌تواند استدلال کند.

۷- کدام مطلب درباره‌ی قضا و قدر الهی صحیح نیست؟

- (۱) تقدیر از علم و حکمت خداوند سرچشمه می‌گیرند و قضا از اراده‌ی او و قضای الهی بر تقدیر تکیه دارد.
(۲) موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال ویژگی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقدر به تقدیر الهی هستند.
(۳) نقشه جهان خلقت و نظام تعیین شده میان موجودات که نقش هر موجود را معین می‌کند، مربوط به قضای الهی است.
(۴) موجودات جهان از آن جهت که با حکم و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند و ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی است.

۸- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند، هستند که آیهی شریفه‌ی مؤید آن است.

- (۱) مقتضی به قضای الهی - لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل ...
(۲) مقدر به تقدیر الهی - لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل ...
(۳) مقدر به تقدیر الهی - الله الذی سخر لكم البحر لتجرى الفلک فیه بامرہ
(۴) مقتضی به قضای الهی - الله الذی سخر لكم البحر لتجرى الفلک فیه بامرہ

۹- فرو ریختن دیوار کج، یک الهی است، این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است و حضرت علی (ع) در پاسخ آن فرد فرمودند: از الهی به الهی پناه می‌برم.

- (۱) قانون و قضای - قضا - شرایط و تقدیر خاص - قضای - قدر
(۲) تقدیر - تقدیر - قضای - قدر - قضای
(۳) تقدیر - تقدیر - قضای - قضای - قدر
(۴) قانون و قضای - قضا - شرایط و تقدیر خاص - قدر - قضای

۱۰- رابطه‌ی جاذبه‌ی موجود میان اشیاء از الهی است و از خداوند سرچشمه می‌گیرد که آیهی شریفه‌ی مؤید آن است.

- (۱) تقدیر - حکمت - لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر
(۲) تقدیر - اراده‌ی - لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر
(۳) قضای - حکمت - ان الله یمسک السماوات و الارض ...
(۴) قضای - اراده‌ی - ان الله یمسک السماوات و الارض ...

تست	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>	۱. <input type="radio"/>
	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>	۲. <input type="radio"/>
	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>	۳. <input type="radio"/>
	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>	۴. <input type="radio"/>

۱۱- تعیین نقشه‌ی پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با او است که به ترتیب، و رقم می‌خورد.

(۱) حکمت - اراده - قضا - تقدیر (۲) اراده - حکمت - قضا - تقدیر

(۳) حکمت - اراده - تقدیر - قضا (۴) اراده - حکمت - تقدیر - قضا

۱۲- آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا یک معلول، محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موافق با آن و می‌باشد.

(۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل

(۴) طولی - عرضی - نگارش - رویش گل

(۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش

(۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش

۱۲	۱۱	تست 
<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	گزینه 
<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	
<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	
<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	

پنجم
پایان درس

درس نهم: سنت‌های خداوند

نکات

تجلی تقدیر الهی }
 ۱. قوانین حاکم بر نظام خلقت: زمین‌ساز حرکت و پویایی آنان ← موضوع درس قبل
 به کارگیری اراده و اختیار آنان }
 سنت‌های خداوند
 ۲. قوانین حاکم بر آنان ← موضوع اصلی این درس

در عظمیت خالق }
 ۱. طبیعی } ← موضوع درس قبل
 آشنایی با نشانه‌های الهی }
 سنت‌های الهی
 ۲. روابط آنان } ← موضوع اصلی این درس
 تنظیم روابط با خود
 تنظیم روابط با دیگران
 تنظیم روابط با جهان
 تنظیم روابط با خداوند

نکات

قوانین حاکم بر آنان
 ۱. سنت امتحان و ابتلای آیه: یقُتَنون }
 حدیث از امام صادق: میزان }
 ۲. سنت امداد الهی }
 هولاء: آدم خوب (نیلوفران) } ← امداد الهی هم برای نیلوفران
 و هولاء: آدم بد (بدگاران) } ← و هم برای بدگاران است
 ۳. سنت املای یا امصال: کافران ← نملی + عذاب مهین ← (شقاوت ابدی)
 ۴. سنت استدرابج: ملذبین ← املی + کیدی متین ← (هلالت ابدی)
 ۵. سنت تفاوت در پاداش و کیفر ← عشر - مثلها
 ۶. سنت توفیق الهی ← عشرون، جاهدوا + فینا
 ۷. سنت تاثیر نیکی یا بدی در سر نوشت } آیه قری
 حدیث: ذنوب، اکثر

* قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ: پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت
فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ: پس در روی زمین گردش کنید.
فَانظُرُوا: و ببینید
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ: سرانجام تکذیب‌کنندگان
[آیات خدا] چگونه بوده؟

۱. حیات فردی و اجتماعی دارای قوانین و سنت است
۲. با مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان از سنت‌های الهی و
نتایج آن عبرت می‌گیریم
۳. دعوت قرآن به شناخت سنت‌های حاکم بر
زندگی انسان‌ها با مطالعه در زندگی گذشتگان

* أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا: آیا می‌پندارند رها می‌شوند
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا: همین که گویند ایمان آوردیم
وَهُمْ لَا يُفْقِنُونَ: و آزمایش نمی‌شوند؟

۱. سنت امتحان و ابتلا که از قوانین حاکم بر انسان است
۲. هر انسان انتخاب‌گری برای این که تمایلات
درونی خود را نشان دهد امتحان می‌شود
۳. هر کس ادعای ایمان کند امتحان می‌شود
۴. این سنت مربوط به چگونگی فرایند رشد و تکامل
انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست

نکات

آیه ارتباط معنایی دارد با حدیث امام صادق (ع) که می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ: به راستی که مؤمن
بمنزلة كفة الميزان: به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست
كُلَّمَا زَيْدٌ فِي إِيْمَانِهِ: هر اندازه ایمانش افزوده شود
زَيْرٌ فِي بِلَائِهِ: امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود

۱. سنت امتحان و ابتلا که از قوانین حاکم بر انسان است
۲. رابطه‌ی ایمان و امتحان یک رابطه‌ی متقیم است

* كَلَّا نُمَدُّ هَوْلًا: کمک می‌کنیم هم به اینان [نیکوکاران]
وَ هَوْلًا: هم به آنان [بدکاران]
مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ: از عطای پروردگارت
وَ مَا كَانَ رَبُّكَ مَحْظُورًا: و عطای پروردگارت منعی ندارد

۱. سنت امداد الهی که از قوانین حاکم بر انسان است
۲. در برابر دعوت انبیاء مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند (هولاء)
۳. و دسته‌ای دیگر لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند (و هولاء)
۴. خداوند بر هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدفشان را فراهم می‌کند

* وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا: آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند.
أَنَّمَا نُكَلِّمُ لَهُمْ: اگر به آن‌ها مهلت [بدکاری] می‌دهیم.
خَيْرٌ لَّانفُسِهِمْ: به نفع آن‌ها است.
إِنَّمَا نُكَلِّمُ لَهُمْ: فقط به این خاطر به آن‌ها مهلت می‌دهیم.

۱. سنت املاء یا امهال از قوانین حاکم بر انسان
۲. آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد می‌ورزند، خداوند به آن‌ها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آن‌ها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند

لِيُزَادُوا إِثْمًا: که بر گناهان خود بیفزایند
فلسفه‌ی مهلت به کافران افزایش گناه است
وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ: در حالی که عذابی خوارکننده برای آن‌هاست
مهلت به بدکاران را به‌ضرر آن‌هاست (شقاوت ابدی)

* وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا: و کسانی که آیات ما را انکار کردند
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ: به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ: از آن راه که نمی‌دانند
وَأُمْلِي لَهُمْ: به آن‌ها مهلت می‌دهیم
إِنَّ كَيْدِي مُتِينٌ: همانا تدبیر من استوار است

۱. سنت استدراج که از قوانین حاکم بر انسان است
۲. استدراج شامل کسانی است که آیات خدا را تکذیب می‌کنند
۳. گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آن‌ها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خود بیش‌تر در فساد فرو می‌روند
۴. حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب را استدراج می‌خوانند

نکات

نکته‌ی سنت املاء یا امهال و استدراج

۱- فرصت و مهلت + افزایش امکانات ← سنت استدراج

پس: مکذبین ← سنستدرجهم + املی + کیدی متین ← (هلاکت ابدی)

۲- فرصت و مهلت - افزایش امکانات ← سنت املاء یا امهال

پس: کافران ← نملی + نملی + عذاب مهین ← (شقاوت ابدی)

۱. سنت تفاوت در پاداش و کیفر که از قوانین حاکم بر انسان است.
۲. با آن که بر اساس عدل، خداوند با همه بندگان بر اساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آنجا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را با چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش یا جزا می‌دهد

* مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ: هر کسی که حسنه‌ای بیاورد ﴿عَلَّتْ﴾
 فَلَهُ وَ عَشْرُ امثالِهَا: ده برابر به او پاداش می‌دهیم ﴿معلول - بازتاب﴾
 وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ: و هر کس گناه بیاورد ﴿عَلَّتْ﴾
 فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا: جزا نمی‌دهد مگر مثلش ﴿معلول - بازتاب﴾
 وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ: و بر آنان ستم نرود ﴿ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی﴾

۱. سنت تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت که از قوانین حاکم بر انسان است
۲. زندگی‌ها به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست
۳. دعا می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد
۴. این سنت یک سنت اجتماعی نیز هست
۵. جامعه‌ی خوب رحمت الهی را به دست می‌آورد و جامعه‌ی گناه‌آلود، عذاب الهی را به همراه دارد

* وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا: اگر مردم شهرها ایمان آورده و اتَّقُوا: و به تقوا گراییده بودند،
 لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم: همانا بر ایشان می‌گشودیم
 بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ: برکاتی از آسمان‌ها و زمین
 وَ لَكِنْ كَذَّبُوا: ولی تکذیب کردند
 فَأَخَذْنَا هُمْ: پس آنان را گرفتار ساختم
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: به کیفر آنچه کسب کردند

نکات

آیه ارتباط دارد با حدیث امام صادق (ع)
 مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ: ک‌ن‌ح‌ که به واسطه‌ی گناه می‌میرند.
 أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ الْأَجَالِ: از ک‌ن‌ح‌ که به واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیش‌ترند.
 وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ: و ک‌ن‌ح‌ که به سبب نیلوكطری زندگی دراز دارند.
 أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْإِعْمَارِ: از ک‌ن‌ح‌ که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیش‌ترند.

۱. سنت توفیق الهی که از قوانین حاکم بر آنان است
۲. امداد خاص، خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان و رضایت پروردگار را هدف قرار دهند
۳. در حقیقت انسان حق‌گرا خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است هماهنگ کرده، در نتیجه نظام خلقت به او کمک کرده و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد

* وَالذَّيْنِ جَاهِدُوا فِينَا: کسانی که در راه و هدف ما به تلاش و مجاهدت بپردازند
 لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم
 وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ: و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است

نکته

آیه با آیهای ارتباط معنایی دارد که در آن عَشْرُونَ باشد نه عَشْر



تست

- ۱- سنت امداد الهی برای افرادی است که و آیهی در برگیرندهی مفهوم آن است.
 (۱) به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند - کلاً نمد هولاء و هولاء من عطاء ربک و ما کان ...
 (۲) در مقابل حق می‌ایستند و هدایت الهی را نمی‌پذیرند - و لو انّ اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم ...
 (۳) با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برمی‌گزینند - کلاً نمد هولاء و هولاء من عطاء ربک و ما کان ...
 (۴) مورد لطف خدا قرار می‌گیرند یا افرادی که فقط خواهان دنیا هستند - و لو انّ اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم ...
- ۲- احادیث شریف «انما المومن بمنزلة کفة المیزان كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه» و «من یموت بالذنوب اکثر ممّن یموت بالأجال» به ترتیب به کدامیک از سنت‌های الهی اشاره دارد؟

(۱) امتحان و ابتلاء - تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت (۲) امتحان و ابتلاء - امتحان و ابتلاء

(۳) توفیق الهی - تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت (۴) توفیق الهی - امتحان و ابتلاء

- ۳- «محکوم شدن انسان به شقاوت ابدی»، «فراهم گشتن امکانات و لوازم رسیدن به اهداف» و «رفتار خداوند بر مبنای فضل خویش» به ترتیب بیانگر کدامیک از سنت‌های الهی هستند؟

(۱) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت - امداد الهی - تفاوت در پاداش و کیفر

(۲) املاء و استدراج - تفاوت در پاداش و کیفر - تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

(۳) تفاوت در پاداش و کیفر - توفیق الهی - تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

(۴) املاء و استدراج - امداد الهی - تفاوت در پاداش و کیفر

- ۴- اعطای مهلت به گمراهان و افزودن امکانات گمراهی برای آن‌ها، در محدودهی سنت قرار می‌گیرد که حالت در حرکت به سوی عذاب الهی است و اعطای فرصت به باطل پیشگانی که آن را وسیلهی غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند، بیانگر سنت خداوند است.

(۱) املاء و امهال - تدریجی - استدراج (۲) امهال و امهال - تدریجی - املاء و امهال

(۳) املاء و امهال - بلای الهی - گناهکاران (۴) املاء و امهال - نعمت الهی - همه‌ی انسان‌ها

- ۵- بیان امام صادق (ع) که می‌فرمایند: «انما المومن بمنزلة کفة المیزان، كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه» در ارتباط با کدامیک از سنت‌های الهی و منطبق با کدام آیه است؟

(۱) امتحان و ابتلاء - و لو انّ اهل القرى آمنوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض

(۲) امتحان و ابتلاء - أحسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون

(۳) توفیق الهی - و لو انّ اهل القرى آمنوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض

(۴) توفیق الهی - أحسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون

تست	۱	۲	۳	۴	۵
○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱
○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲
○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳
○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴

۶- این که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست، بیانگر سنت و منطبق با حدیث است.

(۱) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت - من یموت بالذنوب اکثر مَمَّن یموت بالاجال و مَن یموت ...

(۲) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت - انما المومن بمنزلة كفة المیزان كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

(۳) تفاوت در پاداش و کیفر - من یموت بالذنوب اکثر مَمَّن یموت بالاجال و مَن یموت ...

(۴) تفاوت در پاداش و کیفر - انما المومن بمنزلة كفة المیزان كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

۷- افزودن امکانات گمراهی بر اهل باطل توسط خداوند، مقدمه‌ی است که و آیه‌ی شریفه‌ی گواه این سنت الهی است.

(۱) هلاکت تدریجی آن‌ها - با اصرار خود بیش تر در فساد فرو می‌روند - و الذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

(۲) فاصله گرفتن از انسانیت - بدون اختیار در ورطه‌ی نابودی قرار گیرند - و الذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

(۳) اعطای فرصت بازگشت به آن‌ها - با اصرار خود بیش تر در فساد فرو می‌روند - انما نملی لهم لیزدادوا اثماً

(۴) توبه‌ی تدریجی آن‌ها - بدون اختیار در ورطه‌ی نابودی قرار گیرند - انما نملی لهم لیزدادوا اثماً

۸- عامل ظهور و بروز استعدادهای انسان در محدوده‌ی سنت قرار دارد که شامل می‌شود و عبارت بر آن دلالت دارد.

(۱) امتحان و ابتلاء - همه‌ی انسان‌ها - انما المومن بمنزلة كفة المیزان كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

(۲) امتحان و ابتلاء - مؤمنان نیکوکار - أحسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون

(۳) امداد الهی - همه‌ی انسان‌ها - انما المومن بمنزلة كفة المیزان كلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

(۴) امداد الهی - مؤمنان نیکوکار - أحسب الناس ان یتروکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون

تست	۶	۷	۸
گزینه	<input type="radio"/> ۱.	<input type="radio"/> ۱.	<input type="radio"/> ۱.
	<input type="radio"/> ۲.	<input type="radio"/> ۲.	<input type="radio"/> ۲.
	<input type="radio"/> ۳.	<input type="radio"/> ۳.	<input type="radio"/> ۳.
	<input type="radio"/> ۴.	<input type="radio"/> ۴.	<input type="radio"/> ۴.

ششم
پایان درس

درس هفتم: بازگشت



* راه‌های شناخت آیات و احادیث توبه:

- | | |
|-------|---------------------------|
| آیه | } اوش «ال» ناره |
| | } آخرش «غفور رحیماً» ناره |
| حدیث: | } اوش «ال» ناره |
| | } آخرش «غفور رحیماً» ناره |

* مراحل توبه به کرم امام علی (ع) ← ترتیب مراحل توبه مهم است

- | | |
|----|--|
| ۱. | پشیمان از گذشته ← آیه ← یستغفر |
| ۲. | تصمیم بر تکرار نکردن گناه ← حدیث ← مُستغفر |
| ۳. | جبران حقوق مردم ← در حد توان ← در صورت عدم دسترسی صدقه |
| ۴. | جبران حقوق الهی ← در حد توان ← مابقی را خدا می‌بخشد |
- ← آیه ← اَصْلَحَ

- | | |
|---------------------|-------------------------|
| ۱. توبه انسان (تاب) | } از گناه |
| | } به فرمانبرداری از خدا |
| ۲. توبه خدا (تیوب) | } از عذاب |
| | } به لطف و آمرزش |
- ← توبه‌ی انسان عاقبت است
- ← توبه‌ی خدا معلول است

* نکته:

توبه + جبران ← (تاب + اَصْلَحَ) ← خدا می‌بخشد (تیوب)
 توبه + ایمان + عمل صالح ← (تاب + اَمَنُ + عملاً صالحاً) ← خداوند نگاهانش را به خوبی تبدیل می‌کند.
 (فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات)

* وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا: هر کس عمل زشتی از او سر زند < گناه که حق النفس است یعنی ظلم به نفس
 < آیه به مرحله‌ی اول توبه
 أَوْ يُظْلِمِ نَفْسَهُ: یا به خویش ستم کند [گناه کند] < خود عالی = تمایلات عالی
 یعنی پشیمانی از گذشته
 ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ: سپس از خدا طلب آمرزش و عفو نماید
 اشاره می‌کند
 يَجِدَ غَفُورًا رَحِيمًا: خدا را بخشنده و مهربان می‌یابد < توبه‌ی الهی (همان لطف و آمرزش)

* فَمَنْ تَابَ: پس هر کس توبه کند < اولین توبه (انسان) از گناه به سوی فرمانبرداری خدا
 < برای رسیدن به غفران و آمرزش گناه
 مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ: بعد از ستم کردنش (گناهش) < تعبیر قرآن از گناه ظلم است
 حقی ضایع می‌شود ابتدا باید توبه کرد
 وَأَصْلَحَ: و جبران کند حقوق ضایع شده را < (حق الناس و حق الله) مرحله ۳ و ۴ توبه
 و سپس جبران حقوق ضایع شده کرد
 فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ: پس خداوند توبه او را پذیرد < دومین توبه (خدا) بازگشت به لطف و آمرزش
 إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است < غفور یعنی = غفران و آمرزش

* الْأَمْنُ تَابٌ وَ أَمْنٌ: مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد
 < توبه نه تنها گناهان را پاک می‌کند بلکه
 وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا: و عملی شایسته انجام دهد
 به کمک ایمان و عمل صالح گناهان را به
 فَاوَلَيْكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ: پس برای آن‌ها خداوند تبدیل می‌کند
 حسنات تبدیل می‌سازد
 سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ: بدی‌هایشان را به خوبی

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا: و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است < چون خداوند رحیم است بدی‌ها را به خوبی تبدیل می‌کند و چون
 غفور است گناهان را می‌بخشد

نکات

آیه‌ی فوق با احادیث زیر ارتباط معنایی دارد:

۱. حدیث حضرت علی (ع)

* التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ: توبه دل‌ها را پاک می‌کند < توبه نگاهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شستو می‌دهد.
 وَ تَغْسِلُ الذُّنُوبَ: و نگاهان را می‌شوید < به پیرایش یا تخیله اشاره دارد.

۲. حدیث رسول خدا (ص)

* الثَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ: کسی که از گناه توبه کرده
 كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ: مانند کسی است که گناه نکرده
 < به پیرایش یا تخیله اشاره دارد.

امام رضا (ع) می‌فرماید:

* الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ: کسی که از گناه استغفار کند
وَيَفْعَلُهُ: و در عین حال، انجامش دهد
كَالْمُسْتَهْزِي بِرَبِّهِ: مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است

← مرحله دوم توبه (تصمیم بر تکرار نکردن گناه)
← به توبه‌ی غیر واقعی یا استغفار
بی‌خاصیت اشاره دارد



حدیث فوق ارتباط دارد با شعر:

توبه بر لب، بجه بر کف دل، پیر از شوق گناه
محصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما



تست

۱- کدام عبارت به عنوان علت «فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» در قرآن کریم آمده است؟

- (۱) فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاصْلَحَ
(۲) إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
(۳) مَنْ يُسَلِّمِ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ
(۴) مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا... ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

۲- در قرآن از گناه با چه عنوانی تعبیر شده و آیاتی که درباره‌ی توبه هستند با چه کلماتی به پایان می‌رسند؟

- (۱) ظلم به ناس - غفورٌ رحیم
(۲) ظلم به ناس - علیمٌ حکیم
(۳) ظلم به نفس - غفورٌ رحیم
(۴) ظلم به نفس - علیمٌ حکیم

۳- کدام آیه به توبه‌ی خدا اشاره دارد؟ - دو پرتگاه خطرناک سقوط در وادی ضلالت چیست؟

- (۱) فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ - توجیه گناه و عادت به گناه
(۲) فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ - توجیه گناه و تکرار گناه
(۳) مَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاصْلَحَ - توجیه گناه و عادت به گناه
(۴) مَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاصْلَحَ - توجیه گناه و تکرار گناه

۴- «تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ وَتَغْسِلُ الذُّنُوبَ» در کلام امیر مؤمنان (ع) به چه موضوعی اشاره دارد؟

- (۱) نماز که قلب را پاک می‌کند.
(۲) توبه که گناهان را می‌شوید.
(۳) ایمان که قلب را آرام می‌کند.
(۴) شناخت که معرفت را زنده می‌کند.

۵- «بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان» و «بازگشت از گناه به سوی فرمانبرداری» توبه‌ی و را ترسیم می‌کند که مفهوم دوم از دقت در پیام عبارت به دست می‌آید.

- (۱) معبود - المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزی برئه
(۲) عبد - المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزی برئه
(۳) معبود - التائب من الذنب كمن لا ذنب له
(۴) عبد - التائب من الذنب كمن لا ذنب له

۶- «تصمیم جدی بر ترک گناه» و «تبدیل شیرینی گناه به تلخی پشیمانی و حسرت» به ترتیب مرحله‌ی و توبه است که مفهوم نخست، از دقت در پیام عبارت به دست می‌آید.

- (۱) اول - دوم - التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب
(۲) دوم - اول - التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب
(۳) اول - دوم - المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزی برئه
(۴) اول - دوم - المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزی برئه

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۷- بازگشت از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند» و «بازگشت لطف و آمرزش به انسان» به ترتیب حکایتگر توبه‌ی و است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی بیانگر آن است.

- (۱) خدا - انسان - فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفورٌ رحيمٌ
(۲) انسان - خدا - فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفورٌ رحيمٌ
(۳) انسان - خدا - من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات
(۴) خدا - انسان - من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات

۸- مفهوم این سخن امام رضا (ع) که فرموده است: «المستغفر من الذنب و يفعله كالمستهزى برئه» آن‌جا محقق می‌شود که واقعیت نیافته باشد.

- (۱) تصمیم بر تکرار نکردن گناه (۲) جبران حقوق مردم
(۳) پشیمانی از گذشته‌ی گناه‌آلود (۴) جبران حقوق مسلم خالق متعال

۹- بازگشت از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش همان توبه‌ی است که جمله‌ی بیانگر آن است.

- (۱) خداوند - فان الله يتوب عليه (۲) بنده‌ی گناهکار - فان الله يتوب عليه
(۳) خداوند - الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً (۴) بنده‌ی گناهکار - الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً

۱۰- توبه یعنی بازگشت، کاربرد این کلمه در قرآن برای خداوند به معنای است که آیه‌ی شریفه‌ی حاکی از آن است.

- (۱) بازگشت وی از عقوبت به سوی لطف و آمرزش - «فمن تاب من بعد ظلمه»
(۲) بازگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند - «فمن تاب من بعد ظلمه»
(۳) بازگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند - «فان الله يتوب عليه»
(۴) بازگشت وی از عقوبت به سوی لطف و آمرزش - «فان الله يتوب عليه»

تست	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

پایان درس هفتم

درس هشتم: پایه‌های استوار = تمدن اسلامی



پایه‌ها و معیارهای تمدن اسلامی

۱. اعتقاد و ایمان به خدا، ایمان به معاد، تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی

آیه: مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرَةِ ...

۲. تشکیل حکومت و ولایت الهی

آیه: اطیعوا الله + اطیعوا الرسول + اولی الامر منکم

۳. مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشراف از جنبه‌های عدالت خواهی پیامبر

آیه: فَلِذَلِكَ فَادْعُ - أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ

۴. دعوت به تفکر و تعقل و خردورزی - مبارزه با جهل و خرافات

آیه: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي

۵. دوستی با حق و دشمنی با باطل

آیه: اشداء + رُحَمَاء

۶. اعتدال در برخورداری از نعمات دنیوی و اخروی

آیه: قُلْ مَنْ حَرَّمَ ... وَقُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ

۷. یک‌نوع مقام و منزلت زن و مرد

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ...

* مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ: هر کسی که ایمان بیاورد به خدا < اعتقاد به توحید و الیوم الآخر: و روز قیامت < اعتقاد به معاد و عَمِلَ صَالِحًا: و عمل صالح انجام دهد < اعمال شایسته فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ: پاداششان نزد پروردگارشان است و لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ: و نه ترسی برای آنهاست < (شجاعت) و لا هُمْ يَحْزَنُونَ: و نه غمگین می شوند < (نشاط)

1. اعتقاد به توحید و معاد باعث تغییر نگرش و تحول در شیوه‌ی زندگی فردی و اجتماعی شد < (علت)

2. ایمان به خدا و ایمان به معاد از پایه‌های معیارهای تمدن اسلامی < (معلول)

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا: ای کسانی که ایمان آوردید < خطاب خاص (مؤمنان) < تشکیل حکومت و ولایت الهی از معیارهای اطیعوا الله: خدا را اطاعت کنید < ضرورت پیروی از احکام اولیه تمدن اسلامی

و اطیعوا الرسول: و پیامبر را اطاعت کنید < ضرورت پیروی از احکام ثانویه < اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت و اولی الامر منکم: و صاحبان امر از خودتان را < ضرورت پیروی از احکام ثانویه < از جانشینان آن حضرت لازمه توحید عملی است

1. آیه به برپایی نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی اشاره دارد < پیام کَلِّمُوا 2. مسلمانان در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های خدا و رسول خدا و امامان دوازده گانه هستند و بدون فرمان آنها عمل نمی کنند

* فَلذَلِكَ فَادْعُ: بنابراین به دعوت پرداز < اولین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین و استقم كما أمرت: و همان گونه که مأموریت یافته‌ای، ایستادگی کن < دومین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین و لا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ: از هوی و هوس مشرکان پیروی مکن < سومین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین و قُلْ ءَامَنْتُ: و بگو ایمان آوردم < چهارمین سفارش خدا به پیامبر بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ: به هر کتابی که خدا نازل کرده است < در برابر مبارزه با مشرکین و أَمَرْتُ لَا عَدْلَ بَيْنَكُمْ: و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم < پنجمین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین اللَّهُ رَبَّنَا رَبُّكُمْ: خدا پروردگار ما و پروردگار شماست < توحید در ربوبیت

1. مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی از جنبه‌های عدالت خواهی پیامبر < پیام کَلِّمُوا 2. تنظیم روابط اجتماعی و قوانین بر پایه عدل صورت می گیرد و با بی عدالتی به شدت مبارزه می شود < 3. فلذلك فادعُ به قلمرو اول رسالت دریافت وحی و ابلاغ وحی اشاره دارد

- * قُلْ هَلْ يَسْتَوِي: بگو آیا برابرند
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ: کسانی که می‌دانند
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ: و کسانی که نمی‌دانند
إِنَّمَا يَتَذَكَّرْ أُولُو الْأَلْبَابِ: فقط صاحبان خرد پند می‌گیرند
۱. دعوت به تفکر و تعقل و خردورزی و مبارزه با جهل و خرافات
۲. این آیه اهمیت حجت باطن را بیان می‌کند
۳. آیه قرابت دارد با آیه: اقرا باسم ربك الذي خلق
۴. ارتباط معنایی دارد با حدیث: طلب علم بر هر زن و مردی واجب است
۵. دعوت به تفکر و تعقل در جای جای قرآن بیان شده است
- * مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ: محمد (ص) پیامبر خداست
وَالَّذِينَ مَعَهُ وَ: و کسانی که با او هستند
اشدَاءٌ عَلَى الْكُفَّارِ: بر کافران سخت گیرند، جبهه باطل
و زُحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ: و میان خودشان مهربان، جبهه حق
۱. پیروی از حق و مبارزه با باطل از پایه‌های تمدن اسلامی
۲. مسلمانان با هم کیشان پیوند برادری دارند و مانند اعضای خانواده از آن‌ها دفاع می‌کنند
۳. ایجاد نگرشی جدید در جامعه که موجب تحول بین ملت‌ها گردید

نکات

در آیه‌ی فوق دو جبهه معرفی شده است:

- ۱- جبهه‌ی حق (رحمات): یقین‌پرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و ولایت الهی
۲- جبهه‌ی باطل (اشداء): مشرکان، ستمگران، مفسدان، طغوت و شیطان

- * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ: بگو چه کسی حرام کرده زیورهایی را
الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادَةٍ: که خدا برای بندگانش پدید آورده
و الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ: و روزی‌های پاکیزه را
قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا: بگو این‌ها برای کسانی که ایمان دارند
فِي الْحَيَاتِ الدُّنْيَا: در زندگی دنیا
خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ: و روز قیامت خاص آنان می‌باشد
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ: این گونه آیات را به روشنی بیان می‌کنیم
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ: برای کسانی که می‌دانند
۱. عدم حرمت زینت‌های الهی
۲. روزی‌های پاکیزه برای انسان‌ها است
۱. اعتدال در برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی
۲. پیامبر (ص) تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند
- * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي: بگو پروردگارم حرام کرده است (اعلام حرام)
الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ: زشت‌کاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان
وَ الْأَثَمَ: و گناه
وَالْبَغْيَ بغيرِ الْحَقِّ: و تجاوز به ناحق را
وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ: و این‌که چیزی را شریک خدا سازید
شریک قرار دادن
مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا: که دلیلی برای آن نازل نکرده
برای خدا بدون دلیل
وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ: و این‌که به خدا نسبت دهید
۱. دروغ بستن به خدا
مَا لَا تَعْلَمُونَ: چیزی را که نمی‌دانید
۲. افترا بستن به خدا
۳. ناآگاهانه درباره خدا سخن گفتن
۱. اعتدال در برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی
۲. به جای دوری از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند از حرام‌ها دوری کنیم

- * و مِنْ ءَايَاتِهِ: و از نشانه‌های او
- ﴿ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ: که برای شما آفرید
مِنْ أَنْفُسِكُمْ ازواجاً: از خودتان همسرانی
- ﴿ ۱. احیای مقام زن و ارزش‌های اصیل او
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا: تا با ایشان آرامش یابید
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ: و قرار داد میان شما
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: دوستی و مهربانی
﴿ ۲. مودت و رحمت: درباره‌ی زن و مرد است که از نظر قرآن
کریم با یکدیگر دوستی و مهربانی دارند
﴿ إِنَّ فِي ذَلِكَ: همانا در آن
- لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند ﴿ در آفرینش زن و مرد نشانه‌هایی برای اهل تفکر است

﴿ پیام کلمه } در جامعه اسلامی خانواده جایگاه ممتازی دارد و کانون رشد انسان‌های بافضیلت است و محل حفظ عفاف و پاکدامنی و مانع اصلی فساد و نابسامانی‌های اجتماعی است



۱- از آیهی «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون إنا یبذکر اولوالالباب» کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

(۱) قرآن مردم را به سوی زندگی بر مبنای تفکر و علم و پرهیز از خرافه‌گرایی سوق می‌دهد.

(۲) اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد درباره‌ی دانش و آموختن آن بود.

(۳) کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند در نزد خدا یکسانند، اما تنها خردمندانند که پند پذیرند.

(۴) اسلام نه تنها همه را دعوت به علم می‌کند بلکه جست‌وجوی علم را بر هر مرد و زن واجب می‌داند.

۲- آیهی «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا» چه نکته‌ای دریافت می‌شود؟

(۱) مرتبه‌ی برتر و عالی وجود انسان

(۲) دیدگاه متعادل خداوند نسبت به نعمت‌های دنیوی و معنوی

۳- از تدبیر در آیهی شریفه‌ی «قل إنما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن» چنین استنباط می‌شود که:

(۱) گناهان آشکار از گناهان پنهان زشتی بیش‌تری دارند.

(۲) خداوند حرام کرده است زشتکاری‌های آشکار و پنهان را.

(۳) فحش و ناسزا از گناهان آشکار است که نباید مرتکب آن شویم.

(۴) تأثیر زشتی‌های آشکار از زشتی‌های پنهان بسیار زیادتر است.

۴- در عصری که زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می‌شد، رسول خدا با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد، پیام

کدام آیه‌ی شریفه استفاده ابزاری از زن را ملغی کرد تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودت گردد؟

(۱) قل هی للذین امنوا فی الحیاة الدنیا خالصة یوم القیامة ...

(۲) و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین ...

(۳) و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا لیها ...

(۴) یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ...

۵- پیام کدام آیه با ندای اولین روز دعوت پیامبر گرامی اسلام، مطابقت دارد؟

(۱) فذلک فادع و استقم كما أمرت و لا تتبع اهواءهم

(۲) قل هل یستوی الذی یعلمون و الذین لا یعلمون

(۳) من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم

(۴) و قل آمنتم بما أنزل الله من کتاب و أمرت لأعدل بینکم الله ربنا و ربکم

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۵
	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۵
	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۵
	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۵

۶- از اقدامات مهم رسول خدا (ص) «ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحول در روابط بین ملت‌ها گردید» پیام کدام آیه‌ی شریفه مبین این اقدام می‌باشد.

۱) محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم

۲) ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن

۳) و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لایفرقوا و اذکروا نعمة الله علیکم ...

۴) کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

۷- پیام کدام آیه مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی جامعه‌ی جاهلی می‌باشد؟

۱) و من آياته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم ...

۲) قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهَرَ مِنْهَا و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق و ان تشرکوا بالله ...

۳) قل مَنْ حَرَّمَ زینة الله الّتی اخرجَ لعباده و الطّیباتِ مِنَ الرّزقِ قُلْ هِيَ لِلَّذینَ آمَنُوا فی الحیاة الدنیا ...

۴) فلیذک فادعُ و استقم كما أمرت و لا تتبّع اهواءهم و قل امنت بما انزل الله من کتاب و امرت لاعدل بینکم

۸- عدم کناره‌گیری از استفاده‌ی درست از نعمت‌های خداوند و وسیله قرار دادن آن برای کسب رستگاری از پیام کدام آیه استنباط می‌شود؟

۱) قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب

۲) قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهَرَ مِنْهَا و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق

۳) و قل امنتُ بما أنزل الله من کتاب و أمرتُ لاعدل بینکم الله ربنا و ربکم

۴) قل مَنْ حَرَّمَ زینة الله الّتی اخرجَ لعباده و الطّیباتِ مِنَ الرّزقِ

۹- پیام کدام آیه با دیگر آیات متفاوت است؟

۱) قل هی للذین امنوا فی الحیاة الدنیا خالصة یوم القیامة

۲) قل مَنْ حَرَّمَ زینة الله الّتی اخرجَ لعباده و الطّیباتِ مِنَ الرّزقِ

۳) فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۴) قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهَرَ مِنْهَا و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق

۱۰- دعوت به «تفکر، تعقل و خردورزی» از توجه به کدام آیه مفهوم می‌گردد؟

۱) قل امنتُ بما أنزل الله من کتاب و أمرتُ لاعدل بینکم الله ربنا و ربکم

۲) و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون

۳) من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۴) قل هل یتسوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب

تست	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱
	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲
	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳
	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴

پایان درس هشتم

درس نهم: برنامه‌ای برای خدا

* و کذلک جعلناکم: و این چنین شما را قرار دادیم
أُمَّةً وَسَطًا: امتی میانه و اسوه (راه عقل)
لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ: تا بر مردم گواه باشید،
وَيَكُونَ الرَّسُولَ عَلَيكُمْ شَهِيدًا: و رسول خدا بر شما گواه باشد

۱. امت وسط بودن به معنای پرهیز از افراط و تفریط و معتدل بودن است
۲. موقعیت و مسئولیت ویژه‌ی مسلمانان در جهان را بیان می‌کند
۳. لازمه‌ی الگو شدن مسلمانان، علاوه بر معتدل بودن الگوگیری از پیامبر است

* وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ: هر کس ولی خود قرار دهد خدا
و رَسُولَهُ: و رسولش را
و الَّذِينَ آمَنُوا: و کسانی که ایمان آوردند
فَأَنَّ حِزْبَ اللَّهِ: پس همانا حزب خداوند
هُمْ الْغَالِبُونَ: همانا چیره شوندگان هستند

۱. شرط سربلندی و پیروزی پذیرش ولایت خدا و رسول او و جانشینان ایشان است
۲. حزب الله کسی است که خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود قرار دهد
۳. آیه به پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن طاغوت اشاره دارد

* وَقَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ: و موسی (ع) به قومش گفته
اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ: از خدا کمک بجوئید
وَ اصْبِرُوا: و صبر پیشه کنید
إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ: که زمین متعلق به خداست
يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ: و آن را به هر کسی از بندگانش بخواهد، می‌دهد
و الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ: و سرانجام [نیک] از آن تقوایبندگان است

۱. تقویت ایمان و اراده به عنوان عمل به مسئولیت انسانی - اسلامی خویش به منظور ارائه‌ی امتی اسوه است
۲. نیک فرجامی معلول کمک خواستن از خدا و پیشه کردن صبر می‌باشد



* جایگاه آیه در برنامه فردا ← حوزه‌ی فردی تقویت ایمان و اراده

* اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ: به راه پروردگارت دعوت کن
بالحكمة: با دانش استوار
و الموعظة الحسنیة: و اندرز نیکو
و جادلهم بالتی هی احسن...: و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما
سومین شرط دعوت مجادله‌ی نیکوتر است



۱- جایگاه آیه در برنامه فردا ← حوزه جهانی - تأکید بر محتوای عقلمانی
۲- لازمه‌ی به کارگیری این روش‌ها (حکمت - موعظه - مجادله) عقل و خرد و تعقل است.



۱- طبق آیهی «فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» چه کسانی جزء حزب خدا قرار می‌گیرند؟ کسانی که ولی خود را و و قرار دهند؟

- (۱) خدا - رسول - اولی الامر
(۲) خدا - رسول - مؤمنین
(۳) خدا - رسول - امامان
(۴) خدا - رسول - متقین

۲- کدام آیه به دوری از افراط و تفریط اشاره دارد؟

- (۱) كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا
(۲) فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ
(۳) اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا
(۴) ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ ...

۳- عبارت «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا» از قول خطاب به و در ادامه سرانجام نیک را از آن و مفهوم آن است.

- (۱) موسی (ع) - قوم موسی - صابران - تلاش برای کسب آگاهی
(۲) موسی (ع) - قوم موسی - تقوا پیشگان - تقویت ایمان و اراده
(۳) هارون (ع) - قوم موسی - تقوا پیشگان - تقویت ایمان و اراده
(۴) هارون (ع) - فرعون - تقوا پیشگان - تلاش برای کسب آگاهی

۴- کدام گزینه سه روش تبلیغی را که خداوند به پیامبر (ص) آموزش می‌دهد، به ترتیب بیان کرده است؟

- (۱) حکمت، موعظه‌ی حسنه، مجادله‌ی نیکوتر
(۲) موعظه‌ی حسنه، حکمت، مجادله‌ی نیکوتر
(۳) اندرز نیکو، موعظه‌ی حسنه، مجادله‌ی نیکوتر
(۴) حکمت، اندرز نیکو، دانش استوار

۵- آیه‌ی شریفه‌ی «و قال موسی لقومه استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله ...» ناظر بر در حوزه و با توجه به آیه‌ی مذکور عاقبت نیکو از آن است.

- (۱) تقویت عزت نفس عمومی - تقویت توانایی‌های فردی - صابربین
(۲) تقویت عزت نفس عمومی - تقویت بنیان‌های جامعه - صابربین
(۳) تقویت ایمان و اراده - تقویت بنیان‌های جامعه - متقین
(۴) تقویت ایمان و اراده - تقویت توانایی‌های فردی - متقین

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۶- از دقت در آیهی شریفه‌ی: «و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً» مفهوم می‌گردد که لازمه‌ی الگو شدن مسلمانان، و می‌باشد.

(۱) مصونیت از افراط و تفریط - الگوگیری از پیامبر (ص)

(۲) مجهز بودن به اعتقاد راستین - الگوگیری از پیامبر (ص)

(۳) مصونیت از افراط و تفریط - سرسپردگی در برابر پیام خدا

(۴) مجهز بودن به اعتقاد راستین - سرسپردگی در برابر پیام خدا

۷- هرگاه گفته شود «جامعه‌ی واقعی اسلامی آن جامعه است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد» پیام کدام آیه موبد این معنی است؟

(۱) ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة و جادلهم بالتی هی احسن

(۲) محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا

(۳) و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

(۴) و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین

۸- اگر سؤال شود «نیک فرجامی در برخورداری از چه اوصافی است؟» پیام کدام آیه پاسخ این سؤال است؟

(۱) و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون

(۲) و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً

(۳) و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین

(۴) ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کلفجار

تست	۶	۷	۸
گزینه	○.۱	○.۱	○.۱
	○.۲	○.۲	○.۲
	○.۳	○.۳	○.۳
	○.۴	○.۴	○.۴

پایان درس نهم

درس دهم: زندگی در دنیای امروز

* أَفَمَنْ اسَّسَ بُنْيَانَهُ: آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را
عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ: بر پایه‌ی تقوا و خشنودی خدا نهاده
خَيْرٌ: بهتر است
أَمْ مَنْ اسَّسَ بُنْيَانَهُ: یا کسی که بنای خود را پی‌ریزی کرده
عَلَى شِفَا جُرْفٍ هَارٍ: بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط
فَأَنْهَارٌ بِهِ: فی نَارٍ جَهَنَّمَ: و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد
و اللَّهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ: و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند

پاداش اخروی + مستحب

۱) اگر ورزش برای انجام وظایف الهی باشد

پاداش اخروی

۱. اگر ورزش برای تقویت رابطه‌ی صمیمانه بین افراد باشد - دسته جمعی باشد - برای سلامت اخلاقی باشد.
۲. دادن جایزه توسط ارگان‌ها و سازمان‌ها جایز است و هم پاداش اخروی دارد.
۳. تولید و توزیع و تبلیغ فیلم و لوح‌های فشرده برای گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی ← هم مستحب و هم واجب و هم پاداش اخروی دارد.

واجب

در حالت کلی واجب به دو دسته تقسیم می‌شود
واجب عینی: انجام آن بر هر شخص مکلف واجب است مثل نماز و روزه
واجب کفایی: اگر گروهی آن را انجام دهند از گردن دیگران ساقط است (جنگ)
مثالی برای کفایی: ساختن فیلم‌ها و سایت‌هایی که به نفع اسلام است مستحب است ولی در صورت لزوم واجب کفایی است

حرام‌ها

۱. شرط‌بندی حتی در بازی‌های معمولی حرام است.
۲. قمار حرام است.
۳. استفاده از ابزار قمار اگر به قصد قمار هم نباشد حرام است.
۴. شرکت در مجالس قمار حرام است.
۵. بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر حرام است.
۶. تولید - توزیع و تبلیغ فیلم‌هایی که موضوعات آن‌ها فساد و انحراف و گناه است از گناهان کبیره است.
۷. تماشا کردن و گوش دادن به فیلم و لوح‌های فشرده گناه‌آلود حرام است.
۸. خرید و فروش فیلم‌های گناه‌آلود حرام است.
۹. خرید و فروش و نگهداری ابزار مشترک (ماهواره) برای کار حرام، حرام است.
۱۰. موسیقی لهنوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد چه کلاسیک و چه غیر کلاسیک حرام است.
۱۱. فیلم‌برداری مردان از زنانی که حجاب ندارند حرام است.
۱۲. هر نوع تجارتي که به نفع دولت صهیونیستی و غاصب باشد حرام است.
۱۳. وارد کردن و ترویج کالاهای صهیونیستی حرام است.
۱۴. خرید کالاهای صهیونیستی حرام است.
۱۵. خرید و فروش لباس‌هایی که فرهنگ غیراسلامی را رواج می‌دهند حرام است.
۱۶. خرید و فروش لباس‌هایی که باعث تقویت اقتصادی صهیونیست می‌شود حرام است.
۱۷. خرید و فروش لباس‌هایی که ضرر اقتصادی برای جامعه‌ی اسلامی دارد حرام است.
۱۸. تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ غرب است حرام است.



۱- کدام مورد از مصادیق مهم عمل صالح معرفی شده و واجب کفایی است و دارای پاداش آخری می باشد؟

(۱) تولید سایت در اینترنت برای اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی

(۲) تولید فیلم سینمایی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی

(۳) تولید و توزیع و تبلیغ فیلم و سی دی به منظور گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی

(۴) تولید فیلم‌های تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی

۲- در بحث احکام دین ابزار مشترک یعنی چه؟ و کدام مثال برای آن درست است؟

(۱) فقط استفاده‌ی حلال دارند - تلویزیون

(۲) هم استفاده‌ی حلال دارند و هم حرام - ماهواره

(۳) فقط استفاده‌ی حلال دارند - ماهواره

(۴) در همه‌ی دین‌ها وجود دارد - روزه

۳- حکم قمار، شرط‌بندی و دادن جایزه به ورزشکاران به ترتیب چیست؟

(۱) حرام - حرام - جایز

(۲) حرام - مکروه - واجب

(۳) حرام - مکروه - حرام

(۴) مکروه - حرام - جایز

۴- کدام مورد حرام است و جایز نمی باشد؟

(۱) خرید و فروش ابزار مشترک برای کار حلال

(۲) فیلم‌برداری زنان از زنان در مجالس عروسی

(۳) دادن جایزه به ورزشکاران

(۴) فیلم‌برداری مردان از زنان در مجالس عروسی

۵- به ترتیب بیان کنید که: کدام مورد از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و حرام می باشد؟ کدام مورد انسان را از خدای

متعال دور می کند و حرام می باشد؟ کدام مورد ترویج دهنده‌ی یک پیام منفی و یا یک گروه غیر اخلاقی است و حرام

می باشد؟

(۱) قمار - شرط‌بندی - مدهای غربی

(۲) شرط‌بندی - موسیقی لهوی و مُطرب - مدهای غربی

(۳) مدهای غربی - شرط‌بندی - موسیقی لهوی و مُطرب

(۴) شرط‌بندی - قمار - موسیقی لهوی و مُطرب

۶- کدام یک از آیات زیر خطرات سهل‌انگاری در عمل به احکام را در دنیای پیچیده‌ی امروز را به ما گوشزد می کند؟ آن‌ها که

در احکام سهل‌انگاری می کنند چگونه معرفی شده‌اند؟

(۱) أَفَمَنْ أَسَّسَ بِنِيَانِهِ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ - ظالمین

(۲) أَمْ مَنْ أَسَّسَ بِنِيَانِهِ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - کافرین

(۳) أَمْ مَنْ أَسَّسَ بِنِيَانِهِ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - ظالمین

(۴) وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ - کافرین

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱	<input type="radio"/> ۱
	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲	<input type="radio"/> ۲
	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳	<input type="radio"/> ۳
	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴	<input type="radio"/> ۴

۷- بازی و ورزش اگر برای سلامتی به قصد انجام وظایف الهی باشد چه حکمی دارد؟ و اگر برای دور شدن افراد از فساد دنیای کنونی ضرورت یابد فراهم آوردن امکانات آن چه حکمی دارد؟

- (۱) جایز و حلال - واجب
(۲) واجب کفایی - واجب کفایی
(۳) مستحب - مستحب
(۴) مستحب - واجب کفایی

۸- برای این که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینه‌ی پیدایش آن در جامعه فراهم نشود، چه حکمی صادر شده است؟

- (۱) قمار و شرطبندی حرام است.
(۲) بازی با وسایل و ابزار قمار حرام است.
(۳) شرکت در مجالس قمار حرام است.
(۴) بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر حرام است.

۹- کدام ویژگی برای مدهای غربی بیان نشده است؟

- (۱) معمولاً ترویج دهنده‌ی یک پیام منفی اند.
(۲) معمولاً ترویج دهنده‌ی یک گروه غیراخلاقی اند.
(۳) معمولاً اسراف و تبذیر را رواج می‌دهند.
(۴) معمولاً باعث شبیه شدن به دشمنان اسلام می‌شوند.

۱۰- کدام گزینه از ویژگی‌های موسیقی لهنوی و مطرب نیست؟

- (۱) به صورت غیرکلاسیک می‌باشند.
(۲) مناسب مجالس عیش و نوش می‌باشند.
(۳) انسان را از خدا دور می‌کنند.
(۴) انسان را به بی‌بندوباری سوق می‌دهند.

۱۱- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری دنیای کنونی ضرورت یابد فراهم کردن امکانات آن واجب است و شرطبندی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی است.

- (۱) عینی - بلااشکال
(۲) کفایی - بلااشکال
(۳) کفایی - حرام
(۴) عینی - حرام

۱۲- مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتدال اخلاقی از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات است و تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آن‌ها را به دنبال دارد است.

- (۱) کفایی - حرام
(۲) کفایی - مکروه
(۳) عینی - حرام
(۴) عینی - مکروه

۱۳- بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده‌اند، اگرچه به قصد حرام و شرکت در مجالس حرام

- (۱) قمار نباشد - است - نیست
(۲) تفریح باشد - نیست - است
(۳) قمار نباشد - است - است
(۴) تفریح باشد - نیست - نیست

تست	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
گزینه	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱	○.۱
	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲	○.۲
	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳	○.۳
	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴	○.۴

پایان درس دهم

بررسی خطبه خط متن

درس اول: هستی‌بخش

* اگر نگاهمان از سطح ظاهری پدیده‌ها عبور کند ← درمی‌یابیم که: موجودات هستی خود را وامدار هستی‌بخش هستند.

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

* هر یک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم (علت) در سختی‌ها و مشکلات به او پناه می‌بریم و از او کمک می‌طلبیم. قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر در این باره دعوت می‌کند و راه‌های متفاوتی را به ما نشان می‌دهد. (معلول)

* هر یک از موجودات حق بودن (واقعیت و موجودیت) خود را از خدا می‌گیرند.

* راه‌های درک خدا } ۱. درک خدا با سرشت خدا آشنا (یافتن در خود)
2. کسب معرفت عمیق درباره‌ی خدا با درک نیازمندی‌های جهان



رکن اصلی خدائست، خردشست و رکن اصلی خردشست تفکر در وجود خود است.

استدلال‌های درک نیازمندی جهان:

۱- مقدمه‌ی اول

* همه‌ی ما پدیده هستیم ← وجود و هستی‌مان از خودمان سرچشمه نمی‌گیرد.

* پدیده یعنی } ۱. یک زمانی نبوده و سپس پدید آمده است.
2. متکی به خود نیست (قائم به ذات نیست).
3. خدا موجود است اما پدیده نیست.
4. ممکن بود ما نباشیم (ممکن الوجود)

۲- مقدمه‌ی دوم

* هر چیزی وجودش از خودش نباشد ← برای موجود بودن ← نیازمند به دیگری است (مثلاً چای نیازمند قند برای شیرینی)

ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

* شرط بی‌نیازی در موجود بودن به دیگری } ۱. ذات و حقیقت او = موجود بودن
2. نیستی در او راه نداشته باشد

* چنین موجودی نیاز به پدیدآورنده ندارد و همیشه هست (واجب الوجود)

نتیجه‌ی مقدمه‌ی ۱ و ۲:

} ۱. به وجود آورنده‌ی هستی مستقل و قائم به خود بوده و هستی از او جدا نمی‌شود. (ذات = هستی ← خدا)
2. ما پدیده‌های جهان، نیازمند به دیگری برای پدید آمدن و هستی یافتن هستیم.

اشعار در باب مشهود بودن خداوند:

دلی کز معرفت نور و صفا دید	به هر چیزی که دید اول خدا دید
یار بی‌پرده از در و دیوار	در تجلی‌ست یا اولی‌الابصار
به صحرا بنگرم صحرا تو بینم	به دریا بنگرم دریا تو بینم

* دیدن خدا در پشت و ورای هر چیز < معرفتی برتر و عمیق‌تر

* این هدف برای جوانان امکان‌پذیر است < بستر اصلی حرکت به سوی خدا در ورای هر چیز پاکی و صفای فطری قلب است.

* به یقین خداوند کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند. (والذین جاهدوا...)

چرا نمی‌توانیم به ذات خدا پی ببریم و بدانیم او چیست و چگونه است؟

۱. امور محدود: برخی از امور در دایره شناخت ما قرار می‌گیرند، مانند گیاهان، حیوانات، بهشت و جهنم. این‌ها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می‌تواند بر آن‌ها احاطه پیدا کند و چگونگی‌شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چیستی آن‌ها را دارد.

۲. امور نامحدود: برخی دیگر از آن‌ها توانایی دستگاه اندیشه ما هستند و ذهن ما نمی‌تواند بر آن‌ها احاطه پیدا کند؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن‌هاست.

* مثال: ما هر عدد با خطی را که تصور کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی‌توانیم تصور کنیم. خدا که حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد. و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند.



نمی‌توانیم بلوئیم چیست. هر چیزی را که برای او فرض کنیم او را در حد تصورات ذهنی خود پدید آورده و محدود کرده ایم.

* پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

لا تفکروا فی ذات الله تفکروا فی آلاء الله: در ذات و چیستی خداوند فکر نکنید در نعمت‌های خداوند تفکر کنید

* دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی، تشویق کرده است < شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان‌پذیر است.

پایان درس اول

درس دوم: یگانه بی‌همتا

* توجه به مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین و محور زندگی دینی < اعتقاد به توحید > اعتبار به سایر اعتقادات
* نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و همانند روحی در پیکره‌ی معارف و احکام دین به آن‌ها حیات می‌بخشد.

ایستگاه تکرار

لازمه‌ی ایمان به خدا < ایمان به معاد



ب) روح عمل < نیت

الف) روح معارف و احکام < توحید

* توحید به معنای یگانگی و بی‌همتایی می‌باشد.

* اعتقاد به توحید یعنی اعتقاد به اینکه خداوند یکتاست و شریک و همتایی ندارد.

مراتب یگانگی خداوند (توحید نظری)



توحید نظری، نظر و اعتقاد یک انسان موحد درباره‌ی خداست!

۱- توحید در خالقیت

- * توحید در خالقیت
- < ۱. خداوند در ذات خود یکتاست.
 - < ۲. تنها ذات بی‌نیاز از هر موجود.
 - < ۳. موجودات همه از او هستند.
 - < ۴. جهان از یک اصل پدید آمده و به همان نیز بازمی‌گردد.
 - < ۵. قرآن این حقیقت را یادآوری و از گرایش به شرک انذار می‌دهد.

* شرک در خالقیت

در مقابل توحید ذاتی قرار دارد. مثل: اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان.
دو یا چند خدای مستقل و بی‌نیاز وجود دارد < هر کدام خالق بخشی از جهان‌اند.
چند خدا وجود دارد که با همکاری هم این جهان را اداره می‌کنند.

- * اگر چند مبدأ و خالق برای جهان تصور کنیم
- < ۱. آن‌ها را ناقص و محدود و نیازمند فرض کرده‌ایم.
 - < ۲. هریک دارای کمالات منحصر به فرد.
 - < ۳. هریک به خالق کامل و بی‌نیاز احتیاج دارند.

توحید افعالی

- * به این معناست که خداوند برای اداره‌ی جهان نیاز به هیچ‌یک از مخلوقات خود ندارد.
- * هر موجودی هرچه دارد از خداست (علت) ← هیچ موجودی در کارهایش نمی‌تواند مستقل و بی‌نیاز از خدا عمل کند (معلول) = هر فعل به اذن قدرت الهی است.
- * هر فعل و عملی در جهان متکی به نیروی الهی است ← توحید افعالی
- * همه‌ی آثار مخلوقات به اذن و اراده‌ی خداست ← توحید افعالی
- * اثر و مؤثر از خدا ← باران در سرسبزی و آفتاب در رویش

شاخه‌های توحید افعالی:

الف) توحید در مالکیت

مخلوقات و آثارشان از خداست (علت) ← مالک اصلی و حقیقی آن‌ها فقط خداست (معلول)



این شاخه از توحید بیانگر طولی بودن مالکیت موجودات نسبت به مالکیت خداست.

ب) توحید در ولایت

خدا مالک حقیقی جهان است (علت) ← بر جهان ولایت دارد. (معلول)

۲- توحید در ربوبیت: خداوند رب العالمین است

رب: صاحب اختیاری که تدبیر امور به‌دست اوست.

تدبیر امور به‌دست خداست (معلول) ← خدا مالک و ولی جهان است (علت)

- شُرکت در ربوبیت
- ۱. انسان ربوبیت و تدبیر خود را در کنار ربوبیت خدا بداند. (مستقل از خدا)
 - ۲. انسان به کلی ربوبیت خدا را فراموش کند.

- * توحید در ربوبیت یعنی موجودات و انسان قدرت تدبیر دارند اما در طول اراده خدا و به صورت غیرمستقل، مانند باغبان و پرورش درختان (زارع حقیقی خداست)

طرح یک سؤال

آیا تقاضای شفا از اولیای خدا بیانگر شرک است؟

همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد زیرا پزشک به واسطه‌ی اسباب مادی و آنان به واسطه اسباب غیرمادی این کار را انجام می‌دهند. شفا دادن وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم. اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است. این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند. اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است. (ولایت معنوی)

پایان درس دوم

درس سوم: حقیقت بندگی

بر آستان جانان گر سر توان نهادن کلبانگ سر بلندی بر آسمان توان زد

پیام شعر: توحید عملی و عبادی

توحید در عبادت

* پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده جهان و تنها سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست و اداره کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، درمی‌یابیم که تنها وجود شایسته پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

ایستگاه تکرار

احبار < دانشمندان
رهبان < راهبان (روحانیون)
اهل کتاب < مسیحیان و یهودیان

* توحید نظری (علت) < تنها وجود شایسته پرستش و عبادت و تنها معبود حقیقی = خداوند (معلول)
* اطاعت از غیر خدا که براساس اطاعت او نباشد (مثل طاغوت) < نابجا و غلط

لازمه‌ی توحید عملی:

1. حکم و فرمان الهی از طریق آنان به مردم می‌رسد.
2. بدون اطاعت از آنان اطاعت از خدا غیرممکن است.

1. پرستش خدای یگانه
2. کارها و رفتارها به قصد اطاعت و کسب رضایت خدا

1. بعد فردی:

1. تلاش برای این که فقط خدا را پرستش کند و او را اطاعت کند.
2. سامان‌دهی کشش‌ها و تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک هماهنگی مناسب تا سمت و سویی خدایی بگیرند و بر محور بندگی خدا باشند.
3. در مجموعه برنامه‌ریزی‌ها خدا و رضایت او را در نظر دارد.
4. به میزانی که در جهت بندگی پیش می‌رود (1) حل تضادهای درونی (2) کنترل امیال و غرایز
5. شخصیت یگانه و یک‌پارچه در جهت عبودیت و پرستش دارد.

← ظهور گرایش‌های
(1) نوع دوستی
(2) عدالت خواهی
(3) احسان

۱. در مقابل توحید عملی است و دو مرتبه دارد.
۲. مرتبه اول < شرک جلی (آشکار) < پرستش غیر خدا
۳. مرتبه دوم < شرک خفی (پنهان) < (۱) اطاعت از نفس خود با دیگران.
(۲) انجام کارها برای نفس یا خوشامد دیگران.
(۳) می‌تواند برای یک مؤمن هم رخ دهد.
۴. ویژگی انسان مشرک < (الف) چندشخصیتی با جهت‌گیری‌های متفاوت.
(ب) در خدمت معبودهای گوناگون.
(ج) دارای ستیزه‌ای پایان‌ناپذیر در وجودش.
- علت: وی تحت سلطه‌ی تمایلات و خواسته‌های متضاد نفسانی است.

* شرک عملی

۲. بعد اجتماعی:

- * بعد اجتماعی توحید عملی: یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خدا و اطاعت همه‌جانبه از او.
۱. افراد در روابط خود با یکدیگر، فرمان الهی را به جای خواست‌های خود حاکم سازند.
۲. افراد مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم کنند.

نکته

بین بعد فردی و بعد اجتماعی توحید عملی، تناسب وجود دارد.

* گام برداشتن فرد در توحید عملی ← رسیدن به شخصیت متوازن، زیبا و متعادل

نکته

اگر فرد به سوی خدا قدم بردارد ← خدا او را شایسته و لایق خود قرار می‌دهد.

۱. عدم حاکمیت ستمگران
۲. روابط اجتماعی به تعادل، انسجام، توازن و هماهنگی می‌رسد.
۳. تبدیل جامعه به جامعه‌ای زیبا
۴. تحقق عدالت اجتماعی در هر بعدی (مهم‌ترین هدف نظام اجتماعی توحیدی)

افراد خواسته‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند.
افراد منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند.
افراد اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به یکدیگر نباشند.
با سلطه و فرمانروایی ستمگران همراه است.
در جامعه سخن از حاکمیت طاغوت و دستوره‌های آن است.

* شرک اجتماعی

تفرقه و تضاد جامعه را فرامی‌گیرد.
امکان رشد و تعالی از بین می‌رود.
انسان‌های ستمگر قدرت اجتماعی و سیاسی را می‌گیرند.
انسان‌های ستمگر افراد را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند.

* پیامدهای شرک اجتماعی

مهم‌ترین شعار اسلام ← بهای بهشت
جامع همه ابعاد توحید (توحید نظری و توحید عبادی)
از آنجا که انسان‌ها بیشتر گرفتار شرک عملی می‌شوند ← بیشتر ناظر بر توحید
جامع همه‌ی ابعاد شخصیتی یک انسان موحد
توجه و تفکر در آن در طول روز ← فلاح و رستگاری ← پیشوایان از ما خواسته‌اند
آن را در روز تکرار کنیم.
هر چه به درک قوی‌تر و ایمان بالاتر از آن برسیم ← دوری از گناه.
دژ مستحکم توحید و خدا } حفظ انسان از گناه
رسیدن به مراتب کمال
قولوا لا اله الا الله تفلحوا ← مخاطب: مردم
نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ی پرمحتوا همانند این کلمه نگفته‌ایم.

لا اله الا الله

* این عبارت کوتاه که در حد یک کلمه است از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله) مانند بت‌های ساختگی و طاغوت و دیگری (الا الله) اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است. از این رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند.

توحید و شرک در جهان امروز

* اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان خدای یگانه است و خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند. وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم‌خوانی ندارد.
* بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آن‌ها جایگاهی ندارد.

لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بت و معبودشان شده و آن‌ها را می‌پرستند. از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

نکات

محصور زندگی دینی ← توحید
محصور زندگی غیر دینی ← شرک

* معرفت به خداوند زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود.

* انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد.
* چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

در عصر جاهلیت ← پرستش ۳۶۰ بت
اکنون } بت‌پرستی
{ در ژاپن و هند (جلی)
پرستش هزاران بت فرضی که خطرناک هستند (خفی)

عدم وارد کردن دین و دستورات آن در متن زندگی
ریشه‌ی بت‌پرستی در عصر جدید:
اصل قرار دادن تمایلات دنیایی و نفسانی

* قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده خودمان قرار داده است.

گرفتن ارباب‌هایی جز خداوند
روی آوردن به جهتی جز جهت خداوند
پذیرش سرپرستی جز خداوند
عبودیت کسانی جز خداوند
خارج کردن خدا از محوریت زندگی
معیارهای ثابت شرک و بت‌پرستی

پایان درس سوم

درس چهارم: در مسیر اخلاص

* زندگی عرصه عبادت و بندگی خداست تا با پرستش او مسیر رسیدن به سعادت و کمال را بیماییم و به سرچشمه زیبایی‌ها برسیم.



* هرآن که بر حق بر مردم نازل شده است، پس اختیار انسان برای هدایت شدن را بیان می‌کند.



- ۱- هرچه درجه‌ی اخلاص بیشتر } مقام گرامی‌تر نزد خدا
 درجه‌ی بهشتی بالاتر
- ۲- صراط مستقیم = توحید عبادی = اخلاص در بندگی

نیت = قصد = هدف ← روح عمل
شکل و ظاهر عمل ← جسم و کالبد عمل

* پیامبر اکرم (ص) فرموده است: نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ: نیت مؤمن، برتر از عمل اوست.



حق فطری به دنبال حق خلقی می آید.

* اولین قدم در دوستی خالصانه با خداوند ← کسی که قلباً با خدا خالص است ← انجام عمل فرمان داده شده به شکلی که خداوند خواسته است.

برنامه‌ریزی برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص:

۱- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری

* اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص ← حق‌پذیری است.

کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است }
به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود.
به سرعت راه موفقیت را می‌پیماید.

* افراد حق‌پذیر، تابع دلیل هستند < وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت < به دنبال آن می‌روند.

افراد ای: }
با بستن راه ورود حق بر خود }
انکار خیرخواهی دوستان < می‌گویند دلم نمی‌خواهد.
نمی‌فهمند که دل را، دو ندا دعوت می‌کند }
۱. عقل
۲. هوی و هوس

۲- افزایش معرفت به خدا

* افزایش معرفت و ایمان به خدا و شناخت عمیق‌تر او < افزایش انگیزه‌ی عبودیت و بندگی

* آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار

پیام شعر: دعوت به تفکر برای افزایش معرفت

* مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات وجود هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟

پیام شعر: نتیجه‌ی غفلت از آیات الهی

۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او

نیایش با خدا }
تقویت محبت خدا در قلب }
کنار زدن غفلت }
بهره‌مندی از امداد الهی }
عرض نیاز به درگاه خدا }

خدا خود به ما آموزش داده است و خواسته که این‌گونه سخن بگوییم.
نماز } حداقل ۵ مرتبه در شبانه‌روز
به‌طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور خدا را در زندگی ما تقویت می‌کند.
جایگاه ویژه‌ای در مناجات و عبادات دارد.

۴- یاد معاد و روز حساب

* توجه به این‌که همه ما حیات جاودانه‌ای داریم که کیفیت و چگونگی آن در این دنیا توسط ما تعیین می‌شود ← تقویت عبودیت و اخلاص

ببینیم ← چه چیزی را برای خدا آماده کرده‌ایم.
* همواره باید }
یادآور شویم ← ساکنان آتش با یاران بهشت تفاوت دارند.

۵- اهتمام به عمل صالح

* قرآن کریم ← ایمان را قرین عمل صالح معرفی می‌کند.

پای در مسیر آن عمل می‌گذارد.
* وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت }
بدون هیچ بهانه‌ای از عمل دست برنمی‌دارد.

پرورش انسان }
* عمل صالح }
خالص ساختن وجود انسان }

عدم نفوذ شیطان در انسان، با اخلاص و یأس او (اولین ثمره)
احساس اطمینان و آرامش روانی + نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها }
زندگی سالم به دور از فساد + احساس لذت واقعی از زندگی }
کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌برداری مطلوب از لذت‌های دنیوی }

- * استحکام رشته‌ی اخلاص ← کم شدن توانایی شیطان در وسوسه کردن
- * شیطان برای کشاندن حضرت یوسف (ع) به گناه و فساد، دام گسترده بود. امروزه نیز دام‌های گوناگونی پهن کرده است تا هوس انسان‌ها را تحریک کند و به گناه سوق دهد.
- * در نتیجه: از بهشت جاویدان محروم کند.
- * فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و گروه‌ها و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از این دسته دام‌هاست که مقاومت در برابر آن‌ها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.
- * کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود } زندگی پاک و بانشاط دنیا را از دست می‌دهد.
} حیات سرشار از شادکامی آخرت را از دست می‌دهد.
- * ثمره دیگر اخلاص در پرستش ← دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار است.
- * حکمت ← دانش متین و محکم ← در اختیار انسان قرار گرفته است ← فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.
- * شیطان اقرار دارد ← که در فریب مؤمنان با اخلاص ناتوان است.
- * میوه‌های عالی اخلاص ← در اثر پیمودن راه‌های عالی بندگی به دست می‌آید!
- * بالاترین میوه‌ی اخلاص در بندگی ← دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه خداوند.

نهایت آرزوی عارفان }
دوست دل‌های صادقان } * خداوند به تعبیر امیر مؤمنان (ع)
ولی مؤمنان }
معبود عالمیان }

مقام قرب و خوبی‌ها و زیبایی‌های رسول اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) ← از راه بندگی



مقام و منزلت انسان‌های بافضیلت، ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.

تن رها کن تا همه جانت کنند
ای مسلمان تا مسلمانان کنند
تا ستایش همچو سلطانت کنند

♥ بندگی کن تا که سلطانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش
بنده‌ی شیطانی و داری امید

پیام شعر: توحید عملی علت همه مقام‌ها

چهارم
پایان درس

درس پنجم: قدرت پرواز

* با توجه به اینکه همه‌ی رخدادهای تحت اراده و مدیریت خداست < اختیار انسان پذیرفته شده است و این نظام بستری مناسب برای آن است (اختیار انسان در طول اختیار خدا)

حقیقتی وجدانی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌یابد.
* اختیار } در بین مخلوقات فقط انسان قدرت اختیار دارد.
حتی کسی که در سخن اختیار را انکار کند < در عمل از آن بهره می‌برد.
* شعر مولوی:

آن یکی بر رفت بالای درخت
می‌فشانند او میوه را دزدانه سخت
گفت توبه کردم از جبر ای عیار
اختیار است، اختیار است، اختیار

پیام شعر:

تکیه بر اعتقاد جبری‌گری برای رد جبر
درباره‌ی کسی که می‌خواهد قدرت اختیار را انکار کند.

نشانه‌های اختیار:

۱- تفکر و تصمیم: اندیشه کردن و سنجش کارها با سبک و سنگین و نیز تردید قبل از تصمیم‌گیری از نشانه‌های اختیار است.

♥ این که فردا این کنم یا آن کنم
خود دلیل اختیار است ای صنم

۲- احساس رضایت یا پشیمانی:

{ در صورت موفقیت در کار < احساس رضایت و خرسندی < چون کار را از خود و اراده و تصمیم عاقلانه‌ی خود می‌دانیم.
در صورت اشتباه در کار < احساس ندامت و پشیمانی < چون اشتباه به اراده و اختیار ما بوده.

♥ گر نبودی اختیار این شرم چیست؟
و آن پشیمانی که خوردن زان بدی
این دروغ و خجالت و آزر چیست؟
ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۳- مسئولیت‌پذیری و نظام پاداش و جزاء

{ عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها را استوار کرده
* انسان خود را مسئول کارهای خود می‌داند
} اگر کسی پیمان شکنی کند ← مستحق مجازات

♥ هیچ گویی سنگ را فردا بیا
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟
ور نیایی من دهد بد را سزا؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

* نهادهای قضایی و نظام پاداش و جزاء < بر اختیار انسانها استوارند.

با ساختار انسان سرشته شده است (فطری است) < انکارناپذیر
آنچه در رابطه با آن اهمیت دارد، نحوه‌ی بهره‌مندی از آن است < از این جهت شبیه قدرت تفکر

* اختیار و فواید آن

۱. احساس هویت <
کسی که اختیار خود را باور کرده است }
۲. اعتماد به نفس و خودباوری بالا
۳. احساس مسئولیت در برابر کارها
۴. پذیرفتن تصمیمات و اشتباهات خود و جبران آنها

پندارهای ویرانگر

۱ - عقیده به اینکه جهان منحصر به اشیای مادی است < جایی برای اراده و اختیار باقی نمی‌ماند.
۲ - جبری‌گری

عقیده بر اینکه اراده انسان جایگاهی در تقدیر الهی ندارد.
* اعتقاد به سرنوشت بدون اختیار }
بی‌حرکتی و عدم احساس مسئولیت بر فرد حاکم می‌شود.

گرفتن تحرک و سازندگی از جامعه
* رواج عقیده‌ی جبری‌گری < مثل ویروس فلج }
فراهم کردن فرصت برای زورگویان

زورگویان و ستمگران } قدرت و ثروت را موهبت الهی معرفی می‌کنند.
می‌گویند حاصل تقدیر و سرنوشت است که گروهی ثروتمندند.
* عقیده‌ی جبری‌گری }
محرومان } به خود حق اعتراض نمی‌کنند.
می‌پندارند اعتراضشان مخالفت با خواست الهی و تقدیر است.

مسئله‌ی تقدیر جبرگونه < دستاویز برای حکومت امویان
* در طی تاریخ اسلام }
امویان طرفدار مسلک جبر بودند < آزادی‌خواهی و حق‌طلبی = مبارزه با تقدیر
در زمان امویان پندار مردم درباره‌ی مبارزه با یزید < مبارزه با خواست الهی < بدون اثر

محور قرار دادن خواست‌های خود بدون توجه به عواقب آن
* ۳ - اختیار به معنای آزاد مطلق }
نادیده گرفتن قانون‌های جهان

این افراد در کوتاه‌مدت یا درازمدت < برای ارضای میل یا هوس خود > }
تخریب شخصیت خود
نابسامانی اجتماعی
آسیب رساندن به طبیعت

این افراد محیط زیست را تخریب می‌کنند < چون فکر می‌کنند > }
میل و اراده‌شان محور تمام امور است.
هیچ مانعی بر سر راهشان نیست.

زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

* اعطای اختیار < برای پیشرفت و کمال و قرب الهی >
* زمینه‌ساز بهره‌مندی کامل از اختیار و پرواز در آسمان هستی = درک صحیح نظام حاکم بر جهان
* اولین گام در درک نظام جهان < اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر > خلق حکیمانه و اداره‌ی جهان

۱- اعتقاد به خداوند حکیم

* تدبیر و اداره‌ی جهان توسط خداوندی حکیم، وقوع رخدادها در چارچوبی > }
سامان‌دهی شده و قانونمند (قدر)
بسیار دقیق و حساب شده (قدر)
بدون هیچ عیب و نقص (قضا)

انسان‌ها > }
به علت دانش محدود و ناقص < عاجز از درک اهداف حکیمانه‌ی خدا >
مطمئن و معتقد به: حکیمانه بودن تمام رویدادها و هدف‌مندی عالم

در پی انجام کاری می‌رود

♥ قطره‌ای کز جویباری می‌رود

پیام شعر: هدفداری، حکمت، قانون‌مندی

* تأثیر ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه‌ی او > }
< ۱. اطمینان از بی‌نقصی جهان و اینکه دارای نگهبان است.
< ۲. با اعتماد به قانون‌مندی جهان > }
به فعلیت رساندن استعدادها
خود طی کردن پله‌های کمال

۲- قانون‌مند بودن جهان:

* قانون‌مندی و سامان‌بخشی حاکم بر جهان < و رای قانون‌مندی است و هر قانونی را لغو می‌کند.

* پندار غلط درباره‌ی قضا و قدر: قضا و قدر با اختیار ناسازگار است!

هیچ نظامی برقرار نمی‌شود.

* بدون پذیرش نظام قضا و قدر }
زمینه‌ای برای کار اختیاری برقرار نمی‌شود.

* سؤال یار امام علی (ع) از ایشان درباره‌ی تغییر مکان به زیر دیوار محکم < آیا از قضای الهی می‌گریزی؟

* پندار غلط فرد سؤال کننده < اگر قضای انسان به مرگ تعلق گرفته باشد در هر صورت می‌میرد < حرکت و تغییر مکان براساس دستور عقل بی‌فایده است (تباهی اختیار).

* پاسخ اما علی (ع) به یارش < از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم!

مانع تحرک و عمل نیست.

* اعتقاد به قضا و قدر }
عامل و زمینه‌ساز تحرک آدمی است.



قضای دیوار کج (ضروریقتن) < مناسب با قدر دیوار کج (کجی)
تقدیر دیوار راست (استحکام) < قضای دیوار راست (پایداری)

به معنای اندازه گرفتن < قدر و قدر < اندازه

* تقدیر }
موجودات مقدر به تقدیر خدایند < چون خدا حدود و اندازه و ویژگی و مکان و زمانشان را مشخص می‌کند.
از علم و حکمت خدا سرچشمه می‌گیرد.

به معنی به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حقیقت بخشیدن

* قضا }
موجودات انجام یافته به قضای خدا < چون با حکم، اراده و فرمان خدا حتمیت می‌یابند.
از اراده‌ی خدا سرچشمه می‌گیرد.
به تقدیر تکیه دارد.

* طراحی نقشه‌ی جهان و اجرای آن بر عهده‌ی خداست < بی‌عیب و نقص در همه‌ی ابعاد

* ندیدن تقدیرات در عالم + پنداشتن جهان پر از هرج و مرج < ناتوانی در بهره بردن از اختیار و اراده

نوشیدن آب برای رفع تشنگی < به علت اعتماد به تقدیر

تنظیم ساعت‌ها، روزها، فصل‌ها و ماه‌ها

برنامه‌ریزی و عمل کردن با اعتماد به دقت و نظم دنیا

با استفاده از قانون جاذبه < ساختن هواپیما و حرکت در آسمان

* فواید آگاهی از قضا و قدر

تعیین جایگاه و نقش هر موجود / تعیین ویژگی و حدود

* نقشه‌ی جهان خلقت و نظام تعیین شده < که مربوط به تقدیر است.

اجرای آن موجود به قضا

* حوادث جهان و کارهای انسان }
مظهري از قضا و قدر الهی است.
تحت تدبیر و اراده‌ی خداوند است.

علل پیدایش پدیده:

* علل عرضی } چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت می‌کنند.
مثال مجموعه‌ی باغبان، خاک، آب، و نور < گل
هر عامل دارای نقشی مستقل و متفاوت از بقیه

* علل طولی } تأثیر چند عامل در یکدیگر < انتقال اثر عامل اول به معلول
هر علتی، علت بودنش را از عامل بالاتر می‌گیرد.
کار انجام یافته را به هر کدام می‌توان نسبت داد.

وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده و خواست الهی است.
* ما، اراده‌ی ما، عمل ما < وابسته به اراده‌ی خداوند است، اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست!
* همه‌ی کارهای انسان در داخل تقدیر الهی‌اند.
* خدا خواسته انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد.
* نمی‌توان از اختیار (جزء ذاتی انسان) فرار کرد < حتی فرار، کار اختیاری است.

* تقدیرات الهی } ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها < طول / عرض / حجم / مکان / زمان / شب / روز
شامل همه‌ی کیفیت‌ها، ویژگی‌ها و روابط بین موجودات است.
نمونه‌ها: تعداد الکترون هر عنصر / اعضای بدن انسان / ویژگی مایع بودن آب
دایره اختیار انسان

* نگاه اول و سطحی به اختیار انسان } انسان محصور در نظام عالم
قانونمندی‌ها مانع تحرک و پویایی است.

* نظام قانونمند (طبق علم) } گشودن دروازه‌های علم و ساخت ابزارهای گوناگون
شکافتن پهنه‌های دریا و جست‌وجو در اقیانوس‌ها
نوردیدن کهکشان

* رام شدن عالم برای انسان در صورت } شناخت ویژگی‌ها و قانونمندی‌ها
ساخت ابزارهای متناسب با آن

لازمه‌ی کار اختیاری انسان

جهت دهنده و محدود کننده کار اختیاری انسان < تقدیرات و قانونمندی‌های برخاسته از آن

درس هشتم: سنت‌های خداوندی

- * براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانونمندی‌هایی است که تنها اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد بلکه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد.
- * قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت‌های الهی یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آن‌ها خصوصاً سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها، دعوت نموده است.
- * شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آن‌ها و بهره‌مندی از طبیعت می‌شود.
- * شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم رابطه درست انسان با خود، با دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و رسیدن به کمال را تسهیل می‌کند.

سنت‌های الهی عبارت‌اند از:

۱- امتحان و ابتلاء:

- * این سنت به چگونگی و فرآیند رشد و تکامل انسان‌ها مربوط می‌شود و عامل ظهور و بروز استعداد‌های اوست.
- * هر انسان انتخاب‌گری برای اینکه نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه‌ی انتخاب خود را آشکارا مشاهده کند. همواره در معرض امتحان و آزمایش است و در این میان کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند وارد آزمایش‌های ویژه و خاص می‌گردد.
- * پیروزی و یا شکست در آزمایش‌هایی که انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آن قرار دارند، سبب جدا شدن نیکوکاران از بدکاران و ساخته شدن و تکامل و یا خسران و عقب‌ماندگی آن‌ها می‌گردد.
- * پیروزی در یک امتحان سبب صعود به مرحله‌ی بالاتر و رویارویی با امتحان جدید می‌شود، مانند دانش‌آموزی که در پایان هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.
- * اما صادق (ع) می‌فرماید: انما المؤمنُ بمنزلةِ كفةِ المیزانِ كلما المیزانِ كلما زیدُ فی ایمانه زید فی بلائِهِ: به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست. هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین می‌شود.

۲- امداد الهی:

- * مردم در برابر دعوت انبیاء دو دسته می‌شوند }
 - به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند.
 - لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند.

- * سنت الهی این‌گونه است که برای هر کس که با اراده و اختیار خود راه حق یا باطل را انتخاب کرده است، شرایطی فراهم شود که در مسیری که در پیش گرفته به پیش رود و سرنوشت خود را آشکار کند.
- * خداوند برای هر دو گروه امکان رسیدن به اهدافشان را فراهم می‌کند، به عبارت دیگر کسی که راه حق را برمی‌گزیند مورد لطف خدا قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و کسی که فقط خواهان دنیا است آن را به دست می‌آورد هر چند عواقب

زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهد کرد. پس بهره‌مندی گناهکاران از دنیا و لذت‌های دنیوی نشانه‌ی لطف الهی نیست چرا که این گروه از نعمات بی‌پایان الهی محروم‌اند.

* توفیق الهی

* امداد خاص خداوند نسبت به کسانی است که با نیت پاک قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف قرار دهند.

* همراه با سعی و تلاشی که انسان برای رسیدن به این اهداف از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز اسباب و شرایط را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

* نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت، یکی از جلوه‌های توفیق الهی است یعنی خداوند انسان‌های تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.



آیه ۶۹ سوره عنکبوت که در درس سوم سال دوم آمده: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»:
کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کنند قطعاً راه‌های خود را به آن‌ها می‌نمایانیم و به تدریج خداوند همراه نیکوکاران است. (مبین سنت توفیق الهی است.)

* از آنجایی که انسان حق‌گرا خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است هماهنگ کرده، نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. بر همین اساس قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبا بر دویست نفر از کفار پیروز می‌شوند.

۳- املاء و استدراج

* خداوند به کسانی که راه باطل را انتخاب می‌کنند و با حق دشمنی می‌ورزند مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آن‌ها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند و به تدریج با از بین رفتن اندک امید گرایش به حق به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند.

* در حقیقت این گروه با اختیار و اراده‌ی خودشان سبب می‌شوند که این مهلت‌ها و امکانات عاملی برای سنگین‌تر شدن بار گناهشان شود. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناهکاران است سنت املاء یا امهال (به معنای مهلت دادن) نامیده می‌شود.

۴- تفاوت در پاداش و کیفر

* با اینکه براساس عدل، خداوند باید به همه بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزاء بدهد ولی از آنجایی که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه‌ی خودش جزا می‌دهد.

۵- تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

* براساس تعالیم پیشوایان دین، زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست.

* این سنت یک سنت اجتماعی نیز هست چرا که جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها قدم بردارد درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

* امام صادق (ع) می‌فرماید: مَنْ يَمُوتُ بِالذَّنْبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ ... کسانی که به واسطه‌ی گناه می‌میرند از کسانی که به واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.

وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ ... و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند بیشترند.

پیام حدیث: نیکوکاری و یا بدکاری از جمله عوامل مؤثر در طول عمر و یا کوتاهی آن هستند.

* دعا نیز در صورتی که با شرایط واقعی انجام شود و چیزی که انسان از خدا درخواست می‌کند در نهایت به ضرر او تمام نشود می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد.

نکات

۱- پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ مردی از امام علی (ع) سؤال کرد که آیا رختن به جنگ بنا بر قضا و قدر الهی بود؟ و به علت برداشت نادرست از قضا و قدر در ادامه پرسید که در این صورت آیا رنج‌های ما در این سفر به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداش داشته باشیم؟

امام علی (ع) پاسخ دادند: از هیچ تپهای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نشدید مگر به قضا و قدر الهی، خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ زیرا با اراده‌ی خود رفتناید، اجر حضور در جبهه زیرا به اراده‌ی خود در آنجا حضور داشتید و اجر بازگشت از نبرد زیرا به اراده‌ی خود بازگشتید و در هیچ‌یک از مراحل مجبور نبودید.

پیام حدیث: قضای الهی متناسب با شرایط و تقدیرات تخیر می‌کند و اراده‌ی انسان در طول این تقدیرات قرار دارد.

۲- یکی از مسائل و مشکلات طرح شده این است که «اگر خدا از قبل، سرنوشت و آینده مرا می‌داند تلاش و اراده‌ی من دیگر نمی‌تواند نقش در آینده‌ام داشته باشد».

* مثال:

اگر من تلاشی بکنم چون در علم خداوند شکست من آمده، تلاشم به جایی نخواهد رسید و برعکس، و اگر هم علم خداوند بر موفقیتم باشد نیازی به تلاش ندارم.

* چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن خداوند با انسان و کارهای اوست که از لغزشگاه‌های انسان است و قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

* براساس این برداشت، خداوند تنها پایان و نتیجه فرآیند را می‌داند و از خود فرآیند و نتیجه آن آگاه نیست. درست مثل معلمی که براساس اطلاعات محدود خود آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند در حالی که نمی‌داند این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی می‌گیرد.

* اما در حقیقت علم خداوند این گونه نیست، او هم پایان فرآیند را می‌بیند و هم تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرآیند را مشاهده می‌کند. یعنی مثلاً او می‌داند که فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد مطالعه خود را افزایش دهد. * علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی یک فرآیند نیست، بلکه به سلسله تصمیم‌ها و عوامل مؤثر در این فرآیند نیز تعلق می‌گیرد یعنی در حقیقت علم خداوند براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه.

ششم
پایان درس

درس هفتم: بازگشت

عبد یا آزاد

* صدای ساز و آواز بلند بود. بساط عیش و میگساری پهن بود. جام شراب پیایی نوشیده می‌شد. زنی در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود از آن زن پرسید: صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ زن پاسخ داد آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست. آن مرد گفت معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خانه‌ی خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد. ارباب زن پرسید: چرا دیر آمدی؟ خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: مردی با چنین وضع و هیبتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله‌ی «اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خانه خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی‌اختیار از جا برخاست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. به دست امام هفتم حضرت موسی (ع) توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُشر بن حارث که تا آن روز در زمره‌ی اشراف‌زادگان بود، در سلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.

انقلاب علیه خود

* در توانایی انسان در قیام علیه خود، خود دانی مورد خطاب است.
* همه‌ی ما پیوند عاطفی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم.

آرزوی ما خدایی شدن
مقصد و مأوای ما در کنار او آرام گرفتن
گرایش و شوق خدا به رستگاری و سعادت ما بیشتر از شوق ما به دیدار خداست } ابزارهای رستگاری و کمال را مهیا ساخته همت کوچک ما را با پاداش بزرگ پاسخ می‌دهد.

ناسپاسی

* حرمت‌شکنی آدمی < ناسپاسی < آلودگی به گناه < دوری از مسیر رستگاری
* افزایش حرمت‌شکنی آدمی < گستردگی دامنه‌ی گناه < خاموش شدن چراغ عقل و فطرت
* با خاموش شدن چراغ عقل و فطرت } جهت الهی زندگی عوض می‌شود.
آدمی پشت به خدا و به سوی شیطان گام برمی‌دارد.

توجیه گناه!
پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت } عادت به گناه



* مباحث تقسیم نگاهان: شدت تخریب آن‌ها است. (صخیره و کسیره)

به سرعت آدمی را از مسیر توحید عملی و اخلاص خارج می‌کند.
* گناهان کبیره } آدمی را گرفتار شیطان و هوس‌هایش می‌کند.
نمونه‌ها: ظلم به مردم / پذیرش ظلم / پشتیبانی از ظالم

* تلخ‌ترین و رنج‌آورترین اثر گناه < نگاه خداوند به انسان حین ارتکاب به گناه < ایجاد رد پای از خجالت و شرمساری در قلب آدمی

* آثار برخی گناهان کبیره } تباه کردن زندگی دنیوی فرد
اثر در نسل‌های آینده‌ی وی
در پی داشتن محصولی از عذاب‌های شدید اخروی

* اما صادق (ع) } این حدیث مرتبط با تلخ‌ترین و رنج‌آورترین اثر گناه است.
چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی.
اگر تو خدا را نمی‌بینی < او تو را می‌بیند.
اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند < کفر ورزیده‌ای.
اگر بدانی او تو را می‌بیند و گناه کنی < او را خوارترین بینندگان قرار داده‌ای.
حقیقت توبه

* خصلت انقلاب علیه خود } برای بازگشتن از گناه
ممکن ساختن } بازگشتن راه رفته
جبران فرصت‌های از دست رفته
موهبتی گران‌بها که خداوند هدیه کرده است.
دروازه‌ی رحمتی است که خدا برای بندگین گشوده است.
خداوند آن را توبه نامیده است.

* توبه } برای خداوند } به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری خداوند
توبه‌ی خدا از روی لطف و کرم او و برای بخشیدن انسان است.



۱- غفرت ریشه در رحمانیت دارد.

۲- خداوند با نام غفار < با بزرگداشتن درهای بزرگت برای نگاهداران خود به سوی آن‌ها رفت
یاد خود را در دشان انداخت

توبه و پاکی

خارج کردن گناهان از قلب }
* توبه < پاک کردن گناهان (پیرایش و تخلیه) }
شستشو دادن قلب }

* امام علی (ع): التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب

پیام حدیث:

○ اثرات توبه: (۱) پاکی دل (۲) شستن گناهان

○ بیانگر عمل پیرایش و تخلیه توسط توبه

* پیامبر (ص): التائب من الذنب کمن لا ذنب له

پیام حدیث:

○ نتیجه‌ی توبه و عمل پیرایش

○ کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه نکرده.

هم یک کار لفظی و ظاهری }
هم تحولی درونی و قلبی } * توبه }
طبق سخن امام علی (ع) ۴ مرحله دارد:

۱- پشیمانی از گذشته

حالتی درونی است. }
شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند. }
شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌کند. } * پشیمانی }
ابراز پشیمانی با عباراتی مثل «استغفرالله» }
معمولاً با استغفار همراه است. }

* تا وقتی که:

شیرینی گناه در جان آدمی باقی بماند. }
< توبه آغاز نشده است. }
از خاطره‌ی گناه لذت ببرد }

* شفاعت پیامبر قوم بنی اسرائیل برای قبول توبه‌ی یک فرد < خدا فرمود: حتی اگر آسمان‌ها و زمین شفاعت کنند توبه‌اش را نمی‌پذیرن < چون شیرینی گناه در دلش باقی مانده است.

- هنوز از گناه خویش خوشش بیاید. } * ادعای پشیمانی، یعنی فرد توبه کننده پس از انجام گناهش
 از انجام آن احساس لذت می کند. }
 ♥ توبه بر لب سبحة بر کف دل پر از شوق گناه معصیت را خنده می آید ز استغفار ما

۲- جبران حقوق ضایع شده‌ی مردم

- پذیرفته نیست. } * گفتن کلمه‌ی استغفار در حال تکرار مداوم گناه
 استغفار را بی خاصیت می کند. }

* امام رضا (ع): المستغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی برّه

پیام حدیث:

- بیانگر بی اثر شدن استغفار توأم با انجام گناه
- بیانگر مرحله‌ی دوم توبه (تصمیم بر عدم بازگشت به گناه)



مرحله‌ی اول توبه (پشیمانی)

مرحله‌ی دوم توبه (تصمیم بر عدم بازگشت به گناه)

۳- جبران حقوق ضایع شده‌ی مردم

- ستمی که بر مردم کرده است را جبران کند. } * اقدامات برای جبران حق الناس
 حقوق مادی یا معنوی را در حد توان ادا کند. }
 رضایت صاحبان حق را به دست آورد. }
 اگر به افراد دسترسی ندارد < برای ایشان صدقه بدهیم و دعای خیر کنیم.

- ۱- بسیار مهم‌تر از حقوق مادی } * مربوط به حقوق معنوی مردم
 ۲- فرد توبه کننده باید با تمام وجود جبران کند. }
 ۳- اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته باشد. }
 ۴- اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته باشد. }
 ۵- اگر با توزیع کتاب یا فیلم بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته باشد. }
 ۶- اگر رفتار نادرست برخی افراد سبب بدبینی دیگران ب دین شده باشد. }

۴- جبران حقوق الهی

* مهم‌ترین حق خدا بر مردم، حق اطاعت و بندگی

* توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود را جبران کند } قضا کردن نماز یا روزه ها
به جا آوردن عبادت های ترک شده

* خداوند مهربان است، اگر شخص توبه کننده با حداکثر تلاشش نتوانست جبران کند ← بقیه ی موارد را عفو می کند.
توبه اجتماعی:

* اگر جامعه ای از مسیر توحید و اطاعت خارج شد < نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است (توبه اجتماعی).

* نمونه های انحرافات اجتماعی } رباخواری، رشوه گرفتن
بی توجهی به عفاف و پاکدامنی
ظلم کردن، ظلم پذیری، اطاعت از غیر خدا

* اصلاح انحرافات اجتماعی } راه اصلاح، امر به معروف و نهی از منکر است.
در صورت کوتاهی در اصلاح به موقع } قوی تر شدن گناهان
در بر گرفتن تمام سطوح جامعه

* اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه، حساسیت نشان دهند ← به آسانی مانع گسترش آن می شوند.
کوتاهی مردم ← ریشه دواندن انحراف از حق

★ عدم حمایت مردم از امام علی (ع) بر کوتاه کردن دست معاویه از حکومت
★ عدم پیروی از امام حسن (ع) بعد از شهادت امام علی (ع) < شهادت امام حسین و یارانش برای جلوگیری از نابودی اسلام
★ عدم اعتراض به نصب یزید به خلافت

* خداوند در جوامعی که گرفتار انحراف اجتماعی شده بودند، پیامبرانی برای بازگشت آن ها از گناه (توبه اجتماعی) مبعوث کرد.



به شهادت این رو آیه توجه کنید:

فمن تاب عن بعد ظلمه واصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفور رحيم

پیام: توبه + عمل صالح = غفران (توبه ی خدا)

الا من تاب و آمن و عمل صالحاً فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات و كان الله غفوراً رحيماً

پیام: توبه + ایمان + عمل صالح = تبدیل سیئات به حسنات

تا چه زمان برای توبه کردن مهلت داریم؟

* حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه‌ی آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است. درباره‌ی دنیا زاهدانه سخن گوید، اما همچون دنیا دوستان عمل کند...»

* گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه‌ی مرگ می‌توان توبه کرد، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس باید به چند نکته توجه کنیم:

۱. از آنجا که دوره‌ی جوانی دوره‌ی انعطاف‌پذیری، تحول و دگرگونی و دوره‌ی پیری دوره‌ی کم شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دوره‌ی جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در کام خود گرفتار می‌سازند؛ هر قدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم می‌شوند و اراده‌ی آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره کردن آن‌ها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲. خوش‌گذرانی در دوره جوانی به امید توبه در دوره‌ی پیری، حيله‌ی خطرناک شیطان است. زیرا:

اولاً: پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناهکار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند خود را متحول سازند؟ هر کس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.
ثانیاً: تعداد کمی از آدم‌های گناهکار فرصت توبه پیدا می‌کنند.

ثالثاً: فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. چون از حقیقت مطلب غافل‌اند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند. سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی‌یابند.



خداوند برنامه‌ی زندگی را برای مؤمنان به گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی محنوی برخوردار شوند و هم بی‌خداغری گناه و به دور از رنج‌های روانی از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره‌مند شوند.

اندیشه و تقوی

* با تدبیر در آیاتی که در این درس مطرح شد، این مفهوم مستفاد می‌گردد که بازگشت و توبه‌ی انسان به واسطه‌ی دو صفت «غفاریت» و «رحمانیت» الهی پذیرفته می‌شود.

* مهم‌ترین ناسپاسی از خداوند روی آوردن به شیطان و قدم گذاشتن در راه اوست که جهتی مخالف خداوند دارد.

* بنابراین سخن امام صادق (ع) برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید باور کند که خداوند او را در حال گناه می‌بیند.

هفتم
پایان درس

درس هشتم: پایه‌های استوار

- * هم‌اکنون پانزده قرن از مبعث پیامبر (ص) می‌گذرد.
- * پیامبر (ص) (پسر عبدالله بن عبدالمطلب)، حضرت علی (ع) (پسر ابوطالب) و خدیجه (دختر خویلد)، شرکت کنندگان در برپایی نخستین نمازهای روزهای آغازین بعثت بودند و پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: «پروردگار من - که پروردگار آسمان و زمین هم اوست - مرا فرمان داده چنین کنم و نماز بگزارم.»
- * بخشی از برنامه‌های مسلمانان، تلاش برای ساختن جامعه‌ای با معیارهای اسلامی است؛ از این رو به بررسی معیارهای یک جامعه اسلامی که قرآن، پیامبر (ص) و امامان به ما معرفی کرده‌اند، می‌پردازیم:

معیارهای جامعه و تمدن اسلام:

- ۱- معیار اول: دعوت به توحید و یکتاپرستی
* پیامبر (ص) در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه کوه صفا فرمود: «ای مردم بگویند معبودی جز الله نیست تا رستگار شوید.»
* بدین ترتیب مبارزه با شرک محور رسالت پیامبر (ص) قرار گرفت.
- ۲- معیار دوم: دعوت به پذیرش معاد
* پیامبر (ص) در کنار دعوت به توحید منکرین را با استدلال‌های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.
* اعتقاد به توحید و آخرت موجب تغییر نگرش یاران و پیروان ایشان نسبت به جهان هستی و تحول در شیوه زندگی آنان گشت.
- ۳- معیار سوم: تشکیل نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی
* یکی از اهداف پیامبر (ص) نجات مردم از حکومت طاغوت و تشکیل نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی بود به طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و تنها فرمان خداوند و کسانی که خداوند تعیین کرده است، اطاعت گردد.
- ۴- معیار چهارم: احیای منزلت و جایگاه خانواده
 } کانون رشد و ترتیب
 } حافظ عفاف و پاک‌دامنی
 } مانع اصلی فساد
* شرایط زن قبل از اسلام
 } به عنوان کالا بود.
 } کم‌ترین حق مالکیتی نداشت.
 } تولد دختر باعث سرافکنده‌گی خانواده می‌شد.
 } ابزاری برای هوسرانی جنسی مردان بود.
- ۵- معیار پنجم: ایجاد تحول در روابط ملل
* تا پیش از اسلام ← رؤسای قبایل و پادشاهان، روابط خود را براساس منافع مادی و زیر سلطه درآوردن هم تنظیم می‌کردند.
پیامبر، جبهه‌گیری‌های سیاسی قبل از اسلام را مردود اعلام کرد و فرمود:

حق } جبهه عدالت خواهی / یکتاپرستی / کرامت اخلاقی
 } ولایت الهی است و مؤمنان در آن حضور دارند.

باطل } جبهه‌ی مشرکان و ستمگران و مفسدان
 } ولایت طاغوت و شیطان

* جبهه‌های واقعی

۶- معیار ششم: ایجاد دیدگاه متعادل نسبت به ابعاد مادی و معنوی

در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی < تلاش برای رشد زندگی دنیوی

بندگی }
هم بهره‌مندی صحیح از نعمات خدا و هم با } راز و نیاز < آمادگی برای تقرب الهی
 } پایبندی به اخلاق

در عین توجه به معنویت < عدم کنارگیری از جامعه / تلاش برای آسایش مردم

* انسان‌های مورد نظر
پیامبر در امر تربیت

(وسیله‌ی رستگاری)

۷- معیار هفتم: دعوت به تفکر و تعقل

* در زمان پیامبر (ص) < در عربستان فقط ۱۷ نفر خواندن و نوشتن می‌دانستند!

مردم را به زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق می‌داد.

* پیامبر (ص) }
اولین آیات آغازگر رسالت او < مربوط به دانش و آموختن

نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت مکرر آن به خردورزی و دانش (عامل قرآنی)

* عوامل شکست سد جاهلیت و خرافه‌گویی }
تشویق دائمی رسول خدا (ص) (عامل حدیثی)

* پیامبر (ص): طلب علم بر هر مرد و زن واجب است < دعوت به علم‌آموزی

۸- معیار هشتم: برپایی عدالت اجتماعی و مبارزه با تبعیض نژادی

بنای نظامی اجتماعی بر پایه‌ی قوانین الهی
تنظیم کردن روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خدا
عدل و قسط را مبنای اصلی روابط قرار دهد
به مردم یاد دهد اساس جهان بر عدل است.
ساخت جامعه‌ای عدالت‌محور

* وظایف پیامبر در رابطه با عدالت اجتماعی

* تلاش پیامبر برای جامعه‌ای عدالت‌محور }
رفع تبعیض‌های طبقاتی

برقراری فرهنگ برابری و مساوات

* در جمع یاران راستین پیامبر < سلمان / مقداد / ابوذر / بلال / عمار / یاسر و سمیه < از بردگان آزاد شده و تهی دست

فرو ریختن کاخ اشرافیت جاهلی }
رفتار تبعیض‌زدایانه‌ی پیامبر (ص) }
برپایی بنایی بر پایه‌ی کرامت‌ها و فضیلت‌های انسانی

درس نهم: برنامه‌ای برای فردا

آفریدن انقلاب اسلامی }
پیروزی در دفاع مقدس } * تجربه‌های موفق کشور ایران اسلامی

تجدید حیات تمدن اسلامی براساس معیارهای دینی }
کمک به رفع کاستی‌های تمدن کنونی } * اهداف ما در عصر جهانی شدن
آماده‌سازی جهانی برای ظهور منجی بزرگ بشریت و موعود پیامبران

تلقی ظاهری و سطحی‌نگر از توانمندی مردم }
عدم آشنایی با آموزه‌های حیات‌بخش و بیدار کننده‌ی اسلام } * اهداف سه‌گانه در عصر جهانی شدن
در نگاه اول: بلندپروازی و دور از دسترس < علل

برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف:

۱- حوزه‌ی اول: تقویت توانمندی‌های فردی

الف) تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید

نشان دادن عوامل پیروزی و شکست }
بالا بردن بصیرت و روشن‌بینی ما } * گذشته دارای تجارب فراوان است

درک درست واقعیت‌ها }
انتخاب روش‌های مؤثر } * شناخت دنیای جدید ضروری و لازم است برای

ب) تقویت ایمان و اراده

اعتقاد راسخ به دین + شجاعت + عزم و اراده‌ی قوی + پایداری }
توکل و اعتماد بر خدا + عزت نفس + طهارت نفس } * مشارکت در اهداف نیازمند

۲- حوزه‌ی دوم: تحکیم بنیان خانواده

* مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی

۳- حوزه‌ی سوم: تقویت بنیان‌های جامعه‌ی خود

فعالیت‌های پراکنده و فردی کافی نیست.
* برای حضور فعال و تأثیرگذار در جهان
به خودسازی فردی و به فعالیت رساندن استعداد‌های خود نیاز است.
به کوشش برای نزدیک کردن جامعه به شاخص‌های تمدن اسلامی نیاز است.
به کوشش برای تبدیل به جامعه‌ای اسوه و نمونه نیاز است.

الف) همراه کردن دیگران با خود

* در قدم اول همراهی دیگران با خود: تبیین رسالت برای دیگران + پشتیبانی و یاری آنان در این مسئولیت.

ب) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری

* پیشرفت علمی
تقویت کننده‌ی پایه‌های استقلال یک ملت
مانع تسلط بیگانگان
علم مابه‌ی اقتدار ملی است.
* مقام معظم رهبری
بی‌بهرگی مردمان یک کشور از علم < عدم دستیابی به حقوق خود
نمی‌توان علم را گدایی کرد درون‌زا و درون جوش است.
باید استعداد‌های یک ملت به کار بیفتند تا به معنای حقیقی کلمه عالم شوند.

ج) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

* استحکام و اقتدار نظام حکومتی مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان
* کشور ضعیف، منزوی است، باید نظام اسلامی را به پیشرفت برسانیم تا کشورهای دیگر ثمره‌ی آرمان‌هایمان را ببینند.

* عوامل استحکام نظام اسلامی
استحکام پایه‌های اقتصادی
تلاش برای کاهش فقر
توسعه‌ی عدالت
تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی
امر به معروف و نهی از منکر

د) تقویت عزت‌نفس عمومی

* ملتی که
به توانایی‌های خود باور دارد.
< فتح سریع قلعه‌های افتخار
ما می‌توانیم را در عمل بیان کند.

* خودباوری ایجاد شده توسط پیامبر در مدینه تربیت امتی که
قیام برای اصلاح جهان
برنامه‌ریزی برای آزادی ستمدیدگان
برنامه‌ریزی گسترش توحید در جهان

۴- حوزه‌ی چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

* پیامبر اسلام (ص) = پیامی برای فطرت انسان < هر انسان جویای حقیقت و روشن ضمیر جذبش می‌شود آنچه در رابطه با پیامبر اسلام اهمیت دارد. انتخاب روش درست برای انتقال آن
الف) تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین
حق را باید با روش تبلیغی درستی ارائه داد.

تقویت عقل و خرد (جنبه‌ی فردی)
* لازمه‌ی به‌کارگیری روش‌های تبلیغی
تأمل خردمندانه در اسلام

ب) استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزار برای رساندن پیام
ابزارهای پیام‌رسانی به‌میزانی که می‌توانند در خدمت حق باشند، می‌توانند باعث گمراهی شوند.

سخت‌ترین هم‌اورد حق و باطل
* اینترنت
موازن اخلاقی و انسانی توسط باطل‌پیشگان در آن رعایت می‌شود.

ج) طرح عام‌ترین و بنیادی‌ترین تعالیم جهانی در عرصه‌ی جهانی

توحید + رسالت انبیا + معاد و آخرت
* پایه و اساس تعالیم دینی که عموم مردم نیاز به آن را احساس می‌کنند
کرامت‌های اخلاقی + کرامت انسان + خردورزی
مبارزه با ستم + عدالت + منزلت خانواده

د) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد، شهادت، صبر

مبارزه با ظلم
* از رسالت‌های اصلی انبیا
برقراری عدل
گسترش حق و حقیقت

زیر بار حق نمی‌روند و سد راه حق جویی و حق‌پرستی می‌شوند.
* همواره گروهی اهل باطل هستند
گسترش عدالت منافعشان را به هم می‌زند.
تا همه را تابع مشی خود و اسیر نکنند آرام نمی‌شوند.

تاکنون ده‌ها قطع‌نامه در محکومیت اسرائیل صادر شده
* نمونه‌ی بارز حق‌ستیزی و زورگویی: اقدامات صهیونیست‌ها
در مقابل جاه‌طلب قدرتمند به نصیحت نمی‌شود اکتفا کرد.

دشمنان تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند؟
اصل و اساس سیاست بیگانگان } دشمنان تا کجا مرز استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟
* امام خمینی } مرزی که بیگانگان برای ما تعیین کرده‌اند: عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی
به گفته‌ی قرآن، دشمنان هرگز از مقاتله و ستیز دست برنمی‌دارند ← مگر شما را از دینتان برگردانند.
صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و شوروی در تعقیب ما هستند برای لکه‌دار کردن ← هویت دینی ما و شرافت
مکتبی ما

با نگاه واقع‌بینانه درمی‌یابیم که صحبت و شعار کافی نیست.
قیام } اقدامات لازم } * تحقق سخن حق
زدودن موانع حق و حق‌پرستی در کل جهان
شروط } جهاد و آمادگی شهادت در راه خدا
تحمل سختی‌ها

یادآوری عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها }
زدودن روحیه‌ی خودباختگی و ترس از ملل } * اقتدا به امام خمینی (ره)
هدایت ملل به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول

فردای روشن

احیاء و بازسازی تمدن اسلامی }
◀ مجاهده و قیامی است برای تشکیل جامعه عدل جهانی } * تلاش برای
اصلاح وضع کنونی جامعه

با علم و دانش اکتسابی می‌توان سعادت را به دست آورد.
* تصور در دو قرن پیش }
اکنون که در قرن ۲۱ هستیم می‌فهمیم این تصور ساده‌اندیشانه بوده است.

پیشرفت در علم و فناوری و تسهیل در شیوه‌ی زندگی خود }
بازماندن از ارزش‌های خود } * انسان و جامعه‌ی بشری امروز
تشنه‌تر به دنبال عدل و مساوات
رنج از تبعیض و بی‌هدفی / به دنبال سعادت

آگاهی ما }
همت ما } * فردای انسان‌ها بستگی به
ایمان ما
عزم راسخ ما برای نقش خود

حق را دریابند. } * تلاش ما برای رساندن پیام حق < فرصت دادن به انسان‌های دیگر تا
به آینده امید پیدا کنند.

* دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و چنانچه اهدای این جوایز با نیت روی آوردن افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید و افزایش سلامت جسمی و روحی خود با آن‌ها باشد، اهداکننده کار نیکی کرده است و از پاداش اخروی نیز برخوردار خواهد بود.

* اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.



واجب کفایی عملی است که بر همه واجب است و اگر کسی در حد کفایت به آن اقدام کند از روش دیگران برداشته می‌شود.

* بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر، مانند بازی با همان ابزار محسوب می‌شود و حرام است.

۲- احکام فرهنگ و اتباطات

* تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد مستحب و در شرایط ضروری واجب کفایی است.

* تولید سایت‌ها در شبکه اینترنت به منظور اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند باید به تولید آن مبادرت ورزند.

* تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

* تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که در بر دارنده تصاویری است که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا حاوی موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه است، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش و تماشا کردن و یا گوش دادن به آن‌ها حرام است.

* ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ی اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط (هم حلال و هم حرام) هستند، حکم ابزار مشترک را دارند، بنابراین خرید و فروش و نگهداری آن‌ها برای امور حرام، حرام و برای امور حلال جایز است.



۱- از آنجایی که این ابزارها زمینی در ریاضت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان کاملاً فراهم می‌کنند و گاهی نهداری از آن‌ها مفاسد دیگری را در بر دارد، خرید و نهداری آن‌ها حرام است؛ مگر برای کسی که مطمئن است از آن‌ها استفاده‌ای حرام نمی‌کند و نهداری آن‌ها در خانه مفده‌ای را به دنبال ندارد.

۲- در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصاح کلی جامع را در نظر دارد اولویت دارد و لازم‌الاجرا است.

* موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است (کلاسیک یا غیر کلاسیک) حرام محسوب می‌شود، چرا که این موسیقی‌ها به سبب ویژگی‌هایی که دارند، انسان را از خداوند و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق می‌دهند.

* به‌کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیر لهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد به شرط اینکه مستلزم مفاسد دیگری نباشد.

* شرک در جشن‌های شادی مانند جشن عروسی، در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.

* فیلم‌برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است، ولی فیلم‌برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی‌کنند حرام است.

* چنانچه مؤلف یا ناشر یا تولید کننده فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن بدون اجازه صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.

۳- احکام روابط با بیگانگان

* اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آن‌ها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین‌اند شود و یا قدرت مالی آن‌ها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی و یا مسلمین در سراسر عالم تقویت نماید اجتناب از خرید، به‌کارگیری و استفاده از آن‌ها بر مسلمانان واجب است.

* هر نوع تجارتي که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است تمام شود حرام است.

* وارد کردن و ترویج کالاهای این دولت غاصب که از ساخت و فروش آن سود می‌برند حرام است و اگر این قبیل کالا در فروشگاه‌های کشور اسلامی باشد خرید آن‌ها بر مسلمانان حرام است.

* خرید و پوشیدن لباس‌های تولید شده توسط دولت‌های استعماری، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد حرام است.

* مدهای غربی معمولاً در بر دارنده‌ی پیام‌های منفی و یا ترویج فرهنگ‌ها را به دنبال دارد حرام است.

پایان درس نهم

یادآوری

در پایه‌های اول تا سوم، موضوعات زیر دربارهٔ خداوند و رابطهٔ انسان و جهان با او مطرح گردید:

در کتاب دین و زندگی (۱) دانستیم که خداوند تبارک و تعالی محبوب و مقصود آدمیان است و انسان در درون خویش او را که سرچشمهٔ تمام زیبایی‌هاست، طلب می‌کند و می‌جوید. همهٔ صفات ثبوتی و کمالی از آن خداوند است و او از هر عیب و نقصی مبرا است. باید بکوشیم ایمان خود را به چنین محبوب زیبایی عمیق‌تر کنیم تا با حرکتی هرچه پویاتر، به سوی عزیمت نماییم و تمام خوبی‌های هستی و زیبایی‌ها را در وجود خود جمع کنیم. در کتاب دین و زندگی (۲)، برهان حکمت (یا برهان نظم) را فرا گرفتیم و دانستیم که این جهان سراسر منظم و هدفمند، آفریدهٔ خداوندی حکیم است و در سیر دائمی به سوی اوست. انسان نیز در حال بازگشت به سوی خداوند متعال و حضور یافتن در برابر اوست، و باید خود را برای این حضور، از قبل مهیا سازد.

در کتاب دین و زندگی (۳)، با هدایت‌گری خداوند آشنایی پیدا کردیم و دیدیم که او همهٔ موجودات - از جمله انسان - را به سوی مقصدشان هدایت می‌کند. هدایت هر موجود، متناسب با ساختار وجودی اوست. از این رو، هدایت انسان، اختیاری است و با ارسال پیامبران صورت می‌گیرد.

اکنون به برهان دیگری دربارهٔ وجود خداوند می‌پردازیم؛ این برهان، سطحی بالاتر از برهان حکمت دارد و به همین جهت در این سال طرح شده است.

ہما ز مند در پند اسیر بجا سے اللہ نور السماوات والارض

ہم کو ہی لاء

ایں مردم

یا ایُّهَا النَّاسُ
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ
وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

خداوند عنی مطلقاً است
و مخلوقات فقیر ذاتی دارند

۱

اگر بخواہد برائی بر او برسد (بہی میراند)
و چلوں گا نہ... میں ہند

ان یُذْهِبْكُمْ
وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

۲

ہو جسے نوع است

وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

۳

بہی انسان و آدمی جو
خلقت جدید
ہما ذالک علی اللہ بظہیر

فاطر، ۱۵ تا ۱۷

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
نور، ۲۵

خداوند نور ہے... نور آگاہ... نور ہستی

آئیے: ستودہ
یُذْهِبْكُمْ : شمارا ہی برد

آئیے پ: می آورد ...
عزیز : در اینجا بہ معنی سخت و دشوار

ذات عیالیہم از حسن و حسن
نہی تواند نہ نور حسن و حسن
کا کلمہ صحت و نورانی

- در آیات درس بیندیشید و مشخص کنید کہ ہر پیام مربوط بہ کدام آیہ است.
- ۱- ہمہ مخلوقات، از جملہ انسان، در وجود و ہستی خود نیاز مند خدا ہستند. سورہ..... / آیہ.....
 - ۲- تنها وجود بی نیاز خداست، او در ہستی خود بہ دیگری محتاج نیست. سورہ..... / آیہ.....
 - ۳- چون وجود مخلوقات وابستہ بہ خداست، اوست کہ می تواند آنہا را ببرد یا نگہ دارد. سورہ..... / آیہ.....
 - ۴- چون وجود خداوند وابستہ بہ چیزی نیست، کسی نمی تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند، او در ذات خود غنی و بی نیاز است. سورہ..... / آیہ.....

پیام آیات:

۱ خداوند عنی مطلقاً و مخلوقات فقیر ذاتی دارند

- ۱ واجب الوجود بالذات ← ذاتی عنی ہستی است و سبب آن حال اس کے جدا
 - ۲ موجود سببوع است
 - ۳ ممکن الوجود بالذات ← ذاتی ہستی و سبب سبب اس کے موجودات
 - ۴ ممکن الوجود بالذات ← ذاتی عنی ہستی است و سبب آن حال اللہ کے رو
- سیرت اصحاب نقیض
- ۳ نیاز مند موجودان خدا مرصی لہا

دلایلی بر اینست که در سنجش حاد و مشکلات پیدا می شود از این جهت که در علم وجود خدا را می یابیم و حضور است بر ادب بر نظم

نیاز مندی جهان در پیدایش خود بر خدا که نیکی از راه های نیکی که در آن ها معرفت محقق در مورد حضور هستی خدا دعوت برسد
کس نیکی سیر از راهها چنان حالت

نیاز مندی جهان به خدا در پیدایش موجودات و هستی یافتن

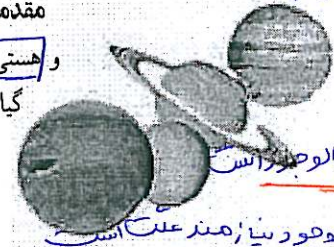
هر یک از ما با تمام وجود خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم به همین جهت در سختی ها و مشکلات به او پناه می بریم و از او کمک می طلبیم با وجود این، هر آن کریم ما را به معرفت عمیق تر در این باره دعوت می کند و راه های متفاوتی را به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها نیاز مندی جهان، در پیدایش خود، به خداست. استدلال آن به شرح زیر است:

برهان امکان :

لایحه برهان عقلی بر اثبات خدا

اندک معرفت و تتبع تسلیل یافت است

مقدمه اول: جهان ممکن الوجود است



مقدمه دوم: هر ممکن الوجود نیازمند علت است

جهان ممکن الوجودی است، نیازمند علتی است (هر خدا)

مقدمه اول: هر گاه به خود نظر کنیم، درمی یابیم که پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه اند؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها پدیده هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده اند و سپس پدید آمده اند. به عبارت دیگر: انسان و موجودات جهان پدیده هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

مقدمه دوم: هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد.

مسابقات با آیات: ۱۴ سوره طه

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

ذات: ممکن الوجود با اثر آن جهان

حاجب الوجود بالعبس است

بر اهرم موجود ممکن الوجودی که

بوجود آید تبدیل می شود

واجب الوجود چون ذات

ممكن الوجود بالذات بوده هیف

می تواند واجب الوجود بالذات برود

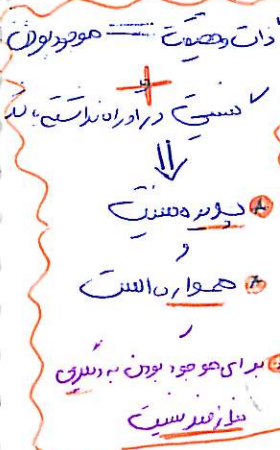
یک موجود، فقط در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده ندارد (خودش همواره هست). نتیجه: با توجه به این دو مقدمه، درمی یابیم که ما و مجموعه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم که سرچشمه هستی است و هستی از او جدا نمی شود. این وجود برتر و متعالی (خدا) است.

۱- سوره یونس، ۲۲
۲- یکی دیگر از این راه ها، برهان حکمت است که در سال دوم با آن آشنا شدید.

برهان نظم
واجب الوجود بالعبس
هرگز واجب الوجود بالذات نمی شود

- ۱- حضور و هستی واجب از خودشان
- ۱۵- هرمانی نبوده ایم بعد از پدید آمدن
- ۱۵- ما به عنوان نیکی
- ۱۵- در وجود هر موجودی نیستیم

مثال
بصورتی که در سوره طه
نیکی خدا در پدید آمدن



این دو مقدمه و نتیجه را به گونه ای خلاصه کنید که هر کدام بیشتر از یک سطر نباشد:

مقدمه اول: ما و این جهان

مقدمه دوم: موجوداتی که

نتیجه: پس



نیازمندی جهان به خدا در بقا (ادامه)

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحله پیدایش نمی شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند. ما همواره دیده ایم که در مصنوعات انسانی، رابطه خندانی میان بقای یک مصنوع با سازنده آن وجود ندارد؛ مثلاً یک معمار خانه ای را می سازد، اما آن خانه بدون هیچ ارتباطی با معمار و حتی پس از مرگ او تا سالیان طولانی باقی می ماند. به همین جهت ممکن است برخی گمان کنند که یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. اما اگر خوب توجه کنیم درمی یابیم که معمار علت اصلی ساختمان نیست و به ساختمان و اجزای آن وجود نبخشیده است. وظیفه او فقط جابه جایی اجزاء و قراردادن آنها در جای خود بوده است. اما رابطه خدا با مخلوقات این گونه نیست.

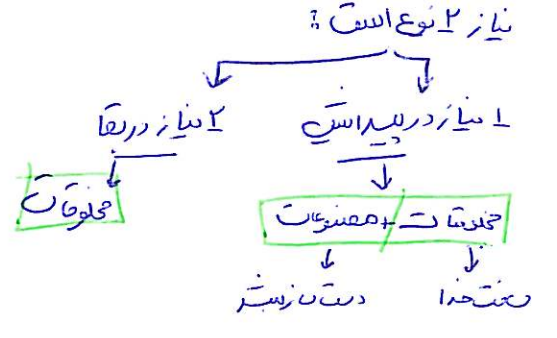
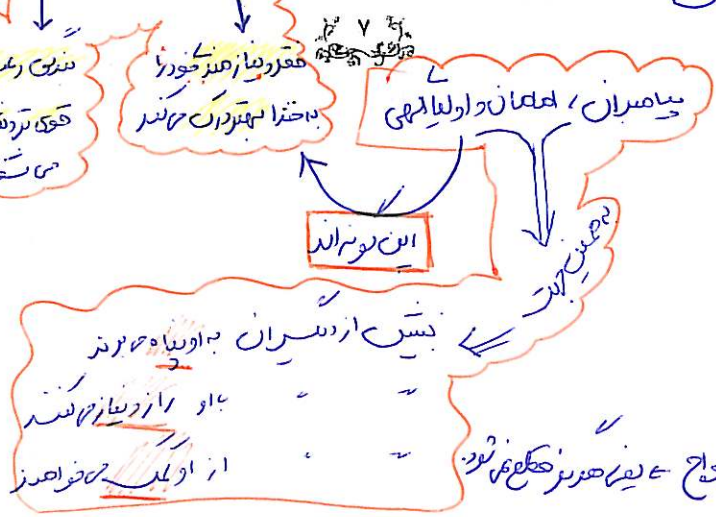
هستی موجودات به خداوند وابسته است. رابطه وجود ما با وجود خداوند مانند رابطه پرتوهای نور با منبع آن است. همان طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نور نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند.

عظمت خراب اجزا وجود گیرنده

از این رو در قرآن کریم، خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ گاه تغییر نمی کند. هر چه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است زیرا خود او همه آنچه به دست آورده از خدا سرچشمه می گیرد. همچنین، انسان ها هر قدر که به معنای حقیقی کامل تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی تر و بیشتر می شود. به همین جهت پیامبران، امامان و اولیای الهی بیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می کنند و از او کمک می خواهند و در مشکلات به او پناه می برند.

چرا غنی؟ چون اگر ضعیفی بخواهی بماند دیگر موجود در جهان با من کوی صدمه داد نور وضع رو بر هم نیاز و ضرورت نیاز

۱- توجه داشته باشیم که این گونه مثال ها برای نزدیک کردن حقیقت به ذهن هستند و اگر نه رابطه جهان با خداوند را نمی توان از همه جهات مانند شمع های نور با منبع آن دانست. تعریف ذهن

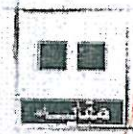


رابطه ای مخلوقات با خدا چون رابطه پرتو با منبع نور، موج با منبع موج، پرتو با منبع پرتو، نور با منبع نور، موج با منبع موج، پرتو با منبع پرتو.



رابطه جهان با خدا را با رابطه ساعت و سازنده آن مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بنویسید.

۱- ساعت ساز، هستی بخش اجزا، ساعت نیست و فقط نظم دهنده اجزا، است. اما خداوند هم هستی بخش است و هم نظم دهنده.



هر چند مانند وجود خالق در آن از آن الهی است

۲-
۳-

خداوند، نور هستی

خداوند، در قرآن کریم، خودش را نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند. نور بودن خدا به چه

معناست؟

نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر می‌شود. همین نور معمولی را در نظر بگیریم. نور یک چراغ در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می‌شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیدای از آیات الهی محسوب می‌شود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

خدا نور آسمانها زمین و هر موجودی سبب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْتَجَلِي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ

سبب خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد.

و نیز می‌فرماید:

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ السَّلْهَ قَبْلَهُ وَ تَعَدُّهُ وَ مَعَهُ

هیچ چیزی را ندیدم مگر این که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن مشاهده کردم.

دلی کز معرفت نور و صفا دید
به هر چیزی که دید اول خدا دید

تساب آیه

اللهم نور السموات والارض

تساب آیه

خدا آتش بودید ان نور

بسیار وجود خالق و

آیه از آیات الهی است

مبایز هنر کجوات به خدا و هر چه

۲- علم البقین، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸

مبایز هنر کجوات به خدا و هر چه
کلیه صفات ذاتی خدا

بانی و صفات علی

بابا ظاهر نیز از مشهود بودن خداوند این گونه سخن می گوید:

سرشت خداوند

خداوند هستی است

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا تو بینم

موجودات بیاند و در رضا
آیه ای از آیات الهی

دستر اصلی جود همان بزرگ
و قابل درک است
دست بزرگ خدا را در این
باز و صفای جود است

این که انسان در پشت پرده ظاهر و در وراء هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل به نظر می آید، اما هدشی امکان پذیر و قابل دسترسی است، به خصوص برای جوانان؛ زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکتی و صفای قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد. کافی است قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم راه افقیم. به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند.

- 1) بانی و صفات علی
- 2) عزم و درک
- 3) عکس جفا

چرا نمی توانیم به ذات خدا پی ببریم و بدانیم که او چیست و چگونه است؟

در پاسخ می گویم: موضوعاتی که ما می خواهیم درباره آنها تحقیق کنیم و به تفکر بپردازیم، دو دسته اند: برخی از آنها در دایره شناخت ما قرار می گیرند، مانند: گیاهان، حیوانات، ستارگان، بهشت و جهنم که خصوصیات و چستی هر کدام را می توانیم از راه و روش ویژه هر کدام بشناسیم و بدانیم که آنها چگونه وجودی دارند. اینها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می تواند بر آنها احاطه پیدا کند و چگونگی شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چستی آنها را دارد. اینها همه امور محدود هستند.

ببین تا به دست در هر چیزی قدر داریم
بهم صفت برتر و طیبی برای

برخی دیگر از آنها فراتر از توانایی دستگاه اندیشه ما هستند و ذهن ما نمی تواند بر آنها احاطه پیدا کند. زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست. مثلاً ما هر عدد یا خطی را تصور کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی توانیم تصور کنیم. خدا نیز حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی کند. از این رو نمی توانیم بگویم که چیست. هر چستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده ایم. از این جهت است که پیامبر اکرم فرموده است:

در ذات چستی خداوند فکر نکنید
در صفت های خداوند تفکر کنید

لا تفکروا فی ذات اللّٰه
تفکروا فی آلاء اللّٰه

شناخت نوع است
شناخت صفت هستی یا صفت

ادیان بابا ظاهر

خداوند در ذات خود
شناخت صفت
خداوند در ذات خود
شناخت صفت
خداوند در ذات خود
شناخت صفت

ببین تا به دست در هر چیزی قدر داریم
بهم صفت برتر و طیبی برای

در مورد خدا می شناخت هستی همین است (جهان اثر خدا)
که شناخت چستی خدا همان است (جهان جزئی است) خدا
احاطه ای چیز به برطل همان است
صفت شناخت

شناخت صفات الهی ← محدود امکان پذیر ← از راه شناخت مخلوقات

شناخت صفات الهی
درستی ما الهی

البته دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی تشویق کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان پذیر است.

در این خصوص تفکر در صفات الهی

آیا خدا را می توان دید؟



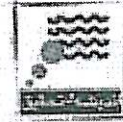
رؤیت خداوند با چشم، غیرممکن است. زیرا چشم، یک ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیای مادی می تواند عکس برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند. زیرا چشم ما نور مادون قرمز و ماوراء بنفش را درک نمی کند بنابراین چشم حتی توانایی دیدن همه اشیای مادی را هم ندارد، چه رسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان)، و چه رسد به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. و این قبیل ندیدن اختصاص به دنیا ندارد، در آخرت نیز با این چشم مادی نمی توان خدا را دید.

لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ
وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ
وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ
انعام، ۱۰۳

اما مرتبه ای از دیدن وجود دارد که مرتبه ای متعالی است و نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی می باشد. این مرتبه، دیدن به وسيله «قلب» است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود، درباره این خبر که رسول خدا صلی الله علیه و آله پروردگار را مشاهده کرد و مؤمنان نیز پروردگار را مشاهده می کنند، فرمود: «خادم، که درود خدا بر او و خاندانش باد، هیچ گاه پروردگارش را با چشم ظاهر ندید. اما بدان که دیدن بر دو قسم است: دیدن با قلب و دیدن با چشم. کسی که منظورش از رؤیت، دیدار قلبی است، درست گفته است. اما کسی که رؤیت را دیدار با چشم بدانند، به خدا و آیاتش

۱- فردوسی شاعر فارسی گوی نیز چنین سروده است:
به بینندگان آفریننده را
نبینی مرتجان دو بیننده را

بسم الله الرحمن الرحیم



۱- در آیه ۲۵ سوره روم تفکر کنید و ببینید که چه چیزی را آیه و نشانه خداوند معرفی کرده است. دلیل آن را هم توضیح دهید.

۲- به آیه ۲۲ و ۲۳ سوره یونس مراجعه کنید و بر اساس آن آیات به سؤال های زیر پاسخ دهید.

الف) برخی انسان ها در چه لحظاتی بیشتر به یاد خدا می افتند؟ *سخت حارسند*
ب) توجه به خدا در چنین لحظاتی گویای چیست؟

این با تمام معنای خود را در حدیثی که در موردش را در حدیث ما داریم

آیه ۲۵ سوره روم : وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

و از نشانه های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون شما را با یک بار خواندن فراخوان د بنگاه [از گورها] خارج می شوید.

پیام آیه: *هدف از نظام حقیقت*

آیه ۲۲ سوره یونس : هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَّتْ بِكُمْ بَرِّيْحٌ طَيِّبَةٌ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَ تَهَا رِيْحٌ غَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

او کسی است که شما را در خشکی و دریا می گرداند تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش آنان را بب رند و ایشان بدان شاد شوند [بنگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده اند در آن حال خدا را پاکدلانه می خوانند که اگر ما را از این [ورطه] برهانی قطعا از سپاسگزاران خواهیم شد

پیام آیه: *هدف از نظام حقیقت*

آیه ۲۳ سوره یونس : فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَنْتَعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پس چون آنان را رهانید ناگهان در زمین بناحق سرکشی می کنند ای مردم سرکشی شما فقط به زیان خود شماست شما بهره زندگی دنیا را [می طلبید] سپس باز گشت شما به سوی ما خواهد بود پس شما را از آنچه انجام می دادید باخبر خواهیم کرد

پیام آیه: *هدف از نظام حقیقت*

تو حید اساسی اسلام



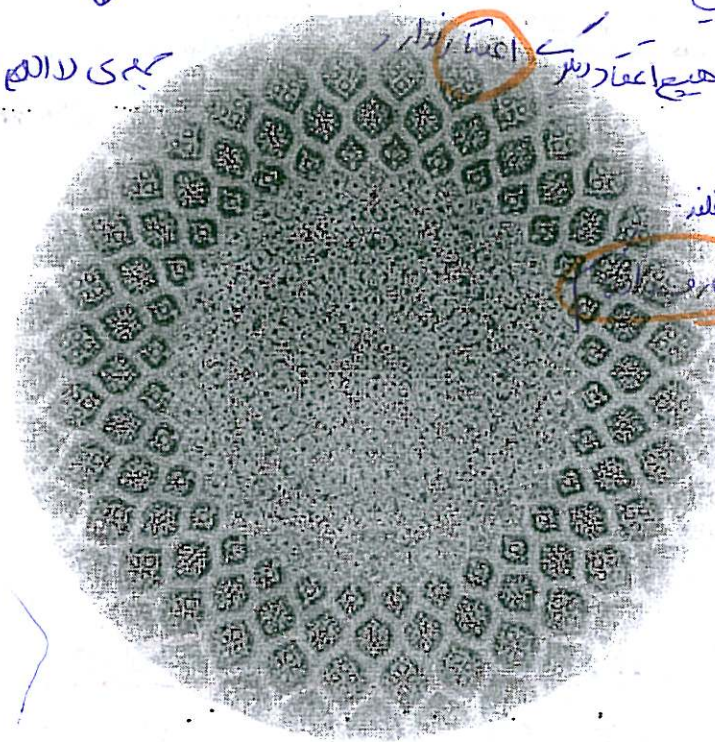
حقیقی لادنی الله

تو حیدرین اعتقاد دینی

پایه و اساسی تمام ادیان

تو حیدر

بودن اعتقاد به آن هیچ اعتقاد دینی



بر تمام آیات قرآن پیام افکنند

حاشیه در کنار آیات

پیکره حیات را کسب

زندگی تو حیدر

مهم ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام ادیان تو حید

است. بدون اعتقاد به آن هیچ اعتقاد دینی دیگر اعتبار ندارد.

نگرش تو حیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکننده و مانند روحی

در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به این پیکره حیات

بخشیده است.



درس دوم

یگانگی بی همتا

در این درس و درس بعد، حقیقت تو حید و مراتب آن را مورد مطالعه قرار

می دهیم تا به سوال های زیر پاسخ دهیم.

- ۱- تو حید چیست و یگانگی خدا به چه معناست؟
- ۲- آیا تو حید اقسام و شاخه هایی دارد؟
- ۲- اعتقاد به تو حید چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد؟

۱۴۰۲

ادد در طوبه
توحید در خالق
واحد اصل

تَلُوهُ صِرَافُونَ خَالِقَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ
وَأَوْفِيكَ بِئْسَ مَعْتَدًا لِمَنْ يَسْتَعْتَبُ

تَلُوهُ أَوْ جَزَائِهِ يَكْفِيكَ

هَيْجَلِينَ هَمًّا لِلَّذِي أُوْحِيَتْ

توحید در خالق

از خدا و به سو خدا

هَيْجَلِينَ هَمًّا لِلَّذِي أُوْحِيَتْ

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
آل عمران ۹

... مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ آلٍ وَلِي
وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا
كهف، ۲۶

توحید در اولاد

وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

نهادی و بیرون کرد

خلق

توحید در اولاد

زارع اصلی

آیا به آنچه می کارید توجه کرده اید؟

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرَثُونَ

آیا شما آن را زراعت می کنید؟

أَأَنْتُمْ تَرْزَعُونَهُ

یا ماییم که زراعت می کنیم؟

أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

واقعه، ۶۳ و ۶۴

حکم : فرمانروایی

مِنْ دُونِهِ : جز او

قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

رعد، ۱۶

قُلِ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

توحید، ۱

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

توحید، ۴

توحید در مالکیت

توحید در مالکیت

توحید در اولاد

توحید در اولاد

توحید در اولاد

۱- قسمت اول آیه ۱۰۹ آل عمران مربوط به توحید در مالکیت و قسمت دوم درباره معاد است.

۲- معمولاً «مِنْ» در جمله منفی و سؤالی «هیچ» معنا می شود.

سؤال ۱۵

۳

۴

۵

۱

۲

۳



-
- با تفکر در آیات، مشخص کنید که کدام پیام از کدام آیه گرفته شده است.
- ۱- خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد (اصل توحید)
 - سوره..... / آیه..... / سوره..... / آیه.....
- ۲- خداوند، تنها خالق و هستی بخش جهان است.
 - سوره..... / قسمت اول آیه.....
- ۳- همه مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، اقا خداوند در اداره جهان به آنها نیازی ندارد.
 - سوره..... / آیه.....
- ۴- فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی شریک او نیست.
 - سوره..... / آیه.....
- ۵- چون خداوند خالق جهان است، مالک آن نیز می باشد.
 - سوره..... / آیه.....
-

اکنون به تبیین پیام های آیات می پردازیم تا آنها را بهتر و عمیق تر درک کنیم :

اعتقاد

برخی از مراتب توحید

توحید: در کاربرد دینی، یعنی اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد. این یگانگی و بی همتایی گراتبی دارد که به تبیین و توضیح برخی از آنها می پردازیم. پیام شماره []

۱- توحید در خالقیت: منظور از توحید در خالقیت این است که او تنها مبدأ و خالق جهان است. موجودات همه از او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد. به عبارت دیگر، جهان از اصل های متعدد پدید نیامده است. قرآن کریم این حقیقت بزرگ را به انسان ها یادآوری می کند و از هر گرایشی به شرک انذار می دهد.

✓ خلی برودن تقوی
✓ شهادت
✓ خالق
✓ همه از اوست
✓ شریک و همتایی ندارد

این که تصور کنیم دو یا چند خدا وجود دارند و هر کدام خالق بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر، این جهان را آفریده اند در واقع هر کدام از آنها را محدود و ناقص فرض نموده ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالانی را دارا باشد که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، نیازمند هستند و هر یک به خالق کامل بی نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید. اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان، گاه در میان



دلیل عملی در شرک در خالقیت

۱۷- نظم جهان سے توحید درجائیت
۱۹- اللہ الصمد سے توحید درجائیت است
بی نیاز است
شهادت

۱- مباحث درس اول و دوم درباره توحید، برگرفته از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۹۹ تا ۱۰۷ و ۱۱۹ تا ۱۲۷

یعنی اعتقاد به نفس هر یک از آنها مانع از این نیست که آنها را خدایان مطلق است
یعنی توحید درجائیت است، با شریک و همتایی ندارد

می باشد.
۱۶
۱۳۰۰

توحید نظری: یعنی شهادت، بی نیسی، اعتقاد، جزم، نرس، برداشت، هست ها و بود ها، دنیورها، جهان بینی، نظر، اعتقاد. [معانی: مجموع نزد یاد آفرینی ملک ۱۸۰]

توحید عملی، یا عبادی یا توحید در پرستش: عبارت، پرستش، عمل به احکام، اخلاق، ارزشی ها، عبادت ها، بنابر ها، ایو لوری، اخلاص، خط خدا پرستین، در جهت خدا حرکت کردن، بر احنا هرین، خدا راجعی همت خود قرار دادن، خدایی شن

توحید عملی بی نیسی / توحید نظری است / توحید نظری است / توحید عملی موخر از توحید نظری است

درخت و گیاه بر اساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده است رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه، درمی یابد که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی درختان و گیاهان خداست، و باید شکر گزار او باشد.

برخی انسان ها توحید در خالقیت را قبول دارند، اما گرفتار شرک در ربوبیت می شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای انسان های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز می کنند و فکر می کنند که آن انسان ها یا آن مخلوقات مستقل از خداوند می توانند در امور جهان دخالت کنند و مثلاً بیماری را شفا بخشند یا مشکلی را رفع کنند.

طرح یک سؤال

اگر کسی شفای بیمار را از رسول خدا ﷺ، یا سایر اولیای دین درخواست کند و عقیده به توانا بودن آن بزرگواران در انجام این خواسته، و نیز دیگر نیازها، داشته باشد، آیا گرفتار شرک شده

جواب آن است که همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد. زیرا پزشک به واسطه اسباب مادی و آنان به واسطه اسباب غیر مادی این کار را انجام می دهند. اصولاً عقیده به توانایی پیامبر اکرم ﷺ و اولیای دین (صلوات الله علیهم) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن ها بدانیم. اما اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می تواند به انسان ها یاری برساند. اکنون اگر ما از رسول خدا ﷺ چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.

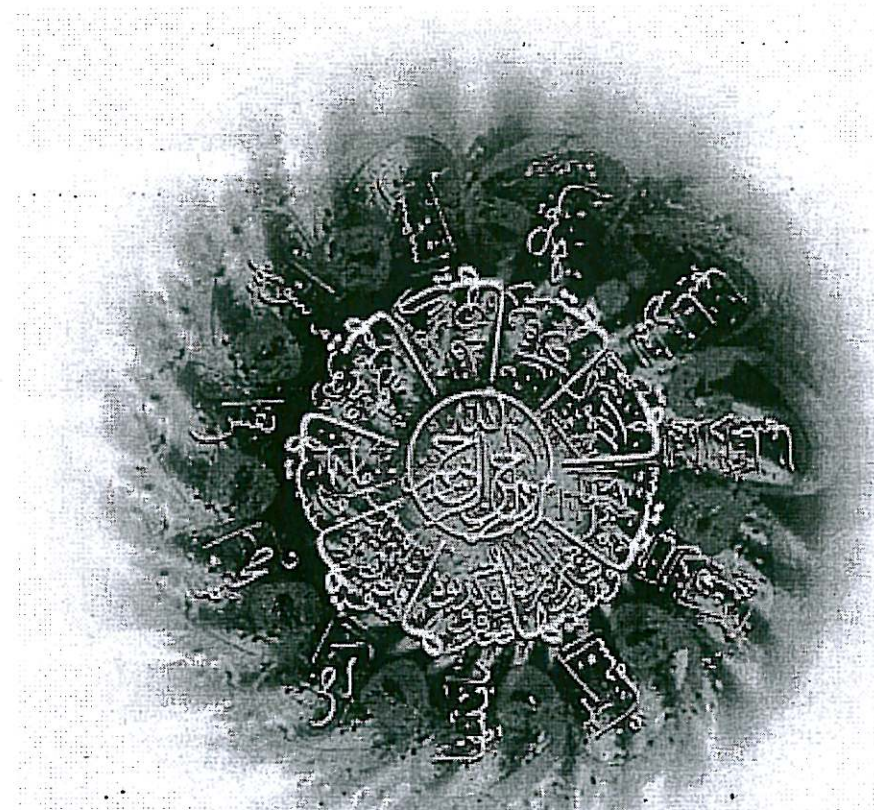
پیام آیه: مُعْجَزَاتُ أَنْبِيَاءِ دِينِ الْإِسْلَامِ معجزات پیامبران دین اسلام. مُعْجَزَاتُ أَنْبِيَاءِ دِينِ الْإِسْلَامِ معجزات پیامبران دین اسلام. مُعْجَزَاتُ أَنْبِيَاءِ دِينِ الْإِسْلَامِ معجزات پیامبران دین اسلام.

۱- نمونه بارز آن شهیدان هستند که به تعبیر قرآن کریم زنده اند و مانند زمان حیات در دنیا و بلکه بیشتر از آن، از احوال این دنیا با خبر هستند (بقره، ۱۵۴) و معلوم است که مقام پیامبر مکرم اسلام ﷺ بالاتر از شهیدان است.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ قَتَلْنَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ نَحْنُ نَحْيٌ وَإِنَّا لَهُمْ رَاحَتٌ وَإِنَّا لَهُمْ مُّوَدِّعُونَ. كَلَّا لَنَرَنَّهُمْ إِذْ كُفِّرَتْ بَرْدُهُمْ إِذْ يُنْفَخُ الصُّورُ يَوْمَئِذٍ نَدْبًا يَدْعُوكُم بِأَسْمَائِكُمْ الَّتِي كُنتُمْ تُسَمَّوْنَ بِهَا وَلَكُمْ فِيهَا أَسْمَاءٌ لَكُمْ تَسْمَىٰ بِهَا حِينَ تُحْيَاوُنَّ فِيهَا وَتَكُونُونَ فِيهَا بِأَسْمَائِكُمْ الَّتِي كُنتُمْ تُسَمَّوْنَ بِهَا وَلَكُمْ فِيهَا أَسْمَاءٌ لَكُمْ تَسْمَىٰ بِهَا حِينَ تُحْيَاوُنَّ فِيهَا وَتَكُونُونَ فِيهَا بِأَسْمَائِكُمْ الَّتِي كُنتُمْ تُسَمَّوْنَ بِهَا

آیه ۲۲ سوره انبیاء: لَوْ كَان فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَسَبَّحَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ عَمَّا يُصِفُونَ اگر در آنها (آسمانها و زمین) جز خدا یاری (دیگر) وجود داشت قطعاً (زمین و آسمان) بپاه می شدند و زمین خدا پروردگار عرش از آنجا وصف می کند.

پیام آیه: شرک در خالقیت ایجاد می کند



توصیه عملی مشابه آیه آل عمران

بر آستان جانان گر سر توان نهادن
کلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
حافظ

درس سوم

حقیقت بندگی

پس از این که انسان، خدا را به یگانگی شناخت و دانست که تنها وجود مستقل و تنها بیدار جهان خداست و همچنین، دانست تنها اوست که جهان را اداره می کند، این شناخت و اعتقاد، چه تأثیری در زندگی و رفتار او دارد؟ آیا میان عملکرد کسی که اعتقادی به توحید ندارد و کسی که معتقد به آن است، تفاوتی هست؟ در این درس می خواهیم تأثیر عملی این اعتقاد را در زندگی و رفتار خود مورد بررسی قرار دهیم.

توحید
↓
تأثیر در زندگی و رفتار

۲۱
۱۳۹۷

إِنَّ اللَّهَ رَسُولُكُمْ مِنْ تَوْحِيدِ رَبِّكُمْ

إِنَّ اللَّهَ رَسُولُكُمْ مِنْ تَوْحِيدِ رَبِّكُمْ



تَوْحِيدِ رَبِّكُمْ

این یا بر دلالت دارد بر
تَوْحِيدِ مَحْسُورِ اِرْتَابًا
تَوْحِيدِ رَبِّكُمْ

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ

① تَوْحِيدِ عَلِيِّ

فَاعْبُدُوهُ

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

آل عمران، ۵۱

تَوْحِيدِ عَلِيِّ

تَرْبِ عَلِيِّ أَهْلِي

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرَهْبَانَهُمْ

②

أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ

وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ

وَمَا أُمِرُوا

إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا

③

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

سُبْحَانَهُ وَعَمَّا يُشْرِكُونَ

توبه، ۳۱

تَوْحِيدِ عَلِيِّ أَهْلِي

تَوْحِيدِ عَلِيِّ أَهْلِي

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا

④

أَنْ عِبُدُوا اللَّهَ

وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ

نحل، ۲۶

تَوْحِيدِ عَلِيِّ أَهْلِي

لَا إِلَهَ إِلَّا تَوْحِيدِ عَلِيِّ أَهْلِي

سُبْحَانَ طَاعَتِ عَلِيِّ أَهْلِي

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ

⑤

وَهُوَ مُحْسِنٌ

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ

تَوْحِيدِ عَلِيِّ أَهْلِي

نَلُّوْا لِلنَّبِيِّ السُّبْحَانَ تَوْحِيدِ

عَلِيِّ دَائِمًا بَارِدًا

تَسْلِمُ نَبِيِّهِ نَلُّوْا
← حَيْدُ رِيسْمَانِ السُّبْحَانَ

ارسان مصبر ← در سس خدا
دوی از طاعت

۲۲

و سرانجام کارها به سوی خداست.

وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ
لقمان، ۲۲

حکایت برین طاعت هستی

ستایش... صبرایی... بر این که... بود که... بر این نین

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
فاتحه، ۲

توحید علی (اجتماعی) ۶

بهرها... بود بر جبارت... می کنیم... و... از نواری عمریم

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
فاتحه، ۵

توحید علی (اجتماعی) ۷
عباری

اهداء الهدايا لاجتماعی و هدایای توحید در ربوبیت

توحید در عبادت

توحید در خالصت

توحید در خالصت

پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده جهان و تنها سرچشمه خوبی ها و زیبایی ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره کننده و تنها تکیه گاه و پشتیبان جهان است، در می یابیم

لازمه توحید علی = اطاعت از پیامبر و امامان است

اسنا من اطاعت از سران

اطاعت از خدا

لازمه عبودیت و ربوبیت = اطاعت از خدا

که تنها وجود شایسته پرستش و عبادت، یعنی تنها معبود واقعی انسان ها خداست.

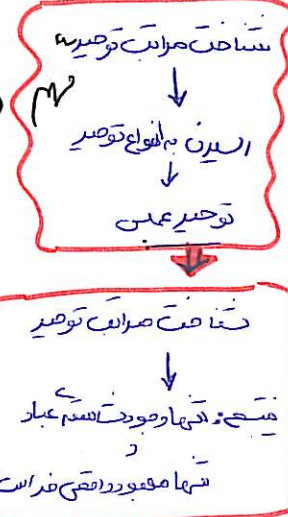
هم چنین اطاعت از خداوند نیز لازمه عبودیت و بندگی اوست و اطاعت از هر شخص دیگری

اگر بر اساس اطاعت از خداوند نباشد، نابجا و غلط است. بنابراین اطاعت از رسول-گرامی او و اطاعت

و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند

ممکن نیست. پس توحید در عبادت آن است که فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان های او

باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.



۱۰٪ گذلوا

با توجه به آیه ۵۱ سوره آل عمران، که در ابتدای درس آمده توضیح دهید که چه رابطه ای میان توحید در ربوبیت و توحید در عبادت وجود دارد. همچنین مشخص کنید کدام قسمت آیه بیانگر توحید در ربوبیت و کدام قسمت بیانگر توحید در عبادت است.

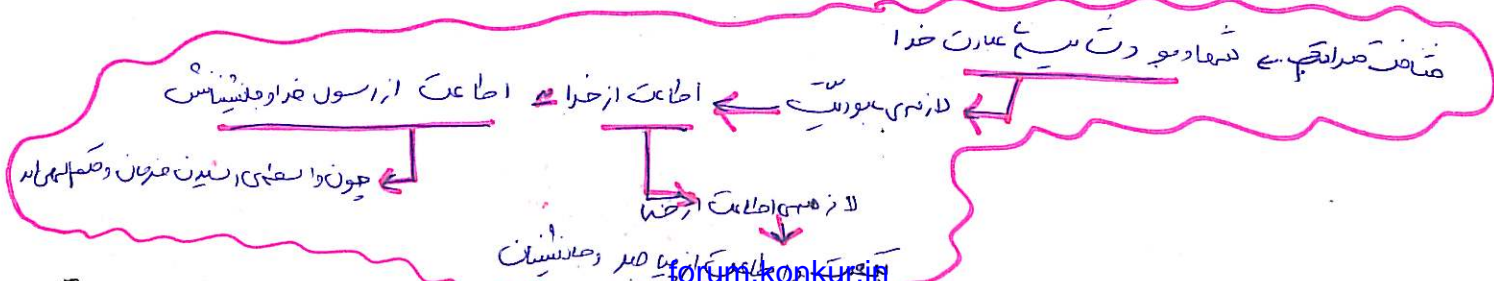


توحید در عبادت دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هر کدام می پردازیم.

۲۳

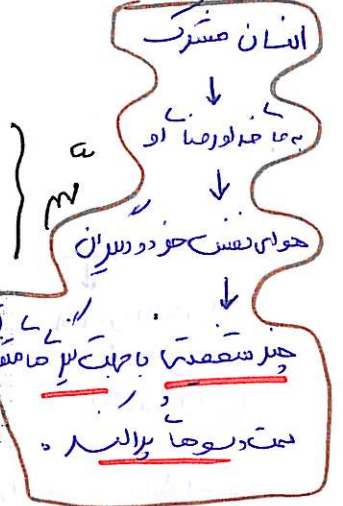
نکات مهم

- ۱) توحید در ربوبیت هر دو به فضل خداست اما توحید علی هر دو به عبادت است
- ۲) توحید در ربوبیت توحید نظری است و توحید در عبادت توحید عملی است
- ۳) توحید در ربوبیت مقدم است در صورتی که توحید علی نتیجه است



توصیه عملی فردی

الف) بُعد فردی: انسان موحد کسی است که فقط خدا را پرستد و از او اطاعت نماید. او می‌کوشد کشش‌ها و تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را به گونه‌ای سامان دهد که در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند. چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعه برنامه‌ریزی‌های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد. او به میزانی که در این جهت پیش می‌رود، امیال و غرایب خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را تنظیم و کنترل می‌نماید و گرایش‌های برتر، مانند حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی، نوع‌دوستی و احسان و جوانمردی در رفتار او ظهور بیشتری می‌یابد. چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می‌شود. در مقابل، انسان مشرک به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هرای نفسی خود یا دیگران اطاعت می‌کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام می‌دهد.



از آن‌جا که انسان مشرک تحت سلطه تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران قرار دارد، فردی است چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون که هر کدام او را به سویی می‌کشند و آرامشش را سلب می‌کنند.

* خداوند در آیه ۲۹ سوره زمر برای انسانی که درون خود گرفتار شرک است مثالی می‌زند، در این آیه تفکر کنید و وجه مشابهت را توضیح دهید.



توصیه عملی اجتماعی

ب) بُعد اجتماعی: بُعد دیگر توحید در عبادت، بُعد اجتماعی آن است که به معنای یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست. جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده است. اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواسته‌ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش فرمان طاغوت‌ها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می‌یابد.



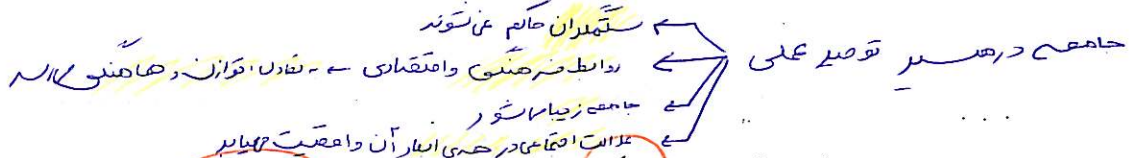
میان بُعد فردی و اجتماعی توحید تشابه و تناسب وجود دارد. همان‌طور که اگر کسی در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می‌رسد، در جامعه‌ای نیز که در مسیر

آیه ۲۴ سوره زمر

پیام آیه: مشرک عملی فردی به مثابه لسان که درون خود مشرک قرار دارد

آیه ۲۹ سوره زمر: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَابِهُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ / خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می‌گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا این دو در مثل یکسانند سپاس خدای را [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند





توحید حرکت می کند، نه تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می رسد و به جامعه ای زیبا تبدیل می شود و عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن واقعیت می یابد.

در مقابل، اگر هر یک از افراد جامعه، خواست ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می رود. همواره در چنین جامعه ای انسان های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به دست می آورند و انسان های دیگر را در خدمت امیال خود به کار می گیرند. در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.

← کفایت عدالت اجتماعی
↓
معدل توحید علی در برابر علی

شرف عملی اجتماعی
a
m



- در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سوال های زیر پاسخ دهید.
- ۱- آیه ۱ سوره توبه مردم را به عبادت چه کسی دعوت می نماید؟
 - ۲- بنا بر آیه ۳۶ سوره نحل، چه چیزی لازمه توحید در عبادت است؟
 - ۳- تسلیم در برابر خداوند مربوط به کدام قسم از توحید است؟
 - ۴- عبارت «الحمد لله» بیانگر کدام قسم توحید است؟
 - ۵- عبارت «رب العالمین» بیانگر کدام قسم توحید است؟
 - ۶- عبارت «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بیانگر کدام قسم توحید است؟
 - ۷- آیه ۱ سوره توبه بیانگر رابطه توحید در عبادت با کدام قسم توحید است؟

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، صص، ۱۱۰-۱۱۷
 ۲- آیاتی که در ابتدای درس آمده هم می تواند بر توحید فردی دلالت داشته باشد و هم توحید اجتماعی. بنابراین لازم نیست که این آیات از جهت توحید فردی و اجتماعی از یکدیگر تفکیک شوند.

۲۵
۱۳۹۳

عقله ای

وَاللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ

دژ مستحکم خداوند

کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» کلمه توحید و مهم ترین شعار اسلام و جامع همه ابعاد و اقسام توحید و نفی هرگونه شرک است. توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است. از همین رو، پیشوایان ما توصیه کرده اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود. در ندای اذان که دعوت مسلمانان به نماز است، این عبارت، هر روز چندین بار تکرار می شود و برای آن، یادش های بزرگی ذکر کرده اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «بهای بهشت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ است». هر چه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سربیزی از راهنمایی های او دور می کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می کند و به مراتب بالاتری از زیبایی ها و کمال ها می رساند اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام این بود که:

پیسولان تو صبح چه کرده اند؟
تکرار کلمه لا اله الا الله در طول روز
تا چه سود؟
حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد
چرا ما عجین نشود؟

دژی از آن دعوت مسلمانان

دربت بالاتر
ایمان قوی تر
نسبت به لا اله الا الله
دژی از دنیا
د حضور خدا
سربیزی از راهنمایی ها

قولوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِبُوا
قلوبکم
نست خدا را جز خدا را
تا رستگار شویم

موجب فلاح و رستگاری است

همچنین ایشان درباره این کلمه فرمود:

«الله من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای بر محتوا همانند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» نگفته ایم.»
این عبارت کوتاه که در حد یک کلمه است، از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله)، مانند بت های ساختگی و طاغوت ها و دیگری (الا الله) اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است؛ از این رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک دور عقیده و عمل حفظ می کند. به همین جهت خداوند این کلمه را «دژ مستحکم خود» نامیده است

50
دژی است که از آن
حفظ می کند
بهر است: بالاتر زیبایی ها
کمال می رساند

- ۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۹
- ۲- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲
- ۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۱

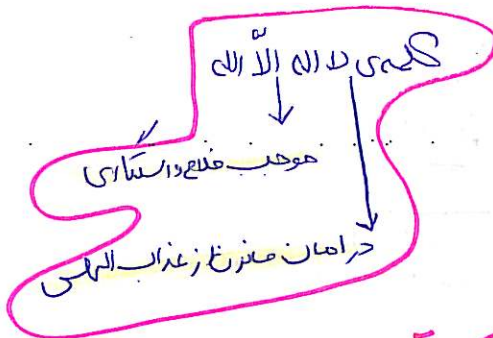
۴- چنان که در درس هشتم دین و زندگی (۲) خواندیم، هنگامی که امام رضا علیه السلام در سفر به خراسان، به نیشابور رسید، مردم شهر به استقبال ایشان آمدند و درخواست کردند که برای آنان صحبت کند. آن بزرگوار، این حدیث را از قول پدر گرامیش امام کاظم علیه السلام و ایشان نیز از قول اجداد طاهریش و آنان نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. و چون همه نقل کنندگان حدیث تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معصوم بوده اند، به حدیث «سلسله الذهب» (زنجیره طلایی) مشهور شده است.

۲۶

حدیث سلسلہ الذهب

كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
حِصْنِي
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي
أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

کلمه «معبودی جز الله نیست»
دژ مستحکم من است
پس هر کس داخل دژ من شود
از عذاب من در امان است.



دلیل بر توحید علی
ص

توحید و شرک در جهان امروز

توحید، محور و روح زندگی دینی و شرک، محور و روح زندگی ضد دینی است. اکنون که مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته ایم، می خواهیم ببینیم که زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام مرتبه از توحید مورد غفلت قرار گرفته است.

توصیر در ربوبیت

اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان، خدای یگانه است و همین خدا جهان را تدبیر و اداره می کند، با این حال، وقتی به زندگی انسان عصر جدید می نگریم، با مواردی روبه رو می شویم که با این پذیرش همخوانی ندارد؛ از جمله این که:

۱- بسیاری از انسان ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده اند که خدا را فراموش کرده و خداوند (شرک عملی) در قلب آنها جایگاهی ندارد. زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جای برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذاشته است. گویی هوئی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس هایشان می رساند بت و معبودشان شده و آنها را می پرستند، به گونه ای که از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده اند.

استغفار از سخا، تلوزیون، ماهواره، اینترنت
لیه برای رسیدن به لذت دنیایی
له غافل شدن از خدا و آخرت

به این لذات دنیایی بهره می برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده اند. معرفت به خداوند، زمانی میوه خود را می دهد که از مرحله شناخت ذهنی به مرحله ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و جرخ خلقت با تدبیر خداوند می گردد و این بت ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

ص
ص
ص

۲- با این که نمونه هایی از پرستش بت های سنگی و چوبی هم اکنون نیز در کشورهایمانند ژاپن و هند دیده می شود، اما دنیای امروز گرفتار شرک و بت پرستی پیچیده تر و خطرناک تری شده است. اگر بت پرستان عصر جاهلیت ۳۶۰ بت می پرستیدند، امروزه بسیاری از انسان ها هزاران بت برای خود تراشیده و می پرستند. راستی، بت های بزرگ روزگار ما چه هستند؟

ص
ص
ص

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده خودمان قرار داده است. اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند پذیرش سرپرستانی جز او زندگی کسانی جز او و بالاخره خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی و تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند، شرک و بت پرستی است. ریشه بت پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.^۱

با توجه به این نکات، بت‌های درونی و بیرونی عصر ما کدام‌اند؟ آیا انسان امروز در نحوه زندگی اجتماعی، روابط اقتصادی، احکام قضایی و روابط سیاسی، به رضایت خداوند توجه دارد یا تابع قدرت‌های استکباری است؟ آیا بخش وسیعی از مردم جهان در انتخاب نوع پوشش، نوع غذا، نوع تفریح، مشاهده فیلم، مطالعه کتاب، ورود به سایت‌ها در اینترنت، به خواست و رضایت خداوند توجه می‌کنند؟ در انتخاب الگوها و اسوه‌ها چگونه؟ آیا اسوه‌ها و الگوهای که اکنون مطرح‌اند و تبلیغ می‌شوند، همان کسانی هستند که خداوند معرفی می‌کند؟ آیا این اسوه‌ها، پیشروان علم، قهرمانان جهاد، فداکاران در راه آرمان‌های متعالی، مبارزان برای نجات از بند استعمار و وابستگی، و آنانی هستند که دیدارشان انسان را به یاد خدا می‌اندازد؟ یا...؟ تصویر چه الگوهای دیوار اتاق‌ها را تزئین کرده است؟

* درباره سوال‌های بالا با دوستان خود همفکری کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش

دهید.

۱- در عصر ما کدام نوع از شرک بیشتر شایع شده است؟ نمونه‌هایی از آن را بیان

کنید.

۲- چرا نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان بیشتر شرک‌آلود هستند؟

۱- ابراهیم، ۲

۲۸
۱۳۹۷

وما خلف الحى والموتى ليعبدون

توصیه عالی :

جن و انس را نیافریدم مگر برای بندگی ✓

ذاریات، ۵۱

درس چهارم
در مسیر
اخلاص

دانستیم که زندگی عرصه عبادت و بندگی خداست تا با

پرستش او مسیر رسیدن به سعادت و کمال را پیماییم و به سرچشمه

زیبایی‌ها برسیم.

در این درس می‌خواهیم بدانیم، چگونه می‌توانیم خداوند را خالصانه عبادت کنیم و نه تنها

نماز بلکه سایر فعالیت‌های روزانه را برای خدا و در جهت رضایت او انجام دهیم؟

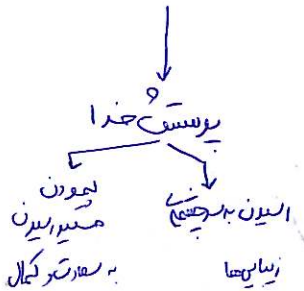
به عبارت دیگر، چگونه می‌توانیم در بندگی خود انسانی با اخلاص باشیم؟

با اخلاص بودن در بندگی ← خالصانه عبادت کردن خدا

← نه تنها نماز بلکه سایر فعالیت‌های روزانه را با خدا در جهت

رضای او انجام دهیم

هدف از آفرینش جن و انس
بندگی



۲۰



تبعوا هدينا من قبلنا...
 که بر برای خدا...
 در دنیا و آخرت...
 پس پیروی کنید...

۱- قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ
 أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ
 مَشْنئِي وَفِرَادئِي -
 ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا
 سبأ، ۲۶

۱) قیام را خدا هم توحید عملی است
 لازم قیام را خدا اخلص است

فرستادم
 ما این کتاب را به یکتا پروردگار
 پس خدا را عیب نیست...
 در خدا ایمان...
 کرده باشی.

۲- إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 فَاعْبُدِ اللَّهَ
 مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ
 زمر، ۲

حق پروری
 مضمون عبارت خلاصانه
 ۲) توحید عملی
 لازم قیام توحید نظری است

ای عزیزان آدم پرستید...
 انبیا...
 و انبیا...
 همی نمانید...
 پرستید...

۳- أَلَمْ أَعْهَدَ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ
 أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ
 إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
 وَأَنْ اعْبُدُونِي
 هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
 بقره، ۶۰ و ۶۱

۳) راه راست
 عبارت عبادت

این گونه بازگردانید
 از او بدی و زشت کاری را
 چرا که او از بندگان مخلص ما بود

۴- ... كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ
 عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ
 إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ
 یوسف، ۲۴

۴) عبارت خلاصانه
 عز ← هم
 تفسیر لفظان
 دوری از زشت کاری و بدی

عبارت خلاصانه ← در دادن از بدی و زشت کاری

۴۱

توسیع الهی، ست عاشقین

عمل صالح انسان را پروردگار در هر وجودی را خاصیت خاصه و جدا در ادب مبر اورا هدایت برساند

کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کنند قطعاً راههای خود را به آنان می نمایانیم و بی تردید خداوند همراه نیکوکاران است..

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ عنکبوت، ۶۹

۵

اگر می شنیدیم یا تعقل می کردیم در میان دوزخیان نبودیم

... لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ملك، ۱۰

۶

وَمَا نَرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي دِينِهِمْ حَبْرًا وَلَا حَسَابًا وَلَا يَتَّبِعُهُمُ الْغَيْبُ إِلَّا نَعْمًا وَمَا يَكْتَسِبُونَ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْيَوْمَ الْمَوْءِجُ وَكُلًّا يُضَارِقُونَ

وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي طه، ۱۴

۷

تقوموا : قیام کنید
مُخْلِصًا : درحالی که خالص کرده باشی
أَعْظَمُكُمْ : بند می دهم شما را



اخلاص در بندگی

انسان، همواره بر سر دوزخهای بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحته انتخاب یکی از این دو راه است. خداوند از ما می خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا در آییم. خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله پیامبران الهی و کتابهای آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است. انسانهایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته اند و بنده هوای نفس و شیطان شده اند، از این گرایش غافل شده و سرگرم امور زودگذر دنیا گردیده اند.

خداوند در قرآن کریم، چنین بندگان را مورد سؤال قرار می دهد و از آنها بازخواست می کند؛ آیه مربوط به آن را مشخص کنید و دو پیام در این باره استخراج نمایید.



عَنْ رَأْسِ بَعْضِهَا ← تَرْتِيبَ صَعْبِ ← فَطْرَتِ نَسْفَةٍ
انسانیت جا
عَنْ رَأْسِ بَعْضِهَا ← تَرْتِيبَ عَطَشِ ← فَطْرَتِ نَسْفَةٍ ← موجود
هوای ← صغیر شده

نکات مهم : فطرت انسان

نارینه در فطرت عطش و گرایش فطری به پرستش خدا ← بنده هوای نفس و شیطان درون
عقلیت
← شریک امور دنیا می درون

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همه کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آنها راه نداشته باشد. بنابراین **اخلاص در بندگی** معنای دیگری از **توحید عبادی** است و به هر میزان که **درجه اخلاص** انسان بیشتر باشد، **مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه اش در بهشت بالاتر است.**

توجه کنیم که :

هر عملی از دو جزء تشکیل شده است :

اول : **تیت**، که به آن **هدف** یا **قصد** نیز می گویم.

دوم : **شکل و ظاهر عمل.**

قصد و تیت به منزله **روح عمل** است و

شکل عمل نیز در حکم **جسد** و **کالبد** آن روح

می باشد. بنابراین، **عمل بدون تیت**، **کالبد بی جانی**

پیش نیست. از این رو **پیامبر اکرم** **فرموده**

است :

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ
نیت مؤمن برتر از عمل اوست.

در انجام هر عمل، هم باید تیت درونی و قلبی انسان الهی باشد و هم باید مطابق با شکلی که خدا

فرمان داده است، انجام شود. شرط اول را «**حُسن فاعلی**» و شرط دوم را «**حُسن فعلی**» می نامند. مثلاً

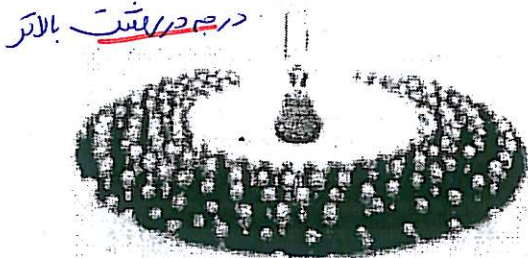
کسی که نماز می خواند، هم باید نماز را برای **تقرب الهی** و رضای او انجام دهد و هم آن را مطابق با

دستور خداوند به جا آورد. (**حسن فاعلی** به طور طبیعی **حسن فعلی** را به دنبال می آورد) یعنی کسی که

قلباً با خدای خود خالص است و فقط **رضایت او** را می جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی

مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد.

عطا فرموده است که خدا فرمان داد

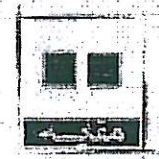


مقام نزد خدا برتر

درجه در بهشت بالاتر

حسن فعلی معلول حسن فاعلی

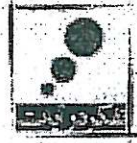
چگونه ممکن است در جایی حسن فعلی باشد اما حسن فاعلی همراه آن نباشد، با ذکر چند مثال این دو را مقایسه کنید.
آیا بر همین اساس نمی توان تفاوت میان ریا و اخلاص را به دست آورد؟



۱- اصول کافی، ج ۲، ۸۴

نکات مهم : عمل انسان
ظاهر عمل ← نفس عمل ← صیغه فعلی عمل ← طالب عمل ← انحصاری عمل
حسن فاعلی → حسن فعلی
باطن عمل ← حقیقت عمل ← روح عمل ← حصر عمل ← سبب عمل
حسن فاعلی → انبذی عمل
نکته : عمل از ارزشی اخلاصی برخوردار است به آن عمل طاری حسن فعلی و حسن فاعلی باشد، حسن فاعلی
حاصلیت کند و شعور و سستی عروج به حاکمیت دارد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و مشخص کنید کدام آیه بر اخلاص تأکید کرده است.
پیام آن آیات را در این باره بنویسید.



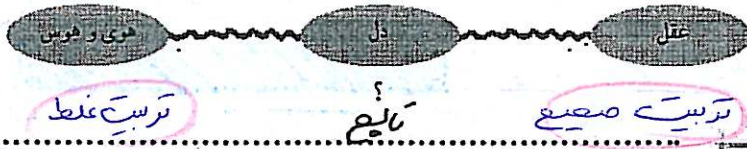
اصلاص و حصص بندگی و توسل عبادتی

برنامه ریزی برای اخلاص معلول

علت اخلاص

برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، برنامه‌های زیر را می‌توان در پیش گرفت:
۱- تقویت روحیه حق‌پذیری: اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص «حق‌پذیری» است. کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است، به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود و به سرعت راه موفقیت را می‌پیماید. افراد حق‌پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند. اما کسانی که راه ورود به حق را بر خود بسته‌اند و به جای پیروی از عقل، از هوشی و هوس پیروی می‌کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می‌شنوند، دست به انکار می‌زنند و می‌گویند «دل من نمی‌خواهد». اینان توجه نمی‌کنند که دل را در ندا به سوی خود دعوت می‌کند، ندایی از عقل و ندایی از هوس. با اندکی تأمل می‌توان فهمید که دل ما به کدام ندا پاسخ می‌دهد؟

علت اخلاص، معلولیت روحیه حق‌پذیری است.



۱- نمودار بالا، انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند. آن دو دسته را مشخص کنید.

۲- آیه ۱۰ سورة ملک مربوط به کدام دسته است؟ پیام آن آیه را هم بنویسید.

* روحیه حق‌پذیری خود را هنگام مشورت یا بحث و نظر با دیگران، ارزیابی کنید. برای این کار، خود را چند روز زیر نظر بگیرید و ببینید که وقتی دوستان شما نظری را مطرح می‌کنند، آیا به نظر آنها گوش می‌دهید یا از ابتدا تصمیم دارید که آن را رد کنید.



نکات مهم: ۱- تقویت روحیه حق‌پذیری (سلسله حاشیه، اولین قدم، تابع دلیل)

۲- افزایش معرفت به خداوند (آیات و نشانه‌های خدا ← افزایش معرفت ← افزایش استحضار اندر هی برکت ← افزایش افاضات)

۳- آرزوی نیاز با خداوند (تقویت محبت خدا ← تقویت معرفت به خداوند ← افزایش افاضات)

۴- یاد گرفتن و به یاد سپردن (یا رهایی جان و دانه ← تقویت روحیه حق‌پذیری در دنیا بر سر خودمان ← افزایش عبودیت)

۵- انجام عمل صالح (ایمان ← عمل صالح ← تلاشی در کار و جهاد ← همراهی الهی)

برای رسیدن به اخلاص

علت اخلاص افزایش معرفت خداوند است. (علت اخلاص، معلولیت افزایش معرفت خداوند است)

۲- افزایش معرفت به خداوند: به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق‌تر بشناسیم، انگیزه ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین بر ما لازم است اوقاتی را به تفکر در آیات و نشانه‌های الهی در خلقت اختصاص دهیم و هنگام دیدن هر یک از مخلوقات پیرامون خود سعی کنیم **حکمت و قدرت عظیم خالق آن را به یاد آوریم و فراموش نکنیم که:**

✓ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار



اما اگر کسی پرده غفلت را کنار نزند، همچنان نابینا خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

✓ مهر رخسار تو می‌تاید ز ذرات جهان ← آیه ۳۵ سوره نور

هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟

۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می‌کند. غفلت را کنار می‌زند و انسان را از **امدادهای او بهره‌مند می‌کند.** در میان **مناجات‌ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد.** نماز، عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این گونه سخن بگوییم. این عبادت، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌شود و به طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می‌کند.

لازم‌ترین با خدا علت اخلاص است
علت اخلاص معلولیت است
لازم‌ترین با خدا است

در آیه ۱۴ سوره طه تفکر کنید و به دو سوال زیر پاسخ دهید:

۱- قرآن کریم ما را به انجام چه عملی دعوت می‌کند؟

۲- هدف از این عمل چیست؟



۱- دیوان سعدی

✓ افزایش معرفت ایمان به خدا ← **انگیزه‌ی پرستش و عبادت** ↑

✓ دعوت خداوند به تفکر و تعقل در باره آیات و نشانه‌ها ← افزایش ایمان و معرفت

✓ نیایش با خدا } محبت خدا را در قلب تقویت می‌کند
مهره چینی از اخلاص خدا } در دهه غفلت کنار می‌آید
تقویت حضور او در زندگی } نماز ✓
باید در درون خدا

۷

علت

صفت

میوه‌های درخت اخلاص (ساج اخلاص):

۱) اولین ثمره اخلاص، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است. به تدریج که انسان زشته‌های اخلاص را محکم می‌کند، توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می‌شود تا جایی که به هیچ وجه نمی‌تواند در وی تأثیر بگذارد.

علت عدم نفوذ شیطان

اخلاص است

علت عدم نفوذ شیطان

محکمیت اخلاص است



عبارت زیر را تکمیل کنید و مشخص نمایید که این عبارت از کدام آیه گرفته شده است.
خداوند حضرت یوسف را از حفظ کرد.
زیرا آن حضرت

دانش شیطان

همان‌طور که شیطان برای کشاندن حضرت یوسف ^{علیه السلام} به گناه و فساد، دام گسترده بود، امروزه نیز دام‌های گوناگونی پهن کرده است تا هوس انسان‌ها را تحریک کند و به گناه سوقشان دهد و آنان را از بهشت جاویدان محروم کند. فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جمله این دام‌هاست که مقاومت در برابر آنها نیازمند آرومی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست. اما کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت را. شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد!

۲) ثمره دیگر اخلاص در پرستش، دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار است. وقتی حکمت، که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می‌شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.

پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} می‌فرماید:
هر کس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.

علت دستیابی به معرفت
اخلاص است

علت دستیابی به معرفت
محکمیت اخلاص است

حکمت ← دانش است
و ادب
و حکم

۱- حجر، ۴۰ و ص، ۸۳

۲- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲

آیه ۴۰ سوره حج و آیه ۸۳ سوره ص: **إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ:**

مگر بندگان خالص تو از میان آنان را

دلائل دارد بر
اخلاص

آیه ۲۴ سوره یوسف (ع): **وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ** و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود

حج: ۴۰
ص: ۲۴۲

عَلَّتْ اطمینان و احساس آرامش رطاب اخلاص است (علت آرامش روان، مطلوبیت اخلاص است)

ثمره دیگر اخلاص، احساس اطمینان و آرامش روانی، زندگی سالم و به دور از فساد، احساس لذت واقعی از زندگی خود، نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها و کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌مندی مطلوب از لذت‌های دنیاست.

آنچه گفتیم، میوه‌های اولیه درخت اخلاص و عبودیت است. برخی از میوه‌های آن در ذهن ما نمی‌گنجد، مگر آن وقت که راه‌های عالی بندگی را بیامیم و آن میوه‌های وصف‌ناشدنی را بچینیم. پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} فرمود: خداوند فرزندان آدم را این گونه ندا می‌دهد:

درخت اخلاص
میوه‌ها رطاب
میوه‌ها رطاب
میوه‌ها رطاب

* این در کسب درستی‌ها ضروری است (کسب مضامین)
از میوه‌ها رطاب اخلاص

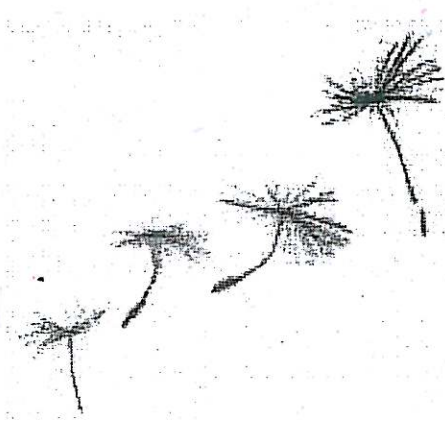
ای فرزندان آدم، من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم مرا در آنچه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را آن چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی ای فرزند آدم، من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم مرا در آنچه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را زندگی‌ای بخشم که نمیری ای فرزند آدم، من به هر چه می‌گویم «باش»، می‌شود مرا در آنچه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را چنان قرار دهم که به هر چیز بگویم «باش»، بشود.	یا بَنِي آدَمَ أَنَا غَنِيٌّ لَا أَتَقَرُّ طِغْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ غَنِيًّا لَا تَقْتَرُ يا بَنِي آدَمَ أَنَا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَطِغْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ يا بَنِي آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ أَطِغْنِي فِي مَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ	توضیح در خلاصت توضیح کلی توضیح در خلاصت توضیح در بویست
--	---	---

عَلَّتْ دیدار محبوب حقیقی اخلاص است (علت دیدار محبوب حقیقی مطلوبیت اخلاص است)
بالاترین میوه اخلاص در بندگی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیر مؤمنان نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان است.

۱- عدّه‌الذاعی، ابن فهد جلی، ص ۲۹۱ (به نقل از کتاب «به سوی خودسازی» از استاد مصباح یزدی، ص ۱۸۲)

۲- دعای کمیل
میوه‌ها رطاب اخلاص
عزم نفوذ نیز در شیطان (بد آوردن بی‌نیسا ه صدای نیز در ضلالت‌های فریب‌ها را که از دست نزدان بسیار)
دست یابا به صفت در زین صفت حقیقی تقرب احساس اطمینان در آرامش روان
بالاترین میوه
کسب خوب عبادت‌های حقیقی و تقرب (کسب خوب عبادت‌های حقیقی و تقرب در بندگی به محبوب)

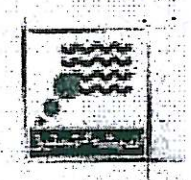
کافی است به زندگی زیبا و پر از جمال رسول خدا ﷺ، امیر المؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه بندگی به دست آورده اند.



بندگی کن تا که سلطانت کنند
 تن رها کن تا همه جانت کنند
 همچو سلمان در مسلمانی بکوش
 ای مسلمان تا که سلمانت کنند
 خوی حیوانی سزاوار تو نیست
 ترک این خو کن که انسانت کنند
 چون نداری درد، درمان هم نخواه
 درد پیدا کن که درمانت کنند
 بنده شیطانی و داری امید
 که ستایش همچو بز دانت کنند؟

ادب و طرد با اخلاص
 ↓
 علت دینار گنوی بصیرت

-
- ۱- اخلاص در عبادت با توحید عبادی چه رابطه ای دارد؟ آیا می تواند به یک معنا باشد؟ توضیح دهید.
- ۲- از نظر اخلاص و ریا چند رابطه می تواند میان نیت و عمل برقرار باشد؟
- ۳- نمونه هایی از حق پذیری یا ایستادگی در برابر حق را که در جامعه پیرامون خود تجربه کرده اید، ذکر کنید و عامل آنها را توضیح دهید.
- ۴- از نظر شما، در میان برنامه های پیشنهاد شده برای رسیدن به اخلاص، کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ چرا؟
-



۱- خزائن الاشعار، سید عباس جهری

۲۳
 ۲۳

تذکره: تمامی آیات و مطالب این درس مربوط به توحید و عبودیت است



در درس پنجم
قدرت پر واز

در درس‌های پیشین که سخن از توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادت بود، گفته شد که تنها مالک، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان در کنار او قرار نمی‌گیرند و با او شریک نمی‌شوند. همه موجودات، تحت اراده و مدیریت خداوند و به اذن او عمل می‌کنند.

در این درس به یاری خداوند، به بررسی این سؤال خواهیم پرداخت که، با توجه به این که همه رخدادهای و حوادث جهان، تحت اراده و مدیریت خداوند است، نقش اراده و اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این نظام بستری مناسب برای ظهور اختیار انسان است یا مانع آن می‌باشد؟

۴۹

حضرا، توحید در رویت

بین اراده و خواست الهی و تحقق آن هیچ فاصله نیست

حارصا حله فلاحا و برآهه سیری انسان است توحید در رویت

در نظام هستی احدی نمی تواند حلالی دارد گستر

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ
فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا
فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ

اوست که زنده کند و بمیراند
و چون به کاری حکم کند
پس به آن می گوید
باش، پس می باشد

سخر ریعی و عیبت
حصا
شمس و حد
حد

رام کرد
حصا
برای سخر
و سخر ریعی و عیبت
حصا
شمس و حد
حد

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ
لِتَجْرِيَ الْفَلَكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

نه خورشید را سزد
که به ماه رسد
و نه شب بر روز پیشی جوید
و همه در مداری در گردشند.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا
أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ
وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

گفور: ناسپاس
سخر: مسخر کرد، رام کرد
لتبتغوا: تا بجوید
قدر: اندازه
لتجری: تا حرکت کند

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهور

قدرت انتخاب
بمحل خاص

تفاوتی اساسی میان آتش که می سوزاند، آب که جاری می شود، گیاه که می روید و حیوان که راه می رود، با انسان وجود دارد. هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و چندین راه

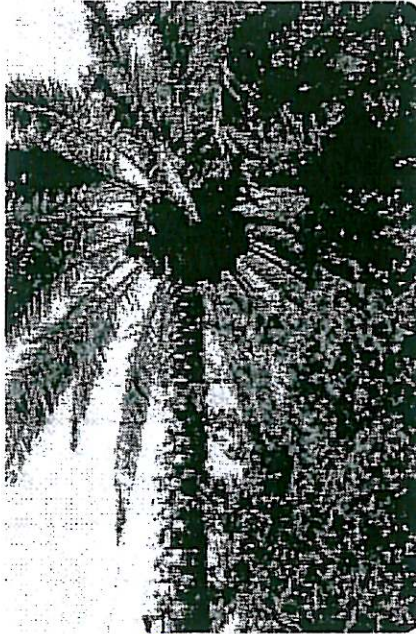
۴۳

اصیاری سے حصت و صبرانی

حرس آل اور حرم و صبرانی

مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمیگزیند.

توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است. اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این گونه یادآوری می کند:



آن یکی بر رفت بالای درخت
می فشاند او میوه را دزدانه سخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی
از خدا شرمت، بگو چه می کنی؟
۳- گفت، از باغ خدا بنده خدا
می خورد خرما که حق کردش عطا
پس بیستش سخت آن دم بر درخت
می زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
گفت، آخر از خدا شرمی بدار
می کشی این بی گنه را زار زار
۴- گفت، کز چوب خدا این بنده اش
می زند بر پشت دیگر بنده اش
۷- چوب حق و پشت و پهلو، آن او
من غلام و آلت فرمان او
گفت، توبه کردم از جبر ای عیار
اختیار است اختیار است اختیار

3 مورد
↓
جبر

طریقیات
↓

درهمی بودن اختیار

حصت و صبرانی

با وجود روشن بودن اختیار، نشانه های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می کنیم، از

سواد

مطاردن بود دلاله دارد بر سو اهر جمله:

۱- تفکر و تصمیم: در ساعات متفاوت شبانه روز تصمیم هایی می گیریم و برای این تصمیم ها ابتدا اندیشه می کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی های لازم، یکی از

اختیار:

۱- شوری معنوی، مولوی

۲۴

علم بمعنی نوع است ← ۱. بودهی است ← نصیر برد اسباب و مضار آن دلیل لازم سبب ← صفت نصیر است.

۲. حصولی است ← در باطنی است؛ آهر صفت با واسطه، غیر مستقیم ← علم ریاضی و کبری

۳. حصولی است ← به واسطه، مستقیم، صلی عشق، محبت، تری

علم ← این که اختیار اهر بودهی است آن را از طریق علم حصولی درک می کنیم.

آن راه‌ها را برمی‌گزینیم و وارد آن می‌شویم :

این که فردا این کنم یا آن کنم } دلالت دارد بر **تصمیم** از **شواهد اختیار**
خود دلیل اختیار است ای صنم

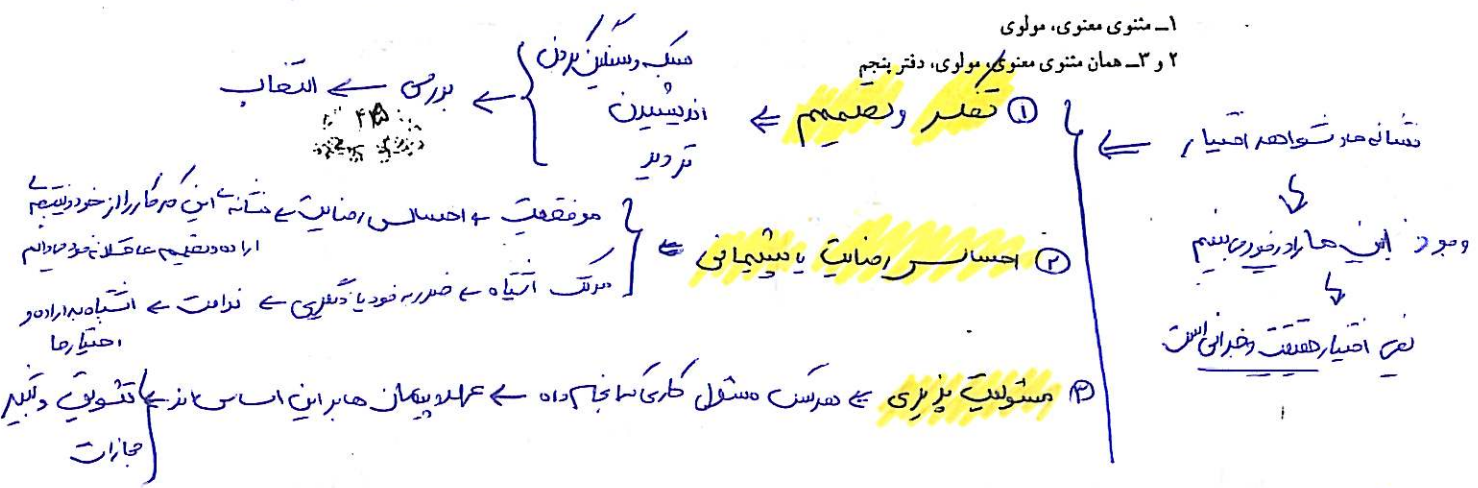
۲- احساس رضایت یا پشیمانی : هرگاه در کار خود موفق شویم، احساسی از رضایت و خرسندی از خود، وجود ما را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و بر اثر این اشتباه به خود یا دیگری زیان وارد می‌شود. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی به سراغمان می‌آید و این بدان معناست که آن اشتباه، به اراده و اختیار ما بوده است.

گر نبودی اختیار این شرم چیست } دلالت دارد بر احساس رضایت یا پشیمانی از **شواهد اختیار**
این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی
ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۳- مسئولیت‌پذیری : هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهایی می‌دانیم که انجام می‌دهیم. به همین جهت است که اگر کار ما درست و نیکو بود مورد تشویق قرار می‌گیریم و اگر کار زشت و نادرست از ما سرزند تنبیه و کتف می‌شویم. **عهدها** و **پیمان‌ها** نیز بر همین اساس استوار شده‌اند و اگر کسی **پیمان شکنی** کند و مسئولیت خود را انجام ندهد، وی را مستحق مجازات می‌شمرند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا } دلالت دارد بر **مسئولیت** نیز از **شواهد اختیار**
ور نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مرگلوخی را زند؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

در آیات ابتدای درس بیندیشید و توضیح دهید کدام آیات بیانگر اختیار انسان است و چگونه از آنها می‌توان به وجود اختیار در انسان پی برد.



احساس رضایت و تصمیم سیریم } دلالت دارد بر **تصمیم** پذیرا هستی پشیمان بوده مسئولیت تصمیم‌ها را بر عهده می‌گیریم

اختیار را صدق دارد و عصمت و صبری است و در این چیزی که احدی در راه آن خود را فدا کرده است از آنجمله

فواید توجه ما به اختیار

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آنچه اهمیت دارد، نحوه بهره‌مندی از آن است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق‌العاده‌ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته‌اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته‌اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه‌های بزرگ علم و دانش را فتح کرده‌اند.

نسیبیت اختیار در اسلام
از جهت بهره‌مندی از آن است

اختیار نعمت است



میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می‌پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می‌کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می‌کند، تصمیم‌های اشتباه خود را می‌پذیرد و در صدد جبران برمی‌آید.

پندارهای ویرانگر

۱) هر چند اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است، اما برخی اندیشه‌های باطل سبب رواج جبرگرایی می‌شوند. مثلاً کسی که بیندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی‌گذارد.

۲) رواج عقیده «جبری‌گری» مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می‌گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می‌کند. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به جنگ آورده را موهبت الهی معرفی می‌کنند و مدعی می‌شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده‌ای در محنت و مشقت باشند. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده‌اند، به خود حق اعتراض نمی‌دهند و می‌پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است.

۱- در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی‌گرا به همین نتیجه در اندیشه‌های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (بی‌وج‌گرایی) شدند. برخی از نویسندگان ایرانی نیز در همان سال‌ها تحت تأثیر آن اندیشه‌ها قرار گرفتند و به فلسفه بوجی روی آوردند و زندگی مایوسانه‌ای را گذراندند.

۲- وقتی که بنی‌امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند عقیده جبری‌گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می‌کردند، به گونه‌ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند زید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

این همه رسوایی‌ها بر پایه احساس هویت خودجبری است
اعتماد به نفس
احساس ارادت
روحیه عدم اعتماد
به نفس

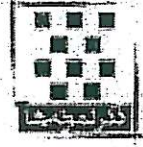
نکات مهم: تبعاع اعتماد به اختیار
فردی
اجتماعی

فردی - توجه عملکرد
اجتماعی - توجه ظلم، ستمگری، ستم‌نیزی
تبعاع اعتماد به جبر

سیاست مبارزان الهی با ستم به مسکن جبر ظلم خود را توصیه کردند و هرگز ستم‌گرا را از سوی خود صغری‌زهن مسلمانان پاک نکرده. طرفداران این عقیده کسب شروع ناصبور را موهبت نامیده [دریا دریا نعت] در ظلم به دنگی را تقدیر نامیده [کشتی کشتی گشت] forum.konkur.in

۲

۳) پندار ویرانگر دیگر از آن کسان است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق محور قرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.



* با بررسی عملکرد برخی جوامع و برخی آدم ها، نمونه هایی از این خود محوری و توجه افراطی به اراده و خواست انسان را نشان دهید.

عقل
سوءنیتی امین
(معمول)

زمینه ساز شکوفایی اختیار
فناوری اعتماد اختیار

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های بشفرت را فتح کنیم و قله های کمال را بیماییم و در آسمان هستی تاجایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم. زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است که در اینجا به شرح مختصر آن می پردازیم:

دانش محمد رسول الله
گزارش ربیبی اهل
حکیمان (معمول)

درک مصدقاً احکام برهان
سینغ
سرف
دوری از پندارها
نادرست
جهان
قانونگر بودن
اعتقاد خدای حکیم

۱- اعتقاد به خداوند حکیم: مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوری که همه حوادث و رخداد های جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می افتد و اگر چه ما، به علت دانستن محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویداد های جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد.

✓ قطره های کز جویباری می رود
از پی انجام کاری می رود
هدم در این نظام خلقت

ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان

۱- انسان محوری و اومانسم افراطی، زیربنای فلسفه و انسان شناسی حاکم بر زندگی عصر جدید است و مورد نقد جدی متفکران بزرگ و دردمندان حقیقت طلب قرار گرفته است. در این زمینه می توانید به کتاب های «فطرت» و «فلسفه اخلاق» از استاد شهید مطهری، «بحران دنیای متجدد» از رنه گون، «جوان مسلمان و دنیای متجدد» از دکتر سید حسین نصر، «چهار دانش و طبیعت» از راندانا شیوا، «عقل تزلزل تمدن غرب» از اصغر ظاهر زاده و «بانی توسعه و تمدن غرب» از سید مرتضی آوینی مراجعه کنید.

نکات مهم: پندارها نادرست

۱) مادیون میانه تر از لیسیم می چون روح موقفند و بسند و نسبتاً اختیار روح است که از انسان را قاعد اختیار می دانند

در صفت دیگر مادی افغان تبیین اختیار وجود ندارد و مادی بودن و زبیدی مادی

۲) مادیون می کسانی که موقفند انسان موجود مطلقاً مجبور است و از خود اختیاری ندارد و میانه تر است

۳) کسانی که موقفند انسان موجود مطلقاً مختار است. آثار زیانبار را ضرر، جامع و مختار از مادی

خدا اختیار دانه می آید استعداده از آن می بسترت کنیم
کمان بر لیم
دوری از پندارها نادرست
درک مصدقاً احکام برهان

ایمان به خدا علم نظام حقیقی است او به احساس اطمینان (جهان طاعت و نیکوکاری دارد) اشتباه برکاتی است
شما اصلاً جهان از نابودی

دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.

کدام یک از آیات درس به حقیقت ذکر شده اشاره دارد؟ پیام آن آیه را بنویسید.



تفاوت استفاده از تاملین ها جهان (علت)
↓
✓ بر طرف کردن نیز
✓ تعلیق رساندن استدلال
✓ کنار

۲- قانونمند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را بر طرف کنیم، استعدادهای خود را به فعالیت برسانیم و پله های کمال را بیامیم. (نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان «قضا و قدر الهی» است.)

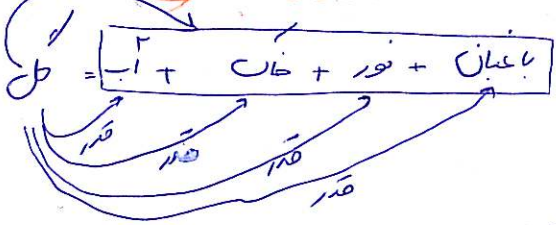
قضا و قدر و اختیار انسان

«تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قدر» و «قدرت» نیز به معنای «اندازه» هستند. «قضا» به معنای «به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیت بخشیدن» است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری ها و قانون مندی هایش از آن خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آیا اگر غیر از این بود، ما می توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت کنیم و از اختیار خود بهره ای ببریم؟

رنه طاری در قانون مندی که صرفاً ایجاد به هم در زمان خدا به حصا

آبی که با اراده خود می نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است. یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها آفریده که سبب رفع تشنگی انسان می شود. اما کسی که این تقدیرها را نبیند و جهان را بر از هرج و مرج بیندارد، آیا واقعاً می تواند از اراده و اختیار خود بهره

خدا نمی تواند تقدیرها را نبیند و جهان را بر از هرج و مرج بیندارد، آیا واقعاً می تواند از اراده و اختیار خود بهره
↓
نمی تواند از اراده و اختیار خود بهره ببرند



نکات مهم

- علت ناقصه: برای پیدایش معلول شرط لازم است.
- علت تامه: برای پیدایش معلول شرط لازم و کافی است.
- اصل ضرورت: هرگاه علت تامه باشد، معلول حتماً، قطعاً، ضرورتاً بوجود خواهد آمد.
- مثال: $عقل = نور + حکم + اراده$ / $عقل ناقص = نور + حکم$
- قدر: اندازه، ویژگی، خصوصیات، مقدار، صفتی، شرط لازم، علت ناقصه (رابطه معلول را علت ناقصه می گویند).
- قضا: علت تامه، شرط لازم و کافی، اصل ضرورت، شدن، انجام یافتن، تحقق یافتن، تسویه کردن، طوره کردن، گزاردن، نفاذ کردن (رابطه معلول را علت تامه می گویند).



در آیات ۴۹ سوره قمر، ۶۸ سوره غافر و ۴۰ سوره یس تفکر کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا چیزی در جهان هست که دارای خصوصیات و ویژگی معین نباشد؟

سوره..... / آیه.....

۲- پدیده‌های جهان به حکم و اراده کیست؟

سوره..... / آیه.....

۳- آیا موجودات جهان از قانون مندی خود خارج می‌شوند؟

سوره..... / آیه.....

۴- پاسخ سؤال‌های فوق چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟

✓ برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند؛ درحالی‌که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بودند. امام علیه السلام متوجه کجی و سستی دیوار شد. برای این که دیوار روی ایشان و یاران نریزد، از آن جا برخاست و زیر سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت:

— یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟

امام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

برداشت نابه‌جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فایده است. اما امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص (و دیگران) آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. زیرا فروریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص

آیه ۴۹ قمر: **إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ** ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم

سوره قمر: ۴۹

پیام:

آیه ۶۸ غافر: **هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ** او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و چون به کاری حکم کند همین قدر به آن می‌گوید باش بی‌درنگ موجود می‌شود پیام:

آیه ۴۰ یس: **لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَنَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ** نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند

پیام:

نشان بده که هر (طبی) معلول را علت ها بر سرش ...

درس کنیم موضوع طوین و عرضی ...

آن دیوار، یعنی کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

قانون و قضا را به دنبال ...

حال جهانی را در نظر بگیرید که هیچ گونه تقدیر و اندازه ای بر پدیده های آن حاکم نباشد؛ آیا در چنین جهانی جایی برای اراده و اختیار انسان وجود دارد؟ و آیا اصلاً چنین جهانی معنا دارد و می تواند واقعیت خارجی پیدا کند؟

حالت خرا ...

رابطه اراده انسان با اراده خداوند

اینکه می گویم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهري از قضا و قدر اوست. مسأله این است: چگونه می توان هم به قضا و اراده الهی معتقد بود و هم انسان را موجودی مختار دانست؟ آیا می توان گفت که کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است با علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، آشنا شویم. این علل، بر دو دسته اند:

مصادیق ...

۱- علل عرضی: در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه ای چون باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می آورند. این گونه علل را «علل عرضی» می گویند.



در این مثال، هر عامل به طور مستقیم نقشی برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- علل طولی: گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این گونه است که مثلاً، یک عامل در عامل دیگر اثر می گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تأثیر می کند (تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند) برای مثال، وقتی که شما قلم به دست می گیرید و نامه می نویسید، چندین عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می نگارد؛ دوم، دست شما که قلم را به حرکت در می آورد؛

نکات مهم

علل عرضی: باغبان، نور، خاک، آب = گل

علل طولی: تطویل علل، علل واسطه ...

نظام علت و معلول ← از مظاهر عصا و قدر عصا و قدر ← از مظاهر توحید در ربوبیت

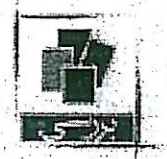
سوم، سیستم عصبی بدن که موجب حرکت دست شما می شود؛
چهارم، اراده شما که مقدم بر سه علت قبلی است؛
پنجم، نفس یا روح شما که اراده از او پدید می آید.

کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می گیرد. قلم می نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار سیستم عصبی است. این کار هم ناشی از اراده و اراده هم از نفس شماست. این علت ها را «علل طولی» می گویند.

وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

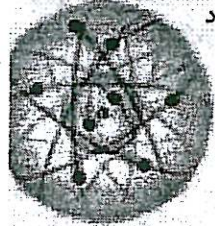
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

* با این که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیات و چه در شکست های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان ها می کوشند شکست های خود را به قضا و قدر نسبت دهند؟



اختیار انسان، یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این ها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد. همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است. (به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی



۱) اعتقاد به مختار بودن انسان، نظام علت و معلول هستی توحید در ربوبیت منافات ندارد زیرا اختیار انسان از عصا و قدر است و عصا و قدر از عطا و قدر است. به عبارتی دیگر، قضای الهی بر این تعلق گرفته که انسان موجود مختار باشد پس در فعل اختیاری تا انسان اراده بلند کار انجام نمی دهد پس هر فعل اختیاری درین سطح منسوب به اراده ای انسان است و در سطح دیگر، اراده خداوند این ارتباط طولی است. پس اراده انسان چیزی جز این است که اراده ای را که از او سر می زند، در سطح نظام علت و معلول، با توحید در ربوبیت منافات ندارد زیرا نظام علت و معلول از عطا و قدر است و عطا و قدر از عطا و قدر است. بر این تعلق گرفته که نظام هستی دارای علت و معلول باشد. پس هر معلول در سطح منسوب به علت خود است و در سطح دیگر منسوب به اراده ای است که از او سر می زند. پس هر معلول در سطح منسوب به علت خود است و در سطح دیگر منسوب به اراده ای است که از او سر می زند.

حقیقت و حجاب

نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

محدوده اختیار انسان

① شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون‌مندی‌ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی ژرف‌تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرت اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه‌ای که نه تنها این نظام سدا و راه او نشود، بلکه زمینه‌ساز عروج و صعود وی به سوی قله‌های کمال گردد.

② تاریخ علم نشان می‌دهد که همین نظام قانون‌مند، به انسان امکان داده است تا دروازه‌های علم را بگشاید، بهینه‌داریها را بشکافد، اعماق اقیانوس‌ها را بجوید و فضای کیهان‌ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.

③ توجه کنیم که ما در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط در صورتی رام و مسخر انسان می‌شوند که آدمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی‌ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا بتواند در آسمان‌ها و دریاها سیر کند.

پس تقدیرات و قانون‌مندی‌ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است. برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی‌کنند و بدون درک قانون‌مندی‌های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه‌های دلخواه خود را دنبال می‌کنند و بدبختی خود را رقم می‌زنند.



ابر راه خدا بخواه خود را بدون توجه به درک قانون‌مندی‌ها

جهان دنبال کنیم

به جا خوشبختی به برکتی می‌رسیم

در آیه ۱۲ سوره جاثیه تفکر کنید و به سوال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- مقصود از رام و مسخر بودن آسمان‌ها و دریاها چیست؟

۲- چرا کشتی‌ها می‌توانند در دریاها حرکت کنند؟

۳- چرا انسان می‌تواند با اختیار خود به جستجوی دریا بپردازد؟

قدرت و مقدر بر عصا است و عصا صفتی بر تقدیر است

عصا قدرتی است که هر کس بخواهد آن را در اختیار بگیرد، اما عصا را اختیار می‌کند و عصا را بر او می‌نهد. اما دعای عصای حقیقی و قدرتی که مؤثر است



سنت های من را بپوشانید...
بسیار بدیدم... در روز قیامت...
بسیار بدیدم... عاقبتش... کذب نام لورده؟

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ
فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
آل عمران، ۱۳۷

سنت های الهی... عاقبتش

آیا مردم می پندارند رها می شوند؛
همین که گویند ایمان آوردیم،
و آزمایش نمی شوند؟

أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا
أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا
وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
عنکبوت، ۲

سنت الهی - سنت عا الهی
تا تل هو من و کفر
سنت همسان یا ابلا یا آزماش یا
منه

کمک می کنیم هم به اینان (نیکوکاران)
هم به آنان (بدکاران) از عطای پروردگارت
و عطای پروردگارت منعی ندارد

كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا
وَهُوَآءٌ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ
وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا
اسراء، ۲

سنت الهی، سنت عا الهی
سنت امداد، شامل هو من و کفر
به دلیل خمار بودن انسان

مما کان محمد...
بر حسب استمرار
سنت

آنان که کفر پیشه کرده اند تصور نکنند
اگر به آنان مهلت (بدکاری) می دهیم
به نفع آنهاست
فقط به این خاطر به آنان مهلت می دهیم
که بر گناهان خود بیفزایند
درحالی که عذابی خوارکننده برای آنهاست

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنْمَّا نُمَلِّي لَهُمْ
خَيْرًا لِأَنْفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ
لِيُزَادُوا إِثْمًا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ
آل عمران، ۱۷۸

سنت الهی، سنت خاص الهی
تا مل حاضرین
مهلت دادن به جهت توبه اوست
بناه و عذاب ناشی از صدمه الهی

و کسانی که آیات ما را انکار کردند
به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ

سنت الهی، سنت خاص الهی
تا مل حاضرین به جهت
عذاب تدریجی ناشی از کفر الهی

۵۶

از آن راه که نمی دانند
و به آنها مهلت می دهیم
همانا تدبیر من استوار است

مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
وَ أَمْلَى لَهُمْ
إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ
اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳

همین بس... بندگان من...
و هر کس بدی کند...
اندازه دهر...
بسی نظم من شود...

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
فَلَهُ وَعَشْرُ أَمْثَالِهَا
وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ
انعام، ۱۶

سنت الهی، سنت حق الهی
عادل در مورد طافران
لطف در مورد رهبران
ناشنای در عدالت و لطف الهی

همه این کلمات

اگر مردم شهرها ایمان آورده
و به تقوا گراییده بودند،
همانا برایشان می گشودیم
برکاتی از آسمان و زمین
ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
به کفر آن چه کسب کردند

وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا
وَ اتَّقَوْا
لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ
وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَآخَذْنَا
هُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
اعراف، ۹۶

سنت الهی، منت خاص الهی
کامل هوشی
لطف خاص الهی، امداد عیبی

کسب... در روز...
ما...
همانا...

وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ
عنکبوت، ۶۹

سنت الهی، سنت خاص الهی
خاص هوشی
لطف خاص الهی، امداد عیبی

سنتن: سنتها
لنهدیتهم: حتماً آنان را هدایت می کنیم
یجزی: جزا داده شود

خَلَّتْ: گذشت
سیروا: جستجو کنید، بگردید
جاء به: آورد، بیاورد



-
- با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.
- ۱- حیات فردی و اجتماعی انسان دارای است
- سوره / آیه
- ۲- با مطالعه زندگی می‌توان این به دست آورد
- سوره / آیه
- ۳- هر کس ادعای ایمان کند، قرار می‌گیرد
- سوره / آیه
- ۴- خداوند به کافر ان مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت استفاده
- سوره / آیه
- ۵- برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار می‌شوند
- سوره / آیه
- ۶- مطابق با الهی، میان پاداش و کیفر وجود دارد
- سوره / آیه
- ۷- مطابق با الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها تأثیر دارد
- سوره / آیه
- ۸- رحمت و وسعت الهی به همه افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، است
- سوره / آیه
- ۹- خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به طور خاص می‌کند
- سوره / آیه
-

واللین نربو

سنت‌های الهی

بر اساس **تقدیر الهی** جهان خلقت دارای **قانون مندی** است و پدیده‌های جهان در **دایره قوانین** خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. **قرآن کریم** از این **قوانین** با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به خصوص **سنت‌های مربوط** به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است.

پيام شماره

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. اما **شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها**، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی



همان: بر ماسه‌ری با توجه به قانون نهاد

تعلیم در دست رابط
انسان با خود و دیگران
جهان خلقت را

صورت کردن بر راه رسیدن به کمال

آشنایی با نشانه‌های الهی
درک عظمت خالق آنها
بهره‌مندی از طبیعت

شناخت قوانین جهان خلقت

نوع ۵۸

ایمان الیقین بر سه امتحان است ۱ نیت تعلیمات در دروس مساجد
تبیخه ای آینه زنده نوره انوار است
جهت انسانها امتحان است چون به پیروزی یا شکست
تکامل یا قسوت حاصل
از این سنت ها عبارتند از :
جهت امتحان خود را بر رویه مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش
نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش
است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد آزمایش های
ویژه و امتحان های خاص می گردد (همه انسان ها در طول عمر خود در معرض آزمایش اند و پیروزی
یا شکست در این آزمایش ها، سبب جدا شدن انسان های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل،
یا خسران و عقب ماندگی آنها می گردد). اگر پیروز شویم به مرحله بالاتر راه می یابیم و با امتحان
جدیدتری روبه رو می شویم. درست مانند دانش آموزی که در طول هر سال آزمایش می شود تا به
کلاس بالاتر راه یابد.

۱- امتحان و ابتلاء: این سنت، مربوط به چگونگی فرایند رشد و تکامل انسان و عامل
ظهور و بروز استعداد های اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را
نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش
است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد آزمایش های
ویژه و امتحان های خاص می گردد (همه انسان ها در طول عمر خود در معرض آزمایش اند و پیروزی
یا شکست در این آزمایش ها، سبب جدا شدن انسان های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل،
یا خسران و عقب ماندگی آنها می گردد). اگر پیروز شویم به مرحله بالاتر راه می یابیم و با امتحان
جدیدتری روبه رو می شویم. درست مانند دانش آموزی که در طول هر سال آزمایش می شود تا به
کلاس بالاتر راه یابد.

سنت های اصلی
تسلیم از جانب الهی
به جهت تسلیم شدن
استعدادها بالقوه
انسان

امام صادق علیه السلام می فرماید :
إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ
بِمَسْزُولَةٍ كَمَثَلِ الْمِيزَانِ ،
كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ
زِيدَ فِي بِلَائِهِ

باطن این امتحان الهی با ایمان
افراد

ایمان ↑ ← آزمین ↑

به راستی که مؤمن
به منزله کفه ترازوست
هر اندازه ایمانش افزوده شود،
امتحانش نیز سنگین تر می شود

* کسی که می داند حوادث زندگی برای ابتلاء و امتحان و برای رشد و تکامل انسان
است، در مواجهه با این حوادث چگونه برخورد می کند؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-



اصولاً ← افراد

۲- امداد الهی: در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می شوند : دسته ای به ندای حقیقت پاسخ
میت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. سنت
الهی این است که هر کس اراده اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود

سنت امداد
سنت عام
سنت حل مؤمن رطوخ
بعثت معن اصابه انسان

۵۹
بیت الله

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰



-۲

سنت الهی

۱- کتب

- عام یا خاص ؟

- درام سنت ؟

- سنتی از درام صفت الهی ؟

- تسبیح لسانی است ؟

- عدت این سنت ؟

استدراج و استدرج

انتخاب راه حق

همورد لطف خدا

که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد! بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانه لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

۳- توفیق الهی: امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با تبت باک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. (خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد).

(مصرف اصلاح طلب)

در حقیقت، انسان حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و در نتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبایر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروزمی شوند.

۴- املاء و استدراج: آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. در حقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلائی الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال» نام دارد.

نگاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج

پیروزی انسان تقوا پیشه در گنایا بر کافران
↓
توفیق الهی
↓
همورد لطف خدا

سنت خاص
کامل عوین
ناسی از لطف الهی
اهدای عیب به همت ناسیه
صبر حق

سنت خاص الهی
سنت عهده یا امهال ناسی از
لطف خدا الهی
در سنت املاء انواع مهلت وجود
طرد مهلت اول: در مهلت کوبه
ناسی از لطف الهی
مهلت دوم: ناسی از صبر
الهی به جهت افزایش دما

۲- انفال، ۶۵

۱- اسراء، ۱۸ تا ۲۰

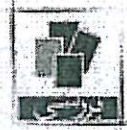
۳- املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

۶۰
در زندگی

سنت استدراج
سنت خاص
سنت کامل
ناسی از لطف
عذاب در اعین

به سوی هلاکت ابدی نزدیکتر می شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت (استدراج) می خوانند.

پیام شماره



* برخی از مردم که با سنت های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناه کاران را چگونه تحلیل می کنند؟ و دچار چه حالتی می شوند؟

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می کند؟

سنت پاداش و جزا را
سنت برحق است
سنت پاداش و جزا را

سنت خاص الهی

تفسیر محل بر خصوص طغیان

مانند از عدل الهی

۵ تفاوت در پاداش و کیفر با آنکه بر اساس عدل، خداوند باید به همه بندگان بر اساس میزان

اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، کار نیک را چند

پاداش به عباد می دهد. برابر بر او کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش و جزا می دهد.

۶ تأثیر نیکو یا بدی در سرنوشت رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما

به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. به طور مثال، نیکو کاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر

یا کوتاهی آن هستند.

پیام شماره

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ

وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ

أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ

کسانی که به واسطه گناه می میرند
از کسانی که به واسطه سرآمد
عمرشان می میرند، بیشترند.

و کسانی که به سبب نیکو کاری زندگی
دراز دارند،

از کسانی که به عمر اصلی زندگی
می کنند، بیشترند.

۹ اعمال نامهار در سرنوشت
مؤثرترند. تا جایی که سبب
سبب امر است و عرو پرکار
سبب کوتاهی عمر

دعا بر قضا و قدر مؤثر است
دعا بر قضا و قدر مؤثر است
دعا بر قضا و قدر مؤثر است

شرایط و احوال دعا
↓
چیزهایی که در انسان از ضررها
درمانش بر قدرش بسیار است

دعا نیز می تواند سبب بسیاری از خوبی ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته در صورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه ای که در مسیر خوبی ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می گشاید و جامعه ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب ها گرفتار خواهد شد.

پیام شماره

* اکنون که با برخی از مهم ترین سنت های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت ها و بهره مندی مطلوب از آنها به سوال های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ های خود برنامه ریزی کنیم.

۱- برای این که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

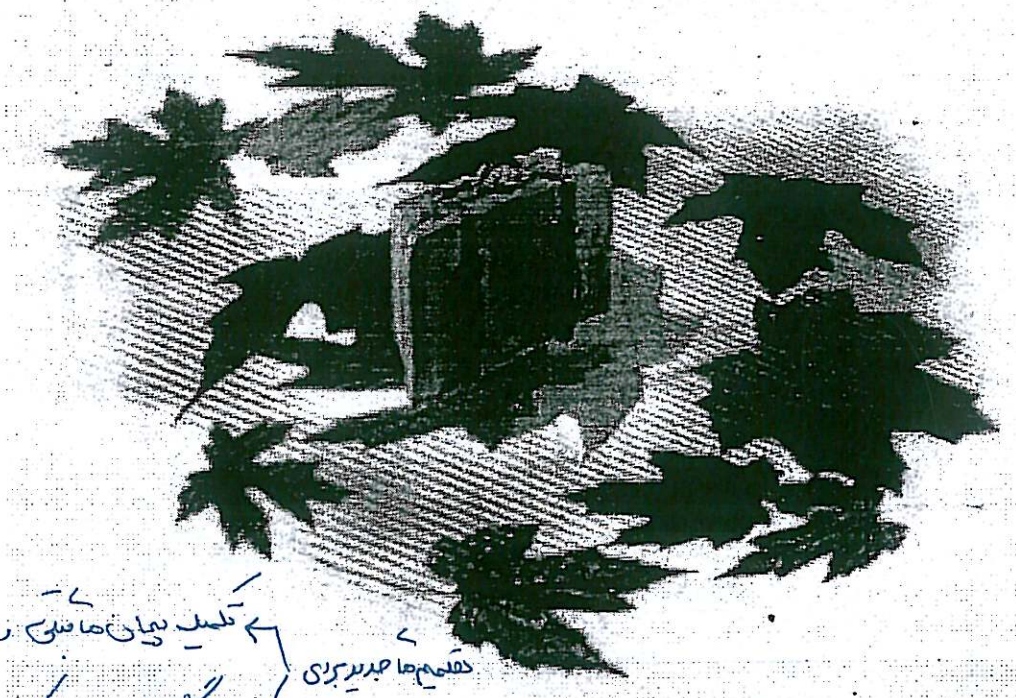
الف)
ب)
ج)
۲- برای این که شکل مثبت امداد الهی نصیب ما شود و بهره مند از توفیق الهی گردیم چه برنامه هایی را پیشنهاد می دهید؟

الف)
ب)
ج)
۳- چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده ایم؟

.....
.....
.....
.....



۶۲
۶۳



تکمیل پیمان‌ها قبلی را بیاموزیم
از مسیر که چیزی به غلط پیموده شد
ما را زین باری برجا گذاشته

تصمیم‌ها جدیدی

اساره دار به اصل توبه

خدای متعال به حضرت داود علیه السلام فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت‌هایشان می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من می‌مردند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست.

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن

ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار

زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها توبه نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم

توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟



درس هفتم
بازگشت

۱- میزان الحکمه، ج ۴، محد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷

۶۵
ب

غفور رحیم کے صفت خرا
برگز توبہ سلطان



توبہ کے بعد سے توبہ سب ازبغین رہیں توبہ سب توبہ

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا
أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ
ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ
يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا
نساء، ۱۱۰

۱) توبہ کے بعد سے توبہ سب ازبغین رہیں توبہ سب توبہ

هر کسی عمل بدی انجام دھد
یا بر خود ظلم کند
بسپس از خود استغفار کند
خداوند را بخشد و او را بخشد

فَمَنْ تَابَ

۲) انواع توبہ و خود دلور

مَنْ بَعْدَ ظُلْمِهِ

توبہ کی اسلن توبہ ازبغین

وَأَصْلَحَ

ازبغین توبہ کی خدا توبہ ازبغین

فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
مائده، ۳۹

از غراب

هر کسی توبہ کند
پس از ظلم کرد
و اصلاح کرد
خداوند توبہ کند بر او
خداوند بخشد و او را بخشد

الْأَمَنُ تَابَ وَأَمِنَ

۳) ۴)

وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

لازمی توبہ خدا توبہ اسلن

فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ

هر کسی توبہ کند و ایمان آورد
و عمل صالح کند
پس خداوند توبہ کند بر او
و بدی را بدی کند

سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

فرقان، ۷۰

بدی را بدی کند
و ضلوت کند
خداوند توبہ کند بر او
و بدی را بدی کند

يَجِدِ اللَّهَ يَبْدُ خدای را

سوء: کار بد

يُبَدِّلُ: تبدیل می کند

أَصْلَحَ: اصلاح کرد

توبہ از مراحل توبہ داهن است

۶۸

توبہ علاوه بر اینله موجب توبه داهن است

خداوند توبہ کند بر او
و عمل صالح کند
پس خداوند توبہ کند بر او
و بدی را بدی کند

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هر کس که از نزدیک آن خانه باشکوه می گذشت، می توانست حدس بزند که در درون خانه چه خیر است! بساط عیش و میگساری بهن بود و جام شراب پیایی نوشیده می شد.

زنی که در آن خانه خدمت می کرد، بیرون آمد تا زباله ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره اش نمایان بود، از آنجا می گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می بود حرمت مالک و صاحب خود را

نگه می داشت و این بساط را بهن نمی کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی

که برگشت، اربابش پرسید: «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و هیبتی می گذشت و چنان پرسشی

کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جمله «اگر بنده می بود، حرمت مالک و صاحب

خود را نگاه می داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی اختیار از جابر خاست و به خود

مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دويد تا خود را به وی رساند. به

دست امام هفتم حضرت موسی علیه السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بشرین حارث

که تا آن روز در زمره اشراف زادگان و عیاشان بود، در سبک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.

توبه یعنی توبه خود را
انقلاب علیه خود
عاشق
رضی

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوانها، قدری بیشتر، می توانند

در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. اما هیچ کدام از اینها

توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می تواند با گناه بم خود ستم کند و هم علیه خواسته های زشت

خود قیام کند و انقلاب نماید. توبه از رذیلتی که هو جور همانراست

۱- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴

سبب انسان م خود ← پلایه

۶۷
۶۸



.....
باتوجه به آنچه در سال دوم درباره «نفس اماره به بدی» و «نفس لوامه» آموخته اید

به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس درباره ظلم به خود می باشد؟

۲- چگونه انسان به خود ظلم می کند؟

۳- انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می کند؟
.....

اشتیاق خدا به سعادت درستی های ما...
توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی ها و کمالات متعالی سرشته است.

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و ماوای ماست. البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

فاسپاسی

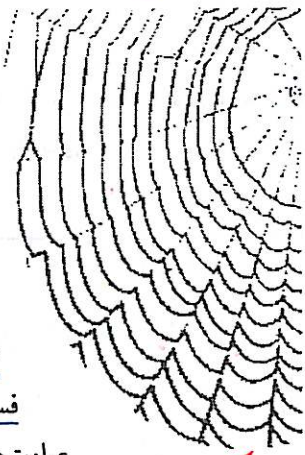
۱ با وجود چنین رابطه ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می شکند، گام در مسیر فاسپاسی می گذارد و خود را به گناهان آلوده می کند و از مسیر رستگاری دور می شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سوی که شیطان وسوسه اش می کند، قدم برمی دارد.

۲ اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزاری می جوید و دوری می کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و خود



۱- فی مفقه صیدی عند تلک مفقده - قر، ۵۵

فاسپاسی = گناه = خروج از حرم استیلائی = حرمت شکنی = خاموشی = چراغ عقل و فطرت
عقود شکنی = الهی = سقوط در دایره ضلالت و گمراهی
تزلزلت استقامت = سعادت = گناه = حرمت شکنی = از بین رفتن تضر اولی = توجیه گناه
= سحرولت استقامت = گناه



را بدن عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تاثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تاثیرشان ضعیف

و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به سرعت آدمی را از مسیر

توحید و خلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس های شیطانی می کند.

دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام،

فسادهای اخلاقی، شراب خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک

عبادت هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این ها، هم زندگی

دنیایی فرد را تیره می کنند، هم در نسل های آینده او اثر می گذارند و هم عذاب های شدید اخروی را در

بی دارند.

نکته تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا

می شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی

ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می کنیم و چنین اجازه ای به خود می دهیم؟

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی، او تو را

می بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی بیند، کفر ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند و در عین حال در

مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده ای!

خوف از خدا

* حالت خود را هنگام نافرمانی ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می شوید، بررسی کنید

و ببینید:

- ۱- به کدام خطا عادت کرده اید و علت آن چیست؟
- ۲- آیا به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می دانید چه اثری بر جای می گذارد؟
- ۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟



۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷

۶۹ : خوف از نوع است :

۱- خوف رحمتی : ترس از ما

۲- خوف ادبوسنی : خوف از خدا

عزت توکم

حقیقت توبه به پشیمانی ز انجام محبت اعلاست نتیجه ای آن است که در دل دچار حزن و اندوه حسرت
 توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می دهد راه رفته
 (باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید) این موهبت بسیار گرانبهائی است که خداوند
 به بندگان هدیه کرده و دروازه رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است.
 توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است.
 البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف
 و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

صلوات توبه

سوره فتحی این
 حزن آن است
 سید بنی نداد به تکی بر لب
 و آثار جلالت ماره عصمت
 از دل زدوده شود

.....
 در آیه ۳۹ سوره مائده تفکر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:
 ۱- در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟
 ۲- چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟
 ۳- برای رسیدن به مرحله آمرزش، چه مراحل باید طی شود؟



توبه و پاکی

(گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست) توبه گناهان را از قلب خارج می کند و
 آن را شست و شو می دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می گویند.
 امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

① التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ
 وَ تَغْسِلُ الذَّنُوبَ
 توبه دل ها را پاک می کند
 و گناهان را می شویند

به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

② التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ
 كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ
 کسی که از گناه توبه کرده
 مانند کسی است که گناه نکرده است!

۲- همان، ص ۱۲۶

۱- مستدرک الوسائل، میرزا انوری، ج ۱۲، ص ۱۲۹

۷۵

نکات مهم

حقیقت توبه

مراحل توبه: توبه ۹ مرحله است ۴ مرحله ای آن مربوط به توبه توبه توبه توبه
 کمال توبه، که همان توبه مخصوص رالاهفامان است

سَنَابُ دَاحِصِنَ دَ مَحَلِّ الصَّلَاحِ سِرِّ السَّيِّئَاتِ

توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می سازد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سوال های زیر پاسخ دهید:

۱- کدام یک از این آیات درباره تبدیل گناهان به نیکی هاست؟

۲- با چه شرایطی این تبدیل صورت می گیرد؟



مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّل درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می کند. این تحوّل درونی بنا بر کلام امام علی علیه السلام دارای مراحل زیر است:

مرحله اول **پشیمانی از گذشته** پشیمانی حالّی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطره آن احساس لذت می کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبه فردی از بنی اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: «به عزتم سوگند اگر همه اهل آسمان ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه اش را نپذیرم.»

۲ ادلّات در ردّ پشیمانی از نرسیدن، مصدر اول توبه

توبه بر لب، سُبْحَه بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می آید ز استغفار ما

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحله توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه کار با عبارت هایی مانند «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ» پشیمانی خود را ابراز می کند.

۲- کنز العمال، ح ۱۰۱۷۴

۴- صائب تبریزی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷

۳- سُبْحَه: تسبیح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سِرِّ السَّيِّئَاتِ

* برای رسیدن به حالت پشیمانی پس از گناه، ابتدا پیش نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.



عزم راسخ بر ترک گناه

مرحله دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی خاصیت می کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه السلام آمده که فرموده است:

کسی که از گناه استغفار کند
و در عین حال، انجامش دهد
مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ
وَنَفَعَلَهُ
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ

دلیل ظهور مرتبه دوم
توبه یعنی عزم راسخ بر ترک گناه

* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و اراده متکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌هایی را پیش نهاد می‌دهید؟



مرحله سوم: جبران حقوق مردم با این که با دو مرحله قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، اما برخی از گناهان را که به حق الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید. توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است (باید فرد توبه کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد).

۱- کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

حقوق الناس مادی } نکات مهم: حقوق الناس انواع است
حقوق الناس معنوی ← مهمتر از حقوق الناس مادی

نکات بسیار مهم: در رد و هورد باید در حق هر صاحب معنی دعا کرد از طرف او صدقه داد:
① اگر صاحب حق دسترسی نداشته باشد
② طلب طلب معسر داشته باشد

مرحله چهارم: **حقوق الهی** حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم ترین آن، **حق اطاعت و بندگی** اوست. توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه های از دست داده را قضا نماید و عبادت های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به **بندگان خود** مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار خدا را تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران و او را عفو می کند.

* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه ریزی نمایید.



توبه اجتماعی لازمی توبه اجتماعی توبه فردی است

همان طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه ای در فرد و جلوه ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آنچه تاکنون گفته شد، مربوط به توبه فردی بود. اما اگر جامعه ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جمله این بیماری ها و انحرافات است.

بهر چه صرفه های از دست برده
افزایش می یابد
بسیار آسان تر است
بسیار آسان تر است

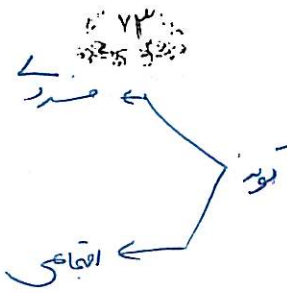
راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است.

اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی تر و محکم تر می شوند و تمام سطوح جامعه را در بر می گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و حساسیت در برابر این نمودها نشان در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به آسانی می توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می شود و تلاش های بزرگ و فعالیت های ایثارگرانه می طلبد؛ تا آنجا

بسیار آسان تر است
بسیار آسان تر است
بسیار آسان تر است

۱- امیر مؤمنان **علیه السلام** برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علین» برسند. دو مرحله دیگر بیان می فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام ترن انسان رویده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست رویده شود. ششم: انسان توبه کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچشاند، هم چنان که شیرینی گناه را چشاند بود.

توبه امر مردم
بسیار آسان تر است
بسیار آسان تر است
بسیار آسان تر است



در صورت
خبرچ از مسیر توحید و اطاعت خدا
راه اصلاح و معالجه
بهر چه صرفه های از دست برده

فصلی است بر سر سیرت احراف
لے اس سہا برت تقدیم جان دکان ← رضای جامعہ از بیاضی مطلق ← جامعہ مؤمن کا مکتبہ

کہ ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهاند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه السلام برای کوتاه کردن دست معاویہ از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به طور دسته جمعی از ایشان حمایت می کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به طور همه جانبه از امام حسن علیه السلام پیروی می نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می کردند و زیر بار نمی رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی شد که لازم باشد امام حسین علیه السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

مسئله ای
عنه
امتی

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟ قسمی عمر

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیر مؤمنان آغاز می کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظتای درخواست کرد، فرمود:

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ درباره دنیا زاهدانه سخن گوید، اما هم چون دنیا دوستان عمل کند...»

در پاسخ به سؤال بالا می گوئیم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه مرگ می توان توبه کرد، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم.

۱- از آن جا که دوره جوانی دوره انعطاف پذیری، تحول و دگرگونی و دوره پیری دوره کم شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دوره جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می سازند؛ هر قدر که زمان می گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم تر می شوند و اراده آدمی ضعیف تر می گردد و پاره کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می شود.

۲- خوش گذرانی در دوره جوانی به امید توبه کردن در دوران پیری، حیلۀ خطرناک شیطان است. زیرا:

اولاً پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰
۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

- ۱) پیری محصول کشت جوانی
 - ۲) هرگز در پیری توبه نکرده باشی
 - ۳) انجام ندهی توبه در آن وقت که از اسبق نکرده باشی در دوران جوانی
- بروت تو ...
... در درجیاب صلا ...
سبب

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.
 ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟
 ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. اما چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در متجارب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی‌یابند. اما خداوند برنامه زندگی را برای مؤمنان به‌گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغه گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

ص ۷۳

✓ پیشنهاد ص ۷۳ :

آیات ۶۰ تا ۵۰ سوره هود: وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَشَىٰ مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم هود] گفت ای قوم من خدا را بپرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست شما فقط دروغ پردازید (۵۰) يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِ اجْرِي إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾ ای قوم من برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است نیست پس آیا نمی‌اندیشید (۵۱) وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبهکارانه روی بر مگردانید (۵۲) قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾ گفتند ای هود برای ما دلیل روشنی نیاوردی و ما برای سخن تو دست از خدایان خود بر نمی‌داریم و تو را باور نداریم (۵۳) إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ [چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم (۵۴) مِن دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ ﴿٥٥﴾ پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید (۵۵) إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٦﴾ در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد

به راستی پروردگار من بر راه راست است (۵۶) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۷﴾ پس اگر روی بگردانید به یقین آنچه را که به منظور آن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم و پروردگارم قومی جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد و به او هیچ زبانی نمی‌رسانید در حقیقت پروردگارم بر هر چیزی نگاهبان است (۵۷) وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۸﴾ و چون فرمان ما در رسید هود و کسانی را که با او گرویده بودند به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم (۵۸) وَتِلْكَ آيَاتُ جَدِّدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۵۹﴾ و این [قوم] عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه‌جوی رفتند (۵۹) وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ لَعْنَةً لِّعَادِ قَوْمِ هُودٍ ﴿۶۰﴾ و [سرانجام] در این دنیا و روز قیامت لعنت بدرقه [راه] آنان گردید آگاه باشید که عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند همان مرگ بر عادیان قوم هود (۶۰)

پیام:

آیات ۸۴ تا ۹۵ سوره هود: وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ﴿۸۴﴾ و به سوی [اهل] م دی ن برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمان‌ه و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و [الی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمنام (۸۴) وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۸۵﴾ و ای قوم من پیمان‌ه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵) بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿۸۶﴾ اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۶) قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿۸۷﴾ گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه‌ای (۸۷) قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ

يَبْتَنِّهِ مَنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِلَّا أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾ گفت ای قوم من بیندیشید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم] من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم (۸۸) وَتَا قَوْمٍ لَّا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُمْ مِثْلَ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُّوطٍ مِّنْكُمْ بَبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ و ای قوم من زنده‌ها تا مخالفت شما با من شما را بدانجا نکشاند که [بلائی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما [نیز] برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیست (۸۹) وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است (۹۰) (الْوَايَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾ گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعا سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (۹۱) قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ گفت ای قوم من آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید] در حقیقت پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد (۹۲) وَتَا قَوْمٍ اٰغْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنِّیْ عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ یَاْتِیْهِ عَذَابٌ یُّخْزِیْهِ وَمَنْ هُوَ کَاذِبٌ وَاٰرْتَقِبُوْا اِنِّیْ مَعَكُمْ رَقِیْبٌ ﴿٩٣﴾ و ای قوم من شما بر حسب امکانات خود عمل کنید من [نیز] عمل می‌کنم به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم (۹۳) وَلَمَّا جَاءَ اٰمُرُنَا نَجَّیْنَا شُعَیْبًا وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَاٰخَذَتِ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا الصَّیْحَةَ فَاَصْبَحُوْا فِیْ دِیَارِهِمْ جَاثِمِیْنَ ﴿٩٤﴾ و چون فرمان ما آمد شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم و کسانی را که ستم کرده بودند فریاد [مرگبار] فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند (۹۴) كَاٰنَ لَمْ یَغْنَوْا فِیْهَا اِلَّا بُعْدًا لِّمَدَیْنٍ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُوْدُ ﴿٩٥﴾ گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند هان مرگ بر [مردم] مدین همان گونه که ثمود هلاک شدند (۹۵) پیام:

حد درزی
اصیبت بقلوبهم
مصیر بسم از مصیرها
کذلک السلی

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ
زمر، ۹

بلعوا آیه ساجدات
کتابتیم می دانند
و کتبیم نمی دانند
ها نما بر روی صحنه فرود آمدند

تقابل حق و باطل
از مصیر بسم از مصیرها
کذلک السلی

مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ
وَ الَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
فتح، ۲۹

محمد (ص) پیغمبر خداست
و کسانی که با او هستند
بر کفار بسیار ستمگرند
و رحیمند بین خود

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ
وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
اعراف، ۳۲

بگو چه کسی حرام کرده زیورهای را
که خدا برای بندگانش پدید آورده
و روزی های پاکیزه را
بگو اینها برای کسانی است که ایمان دارند
در زندگی دنیا
و روز قیامت خاص آنان می باشد
این گونه آیات را به روشنی بیان می کنیم
برای کسانی که می دانند

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنَ

بگو پروردگرم تنها زشت کاریها
را حرام کرده است
چه آشکار و چه پنهان

۴ و ۷ در مصیر بسم از
مصیرها کذلک السلی
نصیر تو صبر و صبر تو
آخرت دعوت بر خود
از نفعها هاست

و گناه و تجاوز به ناحق را
و اینکه چیزی را شریک خدا سازید
که دلیلی برای آن نازل نکرده
و اینکه به خدا نسبت دهید
چیزی را که نمی دانید

وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ
وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ
اعراف، ۳۳

و از زینت نبره های او
انجیم... بر پرستی... بر طوق... برود
همه... و این... از... صدها...
تا... بر... بر... بر...
و... بر... بر...
سوره... و...
ها... بر...
ن... نبره های... بر... بر...
بر...

وَمِنْ آيَاتِهِ
أَنْ خَلَقَ لَكُمْ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ
مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنْ فِي ذَلِكَ
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
روم، ۲۱

لصحت وجایه خواند
دانش و هنر
معیار هستیم از معیارها
تمدن اسلامی

در آیات شریفه درس تفکر کنید و با تکمیل جملات، مهم ترین «معیارهای جامعه و تمدن اسلامی» را به دست آورید:
معیار اول: جامعه و تمدن اسلامی بر پایه اعتقاد و ایمان بنا می شود. و با... در مراتب مختلف آن مبارزه می کند. سوره... / آیه...
معیار دوم: مردم در جامعه اسلامی به حقیقت... ایمان دارند و اعمال و رفتار خود در دنیا را برای رسیدن به سعادت... تنظیم می کنند. سوره... / آیه...



و از زینت نبره های او

- ۱ ایمان به خدا
- ۲ اعقاب و آفرین
- ۳ اطاعت فرمانهای خدا و پیغمبر و ادب با اولاد
- ۴ جاسایه خانواده
- ۵ نسبت به نعم الهی در استعزاز و شکر
- ۶ بهره برداری از نعمتها دنیا در محبت و راستی برای حضرت
- ۷ جاسایه تقوی و خردورزی
- ۸ تنظیم دنیوی و دینی در راستای سعادت

معیار تمدن اسلامی

معیار سوم: مسلمانان، در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های خبر،

بیا بیا و اولی الامر می‌باشند و بیرضا عمل نمی‌کنند. سوره..... / آیه.....

معیار چهارم: در جامعه اسلامی خاکی خایگاه مفتازی دارد و کانون رشد انسان‌های با

فضیلت و محل تائید و رحمت می‌باشد. سوره..... / آیه.....

معیار پنجم: مردم جامعه اسلامی با مؤمنان، که جبهه حق را تشکیل می‌دهند، مبارک

هستند و با ستمگران و دشمنان حق که جبهه باطل را می‌سازند، دشمن می‌ورزند.

سوره..... / آیه.....

معیار ششم: مردم جامعه اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می‌کنند، لذت دنیا

استاد راستند. البته این نعمت را در جهت فساد و گناه مبته نبرند. سوره..... / آیه.....

معیار هفتم: در جامعه و تمدن اسلامی تعقل و خردورزی یک ارزش بزرگ محسوب

می‌شود و اولوالالبسبه احترام و منزلت والایی دارند. سوره..... / آیه.....

معیار هشتم: تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایه عدل صورت می‌گیرد و

با لعمرو به شدت مبارزه می‌شود. سوره..... / آیه.....

.....

تلاش و جهاد در جهت معیارها

پانزده قرن از فرود آمدن پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، در یک سپیده دم ماندگار، از فراز کوه حرا،

می‌گذرد. صبح یکی از روزهای آغازین بعثت، یحیی بن عقیق، میهمان عباس - عموی پیامبر - بود

و مشغول نظاره کعبه. «ناگاه چهره‌ای شاداب را دیدم که به پهنه آسمان چشم دوخته است. اندکی بعد،

سوی کعبه به حرکت درآمد و کنار آن ایستاد.» یحیی ادامه ماجرا را این گونه نقل می‌کند: «پس از زمانی

کوتاه، پسری پیش آمد و در سمت راست او قرار گرفت. سپس بانویی از راه رسید و پشت سرشان

ایستاد. دیدم که آن دو به پیروی آن مرد، تعظیم کردند، برخاستند و به سجده افتادند.

گفتم: ای عباس، این کاری است عجیب و شگفت.

گفت: آری، کاری است شگفت. و ادامه داد: آن مرد را می‌شناسی؟

جواب دادم: نه، نمی‌شناسم.

- نامش محمد است، پسر عبدالله بن عبدالمطلب و برادرزاده من. پرسید: می‌دانی آن نوجوان

کیست؟

۸۳ هـ
در روز ۱۲ رجب

یحیی بن عقیق ← کسی که تصوف را نشر (صیحه‌ان عباس)

عباس ← عموی پیامبر

پیامبر ← محمد ← پسر عبد اللہ بن عبدالمطلب

حضرت علی ← پسر ابیطالب

حذیفه ← دختر خویلد

کعبه استنطاق

پاسخ دادم : نه.

- نامش علی است، و پسر ابوطالب. آن زن را چطور؟ او را می شناسی؟
این بار نیز پاسخ منفی بود.

- او خدیده است، دختر خُوَیله، همسر برادرزاده ام.
برادرزاده ام محمد با من چنین گفته است: «بروردگار من - که پروردگار آسمان و زمین هموست -
مرا فرمان داده چنین کنم (و نماز بگزارم).» به خداوند سوگند که امروز از کران تا کران این سرزمین
پهناور، هیچ کس را جز این سه تن نمی شناسم که بر این آیین باشد.»

کمتر از نیم قرن، پس از این حادثه، نام این پیام آور بزرگ، سرزمین های اطراف مکه را در نوردید،
قلب ها را تسخیر خود کرد و بر سر زبان های بخش عظیمی از مردم متمدن آن زمان، جاری گشت. و یک
قرن بعد، که این گرمی ترین نام، از فراز مناره های مساجد شهرهای بزرگ آسیای و آفریقای و اروپایی به
گوش قلب های مردم جهان رسید و آنها را به هیجان آورد، تمدنی عظیم و باشکوه را رقم زد: تمدن اسلامی.
گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان ها و تحولی بنیادین در شیوه
زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک
یاران صمیمی خود در مدینه، پایه های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد:

در عصر جاهلیت عصر اسلام
دین مردم
تفسیر دین
تحول نسلی در دین مردم
اصول

۱- در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه کوه صفا ایستاد و این گونه ندا
سر داد: (توحید)

① توحید

ای مردم بگوید معبودی جز «الله» نیست، تارستگار شوید.
بدین ترتیب مبارزه با شرک، آغاز شد و محور رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت.

استغای سے نصت لالہ اللہ
محور رسالت سے مبارزه با شرک

معیار شماره
۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان ها را از محدوده تنگ دنیا فراتر
برد، منکرین را با استدلال های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون
آن به مبارزه برخاست. (معاد)

② معاد

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده بود تا مردم را از حکومت و ولایت طاغوت و ستمگران نجات
دهد و نظامی اجتماعی بر پایه قوانین الهی بنا کند، به طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای
دستورات خداوند تنظیم شود و فرمانی جز فرمان خداوند و کسی که خداوند تعیین کرده است،
اطاعت نگردد. (نبرس) دلالت خبر پیامبران احسان و
معیار شماره
۱- البداية والنهاية، این کتب، ج ۳، ص ۲۵

③ اطاعت خداوند طاغوت

معاد
آشنا ساختن منکرین با حقیقت
با استدلال محکم احسان

نظام اقتباس بر پایه قوانین الهی
روابط اقتباس بر مبنای دستورات خداوند

اطاعت از فرمان خداوند
خداوند تعیین کرده

2) جای خانواده

اجتبات منزلت زن
در زینت های اصلی او
نرخه صریح بر اساس سن جایگاه خانواده

3) حق باطل

4) آفت دنیا

۴- از دیگر برنامه های مهم پیامبر اکرم ﷺ ، تبیین جایگاه خانواده، به عنوان کانون رشد و تربیت انسان های با فضیلت، حافظ عفاف و پاکدامنی، و مانع اصلی فساد و نابسامانی های اجتماعی بود (اخیای منزلت زن) ارزش های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به شمار می رفت. در آن عصر زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می شد و از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود و تولد دختر در خانواده سرافکنندگی آن خانواده را به دنبال داشت. در شرایطی که زن صرفاً به ایزاری برای هوس رانی های جنسی مرد تبدیل شده بود، رسول خدا ﷺ با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد. (حسابه خانواده و منزلت زن)

با گردیدن مردم به اسلام، زن منزلت انسانی خود را کسب کرد و استقلال مالی به دست آورد. حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، رابطه زناشویی به محیط خانواده اختصاص یافت و استفاده ایزاری از زن ملغی گردید تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودت گردد و محیط جامعه از فساد و بی بندوباری محفوظ بماند و حریم عفاف و عزت زن حفظ شود. معیار شماره ۱.....

۵- از اقدامات مهم رسول خدا ﷺ ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحویل در روابط بین ملت ها گردید. تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر بر اساس منافع مادی، زیر سلطه در آوردن قبایل و سرزمین های یکدیگر تنظیم می کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می دادند.

رسول خدا ﷺ این صفت بندی ها و جنبه گیری ها را مردود اعلام کرد و آموخت که دو جنبه ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جنبه حق و جنبه باطل است. جنبه حق، جنبه یکتا پرستی، عدالت خواهی، کرامت های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوند هستند. جنبه باطل، جنبه مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

بنابراین موضع گیری، رسول خدا ﷺ از مسلمانان می خواهد که با هم کیشان خود در سراسر جهان پیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانواده از یکدیگر دفاع نمایند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و یار ستمدیدگان و مستضعفان باشند. (حسابه حق باطل) معیار شماره ۲.....

۶- رسول خدا ﷺ ، تلاش می نمود انسان هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند. افرادی که هم از زیبایی های جهان آفرینش و نعمت های خداوند بهره صحیح را می برند و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند متعال و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می سازند.

۸۵

خانواده محل تربیت انسان با فضیلت
حافظ عفاف و پاکدامنی
مانع اصلی فساد و نابسامانی
اجتماعی

جنبه حق ← ولایت الهی
جنبه باطل ← ولایت طاغوت و شیطان

هدف اصلی زندگی
لے رستگاری اخروی

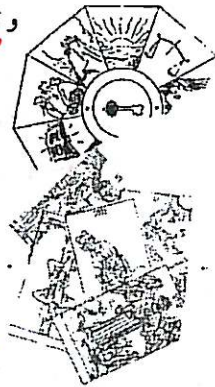
آمادگی برای تقرب الهی در ستم های جاودانم :
بندگی در از دنیا با خداوند متعال
پایبندی به اخلاق
توسیدن بر عزت و آب سینه مردم

انسان هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره گیری نمی کنند و برای عزت و آسایش مردم می کوشند و این را نیز سیله ای جهت رستگاری خود قرار می دهند.

بنابراین، جامعه اسلامی نه تنها با اخلاق ترین و معنوی ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد. رسول خدا ﷺ افرادی را که به گوشه عبادتگاهی پناه می بردند و از مردم کناره گیری کرده، به زندگی خود و خانواده بی توجه بودند، سخت مورد نکوهش قرار می داد و آنها را از خود نمی دانست. از طرف دیگر افرادی را نیز که فقط به لذت های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و کسب قدرت می پرداختند هواپرستانی می شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذات معنوی جاوید آخرت بازمانده اند. (توجه! آخرت دین بر صورتی است) (بعضی عبادت) معیار شماره.....

عقلائی

۷- رسول خدا ﷺ دعوت خود را در جامعه ای آغاز کرد که نشانه هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می شد. زندگی شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. شعر می سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت، برای آمدن باران آتش می افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد. اگر گاو ماده آب نمی خورد، گاو نر را می زدند تا دیو پنهان شده در شاخ های او خارج شود. گفته اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می دانستند. نبی اسلام ﷺ آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا ﷺ نازل شد و آغازگر رسالت وی بود درباره دانش و آموختن بود.



دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر و خردورزی در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده جاهلیت کرد خردانه براس دعوت می شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق های دائمی رسول خدا ﷺ از طرف دیگر، سد جاهلیت و خرافه گرایی را شکست و یکی از جاهل ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن روز، ایران، فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا ﷺ نه تنها همه را دعوت به علم آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است» (توجه! عقلائی و خردورزی)



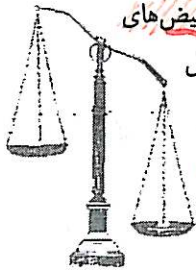
عقلانی

معیار شماره.....
۸- آن حضرت تلاش کرد جامعه ای عدالت محور را برپا نماید به طوری که در آن مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همه انسان ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت ها

معیار جاهلیت را از خود دور
افزایشی که به عبادت بر آورده و
باز زندگی خرد و خانواده توجه می کنند

نزول تدریجی قرآن در
دعوت مکرر این کتاب
تسلیت صادقانه

۱- علق، ۵ تا ۶
مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند
در جامعه ای عدالت محور
امکان رشد برای همه انسان ها فراهم باشد
نعمت ها در دسترس همه در انصاف گزیده محدود نباشد



و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی‌کرد.

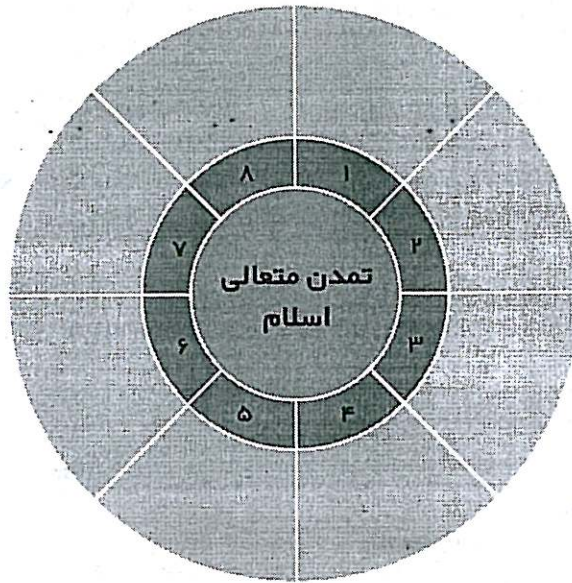
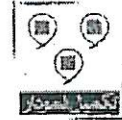
یکی از جنبه‌های عدالت خواهی رسول خدا ﷺ مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود که در همه نقاط جهان، به خصوص در امپراتوری‌های بزرگ آن روز رواج داشت. ایشان همه امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست. (برقراری عدالت اجتماعی)

معیار شماره:

.....

اکنون که معیارها را استخراج کرده‌اید، عنوانی برای هر کدام انتخاب کنید و در خانه‌های خالی قرار دهید.

.....



سوره ۸۷

اهمیت این اقدام بزرگ، برنامگی، سیستمی، صرفاً حوزوی:

لغویت قولمانی های فردی

بررسی کردن توانایی ها و
آمادگی کردن خود را از این نقش

جهت دین داری و اقیوت بها
و استعاب و استقامت خود را
در این راه

کلاس را استقامت
کلاس را استقامت
کلاس را استقامت

عوامل پیروزی و شکست را در دست
بصیرت و دین بینی ما با ما در

۷) تقویت ایمان داران
عزت نفس ایمان را بسنج، دین، عقل و ایمان خود را، سعادت و پایداری،
عزم داران خودی، و طهارت نفسان

کلیف میان خانواده

مانع بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی
حداکثر از میان خانواده را بیایم بکنیم

تقویت میان صاحب

حضور فعال و تأثیرگذار در جامعه، این اقدامات فردی و اجتماعی
علاوه بر خطای فردی + به فعالیت، ساندن تکلیفها + نزدیک کردن جمعیت به حقها

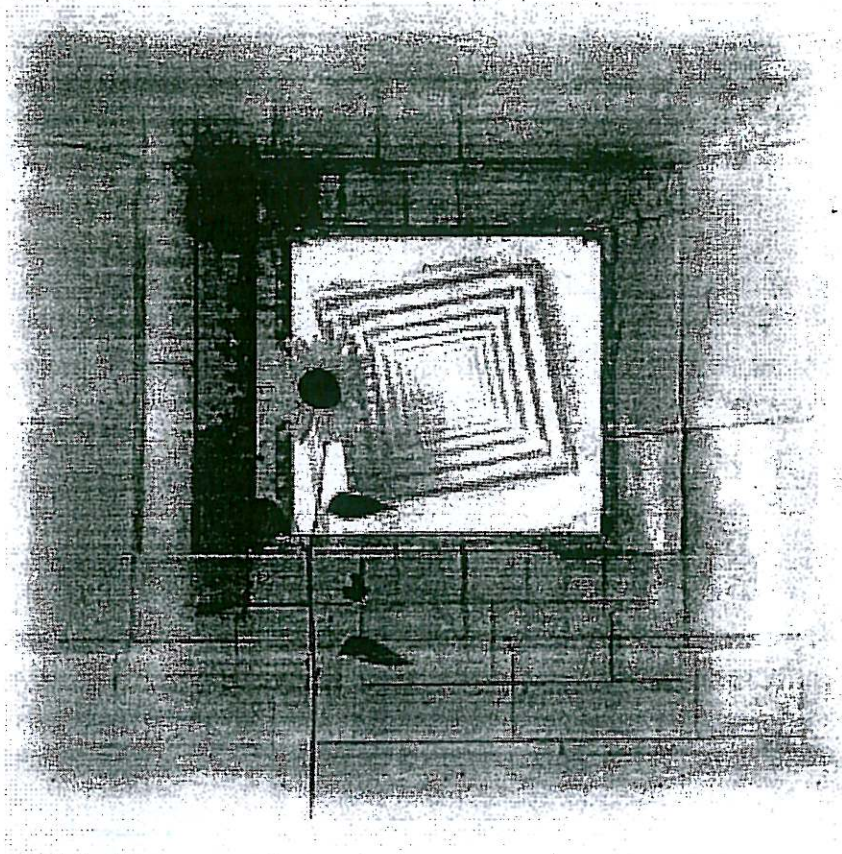
- ۱) همواره نترسیدن از خود
- تسکین حالت بزرگ، دوستی و افراد جمع، اما خود را با این تقویت نمودن
- ۲) تلاش در جبهه شدن در علم و فناوری
- تقویت باید حاکمان استقلال، مانع تسلط بیگانگان، اصلب توجه در این زمینهها (حرف تمام)
- ۳) استقامت نفسین، استقامت اقتصاد، استقامت علم، استقامت اخلاق، استقامت در میان
- ۴) تقویت عزت نفس عمومی
- ایمان و باور به توانایی ها خود / با هم توانیم، در عمل و لفظ / میزان پایداری

جهت: حضور مؤثر فعال در جامعه

بنا آسان است اما بر پایه فضیلت انسان

اصب، انقلاب، روش درست اصلاح بینیم

- ۱) تسکین روحی و عقلی خود و خانواده
- استعداد از روشها، سلیقه مناسب، اصبت، معصوم، فعال (تقویت) به لازمه، بنا بر این اساس
- ۲) استفاده از تکنولوژی و راه اندازی ابزار و روش در این بینیم: استقامت
- ۳) مبارزه با کفران، تقویت فرهنگ، جهاد در راه و تقویت



درس نهم

برنامه‌ای برای فردا

در درس قبل با معیارهای جامعه و تمدن متعالی اسلام آشنا شدیم و دانستیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شکل گرفتن چنین جامعه‌ای تلاش کرد و مسلمانان را نیز به تلاش در این راه

دعوت فرمود. جامعه جهانی حضرت مهدی عجی نیز بر اساس همین

معیارها پدید خواهد آمد.

اکنون با این سؤال روبرو هستیم که :

هرکدام از ما چگونه برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم جامعه خود را به معیارهای یک جامعه

متعالی اسلامی هرچه بیشتر نزدیک نماییم و زمینه ظهور حضرت مهدی عجی و تشکیل جامعه

جهانی توحیدی را فراهم سازیم؟

۸۹



احسان شاهدان مردم
بیا هر ما هر احسان

و این چنین شما را قرار دادیم
امتی میانه و اسوه

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ
أُمَّةً وَسَطًا

۱) امت وسطان احسان است

تا بر مردم گواه باشید

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا
و رسول خدا بر شما گواه باشد .
بقره، ۱۴۳

↓
جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

هر کس ولی خود قرار دهد خدا و

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ

۲) جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

رسولش را

و رَسُولِهِ

جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

جَوِيكَ كَيْسَمِ ...

وَالَّذِينَ آمَنُوا

جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

... هَمَّا تَا حَرْبِ ضِدِّ ...

فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ

جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

... بِرَسُولِهِ ...

هُمُ الْغَالِبُونَ

جامع انبیا و اوصیای خود غافل بر ارزشها باشد

مائده، ۵۶

و موسى مع به قریب لفت

وَ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ

۳) خدایان همیق خداست

... كَيْسَمِ كَيْسَمِ كَيْسَمِ ...

اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ

خداست

... كَيْسَمِ كَيْسَمِ كَيْسَمِ ...

وَ اصْبِرُوا

خداست

که زمین، متعلق به خداست

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ

۴) خدایان همیق خداست

و آن را به هر کس از بندگانش بخواهد، می دهد

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

خداست

و سرانجام [نیک] از آن تقوای پیشگان است.

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

خداست

اعراف، ۱۲۸

به راه پروردگارت دعوت کن

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ

۵) خدایان همیق خداست

را همه دعوت بیا همیق
۲ همت
۱ هو عظه
حبل نلو

دین و طغی بیا همیق دعوت به تو هدایت است
بیا همیق ضامن و طغی است نه ضامن نیج

۹۰

(سراجا کلمه)
عاصت از ان متقین
حزب عاصت حزب الله

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...

با دانش استوار و اندرز نیکو
و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است،
مجادله نما

نحل، ۱۲۵

هوزن چهارم
تا بند بر گفتار عقلانی
خرد و خردمندی رین

صبر و استقامت

افزایش تعداد مردم، تأثیر ایمان، محبت در پیروزی مبارک
آگاهی مردم از حقیقت و عدالت
استقامت و صبر در راه حق

نتیجه تجربه

دفاع مقدس

دو تجربه موفق

خوشبختانه، ما به عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربه بسیار موفق و زیبا را پشت سر داریم، دو تجربه‌ای که بار اصلی آن بر دوش استوار پدران و مادران ما، یعنی نوجوانان و جوانان دیروز بود. یکی برچیدن نظام شاهنشاهی، آفریدن انقلاب اسلامی و دیگری پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه هم اعتقاد مردم جهان را درباره تأثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظام ستم‌پیشه جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و (رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد).

نتیجه تجربه حوقن
۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰-

موقعیت کنونی و مسئولیت ما

اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ سرزمین خود و جهان قرار داریم. در مسیر تکاملی این ملت، مسئولیت به ما منتقل شده است. پدران و مادران ما که آن تجربه‌های موفق را مدیریت کردند، منتظر و نگران تصمیم ما هستند تا ببینند در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خود را چگونه به انجام خواهیم رساند و در جهت هدف بزرگی که در مقابل ماست، تا کجا پیش خواهیم رفت.

-
- در آیات ۱۴۳ سوره بقره و ۵۶ سوره مائده بیندیشید و پیام‌هایی را که مربوط به موقعیت و مسئولیت ویژه ما مسلمانان در جهان است، استخراج کنید.
- ۱- جامعه واقعی اسلامی آن جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل و میانه زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد.
-
- ۲-
-
- ۳-
-



برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی به این هدف بزرگ (تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام) و مقایسه آنها با توان و قابلیت‌های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بیندازند و رسیدن به آن اهداف را دور از دسترس تلقی کنند. اما این يك تلقی ظاهری و سطحی نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده و حیات‌بخش اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را برمی‌گزیند، هزینه آن را هم می‌پردازد و رنج‌ها و مشکلاتش را تحمل می‌کند. ما به این حقیقت معتقدیم که:

مسئولیت
↓
حیا زود بزواج

هر چه کبر بزرگتر ایمان بزرگتر
هر چه رنج‌ها و مشکلات

«حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌ثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مفسود و ارزشمندی و علو رتبه آن است.»

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و برای عمل کردن به آنها بکوشید.

آغاز

حوزه اول: تقویت توانایی‌های فردی

اولین قدم آن است که هریک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید: اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت‌ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست. گذشته، در بردارنده تجربه‌های فراوان است که عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها را به ما نشان می‌دهد و بصیرت و روشن بینی ما را بالا می‌برد. شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت‌ها و انتخاب روش‌های مؤثر، ضروری و لازم است.

پس هریک از ما باید برنامه‌ای برای آشنایی دقیق با تمدن بزرگ اسلامی و شرایط جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، تنظیم کنیم.

۲- تقویت ایمان و اراده: مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و اراده قوی، و طهارت نفسانی است.

۱- وصیت‌نامه امام خمینی رحمه الله علیه

هدف بزرگ = تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام = سایر دستاوردهای اجتماعی و معنوی ما توان و قابلیت‌های موجود

هدف بلند پروازانه و دور در دسترس

تلقی ظاهری و سطحی

ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده

.....
با تفکر در آیه ۱۲۸ اعراف به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- عاقبت نیک از آن چه کسانی است؟

.....
۲- این عاقبت نیکو در چه صورتی به انسان می رسد؟
.....
.....



حوزه دوم: تحکیم بنیان خانواده

مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می شود که هم اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.

.....
* با دوستان و همکلاسی های خود مشورت کنید و راه های تقویت بنیان خانواده را پیدا نمایید. همچنین ببینید چه عواملی سبب سست شدن بنیان خانواده می گردد.
.....



حوزه سوم: تقویت بنیان های جامعه

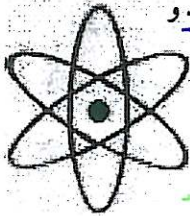
حضور فعال در جهان و تأثیر گذاری بر آن، با اقدامات فردی پراکنده میسر نیست. هر یک از ما، علاوه بر خودسازی فردی و به فعلیت رساندن قابلیت ها و استعداد های خود، لازم است بکوشد جامعه خود را به شاخص های تمدن متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل نماید. برای رسیدن به این هدف، اقدامات زیر پیشنهاد می شود:

۱- همراه کردن دیگران با خود: در قدم اول شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند.
مسئله هدف های سه گانه مطرح شده، از بزرگ ترین «خیرها» در جهان امروز می باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آنها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

۲- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: (بیشرفت علمی، پایه های استقلال یک ملت

بیشرفت علمی ← تقویت پایه های استقلال ملت
مانع تسلط بیگانگان

۱۳۰۲
۱۳۰۲



را تقویت می کند و مانع تسلط بیگانگان می شود. هر یک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم.

مقام معظم رهبری در این باره این گونه تذکر می دهند: «باید علم را که مایه اقتدار ملی است، همه جدی بگیرند و دنبال کنند/ کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت/ نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود.»

تقویت علم به معنای تقویت اقتدار است
علم به طایفه اهل راوی
له دستاویز جعفر

پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همه عرصه‌های دانش را بپیماید.

۳- استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به‌طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به مرتبه‌ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت‌های دیگر به‌طور عینی و ملموس ثمره اندیشه‌ها و آرمان‌های ما را ببینند. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.



۴- تقویت عزت نفس عمومی: ملتی که به توانایی خود ایمان و باور دارد و عبارت «ما می‌توانیم» را، نه صرفاً در لفظ، که در «عمل» بیان می‌کند، قله‌های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به اینکه «ما می‌توانیم» زنده‌کننده تمدن اسلامی و بزرگ‌ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه‌های سخت آن است. آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود به وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم‌دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه‌ریزی نماید.

۱- سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، خردادماه ۱۳۸۵

مهمترین عامل بر حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان ← استحکام اقتدار نظام اسلامی

زیر دست‌ها عمل اصلاح
پیشرفت‌ها در همه عرصه‌ها
ایمان و باور به اینکه ما می‌توانیم



صبح یکی از روزهایی که مسلمانان به حفر خندق در اطراف مدینه مشغول بودند، تا مانع ورود مشرکان مکه شوند و بتوانند با جمعیت اندک خود در مقابل آنها بایستند، به سنگ بزرگی برخوردند. شکستن و بیرون آوردن آن سنگ مشکل بود. گروهی از یاران پیامبر جمع شده بودند و تلاش می کردند با استفاده از ابزار آن روز و زور بازوی خود، سنگ را بشکنند و آن را بیرون آورند، اما موفقیتی به دست نیامد.

جابر بن عبدالله نزد پیامبر آمد و از ایشان کمک خواست. پیامبر خدا ﷺ نزد آنان آمد، نگاهی به سنگ بزرگ انداخت، سپس به سوی آب رفت و وضو گرفت و جرعه ای از آن را نوشید. اعتماد و آرامش در رفتار وی تجلی داشت. با اطمینان کلنگ را در دست گرفت، آن را بالا برد و با بانگ تکبیر فرود آورد. آن چنان محکم کوبید که غرشی برخاست و جرقه ای چون شهاب از سنگ برآمد؛ با ضربه دوم، برق دیگری درخشید و با ضربه سوم، برق سوم. با این سه ضربه پیامبر، سنگ سخت از هم پاشید و تکه تکه شد.

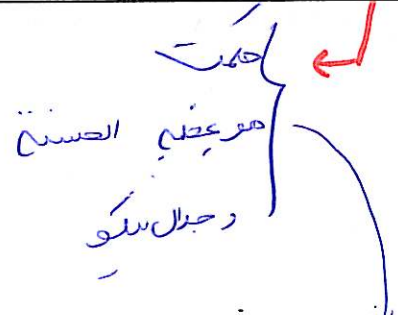
رسول خدا ﷺ از میان خندق رو به یاران کرد و فرمود: «خدای متعال با برق نخستین، کشور یمن را برای من گشود و با برق دومین، شام و مغرب زمین را و با برق سوم مشرق زمین را برای من فتح کرد.» ایشان خودناوری و توکل به خداوند را این گونه در یاران خود تقویت می نمود.

حوزه چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی *عبر بررسی زندگی اجتماعی نبی براساس عصری است*

پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان هاست. هر انسان حقیقت طلب و روشن ضمیری که جوای حقیقت باشد، در مواجهه با این پیام، جذب آن می شود و تحت تأثیر قرار می گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش های درست برای انتقال این پیام است. به همین منظور، برنامه های زیر را پیشنهاد می کنیم:

- ۱- تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین:** میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. **از این رو حق را نمی توان با روش های نادرست به دیگران رساند.** خداوند، در قرآن کریم روش های تبلیغی مناسب را به پیامبر گرامی اش آموزش داده است.

۱- سلام بر خورشید، سید علی اکبر حسینی، ج ۴، ص ۲۴۲



۹۵۰
دین

دارسی بنابر اسرار... خودت عقل خرد را من خردمندانه در اسلام

در آیه ۱۲۵ سوره نحل بیندیشید و روش‌هایی را که برای گفت‌وگو با مردم و رساندن پیام الهی پیشنهاد می‌کند، استخراج نمایید.



روش اول:

روش دوم:

روش سوم:

لازمه به کارگیری این روش‌ها، تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است؛ به طوری که بتوانیم معقول و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی پرسش‌های جویندگان حقیقت باشیم.

۲- استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام: امروزه ابزارهای رساندن

پیام بسیار متنوع و گسترده است. این ابزارها، به همان میزان که می‌توانند در استخدام حق قرار گیرند، می‌توانند حامل پیام‌های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند.



شبکه جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعاست. در این میدان، که شاید سخت‌ترین هم‌وردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می‌کنید که چگونه باطل‌پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می‌کنند و هیچ حد و مرز اخلاقی را رعایت نمی‌نمایند.

* ۱- امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت‌وگو با دیگر مردمان وجود

دارد که می‌توان از آنها کمک گرفت؟

۲- دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می‌کنند؟ و راه مبارزه با آنها

چیست؟



۳- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر: می‌دانیم که یکی از رسالت‌های

اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می‌باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق و حقیقت نمی‌روند،

۹۴
در روز یکشنبه

... من به تمام دنیا تا قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آنان خواهیم استاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز، مظلومانه‌تر از انقلاب، جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیماندهٔ راه بر نشیب و فراز را با اتکاء به خدا، تنها خواهیم بیمود و به وظیفه خود عمل خواهیم کرد: یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم...»^۱

۳۷ نمونه بارز حق‌ستیزی و زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم‌هایی که امروزه در فلسطین رخ می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر کرده‌اند؛ اما آیا این قطعنامه‌ها توانسته‌اند در رویه‌های ظالمانهٔ این رژیم غاصب اندک تأثیری داشته باشد؟ آیا در مقابل یک جاه‌طلب قدرتمند می‌توان به مذاکره و نصیحت اکتفا کرد؟

* برخی می‌گویند راه حل معضل فلسطین را باید در پشت میزهای مذاکره و رایزنی‌های سیاسی جست‌وجو کرد و انتفاضهٔ مردم فلسطین تنها بر حجم مشکلات می‌افزاید. در گفت‌وگو با دوستان خود، این دیدگاه را نقد و بررسی کنید



۳۸ بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاه کنیم) و (با زنده کردن روحیهٔ جهاد و مبارزه (به تقویت جبههٔ عدالت‌خواهان بپردازیم). (با اقتدا به امام خمینی - رحمة الله علیه) (عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را بدان‌ها یادآوری کنیم) (روحیهٔ خودباختگی) و (ترس را از ملت‌ها بزداییم) و (آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند هدایت کنیم).

۱- صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸

در روز یکشنبه

۹۸
 شناخت دقیق فرصت‌ها ← آگاه کردن مردم دنیا نسبت به شرایط سخت و ظالمانه
 زنده کردن روحیهٔ جهاد ← تقویت جبههٔ عدالت
 اقتدا به امام خمینی ← عزت و کرامت نفس را آوردن
 از بین بردن روحیهٔ ترس و خودباختگی
 هدایت به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند

مس

مس

حاج

حاج



اساحکامی که در این درس آمده، گرچه عموماً مشترک میان مراجع بزرگوار تقلید است، اما مشخصاً از فتاوی حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، استخراج شده است. از آنجا که ممکن است در برخی از موارد جزئی، تفاوت فتوا وجود داشته باشد، مقلدان سایر مراجع معظم در موارد اختلافی، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه نمایند.

۱۰۳
دین

نظم: تطبیق در اصول دین حرام است و تطبیق در فرع دین جایز است

عمل به احکام و راهنمایی خداوند، در دنیای پیچیده امروز، تنها شیوه مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجهه با مسأله‌هاست. در دنیایی که برترین معیارها و ارزش‌ها و مقدس‌ترین حقیقت‌ها تخریب می‌شوند، بسیاری از باطل‌ها را حق و حق‌ها را باطل جلوه می‌دهند. سهل‌انگاری در عمل و بی‌توجهی به احکام خداوند، قرار دادن خود بر لبه پرتگاهی است که سقوط به وادی‌های هولناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت. خداوند همین خطر را به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

هت ارحط دقو طر اکر اهر
سرگردان
هت ارسلا نسا بر عطر
سهل‌انگاری احکام
خدا طایمان اهلالت عمر است

آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر ریزی کرده بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند.

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ
أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ
فَأَنهَارٍ بِهِ، فِي نَارٍ جَهَنَّمَ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
توبه، ۱۰۹

۱- احد سیره مصعب
دعای اعتبار
۲- توبه رحمتی است و سبوح است و علی و صالح خیر
۳- انقباض است و سبوح است و علی و صالح خیر
از راه انسان است

چرا برخی این راه یقینی را نادیده می‌گیرند و به این در و آن در می‌زنند و فرصت‌های زندگی را از دست می‌دهند؟

قبل از بیان برخی از احکام ضروری، توجه به دو نکته لازم است:

۱- هر یک از احکام و دستورات خداوند، دارای علت خاصی است. اگر خداوند مهربان ما را به انجام کاری فرمان داده، حتماً آن کار به نفع ما بوده است. و اگر از کاری منع کرده حتماً آن کار به ضرر ماست، گرچه ما از انجام آن خیلی خوشمان نیاید. (قرآن کریم) می‌فرماید: (چه بسیار چیزهایی که شما آنها را خوش نمی‌دارید، در حالی که برای شما خوب است و خداوند به آنها فرمان داده و چه بسیار چیزهایی که دوست می‌دارید و آنها برای شما بد است و خداوند آنها را منع فرموده است. زیرا خداست که بر هر چیزی آگاه است ولی شما این گونه نیستید.)

نظم احکام: ۲- ممکن است ما انسان‌ها علت برخی از احکام را درک نکنیم، به خصوص وقتی که بینیم

۱- بقره، ۲۱۶

۱۰۵۰
بقره، ۲۱۶

نظم: چون علم انسان محدود است و قادر بر درک حقیقت‌های غیبی نیست، لذا باید همه احکام را اطاعت کرد و آنها را عمل کند.

احکام در همه جاهای اجرا
عمل در همه جاهای حقیقتی از توحید
ادب است قابل اعتماد در همه اصحاب است در دعا

سهل‌انگاری احکام را در عمل و سهل‌انگاری در راه: لایسی بر سبب است
گمراهی و سرگردانی

برخی از جوامع امروزی برخلاف آن احکام عمل می کنند. در این قبیل موارد باید به عقل و خرد خود مراجعه و توجه کنیم که علم ما نسبت به علم و حکمت خداوند، بسیار ناچیز است و بنای زندگی بر پایه علم خداوند است که خوشبختی و سعادت را به ارمغان می آورد.

پس زندگی سرشار از علم خداوند است

خوشبختی و سعادت را به ارمغان می آورد

برخی از احکام زندگی در دنیای امروز

الف) ورزش و بازی

۱- بازی، ورزش و بازی های ورزشی که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و پاداش اخروی دارد.



۲- کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در بازی ها و ورزش های دسته جمعی پیش قدم می شوند، از پاداش اخروی بهره مند خواهند شد. (مسئله)

۳- شرط بندی، از امور زیان آور روحی و اجتماعی است و انجام آنها، حتی در بازی ها و ورزش های معمولی حرام می باشد. (۳۳)

۴- قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده اند، اگر چه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار نیز حرام می باشد. یکی از دلایل حرمت می تواند این باشد که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینه پیدایش قمار در جامعه فراهم نشود.

۵- دادن جایزه توسط سازمان ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این تبت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی های مفید رو آورند و سلامتی جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکویی کرده اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.

۶- اگر ورزش و بازی های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی بندوباری های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

۱- بازی مجموعه فعالیت هایی است که برای نشاط و تفریح انجام می شود. ورزش مجموعه حرکاتی است که برای سلامتی جسمانی و تقویت اندام ها است. بازی های ورزشی، آن دسته از بازی هایی هستند که هم سبب نشاط و فرح می شود و هم به تقویت اندام ها کمک می کند، مانند فوتبال، والیبال، دو میدانی و بسیاری از بازی های محلی.

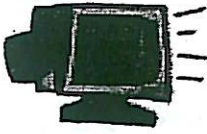
۲- رساله اجوبه الاستغاثات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷
۳- واجب کفایی عملی است که بر همه واجب است و اگر کسانی در حد کفایت به آن اقدام کنند، از دوش دیگران برداشته می شود. (مسئله صرف دینی زنگنه)

۱۰۴

دوامی
عنی به برکت خداوند است (عاز)
بهیتری به از حد ضرورت واجب است بر این را ای مردم

۷- بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می‌باشد.^۱

(ب) فرهنگ و ارتباطات^۲



۱- تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و

اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب

است و در شرایط ضروری، واجب کفایی است.

۲- تولید سایت‌ها در شبکه اینترنت به منظور اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های

کفرآمیز و ابتدال اخلاقی، مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند، باید به

تولید آن مبادرت ورزند.

۳- تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و

انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتدال اخلاقی،

از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

۴- تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که در بردارنده

تصاویر یا متونی که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا در بردارنده موسیقی

مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود

و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین، تماشا کردن و گوش دادن به آنها

نیز حرام است.



۵- ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه اینترنت، از این جهت که

صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند، که هم

برنامه‌های حلال دارند و هم حرام، حکم ابزار مشترک را دارند. بنابراین، خرید

و فروش و نگهداری آن برای امور حرام و برای امور حلال جایز است.

ولی چون این ابزار زمینه دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان خود

کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربر دارد، خرید و نگهداری آنها حرام

است؛ مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام نمی‌کند و نگهداری آن در خانه،

مفسده‌ای را به دنبال ندارد.

البته در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر



۱- رساله اجوبه‌الاستفتانات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۲- رساله اجوبه‌الاستفتانات، ص ۲۵۹ تا ۲۶۶

۱۰۷
بازرسی شده

اسی کی ایک عکس ہے اور اس کی تصویر لے کر
 انسان کو ہرگز عکس نہ لے کر
 انسان کو ہرگز عکس نہ لے کر

دارد اولویت دارد و لازم الاجرا است.

۶- موسیقی لہوی و مطرب کہ مناسب با مجالس عیش و نوش باشند، حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند کہ موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. این گونه موسیقی ها به سبب ویژگی هایی کہ دارند، انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری و گناه سوق می دهند.

۷- به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیر لہوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا برای اجرای برنامه های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد، به شرط این کہ مستلزم مفاسد دیگری نباشد.



۸- شرکت در جشن های شادی، مانند جشن عروسی، در صورتی کہ مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد؛ همچنین فیلم برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است اما فیلم برداری مردان از زنانی کہ رعایت حجاب کامل را نمی کنند، حرام است.



۹- اگر مؤلف یا ناشر یا تولیدکننده فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد کہ چاپ یا تکثیر آن، بدون اجازه صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.

(ج) روابط با بیگانگان

۱- اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت های کافر و استعمارگر کہ دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است کہ مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.

۲- هر نوع تجارتی کہ به نفع دولت غاصب صهیونیستی کہ دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. وارد کردن و ترویج کالاهای آنان کہ از ساخت و فروش آن سود می برند، حرام است. اگر این قبیل کالا در فروشگاه های کشورهای اسلامی باشد، خرید آنها بر مسلمانان حرام است.

۱- خوب است توجہ کنیم کہ حکومت اسلامی همان گونه کہ در قبال بهداشت جسمانی جامعه مسئول است و صرفاً به توصیه های بهداشتی بسنده نمی کند، بلکه چون ممکن است برخی از روی ناآگاهی یا برای سوءاستفاده، خوراکی های فاسد در جامعه توزیع کنند، قوانین الزام آوری برای حفظ بهداشت جامعه تصویب و یا متخلفان برخورد قانونی می کند، در قبال بهداشت روح و روان جامعه نیز مسئول است و نمی تواند به توصیه های اخلاقی بسنده کند. در همین راستا، با توجہ به این کہ متأسفانه اغلب کاردهای ماهواره در راستای مسائل مفسدآمیز می باشد و افراد جامعه به دلیل غفلت یا سایر عوامل به این نوع استفاده ها اقدام می کنند، مجلس شورای اسلامی در مصوبه ای در ۱۳۷۲/۱۱/۲۳، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره را ممنوع کرد و فقط اجازه داد برخی از سازمان ها با کسب مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حق استفاده از تجهیزات مذکور را داشته باشند.

۲ و ۳- رساله اجوبه الاستغاثات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

۱۰۸

۳- خرید و پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، حرام است.^۱

۴- معمولاً مدهایی که در غرب پیدا می‌شود، دربردارنده پیامی منفی یا ترویج‌دهنده یک گروه غیراخلاقی است. به‌طور کلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به دنبال دارد، حرام است.

۱- رساله اجوبه الاستغاثات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۲۰۷